

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توسعه
راهبرد

مجمع تشخیص مصلحت نظام
معاونت اطلاع رسانی و امور بین الملل

راهبرد یاس سابق
شماره پیاپی ۵۳ - بهار ۱۳۹۲

● صاحب امتیاز

مهندس سیدمرتضی نبوی

● مدیر مسئول

دکتر محمدخوش چهره

● سردبیر

دکتر حسن سبحانی

● امتیاز: علمی - ترویجی. طبق نامه شماره ۳/۱۱۵۵۲ مورخ ۸۶/۱۲/۲۷ و نامه تمدید

امتیاز (به شماره ۳/۲۵۹۰۶ مورخ ۹۱/۲/۱۱) وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

● ناشر: مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه

● حروفچینی و صفحه آرایی: قربان تاجریان

● نشانی: تهران - خیابان فلسطین شمالی - پایین تر از زرتشت - پلاک ۵۵۴ - طبقه ۳

کد پستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴ - تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ - نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

www.tsrc.ir

rahbordeyas@gmail.com

www.rahbord-mag.ir

آدرس اینترنتی:

پست الکترونیک:

سامانه ارسال و پی گیری مقالات:

این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

www.magiran.com

www.saminattech.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام

بانک اطلاعات نشریات کشور

سامانه یکپارچه مدیریت نشریات ایران

● چاپ: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

● قیمت: ۶۰۰۰ تومان

هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه

- ❖ دکتر سید مصطفی ابطیحی: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر حسن عابدی جعفری: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمد خوش چهره: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر داوود دانش جعفری: استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
- ❖ دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- ❖ دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حسن علی اکبری: استادیار دانشگاه امام حسین (ع)
- ❖ دکتر حسین عیوضلو: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
- ❖ دکتر حسین کجویان: دانشیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر علی لاریجانی: استادیار دانشگاه تهران
- ❖ دکتر محمدجواد لاریجانی: استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادین
- ❖ دکتر علی مبینی دهکردی: عضو هیأت علمی مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی
- ❖ دکتر امیر محبیان: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
- ❖ دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- ❖ حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر غلامرضا مصباحی مقدم: استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
- ❖ دکتر محمدحسین ملایری: استادیار پژوهشی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ❖ دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
- ❖ مهندس سید مرتضی نبوی: عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

داوران این شماره: آقایان دکتر سید احسان خاندوزی، دکتر حسن سبحانی، دکتر وحید ماجد

دکتر امیرحسین مزینی، دکتر میثم موسایی، دکتر کیومرث یزدان پناه.

چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه فرمایید:

- ۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نماید.
- ۲- حجم مقاله بیش از ۳۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۰۰ واژه‌ای) نباشد.
- ۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.
- ۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A4 و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.
- ۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، **نام کتاب**، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.

مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- منابع فارسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- منابع انگلیسی: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربرد نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چینش مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصلنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

فصلنامه علمی - ترویجی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است. راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.

فهرست مطالب

- ❖ سخن سردبیر..... ۵
- ❖ میزگرد: محیط زیست و توسعه ۷
- ❖ بایسته‌های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقه ۳۳
حامد مایلی
- ❖ تحلیل هم‌جمعی از کیفیت زندگی منطقه‌ای در ایران..... ۵۸
دکتر مجتبی ولی‌بیگی / دکتر مجید فشاری / مژگان ولی‌بیگی
- ❖ بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران ۷۹
سید محمدرضا مهدویان / دکتر مرضیه اسفندیاری
- ❖ نظام صنفی کشاورزی و انتظارات کشاورزان؛ مورد مطالعه شهرستان فیروزه استان خراسان رضوی ۱۰۱
فائزه سادات حسینی / دکتر احمد عابدی سروستانی
- ❖ بررسی و تحلیل شاخصه‌های نظامات توسعه یافته ثبتی ۱۱۸
مهدی ناصر
- ❖ رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی؛ چالش‌ها و انتقادات ۱۳۸
دکتر محمد عثمان حسین‌بر / بهروز روستاخیز
- ❖ مقدمه‌ای بر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) (با تأکید بر تجارب ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق) ۱۶۰
دکتر مجید یاسوری / مریم سجودی
- ❖ بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران و کشورهای منتخب با تمرکز بر اثر وقوع بحران مالی اخیر ۱۸۸
دکتر سید عزیز آرمن / دکتر احمد صلاح منش / رضا علائی

سخن سردیبر

توسعه‌یافتگی که به تجربه بشر در یکی دو قرن اخیر، برای خروج از وضعیتی توأم با فقر و ناکارآمدی و اسیر قوانین ناشناخته طبیعی بودن، اطلاق می‌شود؛ از وجوه و جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. به خصوص که در این «صیروت» توانسته است جهانی از فراوانی و وفور، توأم با کارآمدی و تخصص و دانش پشتیبان فهم قواعد و سنت‌های حاکم بر طبیعت را، به ارمغان بشریت بیاورد.

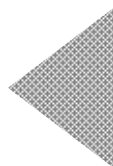
بدیهی است شناخت توسعه‌یافتگی مستلزم شناخت غرب است. آن هم نه غرب جغرافیایی و مصطلح، که غرب مستظهر به یک موقعیت جغرافیایی یعنی اروپا و به یک دین یعنی مسیحیت و به یک فلسفه یعنی نهضت روشنگری و به یک نژاد یعنی نژاد سفید و بالاخره به یک نظام اقتصادی یعنی کاپیتالیسم است (سرژ لاتوشه، غربی‌سازی جهانی، ۴۵). از این روی گستره مباحث بنیادین در فهم توسعه بسیار متنوع و عمیق می‌گردد. در عین حال مطالعه تغییرات حاصله در سبک زندگی و پیش و دیدگاه‌های انسان توسعه یافته، از آن حیث که ریشه‌دار و تعیین کننده بوده است، هم قابلیت بررسی و هم ضرورت انکارناپذیر دارد. در صعوبت ادراک توسعه‌یافتگی همین بس که عده‌ای بسیار، از توسعه مقوله‌ای جدای از مثل غربی‌ها شدن، ادراک نکرده‌اند و همین درک، سرنوشت تلخ «انفعال» و «شیفتگی» را برای آنان و جوامعشان به ارمغان آورده است. بدین سبب شناخت «توسعه»، هم برای فهم آن و هم برای نقد آن، از بایسته‌های دوران ما می‌باشد.

راهبرد توسعه این هر دو مهم را، از اهداف خود می‌پندارد و بر آن است تا آئینه‌ای برای انعکاس مطالعات و پژوهش‌هایی باشد که در فهم توسعه یافتگی و تجارب مبتنی بر مفاهیم منجر به توسعه، مدد رسان می‌باشند. در عین حال نقد توسعه از وجوه مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن، و جستجوی راهکارهایی که توسعه را نه مثل دیگران شدن، که بر آمدن و ارتقاء بر حیات ارزش‌ها و هنجارهای خود می‌داند، از اهداف فصلنامه راهبرد توسعه است. ما از پذیرش مقالاتی که پژوهشی است اما در عین حال، ترویجی و کاربردی از تئوری‌های توسعه و مسائل و نظرات مرتبط با آن است، استقبال می‌کنیم. قاعدتاً محدوده موضوعی مقالاتی که «علمی - ترویجی» باشند باید به توسعه در وجوه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن معطوف باشد و صد البته باید این مهم در مقالات دیده شود که توسعه یک کل غیر قابل تجزیه به وجوه آن است و تقسیم بندی‌ها، صرفاً نوعی قرارداد برای سهولت مطالعه و پژوهش است. آرزوی ما آن است که از طریق فصلنامه «راهبرد توسعه» و به وسیله مقالات علمی - ترویجی دریافتی، به فضای محتاج به عمیق بررسی شدن توسعه در کشورمان، چنان کمک نمائیم که در ادامه راه، و مشخص و واضح‌تر شدن اهداف توسعه‌ای کشور، به اهداف سند چشم‌انداز نزدیک و ان‌شاء‌الله در مسیر فهم الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت قرار گرفته باشیم.

میزگرد

آقایان: دکتر سید محمد مجابی^۱، دکتر علیرضا واعظی^۲ و مهندس سیدمرتضی نبوی^۳ در میزگرد علمی راهبرد توسعه با عنوان:

محیط زیست و توسعه



سردبیر: موضوع این میزگرد را مسائل توسعه و محیط زیست در نظر گرفته‌ایم صورت مسئله این است که کشورهای توسعه یافته بعد از آن که توسعه خودشان را تجربه کردند، به اقتصاد محیط زیست رسیدند و ابتدا یک رشد غیرپهنه‌ای را تجربه کردند و بعد مشاهده کردند یک چیزهایی از دست رفت و رسیدند به اقتصاد محیط زیست و اینک مسائل محیطی را رعایت می‌کنند. ولی در کشورهای در حال توسعه هم این مسئله مطرح شده و بعضی جاها جنبه قانون هم پیدا کرده که آدم به نظرش می‌آید توسعه با حفظ مسائل محیط زیستی در مواردی ناسازگار با توسعه است. یک جاهایی افراد به دنبال رشد تولید هستند که رعایت مسائل زیست محیطی تا حدی، مانع آن میشود و از این طرف هم نمی‌شود گفت که ما هم که در حال توسعه هستیم یا توسعه نیافته‌ایم، مسایل محیط زیست را رها کنیم.

به هر حال یک اختلاف نظر وجود دارد که حفظ محیط زیست ممکن است توسعه و رشد را کند بکند رعایت نکردن آن هم باعث می‌شود که رشدی به دست بیاوریم ولی چیزهایی را از دست بدهیم که قابل جبران نباشد. با اذعان به اینکه باور به محیط زیست داریم، می‌خواهیم در این

۱- رئیس کمیته مستقل محیط زیست مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲- دکترای مهندسی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

۳- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

یکی دو ساعت آشتی برقرار بکنیم بین توسعه و محیط زیست، البته فرمول فکریمان این است که توسعه یک مقدمه دارد و آن رشد است، توسعه فعالیت‌هایی است که منجر به تولید ثروت می‌شود بنابراین رشد قبل از توسعه است و این حرف‌هایی که می‌زنیم بیشتر متوجه مسائل رشد و تولید و فعالیت‌های این چنینی است. منتهی چون این فعالیت‌ها به توسعه هم می‌رسد عنوان آن را «محیط‌زیست و توسعه» گذاشتیم. حالا با این مقدمه با اجازه دوستان شروع بکنیم از آقای دکتر مجابی به دلیل تجربه و سابقه کاری خواهش می‌کنم بفرمایید به چه مسائلی "مسائل محیط زیستی" می‌گویند که باید یک کشور رعایت کند؟

آقای مجابی: نکاتی که مدنظرتان هست نکات با اهمیتی هست، قبل از پرداختن به توسعه پایدار، شناخت عناصر حیاتی اهمیت دارد. عناصر حیاتی به آب، هوا و خاک تقسیم‌بندی می‌شوند ولی تنوع زیستی یک عرضی بر روی اینها هست. اگر تنوع زیستی هم با مشکل مواجه بشود دوباره می‌تواند اثر سنگینش را بر محیط زیست بگذارد. این عناصر حیاتی برای اینکه بتوانند در محیط زیست کارکردهای خودشان را داشته باشند، باید در اکوسیستم‌ها بتوانند جایگاه خودشان را پیدا بکنند. یعنی اگر هر کدام از این عناصر در حوزه اکوسیستم خود تعادلشان بهم بخورد، منجر به برهم خوردن اکوسیستم می‌شود و دوباره اثر آن بر محیط زیست گذاشته می‌شود. این عناصر حیاتی اثراتشان بعضی از اوقات به صورت طبیعی تغییر می‌کند، مثل فرضیه اشتقاق قاره‌ها که پدیده‌ای طبیعی است و اثرات خودش را می‌گذارد یا حتی جزئی‌تر مثل گرد و غبارهایی که ناشی از طبیعت هست. بعضی از اثرات به علت ورود انسان به اکوسیستم و برهم زدن این تعادل اتفاق می‌افتد مثلاً در کشورمان ظرف ۵۰ سال گذشته میزان جنگل‌های کشور از عدد ۲۴ میلیون هکتار الان به نصف این عدد رسیده که بر اثر پدیده‌های طبیعی نیست، این به علت دست‌اندازی به این منابع است یا مثلاً به لحاظ اثرگذاری طبیعی ممکن است که ما با خشکسالی‌هایی مواجه باشیم ولی وقتی یک دریاچه در طول عمر خیلی کوتاهی روند خشک شدن را پیدا می‌کند ناشی از اثراتی است که انسان بر روی آن دریاچه می‌گذارد. مثلاً دریاچه ارومیه در گذشته حداقل ۱۵ میلیارد متر مکعب آب داشته است اما در حال حاضر کمتر از دو

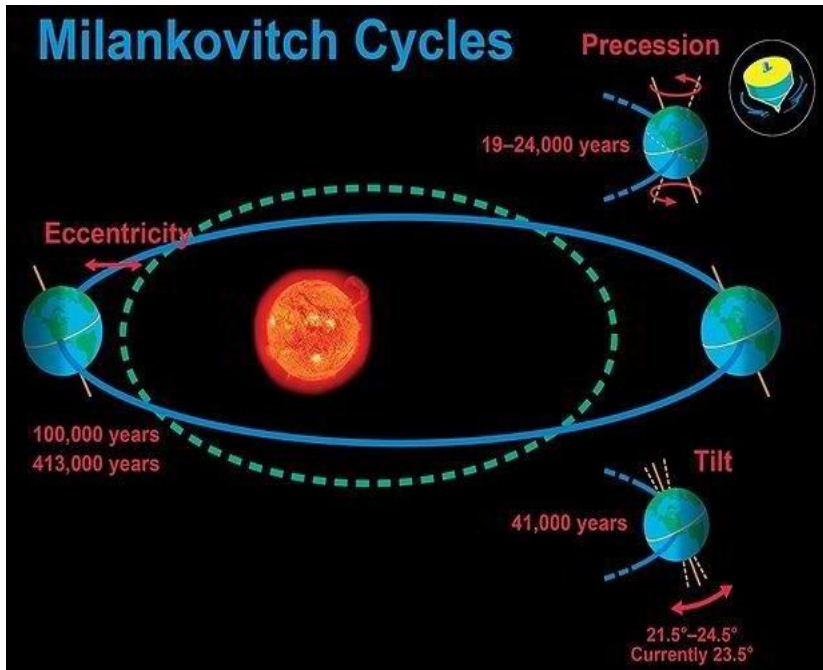
میلیارد متر مکعب آب دارد و روند میرایی پیدا کرده است. این تغییر ناشی از بحران های طبیعی مانند خشکسالی و بهره برداری های نامناسب ما بوده است. بنابراین عناصر حیاتی را تقسیم کردم به عرضش هم اشاره می کنیم. در بحث تنوع زیستی انقراض گونه های گیاهی و جانوری هم اثراتش را روی بقیه عناصر اکوسیستم می گذارد بنابراین هر کدام از این عناصر را باید در آن جایگاه داشته باشیم. در اکوسیستم آبی، اکوسیستم بیابانی یا هر اکوسیستمی دیگری باید سعی کنیم که آن تعادلی که برقرار هست حفظ بشود. مثلاً برهم زدن میزان دمای یک اکوسیستم، تعادل کل اکوسیستم را بهم می زند. در منطقه عسلویه ما آلودگی حرارتی (ترمال پولوشن) داریم که آنجا باعث شده میزان تولید ماهی به شدت کاهش پیدا بکند چرا، چون که ما در درجه حرارتی آنجا تغییر ایجاد کردیم. البته این برای کره زمین هست الان پیمانی در کل جهان دارند می بندند که بتوانیم دمای کره زمین را نگذاریم در ۲۰۵۰ از دو درجه افزایش پیدا بکند. شاید به ذهنمان بیاید دو درجه عدد بالایی نیست ولی اگر ما بدانیم میانگین دمای کره زمین در عصر یخبندان تنها پنج درجه کاهش پیدا کرد و عصر یخبندان اتفاق افتاد، پس می دانیم که اگر از دو درجه رفت بالا کم کم می توانیم جهنم را در همین کره خاکی تجربه کنیم و کما اینکه الان با این برهم زدن هایی که اتفاق افتاده از مغرب تا پاکستان کمربند خشکی که اتفاق می افتد. خیلی جاها پیش بینی می شود که دمای هوا بالای ۶۰ تا ۶۵ درجه برسد و این یعنی عدم امکان حیات بشر در این مناطق به صورت عادی این کلیات را می خواستم روی عناصر حیاتی بگویم.

آمریکا که در بحث موبوط به توافق نامه پاریس و... نیست و علت آن این است که مسائل تکنولوژیکی از آنها و حمایت هایی که آنها باید از کشورهای در حال توسعه بکنند بیشتر هست و آنها علاقه دارند که از موضوع خارج بشوند.

آقای واعظی: اصطلاح توسعه پایدار اولین بار در اعلامیه کوکویاک درباره محیط زیست و توسعه به کار رفت. مفاهیمی که UNCED در سال ۱۹۹۲ در موضوع توسعه پایدار در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست و توسعه مورد توجه قرار داد، تأثیر گازهای گلخانه ای، تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه اوزن، تخریب زمین و فرسایش خاک، کاهش

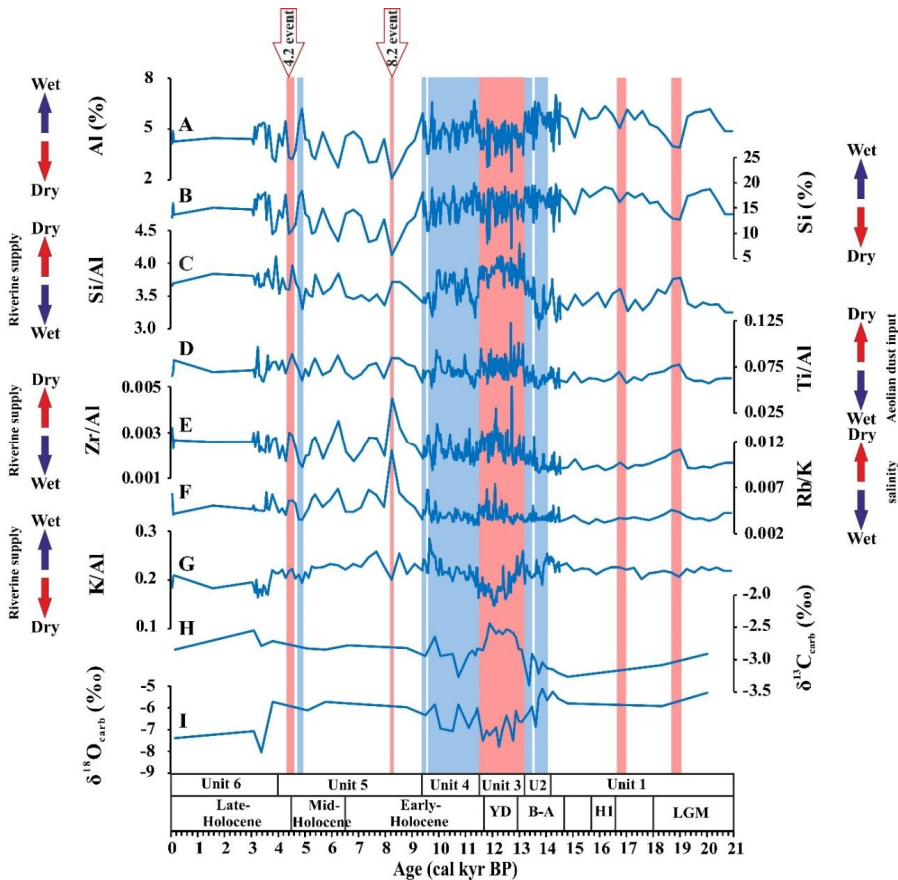
منابع غیر تجدیدپذیر و آلودگی هوای شهرها بود. در حال حاضر بزرگترین نگرانی جوامع علمی در راستای نیل به توسعه پایدار مساله تغییرات اقلیم و گازهای گلخانه‌ای است. در عین حال این روزها زیاد شنیده می‌شود که آیا محدودیت‌های زیست محیطی خصوصا محدودیت‌هایی که در خصوص گازهای گلخانه‌ای از طرف کشورهای غربی در کنوانسیون‌های مختلف دنبال می‌شود حقیقتا در جهت جلوگیری از وقوع بحران است یا فریبی از طرف کشورهای توسعه یافته برای عقب نگاه داشتن کشورهای درحال توسعه است؟ به نظرم برای اینکه بتوانیم به بحث یک ورود مناسبی را داشته باشیم ابتدا باید شناخت درستی از مفاهیمی مانند تغییرات اقلیم داشته باشیم. تغییرات اقلیمی منحصر به امروز نیست و کره زمین به دلایل مختلفی همواره تغییرات اقلیمی قابل توجهی را تجربه کرده است. از عمده دلایل تغییرات اقلیم کره زمین **تغییر زاویه کج شدگی محور زمین (Obliquity) و تغییرات در لرزش محوری (Precession)** و نیز تغییر در مسیر چرخش زمین به دور خورشید (**eccentricity**) است که مقدار تشعشع وارده خورشید به یک منطقه معین از زمین یا تابش در عرضهای مختلف را متأثر می‌سازد. تغییرات درجه حرارت حاصل از این پدیده‌ها در اتمسفر، موجب تغییر آب و هوایی و در نتیجه گسترش یا ذوب کلاهک یخی قطبی، افزایش یا کاهش حرارتی اقیانوسها می‌شود که هر دو این پدیده‌ها موجب نوسان سطح آب دریاها در مقیاس جهانی می‌گردد. در تصویر این ۳ حرکت زمین همراه با دوره بازگشت آنها نمایش داده شده است.

شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد تغییرات اقلیم کره زمین در طول زمان در اثر حاکمیت و تاثیر بیشتر یکی از این عوامل سه گانه اتفاق افتاده است. برای مثال بین ۱/۲ تا ۰/۹ هزار سال قبل، پدیده لرزش محوری بیشتر حاکم بوده و قبل از آن برای مدت ۴۰ هزار سال انحراف محور اهمیت بیشتری داشته است. برای روشن تر شدن موضوع خیلی مختصر نتیجه کار تحقیقاتی که به سرپرستی من و با همکاری دانشگاه تهران و دانشگاه لینشوپینگ سوئد در رابطه با تغییرات اقلیمی انجام گرفته است را خدمتتان عرض می‌کنم.



چرخه میلانکوویچ در تحلیل حرکات مختلف زمین به دور خورشید

در این پروژه برای اولین بار تغییرات دیرینه اقلیمی جنوب شرقی ایران را مورد ارزیابی قرار گرفت. در واقع تغییرات درجه حرارت، پوشش گیاهی و میزان بالا و پایین رفتن سطح دریاچه‌ای که در پلایای جازموریان شکل گرفته را طی ۲۱ هزار سال گذشته بررسی کردیم. تعیین سن بر مبنای ایزوتوپ ناپایدار کربن ۱۴ و تغییر اقلیم منطقه بر مبنای شاخص های متعدد اقلیمی در رسوبات پلایای جازموریان در نمودارها قابل مشاهده است.



تغییرات دیرینه اقلیمی فرونشست جازموریان در جنوب شرقی ایران

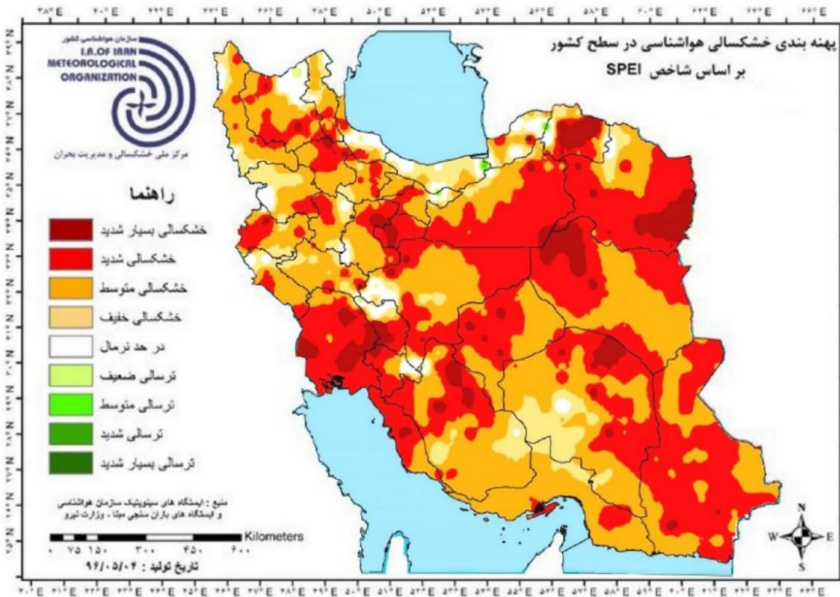
نوار آبی نشان دهنده دوره های مرطوب در فرونشست جازموریان است. تصویر اقلیم جنوب شرقی ایران در گذشته با تصویر اقلیمی امروز این منطقه کاملاً متفاوت بوده است. نوارهای قرمز و تا حدودی نوارهای سفید نشانگر دوره هایی خشک تر با شباهت بیشتر به وضعیت اقلیمی حال حاضر منطقه است. بنابراین همانطور که قابل مشاهده است فرآیندهای محیطی به صورت طبیعی تأثیرات خودشان را دائماً بر خشک شدن و ترشدن بخش های مختلف کره زمین در طول زمان می گذارند و این تغییرات تأثیراتشان را به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر جوامع بشری می گذارد. برای مثال اکثر تمدن های باستانی در کشور از جمله شهر سوخته،

جیرفت و... در بیابانی‌ترین نقاط کشور که الان اصلاً قابل تصور نیست که تمدن‌های با شکوهی در آنجا وجود داشته باشد یافت شده‌اند. به طور قابل توجهی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در حدود پنج هزار سال پیش فرونشست جازموریان شرایط اقلیمی مرطوب و مساعدی برای شکوفایی تمدن جیرفت را تجربه می‌کرده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه هر زمان که منطقه جازموریان رو به خشکی رفته است، در منطقه میزان ماسه و گرد و غبار درشت‌دانه در فرونشست جازموریان افزایش پیدا کرده است یعنی انرژی حمل اینها و انرژی باد افزایش پیدا کرده که منجر به حمل این دانه‌های سنگین تر شده است. بنابراین ارزش اینطور مطالعات وقتی نمایان می‌شود که شما با نگاه کردن به نتایج این گونه مطالعات می‌توانستید دریابید که یکی از عواقب خشکسالی در ایران افزایش ریزگردها خواهد بود. این در حالی است که این روزها از خیلی از مسئولین شنیده‌ایم که می‌گویند ما در موضوع ریزگردها غافل گیر شدیم!

بنابراین همواره به صورت طبیعی زمین در حال گرم و سرد شدن با دوره بازگشت‌های مختلف بوده است. اما اخیراً به دلیل افزایش گاز گلخانه‌ای در جو گرمایش جهانی خارج از کنترل فرآیندهای طبیعی در حال وقوع است. براساس گزارش ارزیابی پنجم هیات بین‌دولت تغییرات آب و هوایی (IPCC5) در آینده در بسیاری از مناطق جنوب غربی آسیا، رطوبت خاک کاهش می‌یابد، زیرا میزان تبخیر بدلیل افزایش دمای ناشی از افزایش گازهای گلخانه‌ای افزایش می‌یابد. بنابراین با مقدمه‌ای که خدمتان عرض کردم در پاسخ به سوال دیگری که این نشست سعی در بررسی آن دارد باید عرض کنم که این یک واقعیت است که کشورهای غربی فرآیند صنعتی شدن را همراه با آلودگی‌های بسیار در محیط طی کردند اما تفاوتی که زمان حاضر با زمان صنعتی شدن کشورهای غربی دارد این است که آنها در زمانی در حال صنعتی شدن بودند و آلودگی را بر محیط وارد کردند که وضع اقلیم کره زمین به این سرعت به طرف یک بحران نمی‌رفت اما در حال حاضر وضعیت گرمایش کره زمین به سمتی می‌رود که از حالت برگشت پذیر گذر خواهد کرد و اگر جامعه جهانی اقدام موثری نکند اتفاق بسیار نگران‌کننده‌ای در راه است. در ادامه برای اینکه اهمیت نقش تک تک کشورها در جلوگیری از فاجعه اقلیمی پیش رو را بهتر

درک کنیم به مقدمه دیگری نیاز است. در کنفرانس تغییر آب و هوایی سازمان ملل در مکزیک میانگین افزایش دما تا پایان قرن ۲۱ زیر ۲ درجه سلسیوس هدف گذاری گردید، تا از اثرات آب و هوایی ناگوار و غیر قابل برگشی اجتناب گردید. که شامل ۰/۷ درجه افزایش می باشد که از قبل از انقلاب صنعتی تا امروز به آن رسیده ایم. هیأت بین دول تغییرات اقلیم چندین سناریو مختلف برای تغییرات اقلیم آینده کره زمین ارائه کرده است که هر کدام فرضیات متفاوتی از میزان مصرف سوخت های فسیلی، میزان جمعیت کره زمین، میزان انتشار گازهای گلخانه ای، پوشش سطح زمین و دیگر وادشت های اقلیم در آینده را مد نظر قرار داده اند. علاوه بر آن فرضیاتی برای نحوه توسعه فنی و رشد اقتصادی آینده کشورها را در نظر گرفته اند. نتایج مدلسازی اخیر بنده بیانگر این واقعیت است که جنوب شرق ایران در مسیر افزایش چندین درجه ای دما تا سال ۲۱۰۰ هستیم. بر مبنای نتایج مدلسازی در سناریوهای مختلف در این منطقه در ۵۰ سال آینده افزایش ۱ تا ۱/۵ درجه ای میانگین دما و در ۱۰۰ سال آینده افزایش ۲ تا ۳ درجه ای میانگین دمای اتفاق خواهد افتاد. با هر یک درجه افزایش دما، اثرات در دامنه و وسعت انهدام باهم ترکیب می گردند. تغییرات می توانند بطور ناگهانی رخ دهند. البته نکته حائز اهمیت این است که این اثرات در مناطق خشک و نیمه خشکی مانند ایران به دلیل مساله جدی خشکسالی و کمبود آب به مراتب شدیدتر و نگران کننده تر است. شما همین الان می بینید هنوز هیچ اتفاقی نیافتاده، اختلاف های خیلی جدی بین شهرهای مختلف ایران مانند اصفهان، یزد و... بخاطر انتقال آب های بین حوزه های شکل می گیرد. همانطور که در شکل ملاحظه می فرمایید بر اساس نقشه پهنه بندی خشکسالی تهیه شده بوسیله سازمان هواشناسی ایران بر مبنای شاخص بارش - تبخیر و تعرق استاندارد شده (SPEI) طی دوره ۸۴ ماهه (هفت سال) ۹۴ درصد از کشور تحت تاثیر سطوح مختلف خشکسالی بلندمدت قرار دارد و گرمایش زمین سبب خشکسالی بیشتر در ایران گردیده است. ۱۲ درصد از مناطق ایران تحت شرایط خشکسالی بسیار شدید و ۳۰ درصد در طول این دوره با خشکسالی شدید مواجه بودند. ۴۱ درصد از مناطق ایران تحت شرایط خشکسالی متوسط و ۱۱ درصد در طول این دوره با خشکسالی خفیف مواجه بودند. تقریباً نیمی

از کشور، از جمله استانهای تهران، البرز، قزوین، فارس، خوزستان و بوشهر در هفت سال اخیر تحت تاثیر خشکسالی بسیار شدید و شدید قرار گرفته اند.



نقشه پهنه بندی خشکسالی بر اساس شاخص SPEI دوره هفت ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶

تهیه شده توسط سازمان هواشناسی ایران

سابق بر این میانگین بارش در ایران ۲۵۰ میلیمتر بود اما اخیراً باید بگوئیم ۲۰۵ میلیمتر هست. ۴۵ میلیمتر از بارش کشورمان کمتر شده و شما اگر این شکل پهنه‌بندی خشکسالی را رصد بکنید به شما میگوید که بیشتر مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران که اتفاقاً حساس‌ترین مناطق کشور هستند متأسفانه درگیر خشکسالی شدید هستند که این موضوع آرام آرام سبب مهاجرت‌های وسیع و خالی از سکنه شدن بسیاری از مناطق می‌گردد که از لحاظ امنیتی مشکلات زیادی را برای کشور به وجود خواهد آورد.

سردبیر: یعنی الان دارد حوادثی خارج از اراده آدم‌ها اتفاق می‌افتد و نقش آن خیلی بلندمدت

هم خواهد بود. یک اقتصاددانی داریم به نام آقای کینز می گوید مسائل در بلندمدت حل می شود، بنابراین مسائل زیست محیطی را تا آنجایی که به شما مربوط می شود رعایت کنید. یک مقداری غیرمعقول می نماید که سهم من چه مقدار هست. حالا ما مشکلی داریم که ممکن است کشورهای توسعه یافته نداشته باشند و مردم آنها با این چیزها ساده تر کنار بیایند. در کشوری مثل کشور ما که فقر و گرفتاری ها خیلی زیاد است در حقیقت صحبت کردن از این مسائل مثل صحبت کردن از یک کالای لوکس است، خیلی واجبات اولیه دارند که باید به آن بپردازیم. با این حساب چکار باید کرد که از یک طرف مردم سامان بیابد و از طرف دیگر مردم آمادگی ذهنی برای مسایل زیست محیطی پیدا کنند. اگر دست روی دست بگذاریم تا یک توسعه پایدار درست بشود مسائل آنها پیش نمی رود.

آقای مجابی: من فکر می کنم بد نیست بیایم به تعریف توسعه پایدار اشاره کنیم. توسعه پایدار تعاریف بسیار متعدد و مختلفی دارد، یکی از ساده ترین تعاریف آینده را امروز دیدن است و یکی از تعاریف خیلی زیبای آن اصل ۵۰ قانون اساسی است ما جزو معدود کشورهای جهان هستیم که در قانون اساسی در رابطه با محیط زیست یک اصل داریم در اصل ۵۰ قانون اساسی صراحتاً می گوید که اگر شما اقداماتی بکنید که منجر به تخریب غیرقابل بازگشت باشد هر فعالیتی اقتصادی، خدماتی و غیر آن ممنوع است، این دقیقاً همان چیزی است که ما در توسعه پایدار می گوئیم، رفاه حق جامعه بشری است. توسعه حق جامعه بشری است، ولی توسعه ای که در دسر آینده را اضافه نکند، الان ما شهرهایی داریم که درصد سرطان در آن زیادتر از جاهای دیگری است. گذشته از اینکه آنجا رفاه هم افزایش پیدا نکرده ولی هزینه آنجا کاملاً افزایش پیدا کرده آن هزینه ها را به دیگران انتقال دادند و در فرآیند تولید داخلی کردن هزینه ها (اینترنالیته کاست) را انجام ندادند و همه را ریختن بیرون که دیگران دارند هزینه میکنند.

این توسعه، توسعه موفقی نیست، این توسعه مناسبی نیست رفاه مناسبی نیست که بخواهد اتفاق بیافتد باز هم ما نگاه بکنیم همیشه بحث های محیط زیست هم با سیاست و هم با اقتصاد عجین هست. یعنی هر کدام از اینها اثرات خیلی جدی روی بحث محیط زیست می گذارد.

کینزین‌هایی که شما فرمودید، عوامل تولید را سرمایه، زمینی و نیروی کار مطرح می‌کنند. در آنجا اثرات محیط زیستی در هیچ کجای آن دیده نمی‌شود اگر هنوز هم که هنوز ما نگاه نکنیم در اقتصاد کلان کشور ما که حساب‌های ملی بر آن اساس بسته می‌شود چهار بخش نفت، صنعت، کشاورزی، خدمات هست تمام بهره‌هایی که ما از محیط زیست می‌گیریم و آلودگی‌هایی که به محیط زیست وارد می‌کنیم، در آن دیده نمی‌شود پس بنابراین ما در قیمت تمام شده این آثار را نمی‌بینیم یعنی وقتی که مثلاً شما می‌آید قیمت یک کیلو گوشت را حساب می‌کنید و در بخش کشاورزی می‌گذاریم به هزینه تخریب مرتع که منجر به فرسایش خاک و وقوع سیل می‌شود توجه نمی‌کنید و هزینه آنرا حساب نمی‌کنید.

بنابراین ما در اینجاها است که باید بیاییم ببینیم این توسعه کجای آن پایدار است خیلی از وقت‌ها برخی از کارهایی را کردیم به وضوح غلط است. مثلاً ما آمدیم جاده ارومیه را کشیدیم مدلی هم که کشیدیم آمدیم سنگ ریختیم بجای آن که زیر آن پایه بذاریم این را عبور بدیم سنگ ریختیم، سنگ ریختیم میرفت پایین تر اگر شما بروید به نقشه‌های ماهواره‌ها را نگاه کنید اولین مسیر که رو به خشک شدن میکنند از همین جا شروع می‌شود یا مثلاً میرویم سد گوتوند چند میلیون متر مکعب آب را نگاه میداریم تنها کار آن آب شیرین را به آب شور تبدیل کردن است تا بفرستد پایین دست را شورزار بکند. اینها دیگر اتفاقات غلطی هست نباید تکرار بشود جلوی تکرار آن باید گرفته بشود یا مثلاً این که ما توسعه را در چه چیزی می‌بینیم، ما در فرهنگ قدیم کشورمان سازگاری داشتیم نسبت به محیط زیست. یعنی مردم ما در یزد، کرمان، در جاهای گرمسیر چطور فضای گرم را می‌توانستند تحمل کنند، همین دامغان را شما بررسی بفرمائید من در بندرعباس شب از شدت سرما خوابم نمی‌برد، آنقدر که کولر سرد کرده بود. ما تعداد زیادی قنات داشتیم که بهترین شیوه انتقال آب هست، الان این تعداد کاهش یافته، بعد ما رفتیم از انتقال آب کانال‌ها و سدها استفاده کردیم. و تمام ترکیب محیطی را هم به هم زدیم.

بنابراین ما در توسعه پایدار باید به دنبال این باشیم. یعنی الان نکته‌ای که وجود دارد به چند جهت ما نمی‌توانیم بگوییم تجربه خیلی از کشورهای توسعه یافته را ما هم طی نکنیم، اولاً خیلی

از بحران‌های زیست محیطی قابل برگشت نیست، و الان ما رسیدیم به مرحله‌ای که خطر کاملاً جدی هست و جای اشتباه وجود ندارد مثلاً همین آبی که آقای دکتر واعظی اشاره کرده‌اند ۲۴۵ میلیمتر بارندگی متوسط الان ۴۵ میلیمتر بارندگی را از دست دادیم و ۵۰ میلیون نفر جمعیت هم زیاده‌تر شده و بعد مصرف سرانه در جهان ۱۱۰ لیتر مصرف ما ۱۸۵ لیتر هست، شما حساب بکنید که ما داریم چه کار می‌کنیم. آنجا ۴۵ میلیمتر بارندگی کم شده ۵۵ میلیون جمعیت زیاد شده و سرانه مصرف هم یک چیز سنگینی با جهان فاصله دارد. خوب از آن چی درمی‌آید غیر از ناپایداری. بنابراین ما تمام مسائل مان را باید در اینجا بکشیم، به نظر من در خیلی از حوزه‌ها واقعاً نفهمیدیم که بحران جدی است. شما چون در مجلس بودید آقای مهندس در مجلس بودند، در کمیسیون تلفیق امسال یکی از جنجالی‌ترین بحث‌هایی که داشتند این بود که پیشنهادی آورده بودند که در مدارس آب‌بهای مدارس مجانی باشد، یعنی در مدرسه‌ای که دانش‌آموز باید تفکر این را پیدا کند که آب مایه حیات است. و باید آن را حفظ کند خوب موقعی که بداند مجانی است خوب استفاده آن هم معلوم هست چی میشود یا مثلاً طرحی در مجلس تهیه شد که آب‌بهای محصولات استراتژیک مجانی بشود، الان شما ببینید همین برق دار کردن چاه‌های کشاورزی خیلی خوب هست که مصرف سوخت را کاهش دادیم، ولی چه اتفاقی افتاده قبلاً سوخت باید می‌گرفتند الان اگر دائماً موتور را روشن بگذارید کسی با آن کار ندارد یعنی باید کنترل هوشمند گذاشته شود به همین خاطر در خیلی از دشت‌ها نشست اتفاق افتاده است. به نظر من ما اصلاً الان فرصتی برای اینکه تمرین‌هایی بکنیم ندارد، ضمن اینکه جامعه جهانی هم جز سخت‌ترین تأدیب‌هایی که می‌خواهد دنبال بکند، تأدیب‌هایی است که در حوزه محیط زیست اتفاق خواهد افتاد. و آن چه که در اجلاس ریودو ژانیرو اتفاق افتاد، و در اجلاس کیوتو اتفاق افتاد این بود که بیایند و یک ساختاری ایجاد بکنند که اگر محیط زیست را کشورهایی بهم زدند بتوانند با آنها برخورد کنند.

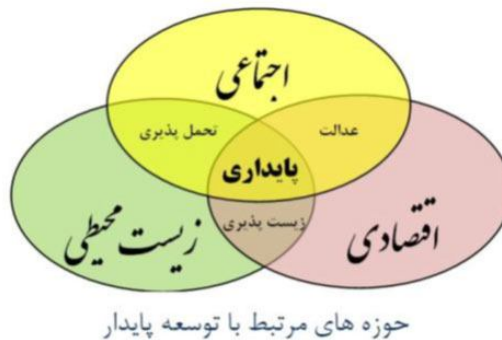
سردبیر: افراد دنبال کار و تولید هستند و کار و تولید محیط را بهم می‌زند به نظر می‌رسد خود دولت باید مسایل محیط زیست را رعایت کند و فقط طرح زیست محیطی روی کاغذ

نماند. لاف از طریق دولتی‌ها هزینه یا هزینه‌های جانبی عدم رعایت مسایل محیط زیست محاسبه شود و از آن طرف معلوم شود که قیمت پروژه را چقدر بالا می‌رود آن موقع در اقتصادی بودن یا اقتصادی نبودنش بهتر می‌شود تصمیم گرفت.

آقای مجابی: ما یک بحث داریم، خیلی از کشورها جرأت نمی‌کنند GDP را ارائه دهند و خیلی از کشورها فقط برای اینکه بتوانند مسیرشان را اصلاح بکنند محاسبه می‌کنند و انتشار نمی‌دهند چون میزان رشدشان به شدت کاهش پیدا می‌کند. در حسابداری ملی که مبنای اقتصاد کلان است آمدن مباحث اجتماعی را گذاشته اند و باید مباحث زیست محیطی را لحاظ کرد ارزش گذاری زیست محیطی باید صورت بگیرد یعنی بحثی که در مجمع تشخیص تصویب شد و مقام معظم رهبری ابلاغ کردند که ما باید اقتصاد سبز را دنبال بکنیم از ابزار اقتصادی عوارض و مالیات برای حمایت از فعالیت‌های سازگار با محیط زیست استفاده نماییم تا هم شغل ایجاد کند هم به پایداری کمک بکند.

آقای نبوی: من فکر می‌کنم باید این سؤال را از دوستان محیط زیست کرد چرا یک جزیره‌ای جدا از همه بخش‌های دیگر دولت هستند؟ من خود از آقای زنگنه شنیده‌ام که می‌گفت: کشورهای دیگر کارهای خودشان را کرده‌اند و محیط را خراب کرده اند. حالا ما کشورمان را توسعه ندهیم که ممکن است به محیط زیست لطمه بخورد؟! اصولاً دولت جایی است که باید روی این مسائل به یک توافق و تعادلی برسد. دوستان محیط زیست باید بگویند نقطه تعادل و نقطه اعتدال کجاست. فرض کنید در بیابان‌های قم یک کسی در زمین خودش معدن سنگ پیدا کرده محیط زیست می‌گوید نمی‌توانید دست بزنید چون که گونه از بین می‌رود! خلاصه ما الگوی محیط زیست‌مان چیست؟ اصول مورد توافق محیط زیست کدام است؟ قسمت اول صحبت‌های دوستان این بود ما اصلاً نباید هیچ دخل و تصرفی در زمین بکنیم. سدهایی ساخته‌ایم و اکوسیستم بهم خورده است یک جاهایی خشکسالی شده است سازمان محیط زیست‌مان مال امروز که نیست، آن روز که سدی می‌زدیم کجا بود؟ باید دولت نقطه بهینه را پیدا کند که هم مسائل زیست محیطی در حد خوبی رعایت شود و هم رشد توسعه انجام گیرد.

آقای واعظی: همانطور که در تصویر ملاحظه می فرمایید الگوی نظری توسعه پایدار در برگرفته مفاهیم اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. در واقع جایی که این سه تا با هم تلاقی کنند، پایداری اتفاق می افتد. در واقع توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسلهای آتی برای برآوردن نیازهایشان می باشد.



درست است که مساله محیط زیست در موضوع توسعه پایدار مهمترین مفهوم است ولی نباید از این موضوع غافل شد که بحث حداقل رفاه برای تمام مردم یعنی مبارزه با فقر و زیرفقر بودن جزء مهمترین اهداف و اصول توسعه پایدار هست، منتهی اعتقاد ما بر این است که با حمایت از محیط زیست می شود به این مهم دست یافت. چرا که تعریفی که می شود در واقع رفع نیازهای نسل حاضر بدون مصالح با نسل آینده است. اگر نسل های آینده را یک ذیفع بدانیم و نسل حاضر را هم یک ذیفع بدانیم نسل حاضر حق ندارد از محیط زیست به نفع خودش استفاده کند. کیفیت خیلی از منابع به نحوی نیستند که بتوانیم تصور کنیم که اگر آلوده بکنیم عیبی ندارد بعد که توسعه پیدا کردیم اینها برمی گردد. برای مثال جهت احیاء منابع آب های زیرمینی مدت زمان طولانی نیاز است. متاسفانه در ۳۰ تا ۴۰ سال گذشته در راستای توسعه پایدار از منابع آب استفاده نکردیم و اگر در نسل ما بحران ناشی از این بی تدبیری را درک نکنند نسل آینده حتماً اتفاقی را درک خواهد کرد که فکر نمی کنم ذکر و خیری از گذشتگان بکنند.

به نظر من در کشور ما با چالشهای کنونی اقتصادی باید مسائل محیط زیست اولویت بندی بشود. حالا سازمان محیط زیست خیلی می خواهد تاثیرگذار باشد و روی کاغذ هم اختیاراتی زیادی دارد اما جایی که دولت می خواهد تصمیمی را بگیرد، مثلاً در خصوص احداث پتروشیمی های جدید الان تصمیمات زیادی هست که در گلستان، قشم و... پتروشیمی بزیم اینها اصلاً به سازمان محیط زیست ارجاع نمی شود که محیط زیست بخواهد نظرش را بدهد!

من مدتی است که به عنوان مشاور زیست محیطی در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر فعالیت می کنم و این فرصت بسیار خوبی برای من شده که از نزدیک صنعت و نگرش مدیران صنعتی نسبت به محیط زیست را درک کنم. صنایع ما از لحاظ زیست محیطی در حد صنایع اروپا نیست اما بسیاری از استانداردهای زیست محیطی از طرف کشورهای غربی تدوین شده و در ایران استفاده می گردد. متأسفانه بهره برداران صنعتی ما هم آموزش لازم جهت رعایت مسائل زیست محیطی را ندیده اند. از نظر فرهنگی دید لازم زیست محیطی ندارند. در حال حاضر صنعت و محیط زیست در کشور ما دو جزیره دور از هم هستند. برای مثال در پتروشیمی اروند یک مدیرعامل جدید آمده تولید پتروشیمی را تبدیل کرده به دوبرابر زمانی که به زیان دهی رسیده بود از طرف وزارت نفت به عنوان مدیر جهادی و نمونه انتخاب شده است. منتهی اتفاقی که افتاده محیط زیست که می دانید الان این قدرت را دارد که از شخص حقیقی مدیرعامل پتروشیمی شکایت کند از ایشان شکایت کرده، برای مدیران صنعتی مانند ایشان این سوال مطرحه که با وضع فعلی اقتصاد کشور تولید را باید بخوابانم؟ بنابراین در حال حاضر بیش از هر چیز ایجاد تعامل و گفتمان قابل درک بین این دو بخش ضروری است. رویکرد کنونی کمکی به پیشرفت کشور نخواهد کرد.

همانطور که عرض کردم اولویت بندی در مسائل زیست محیطی به نظر من ضروری است. اما راه حل مناسب وضعیت صنعت را هم باید پیدا کرد. برای روشن شدن موضوع مثالی خدمتتان می زنم. می دانید در حال حاضر پتروشیمی هایی که زیر مجموعه یک هلدینگ قرار می گیرند باید یوتیلیتی های مورد نیاز مانند آب و.. را با قیمت بالایی از پتروشیمی خاصی که مسئولیت تولید

یوتیلیتی را دارد بخرند. قبلاً آب برای پتروشیمی‌ها تقریباً مجانی بود طراحی‌های آلمانی هم اکثراً به دلیل تقریباً مجانی بودن آب طراحی بهینه‌ای صورت ندادند. اما حالا که مجبورند آب سرویس را متمرکعبی شش، هفت هزار تومان یا آب را متمرکعبی یازده هزار تومان بخرند. بنابراین پتروشیمی‌ها چون بیلان مالی برای آنها اهمیت پیدا کرد به شدت به سمت پروژه‌هایی که بتوانند آب را بازیافت و بهینه‌سازی کنند رفتند تا مجبور نشوند که آب گران قیمت را بخرند. رفتارهای این‌چنینی که زبان مشترک طرفین را دربردارد نجات‌بخش کشور هست. راه حل‌ها باید طوری باشد که صنعتی‌ها هم با آن رابطه برقرار کنند.

اما بد نیست گریزی به بحث محیط زیست در کشورهای غربی بزنیم من در تجربه زندگی در سوئد در زمان تحصیل بسیاری از راه حل‌های مناسب صنعت را آنجا می‌دیدم. برای روشن شدن موضوع مثالی از مفهوم اعتبار کربن سبز و تجارت آلودگی خدمتون عرض می‌کنم. در کنار رودخانه‌های بزرگ اروپا کارخانه‌های زیادی ساخته شده است. هر کارخانه اجازه دارد مقدار مجاز و مشخصی آلاینده وارد رودخانه کند و بعد یک اعتباری به هر کارخانه می‌دادند و می‌گفتند اگر مقدار کمتری آلودگی ایجاد کرد، اجازه فروش مابقی اعتبارش را به کارخانه‌های دیگر دارد. بنابراین هر کارخانه‌ای به دنبال راه حل‌ها و تکنولوژی‌های نوین برای کاهش آلاینده‌گی و فروش مابقی اعتبار به کارخانه‌های دیگر با قیمت بالایی است. بنابراین با صنعت باید از جنس صنعت صحبت کرد. ما باید در ایران نیز به این سمت برویم.

ما نیاز به یک برنامه جامع برای آمایش سرزمین داریم از همه حیص یعنی آمایش کشاورزی سرزمین، آمایش جمعیت سرزمین و نیاز است برای تبیین این برنامه چند سال همه بسیج بشوند صدا و سیما بسیج بشوند همه سازمان‌ها بسیج بشوند. البته این برنامه باید بسیار کارشناسانه تهیه گردد. این برنامه‌ای که نیاز برنامه کارشناسانه نوشته بشود شروع کنیم. بدون آگاه‌سازی مردم نمی‌توان برنامه‌های آمایشی را پیش برد. در جلسه‌ای شنیدم که قیمت تولید یک لیتر آب با فرآیند یونیزاسیون یک دلار می‌شود و آن موقع در شرایط خشکسالی کنونی کشور ما بابت کاشت هندوانه هر کیلو سیصد لیتر آب مصرف می‌کنیم و هندوانه را با قیمت ناچیز صادر

می‌کنیم. ولی به کشاورز نمی‌توانیم بگوییم هندوانه کشت نکند بدون اینکه حمایت کنیم بدون اینکه توجیه بکنیم. ما یک تجربه بسیار ناموفق در دریاچه ارومیه داشتیم یک سیلی از پول سرازیر شد برای پروژه‌ها که میخواست دریاچه را نجات بدهد، و دیدیم که عملاً این اتفاقاً نیافتاد، فقط یک اصراف منابع شد، دلیل عمده آن هم اینکه شما نمی‌توانید به یک کشاورز بگویید فلان محصول را نکار و برو یک چیز دیگری بکار، من به تو سه میلیون میدهم یا اینکه من حمایت میکنم. من فکر میکنم خود دولت هم سردرگم هست. ابتدا باید برنامه آمایش کشاورزی ایران را تهیه کرد و سپس باید به تبیین صحیح این تغییرات برای کشاورزان پرداخت.

آقای نبوی: ظاهراً امروز بیشتر از طریق عوارض‌های زیست محیطی مسئله را حل می‌کنند منتهی جهت این عوارض‌ها را می‌برند به سمت اصلاح منشاء آلودگی‌ها هنوز که هنوز است حمایت کافی از دستگاه‌های زباله‌سوز نمی‌شود، دستگاه‌هایی که هم برق تولید می‌کند، هم کمپوست. در حال حاضر پیمانکارانی که کار می‌کنند به موقع پولشان را نمی‌دهند. در مورد کارخانه‌های سیمان می‌توان دودهای سمی آنها را تصفیه کرد که دیگر هوای آلوده منتشر نشود، به نظر می‌رسد اگر روش این باشد و از مهارت‌های محیط زیستی استفاده شود و عوارض‌ها برود به طرف بر طرف کردن آلودگی‌ها حرف معقول و عملی است و جلوی توسعه را هم نمی‌گیرد.

آقای مجابی: به نکته ظریفی اشاره نمودید در دولت دهم برای استخراج نفت هورالعظیم خشک شد، برای چه خشک شد! خواستند از آنجا برداشت نفت بکنند کل هور را خشک کردند بعد برداشت کردند، محیط زیست به دولت یازدهم گزارش داد هور خشک شده منع تولید گردوغبار شده که آقای وزیر نفت گفتند که خیلی بی‌جا کردند کسی که آنجا را خشک کردند، ما از وسط دریا می‌رویم نفت برمی‌داریم اینجا عمق آن به پنج متر یا شش متر بیشتر نمی‌رسد و بعد دستور داد آب را باز کردند و دوباره هور آبیگری شد، یک نگاه این هست، و یک نگاه آن هست، یا مثلاً این همه "فلر" که یکی از دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب هم هست، دارد در جنوب با ارتفاع بلند می‌سوزد و ثروت ملی را هدر می‌دهد و می‌شود با تصفیه گازهای ترش به تولید محصولات اقتصادی پرداخت، بجای اینکه آنها را بسوزانند. ما نمی‌گوییم که محیط

زیست دنبال این است که جلوی کار را بگیرد. مگر اقتصاددانان ما نمی‌خواهند از تولید درآمد بیشتر داشته باشند، در دنیا میانگین تولید ثروت از هر مترمکعب آب ۲/۵ دلار هست. ما یک کشور خشک و نیم خشک هستیم درآمد ما از یک متر مکعب آب یک و خورده‌ای دلار هست یعنی نصف میانگین جهانی کشوری مثل کشور فرانسه هفت دلار از هر متر مکعب آب تولید ثروت می‌کند. آیا ما همین آب را درست استفاده میکنیم، اشاره کردم به پساب الان در برخی از کشورها چهل بار آب را بازیابی می‌کنند، ما الان میزان فاضلابی که تولید می‌کنیم چند درصد آن را استفاده کنیم که بازیابی و بازچرخانی آب در آن باشد، در خود استان سمنان چند درصد و میخواهیم برویم از خزر آب بیاوریم ما درست مدیریت منابع را انجام نمی‌دهیم حالا باید چکار کرد ما اولین بحثی را که داریم اینکه هر پروژه‌ای باید دارای پیوست زیست محیطی باشد هر پروژه‌ای در متن آن باید باشد، این دقیقاً باید داخل آن باشد.

EIA اولین بحثی هست که ما باید داشته باشد. ولی EIA کفایت نمی‌کند، مثلاً هر پروژه‌ای ممکن است به تنهایی مشکلی نداشته باشد ولی کنار هم قرار بگیرند EIA آن جواب ندهد، مثلاً شما در یک جایی اجازه سدی را می‌دهید و اجازه احداث یک کارخانه پتروشیمی را هم آنجا می‌دهید، هر دو به تنهایی توجیه دارند ولی این کارخانه پتروشیمی با این سد کنار هم قرار می‌گیرد بعد شما می‌آید یک منطقه بسیار ارزشمند میراث باستانی کشور را در نزدیک آن داریم از یک سو گازهای سولفور تولید می‌کند و از سوی دیگر بخار آب تولید می‌شود و بر روی آثار باستانی اثر می‌گذارد در یک منطقه یعنی شما دوهزارو پانصد سال را نگه داشتید و اینها ظرف یک مدت کوتاهی از بین می‌برند. پس بنابراین EIA به تنهایی کفایت نمی‌کند، باید SEA تهیه شود ارزیابی استراتژیک صورت بگیرد که ما بیاییم مؤلفه‌های مختلف را در آن نگاه بکنیم بینیم از لحاظ استراتژیک چکار باید بکنیم.

آقای واعظی: چه راه‌حلی وجود دارد قطعاً راه‌حل اول فرهنگ‌سازی است، استاد من در سوئد در تابستان تا ساعت ۵ عصر چراغ روشن نمی‌کردند و می‌گفت: نور به اندازه کافی است. این فرهنگ‌سازی هست. نه تنها آب در آینده نیاز خودمان خواهد بود بلکه نیاز بازار آینده دنیا

خواهد بود. یک نکته دیگر که خیلی مهم هست در رابطه با طرح گاپ ترکیه هست آنها میدانند چه اتفاقی دارد می افتد. ما واقعاً متناسب با بحران پیشرو آماده سازی های لازم را انجام نمی دهیم. **آقای نبوی:** امروزه مشاهده می شود خود دولت و سازمان برنامه می گویند ما چهار بحران داریم: آب، هوا و... منتها جای یک چیزی خالی است و آن هم تصمیم متمرکز و هماهنگ در این موارد است که هر بخشی به سوی خود نکشد با این فن آوری های جدیدی که هست و با این اطلاعاتی گسترده ای که در دست می باشد، می توان تصمیمات جامعه و درستی گرفت نه اینکه هر کسی بخواهد فقط خر خودش را از پل رد کند.

آقای مجابی: یکی از سوالات مطرح این است که آیا فقر باعث می شود محیط زیست تخریب بشود یا ثروت که نمود بارزش این هست که کشورهای توسعه یافته بالاترین صدمه را به محیط زیست زدند، ولی آنها دارند به شدت برمی گردند یعنی الان ما جزو پرمصرف ترین کشورهای جهان در انرژی هستیم یعنی جزو ۱۰ کشور اول در جهان هستیم، حالا قبل از ما چه کشورهایی هستند چین، آمریکا، فرانسه، با آن تولیدهای بالا و آن جمعیت بالا یعنی اگر بخواهد اینطور پیش برود ما دچار بحران جدی خواهیم بود. نکته ای که وجود دارد اینکه سیاست کلی محیط زیست که ابلاغ شد از طرف مقام معظم رهبری چند تا از این سیاست ها به قانون تبدیل شد عناصر حیاتی آب، هوا، خاک ما اولین چیزی را که به قانون تبدیل کردیم قانون مدیریت، حفاظت و بهره برداری از تالاب ها هست، که در آن آمده است باید حق آب طبیعت داده بشود و دولت مکلف شده آیین نامه آن تصویب کند. یکی از کارهای مهم و حیاتی بود که می تواند بعداً روند رو به بهبود داشته باشد چون که اگر سیاست در سطح سیاست بماند اصلاً به درد نمی خورد. باید بیاید به قسمت نازل و به اجرا برسد. دومین قانون که خیلی روی آن جدی ورود شد بحث هوای پاک بود هر دو قانون در سال ۹۶ تصویب شده سومین موضوعی هم که الان در دستور صحن علنی مجلس هست. لایحه حفاظت خاک می باشد.

پس بنابراین ما از سه عنصر اصلی دو عنصر اصلی را به قانون رساندیم از لوایح مهم دیگر لایحه اصلاح مالیات بر ارزش افزوده است که در آن مالیات های زیست محیطی مطرح شده است.

بنابراین اگر ما بتوانیم همین سیاست‌ها ابلاغی محیط زیست را که در ۱۵ ماده است به قانون رسانده و اجرا نماییم کار بزرگی برای توسعه پایدار صورت گرفته است. یکی از موضوعات مهم در این سیاست‌ها استفاده از موضوع حائز اهمیت امر به معروف و نهی از منکر هست. واقعاً این باید در محیط زیست دیده بشود دیپلماسی محیط زیست را باید دنبال بکنیم. اگر این سیاست‌های درست دنبال بشود و درست رصد بشود و جلوی مغایرت‌های که در قوانین برای این سیاست می‌آید گرفته بشود ما می‌توانیم آینده‌ای روبه بهبود محیط زیست ترسیم کنیم. ما در برنامه ششم هم مباحث مهمی در حوزه محیط زیست و توسعه پایدار داریم.

آقای واعظی: ما در بحث انتقال تکنولوژی و خرید تکنولوژی خوب عمل نمی‌کنیم و همین دلیل مشکلات بعدی زیست محیطی در کشور می‌شود. آنها هم از دوست دارند که تکنولوژی سی سال قبل را به ما بدهند، تازه بعد ما می‌خواهیم سی سال بر مبنای آن تولید کنیم بنابراین از اول مشخص هست که نه بازار خواهیم داشت نه مزیت قیمت خواهیم داشت.

سردبیر: از لحاظ تئوریک عرض می‌کنم کشورهای توسعه‌یافته زمانی به لزوم رعایت مسایل محیط زیست رسیدند که حد بالایی از رشد و توسعه را تجربه کردند، در این روند تحقیق‌های زیادی در مورد محیط زیست کردند. یعنی توجه به محیط زیست، در مراحل بالای توسعه‌یافتگی بوده است. دو تا نگاه وجود دارد یکی اینکه بعضی‌ها فکر می‌کنند توسعه پایدار یک ویژگی است که در تجربه کشورهای که این اتفاق برای آنها افتاده در یک مرحله عمر توسعه‌یافتگی به آن رسیده‌اند یک نگاه دیگر می‌تواند این طور باشد. صرف‌نظر از اینکه درجه مرحله‌ای از توسعه هستید. باید مسایل زیست محیطی را رعایت کند. من فکر می‌کنم این اتفاق نمی‌تواند بیفتد، به همین دلیل هست که آقای دکتر می‌گوئیم، که اگر همه اختیارات به محیط زیست داده بشود آیا اهلش هست اختیارات را اعمال کند، می‌فرمایند که باید مردم هم کمک بکنند. یعنی در واقع اصل ۵۰ قانون اساسی سر جای خود هست ولی ما نمی‌توانیم آن را عملیاتی بکنیم دلیل آن این است که در حقیقت ما می‌خواهیم که یک چیزی به خودمان وصل کنیم که در وضعیتی که هستیم با آن نمی‌توانیم سازگاری داشته باشیم. هزار و یک مشکل داریم از نظر اجتماعی مردم

همکاری نمی کنند فرهنگ محیط زیستی وجود ندارد. از نظر اقتصادی قابل توجه نیست از نظر توسعه یافتگی باید شیوه زندگی مردم را ببینیم و با نگاه به مسایل زیست محیطی نگاه کنیم. به نظر می آید در مراحل پایین توسعه یافتگی رعایت موی مو به موی حفظ محیط زیست قابل توجه نیست، برای اینکه ما این شانس را داریم که از تجربه جهان که الان تجربه کرده استفاده کنیم، تکنولوژی های بهتری مطابق پولمان بتوانیم بیاوریم این فرصت را داریم اما تحلیل هزینه فایده رعایت محیط زیست ممکن است به ما بگوید بنابراین ۱۵ یا ۲۰ سال خیلی سخت گیری کرد به نحوی که رشدمان را متوقف نکند. باید واقع بین باشیم دلیل ندارد که به لحاظ فرهنگی مردم همکاری نکنند وقتی درآمد اقتصادی شان رشد کرد ولی وقتی در فقر زندگی کنند همکاری نمی کنند به لحاظ نظری توسعه برای کشورهای مثل کشور ما به حاکمیت برمی گردد خود آنها باید نقششان را ایفا کنند، البته چه کنیم که گاهی اوقات توسعه یافتگی خود دولت ها بالاترین آسیب ها را وارد می کند. ولی آنچه که به کسب و کار عمومی برمیگردد در حقیقت باید یک تعادل بلندمدت بین هزینه ها و فایده های محیط زیست برقرار شود تا هم رشد و کسب درآمد به مخاطره نیافتد هم در عین حال مثل کشورهای توسعه یافته امروزی بی محابا همه چیز را از دست ندهیم که بعداً حالا بیایم جلوی آن را بگیریم من فکر میکنم این واقع بینانه تر هست. از مردم انتظاراتی داشته باشیم که زمینه های اجرای آن برایشان شده باشد.

آقای مجابی: بعضی می گویند بحث های محیط زیست را در توسعه خیلی سخت گیرانه دنبال نکنیم یعنی بگذاریم محیط زیست خراب شود مثلاً صید به هر میزان و به هر نوعی آزاد باشد چرا جلوی صید میگو خلیج فارس را می گیرید؟ اگر این صید و باقی صیدهای دیگر کنترل نشود دیگر ذخیره وجود نخواهد داشت تا بهره برداری شود. الان بزرگترین بحران هایی که در نظرسنجی ها از مردم سوال میکنند چی هست، آیا آلودگی هوا جزو اصلی ترین مطالبات مردم هست یا نیست، شما پس الان در این آلودگی هوا بگوئید چرا در ارزیابی های زیست محیطی سخت گیری میکنید که کارخانه سنگ شکن شن و ماسه در کنار شهر به آن نمی دهید همین الان که شما در تهران هستید، کارخانه بی بی شهربانو که سیمان تولید میکند بگذارید کارش را بکند

خوب از لحاظ اقتصادی آلودگی هوا که به شهر تهران تحمیل میشود چقدر ارزش اقتصادی دارد
ما فقط یک طرف را نمی‌توانیم ببینیم جمع آن را باید ببینیم. عدم سخت‌گیری تعریف آن چه
خواهد بود.

سردبیر: ما دنبال برون‌رفت از مشکلات هستیم نمی‌خواهیم درجا بزنی و در یک عقب‌افتادگی
عمیق بمانیم. من اعتقاد این هست که شما تا به لحاظ اقتصادی مردم را توانمند نکنید، زندگی
آنها تغییر پیدا کند انتظار مشارکت اجتماعی و فرهنگی نمی‌توانید داشته باشید. دولت‌ها که
نمی‌توانند مجبورشان کنند حتماً امر به معروف و نهی از منکر هم که فرمودید باید با رغبت به
آن برسند که چگونه می‌توانند امر به معروف بکنند. و کسانی درک آن را باید داشته باشند که
چطور آن را بپذیرند. اینها مسائلی است که در مسیر توسعه پیش می‌آید. بنابراین روند توسعه باید
نفس بکشد ولی اینکه چگونه و با چه هزینه‌ای کلاً هزینه دارد بدون هزینه غیرقابل تصور است.
الان ما که صحبت می‌کنیم انرژی می‌گذاریم بدون هزینه نیست، پس بنابراین ما باید هزینه
بدهیم، صحبت این هست که ما هزینه‌هایمان به نحوی ساماندهی بشود که به حداقل برسد و روند
توسعه زنده بماند.

آقای واعظی: بحث این هست که ما وقتی می‌گوئیم توسعه پایدار نمی‌گوئیم یک دفعه
توسعه پایدار اتفاق بیافتد، توسعه پایدار معنی آن این است که وقتی ما داریم حرکت می‌کنیم
هیچ‌وقت انتظار نمی‌رود مثل کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ زیست محیطی فرهنگ مردم را هم
جلو ببریم با یک برنامه جامع این برنامه جامع شاید نیاز باشد تا یکسال متخصصین بنشینند
کشاورزی آن را آمایش کنند جمعیت آن را آمایش کنند ولی به یک جمع‌بندی برسند آن
جمع‌بندی می‌شود محور. این یک بحث، بحث دوم شما مثال زدید که قشر محروم قشر توانمند.
اینکه اشکال همین جا هست ببینید بالای شهر را نگاه بکنید آیا میزان مصرف آب در این مناطق
کمتر است. پس لزوماً این‌طور نیست که اگر از لحاظ اقتصادی به یک توسعه‌یافتگی رسیدید به
طبع آن محیط زیست و فرهنگ می‌آید نه اتفاقاً ممکن هست یک عقب‌افتادگی عمیق‌تر اتفاق
بی‌افتد.

آقای مجایی: ما در بهره‌وری می‌گوئیم با منابع کمتر تولید بیشتر، این می‌شود بهره‌وری ولی شما فقط منبع و تولید را ندارید این منبع کنارش وقتی که برداشت می‌کنید تخریب دارد آلودگی دارد، ما می‌گوئیم منابع کمتر، تخریب کمتر، آلودگی کمتر تولید بیشتر این می‌شود بهره‌وری سبز این همه حرف‌های ما هست.

آقای نبوی: به هر حال جناب آقای دکتر سبحانی یک نظریه‌ای را مطرح می‌کنند ایشان می‌گویند وقتی کشورها به جایی از توانمندی رسیدند دیدند که می‌توانند جنبه‌های محیط زیستی را رعایت بکنند و ما هم ناچار باید این راه طی کنیم در غیر این صورت نمی‌شود هم توسعه داشته باشیم، هم رشد اقتصادی و هم رعایت همه مسایل مسئله زیست محیطی را بکنیم یعنی توسعه پایدار در مقابل این نظریه یک نظریه دیگری هم هست. و آن اینکه شما الزاماً نباید راه طی شده دیگران را طی کنید یعنی شما امروز می‌توانید از آخرین دستاوردهای صنعتی و فن آورانه استفاده کنید بدون اینکه هزینه‌های آن را بدهید این سیر توسعه خطی نیست می‌تواند جهش اتفاق بیفتد، بحث آن مفصل است فوکو یک نظریه‌ای دارد به نام «حکومت‌رانی» (Governmentality) و آنجا می‌گوید از این فن‌آوری‌های جدید بخصوص فن‌آوری‌های اطلاعات می‌شود استفاده کرد بدون اینکه به مردم فشار بیاورید مشارکت مردم را جلب کنید. مثل «اسنپ» که وارد کشور ما شده است می‌بینید این اسنپ در زمینه حمل و نقل که یک تحولی ایجاد کرده است همین الان نرخ‌هایی که اسنپ می‌دهد بعضی وقت‌ها یک سوم نرخ تاکسی و راننده‌های آژانس‌ها است یک وقت‌هایی هم ممکن هست نصف بشود. طرف مراجعه می‌کند به اپلیکیشنی که در موبایل دارد نرخ براساس ساعت و ترافیک معلوم می‌شود، بهترین مسیر مشخص می‌شود، راننده و نوع ماشین مشخص می‌شود، همه هم راضی هستند فقط لازم است یادگیری از اپلیکیشن استفاده کنید. و همین مردم بودند که سر نرخ چانه می‌زدند و دعوا می‌کردند. و شما می‌توانید از چنین سامانه‌هایی برای اداره کشور و از جمله مسائل زیست محیطی استفاده کنید. یعنی برای گرفتن مجوز یک طرح می‌شود در سامانه رعایت مسائل زیست محیطی را پیش‌بینی کرد. یعنی شما می‌توانید با یک بهره‌وری خوب هم درآمد اقتصادی بیشتر کسب کنید هم آن

تخریب‌های محیط زیستی را انجام ندهید. این آمادگی در الان در نسل جوان ما هست و آنقدر جوانان از اداره‌کنندگان کشور جلوتر هستند که آنها را نمی‌توانند هضم کنند. امروز میشود با کسب دانشو مهارت و همان اقتصاد دانش بنیان محدودیت‌های قبلی را برطرف کرد و پیشرفت سریع هم داشت در عین حال مسایل زیست محیطی را رعایت کرد.

آقای واعظی: در خصوص نحوه رسیدن به توسعه پایدار دو نظریه وجود دارد یک عده اعتقاد دارند تکنولوژی نوین و به روز میتواند تمام مسائل زیست محیطی را حل کند، یک عده دیگر اعتقاد به توسعه پایدار اکولوژی دارند یعنی اعتقاد دارند بدون عوض کردن ساختارهای حاکم بر توسعه غلط، امکان ندارد تنها با تکنولوژی های نوین به توسعه پایدار دست یافت. به هر حال تکنولوژی های نوین و دوست دار محیط زیست در شرایط کنونی گامی مهم در راستای رسیدن به توسعه پایدار در کشور ایران است.

آقای مجابی: توضیحی می‌دهم که نگرانی شما را رفع بکند شما وضعیت سه عنصر حیاتی که من نام بردم در کشور بررسی کنید. آب که ببینید وضع مان چی هست، خاک بالاترین فرسایش خاک دنیا را ما داریم پسماندمان را نتوانستیم کاری بکنیم، کدام استان هست که مشکل هوا نداشته باشد و اینطور نیست که ما خیلی عالی ماندیم و آنها هم پدرشان درآمده. بنده اولین جلسه مجلس که رفتم خدمت اعضای هیات رئیسه مجلس گفتم، یک جلسه غیرعلنی راجع به آب بگذارید دو هفته گذشته برگزار شد. شما از تابستان با مشکلات مختلف در کشور روبرو خواهید بود. آن چیزی که ما گفتیم توسعه میخواهد اتفاق بیافتد خیلی سخت گیرانه نباشد یعنی چه؟ مگر الان وضع محیط زیست کشور خوب است الان که هنوز در مسیر توسعه هستیم بزرگترین بحرانهای ما در حوزه محیط زیست است.

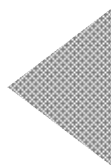
سردبیر: فقط یک جمله پایانی و آن این که صحبت‌هایی که شد اینها حرکت را خیلی تسریع می‌کند ولی اینها توسعه نیست، یعنی استفاده از فناوری مثل اسنپ هزینه‌های آدم‌ها را پایین آورده ولی توسعه نیست، اینکه مردم به کمک دولت کار امکان و تلاش داشته باشند و به واسطه آن درآمد کسب کنند. این درآمد هر چه بیشتر بهتر یعنی فرصت پیدا میکنند به نیازهای عالی

خودشان برسند یعنی هر کسی در حقیقت به واسطه وضع خوب اقتصادی امکان استفاده از فرهنگ خودش را بهتر پیدا می‌کند و امکان پرداختن به مسائل معنوی را دارد و نگرش‌های آنها تغییر میکند و یک آدم‌های دیگری میشوند لازم هست ولی کافی نیست،

آقای نبوی: در این دانش و فن‌آوری جدید یعنی اقتصاد دانش‌بنیان هم درآمد اقتصادی هست، هم می‌تواند بخش واقعی اقتصاد را جهش بدهد، البته این لازم هست ولی کافی نیست، ما باید به یک حدی از دانش و از توانایی علمی برسیم که بتوانیم آن را در زندگی خودمان نهادینه بکنیم. این فن‌آوری جدید شرایطی را ایجاد کرده که خیلی سریع می‌تواند ما را منظم کند، اهل رعایت مقررات و قوانین کند، اهل انصاف کند، قبلاً از نظر جامعه‌شناسی می‌گفتند عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت مردم ایران به فرهنگ استبداد زده آنها بر می‌گردد و سابقه تاریخی دارد و به این ترتیب معلوم نیست چه زمانی این فرهنگ عوض بشود، یک نسل، دو نسل، سه نسل بعد یا اصلاً هیچ وقت در حالی که برخی محققان جهانی اثبات کرده‌اند مردم ایران از فرهنگ جمعی برخوردارند و در حوادثی مثل پیروزی انقلاب و... این را نشان داده‌اند و فقط نیاز کسب مهارت‌های اجتماعی دارند.

مقالات

بایسته‌های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقه



حامد مایلی^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۱۸ - تاریخ تصویب ۹۷/۲/۱۵)

چکیده

اصلاح روند رو به تزاید تخریب محیط زیست، نیازمند سازوکاری جدی است که توان سامان‌دهی به نابسامانی‌های این عرصه مهم را داشته باشد. رویکرد انسان به طبیعت، از یک سو ریشه در نوع جهان‌بینی فرد داشته و از سوی دیگر سنجه‌های سود و زیان شخصی، بر میزان دخل و تصرف در محیط زیست و کیفیت آن تأثیرگذار است. این مقاله می‌کوشد با توجه به تأثیر باورهای شخصی در تعریف چگونگی روابط انسان با طبیعت، آن قسمتی از دین را (به عنوان یک جهان‌بینی فراگیر) بیشتر مطمح نظر قرار دهد که در حوزه تنظیم این روابط، تأثیرگذارتر است. بی‌شک، فقه همان بخش طلایی دین برای تنظیم زاویه دید و چگونگی رابطه ما با طبیعت است که از یک سو بایدها و نبایدهای نحوه حضور انسان در محیط زیست را تعریف کرده و به تنظیم قوانین الزام‌آور می‌پردازد و از سوی دیگر پویایی و تلازمش با زمان و مکان، توانمندی‌اش را برای پاسخگویی به نیازهای جدید، حفظ و تقویت می‌نماید. اگر چه ادله فقهی، دلالت کافی در تعیین حدود و ثغور تصرفات انسان در طبیعت دارند، اما قواعد فقهی به این دلیل که هم برای

مجتهد کاربرد دارد و هم برای مقلد، می تواند کاربرد بیشتری در عرصه محیط زیست داشته باشد. این پژوهش با روش مطالعه کتابخانه‌ای، در کنار توجهی مختصر به قرآن، سنت و عقل، هشت قاعده فقهی را نیز در حفظ و حراست بهتر از محیط زیست مورد واکاوی قرار داده است.

واژگان کلیدی: فقه، قواعد فقه، حفظ محیط زیست.

مقدمه

جهان در دهه ۱۹۶۰ شاهد بیداری عمومی عظیمی در خصوص موضوعات زیست‌محیطی بود. این بیداری بواسطه عواملی چون انتشار کتاب راشل کارسون تحت عنوان «انفجار خاموش» که در رابطه با مصرف گاز د.د.ت. بود و معاهده بین‌المللی تجارت گونه‌های در معرض خطر در سال ۱۹۶۳، کنوانسیون‌های زیست محیطی سازمان ملل، قانون منع تکثیر هسته‌ای در سال ۱۹۶۸ و ... ایجاد شد. در دهه ۱۹۷۰ گروه‌های دوستدار زمین و صلح سبز شکل گرفتند. بعد از گذشت سه دهه از فعالیت این گروه‌ها و سایر سازمان‌های غیر دولتی در شمال آمریکا و اروپا، بویژه در توسعه قانون‌گذاری و استانداردسازی برای موضوعات اجتماعی و زیست‌محیطی شرکتی، برای نخستین بار در میانه دهه ۱۹۷۰ مفهومی جهانی یافت و در حقیقت اولین نشست رسمی جهانی در زمینه حفاظت از محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم شکل گرفت (لواسانی، ۱۳۷۵: ۳۲).

در سال ۱۹۹۲ اجلاس سران زمین با موضوع توسعه پایدار در ریودوژانیروی برزیل (از سوی سازمان ملل) برگزار شد و در نهایت منجر به صدور اعلامیه ریو توسط سران ریو شد. این اعلامیه یک چارچوب معاهداتی درباره تغییرات اقلیم، یک چارچوب معاهداتی درباره تنوع زیستی، تأسیس صندوق اعانات زیست محیطی بانک جهانی، تجهیز امکانات زیست محیطی جهانی و ۲۱ برنامه برای اجرا بود (ابراهیمی سالاری و همکاران، ۱۳۹۲).

می‌توان گفت بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران‌های برآمده از فرهنگ مادی‌گرا، زمینه‌ها و پشتوانه‌های فلسفی و اخلاقی دارد. در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی، مورد توجه قرار گرفته است. اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که «سیاست زیست‌محیطی کارآمد»، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و

اخلاقی است، چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، و ...، احترام به طبیعت و همه عالم وجود به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است (کیس، ۱۳۷۹: ۷۰۸).

بیش از سی سال است که بحث‌های مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته است. موافقت‌ها و مخالفت‌هایی که بواسطه انتشار مقاله جنجال برانگیز لین وایت در سال ۱۹۶۷ با عنوان «ریشه‌های تاریخی بحران‌های اکولوژی»، سنت مسیحی و یهودی را مسبب بحران‌های زیست محیطی معاصر دانسته، هنوز ادامه دارد. اما در دهه اخیر، به دلیل تداوم بحران‌های محیطی (علی‌رغم پیشرفت علم و تکنولوژی) دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر نموده و (مذهب) به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاست‌های زیست محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند، بلکه اینگونه سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگ دینی و اخلاقی می‌باشند که زیربنای حفاظت‌های محیطی هستند (ابراهیمی سالاری و همکاران، ۱۳۹۲).

در چنین شرایطی بررسی نگاه دین به محیط زیست، اهمیتی مضاعف می‌یابد. برای آگاهی از جایگاه محیط زیست در منظومه تعالیم دینی می‌توان تقسیمی چهارگانه را از تمام روابط انسان در نظر گرفت؛ رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت. چگونگی تعامل انسان با طبیعت و منابع طبیعی، آب، خاک، هوا، جنگل، جانوران و ...؛ در حوزه چهارم روابط انسان تعریف شده و احکام این روابط در نگاه فقهی به این حوزه تبیین و تشریح می‌گردد. اگر چه تفکر مادی‌گرا، بهره‌برداری حداکثری و سودجویانه از طبیعت را بیشتر ترویج می‌کند؛ اما در نگاه دینی، نگاه حداقلی به طبیعت این است که محیط زیست، امانت بوده و باید به نحو احسن حفظ شده به نسل‌های آتی منتقل گردد. احکام فقهی مربوط به مجوزها و حدود و ثغور دخل و تصرف در محیط زیست، در این حوزه تعریف می‌شوند. نگاه حداکثری دین به محیط زیست نیز این است که باید محیط زیست را به لحاظ کمی و کیفی، ارتقاء داده و مطلوبیت آن را به حداکثر رسانید.

آنچه دغدغه امروزه بشریت را در حوزه زیست محیطی ترسیم می‌کند، در مقام پاسخ به نگاه حداقلی است که تلاش می‌کند آن چه هست، باقی بماند و بیش از این تخریب نشود. اگر چه ما نیز در این پژوهش در پی واکاوی نگاه فقهی به چگونگی حفظ حداقلی محیط زیست هستیم، اما

از این مهم نیز نباید غافل بود که در نگاه حداکثری دین به محیط زیست، فضایی ترسیم می‌شود که در میخله امروزی بشر درگیر در حفظ حداقل‌ها نمی‌گنجد؛ شاید نبی گرامی اسلام نیز در مقام ترسیم همین نگاه حداکثری به محیط زیست بودند که می‌فرمودند: «هرگاه نهالی در دست شما است و قیامت برپا می‌شود، در آن فرصت کوتاه آن نهال را بکارید» (حیدری، ۱۳۷۹: ۷۱۳). یکی از ملاحظات مهم در نگاه فقهی به محیط زیست این است که اگر چه انسان به عنوان اشرف مخلوقات و از نگاه فقهی با توجه به اصاله الاباحه، مجوز استفاده از محیط زیست را دارد، اما بهره‌مندی از این حق به دلیل محدودیت‌ها، به تزامم با حقوق دیگران انجامیده است. از زمان تلاقی رسمی حقوق امروزی با پدیده‌ها و مشکلات محیط زیست دیرزمانی نمی‌گذرد. برای حقوق محیط زیست عمری بیش از پنجاه سال (اندکی پیش از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲) نمی‌توان تصور کرد (فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱). فقه اسلامی به عنوان مجموعه‌ای از احکام و قواعد دینی برای حیات اجتماعی و فردی مردمان، اولاً نمی‌تواند منصرف از مسائل جدید (مستحدث) زندگی ما باشد و ثانیاً حفاظت از طبیعت و محیط زیست انسان هر چند به عنوان شاخه‌ای مستقل از فقه، مورد توجه علمای اسلام نبوده است، اما در بین قواعد، اصول و احکام فقهی، می‌توان مواردی را که تصریحاً یا تلویحاً به محیط زیست می‌پردازد، جست (فهیمی و عرب‌زاده، ۱۳۹۱).

هم اکنون طبیعت بوسیله عملکرد انسان تهدید می‌شود. مشکلاتی که بوسیله انسان در طبیعت ایجاد می‌شوند، نمی‌توانند فقط بوسیله تکنولوژی حل شوند. تغییر رفتار انسان‌ها ضروری است و این تغییر باید براساس اخلاق زیست محیطی باشد. در حقیقت رابطه بین انسان و طبیعت باید دوباره مورد بازبینی قرار گیرد. اخلاق زیست محیطی، شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که بیان‌کننده مسؤلیت اخلاقی و محرک اخلاق‌مداری برای حفاظت و حمایت از محیط زیست است. اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز شامل شود. ویژگی دیگر اخلاق زیست محیطی، پویا بودن اخلاق است که سعی در سازگار کردن خویش با شرایط زمان و مکان دارد (عابدی سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۳). مرزهای مشترک اخلاق و فقه را در چنین مواردی می‌توان جست که هر دو اولاً در جهت تغییر و اصلاح رفتارها تلاش می‌کنند و ثانیاً می‌کوشند خود را با تغییرات سریع زمان و اقتضانات هماهنگ سازند، اما ضمانت اجرایی داشتن دستورات فقهی و استخراج قانون از فقه، همواره فقه

را در شرایطی متفاوت تعریف کرده و انتظارات دیگری از آن را ترسیم می‌نماید. حال سؤال اصلی این مقاله با توجه به ابتنائش بر قواعد فقهی این است که «آیا قواعد فقهی می‌توانند الزاماتی را در حفظ محیط زیست تعریف نمایند؟»

با توجه به رویکرد این پژوهش در مبنا قرار دادن قواعد فقهی مرتبط با حفظ محیط زیست، در بخش اول در ذیل آشنایی با اصطلاحات و واژگان کلیدی، ویژگی‌های منحصر به فرد قواعد فقهی برای بازشناسی الزامات حفاظت از محیط زیست تبیین شده و تفاوت‌های قواعد فقهی با قواعد اصولی و مسأله فقهی تبیین می‌شود. در بخش دوم، مروری اجمالی بر ادله فقهی حوزه محیط زیست (کتاب، سنت، عقل و اجماع) داشته و در بخش سوم ادله فقهی مورد نظر در حوزه حفظ محیط زیست مورد واکاوی قرار می‌گیرند. نتیجه نگاه به حفظ محیط زیست از زوایه قواعد فقهی می‌تواند حوزه عمل فرد را در حفظ محیط زیست، بهتر و دقیق‌تر تبیین نموده و پویایی موجود در قواعد فقهی، چشم‌انداز روشنی را جهت تنظیم مقررات عمومی زیست محیطی و تعیین تکلیف شخصی فرد، ترسیم نماید. علاوه بر این موارد، قواعد فقهی از ضمانت اجرایی و الزام‌آوری بالایی برخوردار است که می‌تواند بر اصلاح اخلاق زیستی نیز مؤثر باشد.

بخش اول: آشنایی با قواعد فقهی

اهل بیت (ع) با توجه و عنایت در القاء و آموزش اصول به اصحاب ویژه خود، قواعد فقهی بسیاری را برای پیروان خود به جای گذاشتند که غالباً با الفاظ کلی و عمومی بیان شده‌اند. تعدادی از این قواعد در کتاب‌های قواعد فقهی مورد بحث قرار گرفته است، اما با این وصف هنوز قواعد فراوان دیگری در لابه‌لای روایات و احیاناً کلمات فقها وجود دارد که استخراج نشده است. شناخت منابع قواعد فقهی ما را برای استخراج و کشف قواعد نوین توانا ساخته و با شیوه به دست آمدن قواعد فقهی متداول آشنا می‌سازد. برای شناخت منابع و مصادر قواعد فقهی، توجه به ماهیت آن و تفاوتش با مسئله فقهی امری ضروری است. اساساً قاعده فقهی دارای دو عنصر است که در یکی با مسئله فقهی مشترک و در دیگری با آن متفاوت است: اول این که در قواعد فقهی با موضوعی روبه رو هستیم که نیازمند به حکم مناسب است، دوم آن که این موضوع از کلیت و شمول برخوردار است، اما در مسئله فقهی، موضوعی جزئی وجود دارد که حکم خاص خود را جست و جو می‌کند. از جهت عنصر اول، منابع قاعده فقهی با مسئله فقهی

تفاوتی ندارد و به طور کلی منابع آن کتاب، سنت، اجماع و عقل در فقه شیعه و علاوه بر آن‌ها قیاس، استحسان و ... در فقه اهل سنت محسوب می‌شود. اما از نقطه نظر دوم که از مختصات و ویژگی‌های قاعده فقهی است، منابع قواعد فقهی تا حدودی از مسئله فقهی متفاوت می‌شود؛ به دیگر سخن، افزون بر رجوع به منابع مذکور ما نیازمند به مکانیزم و شیوه ویژه‌ای برای درک و کشف قاعده فقهی هستیم (پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۶).

در اصطلاح، قواعد فقهی عبارتند از دستورهای کلی فقهی که در باب‌های گوناگون راه دارند (رحمانی، ۱۳۷۵). قاعده فقهی، قاعده‌ای است که حکم شرعی عامی را در بر می‌گیرد که از تطبیق آن، احکام شرعی جزئی که مصادیق آن حکم عام هستند، حاصل می‌شود (ایروانی، ۱۴۲۶ق).

می‌توان گفت قاعده فقهی، حکم شرعی کلی است که قابل انطباق بر موارد موضوع آن حکم است و گاهی منحصر به یک باب از ابواب فقهی نیست و عموم مکلفین می‌توانند در یک یا چند باب مختلف از فقه، در مقام عمل از آن، بهره‌مند شوند (پایگاه اینترنتی مکتب تشیع، ۱۳۹۶).

تفاوت قاعده فقهی و قاعده اصولی

قاعده فقهی همانند قاعده اصولی در کبرای استنباط مسائل شرعی قرار می‌گیرد و از آن می‌توان احکام حوادث بسیاری را استخراج نمود. از سوی دیگر قواعد فقهی یکی از منابع استنباط در مسائل مستحدثه و جدید است. بدیهی است که برای به دست آوردن احکام مسائل جزئی شرعی، هم به قواعد فقهی نیاز است و هم به قواعد اصولی، و از این نظر این دو دسته از قواعد شباهت بیشتری به یکدیگر دارند، از این رو جداسازی و ذکر تفاوت آن‌ها از اهمیت و دقت ویژه‌ای برخوردار است. برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

۱ - اجرای قاعده فقهی، میان مجتهد و مقلد مشترک است ولی تطبیق قاعده اصولی ویژه مجتهد است. شیخ انصاری در مبحث استصحاب به مناسبت این که آیا استصحاب قاعده فقهی است یا اصولی، تعریفی از قاعده فقهی به دست می‌دهد. او معتقد است که قاعده فقهی، قاعده‌ای است که اجرای آن میان مجتهد و مقلد مشترک است، بر خلاف قاعده اصولی که مختص به مجتهد است (انصاری، ۱۳۸۵: ۵۴۴).

۲ - قاعده فقهی، استقلالی است در حالی که قاعده اصولی ابزاری برای استنباط احکام

است (سبحانی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۵ و ۶).

۳- قاعده فقهی، مستقیماً به عمل مکلف تعلق می‌گیرد؛ بر خلاف قاعده اصولی که تعلق آن به فعل مکلف با واسطه است (حکیم، ۱۳۹۴: ۴۳).

۴- قاعده فقهی، تطبیقی است ولی قاعده اصولی استنباطی می‌باشد (فیاض، ۱۴۱۷ق: ج ۱: ۸).

۵- غایت و هدف قاعده اصولی بیان شیوه‌های اجتهاد و استنباط است اما هدف قاعده فقهی بیان حکم حوادث جزئی است (سلیمان الاشقر، ۱۴۱۲: ۱۴۱).

فرق قاعده فقهی و مسئله فقهی

دو تفاوت عمده میان قاعده و مسئله فقهی وجود دارد:

۱- تفاوت موضوعی: موضوع قاعده فقهی وسیع‌تر از موضوع مسئله فقهی است، بدین صورت که مسائل متعدد فقهی زیر مجموعه قاعده فقهی است و می‌توان قاعده را بر جمیع مسائل تطبیق نمود (ر. ک. بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴ و ۵).

۲- تفاوت از نظر شمول نوعی و فردی: بی‌تردید افراد بسیاری مندرج در قاعده و مسئله فقهی می‌شوند، اما افراد تحت پوشش قاعده، انواع و اصناف بوده و جزئیاتی که در تعریف قاعده اخذ می‌شود، جزئیات اضافی نوعی است در حالی که افراد زیرمجموعه مسئله فقهی افراد شخصی و مصادیق عینی می‌باشد (برای اطلاع بیشتر ر. ک: فاضل دربندی، الخزائن: ۱۱۲ و ۱۱۳).

با توجه به ویژگی‌های خاص قاعده فقهی در استقلالی بودن و مراجعه شخص مکلف به آن و اینکه می‌تواند حکم مسائل جزئی را تعیین کرده و از طرفی دارای شمول و فراگیری هم هست، این مقاله اگر چه از ادله فقهی (کتاب، سنت، اجماع، عقل) مربوط به حفظ محیط زیست غافل نیست، اما نگاه اصلی خود را در بازشناسی قواعد فقهی مرتبط با حفظ محیط زیست تنظیم نموده است. بررسی قواعد فقهی در حوزه محیط زیست، این نتیجه و ثمره عملی را برای مکلف دارد که نتیجه آنها اثبات ضمان (با توجه به برخی قواعد فقهی) در نتیجه هر عمل تخریبی و ترک اقدام اصلاحی در محیط زیست است.

بخش دوم: بایسته‌های فقهی حفظ محیط زیست

۱- قرآن کریم

با توجه به مفاهیمی چون بر اساس رحمت بودن کل خلقت، آیه و نشانه بودن خلقت، خلافت انسان در زمین، تناسب بهره‌مندی از محیط زیست با کرامت انسان، در تسخیر انسان بودن طبیعت و ابعاد گسترده نعمت (که محیط زیست، یکی از آن جمله است)؛ در قرآن کریم که در رابطه با محیط زندگی انسان مطرح شده و موضوعاتی را در هر یک مورد واکاوی قرار داده است، می‌توان طبیعت و محیط زیست طبیعی را میراث و امانت الهی برای انسان دانست تا با رعایت قواعدی، از آن بهره برده و بر حفظ و توسعه آن اهتمام ورزد.

در قرآن کریم چند دسته از آیات را می‌توان جست که یا بهره‌مندی از محیط زیست را حقی همگانی می‌دانند، یا مصادیقی از محیط زیست را نام برده و آن‌ها را برای بهره‌مندی انسان می‌داند، یا آیاتی که محیط زیست و مصادیق آن را تحت تسخیر و سیطره انسان می‌داند. با توجه به تناسب و تلازم حق و تکلیف، هر جایی که حقی ثابت باشد، مسؤلیتی نیز تعریف و تثبیت می‌شود که محیط زیست نیز از این امر مستثنی نیست.

از حداقل باید‌ها و نباید‌های ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استجاب و کراهت، تضمین حق جمعی و منفعت همگانی استظهار می‌شود. با تأمل در آیات می‌توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروا از آن و وجوب حفظ محیط زیست را به دست آورد؛ حدود ۱۹۸ آیه متضمن مضامین محیط زیست بوده و نیز در ۴۴۴ آیه به زمین اشاره شده که ۹۰ آیه آن در رابطه با محیط زیست می‌باشد. بعضی از این آیات جنبه ایجابی و آمرانه دارد، بعضی نیز کیفیت شکل‌گیری و اهمیت زمین در ارتزاق مردم را گوشزد می‌نماید، مفاد بعضی از آیات ویرانگری در نسل و محیط زیست را حرام می‌داند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵). اگر چه دستورات عمومی قرآن کریم را می‌توان دلیل بر حرمت تعدی و تفریط در بهره‌مندی از طبیعت دانست، ولی این ادله موضوعاً در ذیل این پژوهش نمی‌گنجد.

۲- سنت؛ مروری بر روایات

حضرت علی(ع) می‌فرماید: در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید، زیرا همه شما مسؤولید، حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات، پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). امام صادق(ع) می‌فرماید: سکونت‌گاه جز با سه چیز خوش نمی‌شود: هوای پاک، آب فراوان گوارا و زمین نرم و سست (آماده زراعت)^۲ (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۲۰).

همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: ای مالک اهتمام تو به آباد کردن زمین بیش از همت گماردن تو به جمع‌آوری درآمد باشد، چون درآمد بدون آبادانی حاصل نمی‌شود. فرآیند زندگی در این دنیا، سرنوشت انسان‌ها را به هم گره زده است و نمی‌توان بی‌تفاوت از به هم خوردن چرخه حیات و مسؤولیت‌های زندگی در محیط زیست، زیستی کامل و سالم داشت. ضرورت فقهی اهتمام به حفظ محیط زیست را می‌توان با دقت در روایاتی که در مورد کیفیت تعامل با طبیعت (آب، خاک، هوا)، جانوران، گیاهان، اشجار و... را بیان می‌کنند، به دست آورد. حتی جهت پرهیز از آسیب‌های وارده بر طبیعت در زمان جنگ، روایاتی از ائمه اطهار(ع) درباره قوانین جنگی نقل شده است که با مباحث اخلاقی و محیط زیستی و رعایت حقوق حیوانات و گیاهان و به طور کلی طبیعت، پیوند می‌خورد. از جمله ممنوعیت قطع درختان، آلودگی و مسموم کردن آب‌ها که از عوامل مهم تضييع حق جامعه بشری محسوب می‌شود. ذکر اهمیت آب و جلوگیری از آلودگی همگی نشانگر این است که آب به عنوان عنصری حیاتی و حق همگانی و حق الناس و دارای منفعت جمعی و از جایگاهی خاص برخوردار است؛ آلوده‌کننده ضامن و مسؤول است (ر.ک. سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

آنچه از مجموع ادله می‌توان به دست آورد، اینکه این ادله نه تنها در حوزه عمل شخص و تعیین تکلیف او در مورد حلیت یا حرمت نوع تصرف و میزان تصرف در محیط زیست به کار می‌آید، بلکه می‌تواند در مورد حوزه احکام وضعی نیز مؤثر باشد. بدین معنی که اگر معامله‌ای منعقد

۱- اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم.

۲- لا تطیب السکنی إلاّ بثلاث: الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الأرض الخوّارة

شده که منجر به تخریب محیط زیست می‌شود، می‌تواند حکم به ابطال آن داد. شمول این موارد می‌تواند گریبانگیر بسیاری از کارخانه‌ها و صنایعی باشد که یا در آلودگی هوا مؤثر هستند و یا پسماندهایی دارند که آب‌های اطراف را آلوده می‌کند.

۳- دلیل عقل

عقل به لحاظ آنچه که درک می‌کند به عقل نظری و عملی تقسیم شده است. عقل نظری عبارت است از ادراک آنچه که سزاوار دانستن است، مانند ادراک حقیقت جسم و روح، و عقل عملی عبارت است از ادراک آنچه که سزاوار انجام دادن یا ترک کردن است از بایدها و نبایدها (صدر، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴۱).

مقصود از حکم عقل در موضوع محیط زیست، بخشی از مدرکات عقل عملی است که در کتب اصولی متأخر مورد توجه قرار گرفته، و بر قاعده کلامی حسن و قبح عقلی و نیز قاعده ملازمه میان حکم عقل و شرع، استوار شده است (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۱۰-۲۰۰).

از نظر عقلی هرگونه اقدام انسانی که به برهم خوردن توازن و تعادل محیط زیست بینجامد و موجب اختلال در نظام زندگی و هلاکت انسان شود، قبیح است. در مقابل، تلاش آدمی به منظور حفظ و صیانت محیط زیست و احیای آن، و تقویت توازن و تعادل عناصر آن، که به حفظ نظام و بقای انسان بینجامد، نیکو است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

رکن اساسی این دلیل، مسئله حفظ نظام و بقای نوع آدمی است که از جمله قضایای مشهور به شمار می‌آید و آرای همه عقلا بر آن استقرار یافته و شارع نیز در مقام خالق عقل، با آن موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح محیط زیست و حرمت تخریب آن است (جعفری، ۱۴۱۹: ق ۱۵۴).

۳- بایسته‌های حفظ محیط زیست در پرتو قواعد فقهی

۳-۱- قاعده لاضرر

قاعده فقهی لاضرر، یکی از قواعد فقهی معروف است که دارای ادله خوبی در آیات و روایات می‌باشد. علی‌رغم مباحث فراوانی که در حوزه دلالت و ادله قاعده لاضرر و حوزه نفوذ آن میان فقهاء مطرح بوده، ولی معنای اصلی قاعده که بر عدم مشروعیت ضرر و اضرار در اسلام دلالت

می‌کند، قابل توسعه به حوزه مسائل محیط زیست می‌باشد. این قاعده که در مسئله حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی استواری برای قانون‌گذاری و اجرای قانون به شمار می‌رود. با استناد به این قاعده می‌توان گفت هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران و ضرر رساندن به آنها شود، از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می‌توان در قالب قاعده لاضرر بررسی کرد.

طبق این قاعده هرگونه حکم شرعی که زیان‌آفرین باشد، تشریح نشده است.^۱ درباره معنای این قاعده اختلاف نظرهایی است (انصاری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۳۴). شارع مقدس در اسلام هیچ‌گونه قانونی را که منشأ وارد کردن ضرر به دیگران یا به خود باشد، وضع نکرده است. با توجه به حدیث معروف سمره، زیان به یک شخص سبب شد پیامبر(ص) به سمره اجازه ندهد در درخت خود تصرف کند. حال اگر برخی تصرف‌ها به گروه زیادی از مردم زیان‌رسان باشد، بی‌شک این قاعده تصرفات مذکور را مهار می‌کند؛ مثلاً قطع جنگل‌ها که سبب پدید آمدن سیل‌های ویران‌گر و زیان‌بار می‌شود و یا آلوده کردن خاک‌ها و در نتیجه فرسایش آن‌ها و یا احداث یک کارخانه بزرگ که دود و گازهای متصاعد از آن می‌تواند برای همه مردم شهر زیان‌آفرین باشد یا استفاده از وسایل نقلیه‌ای که هوا را آلوده می‌کند، یا رها کردن فاضلاب کارخانه به رودخانه‌ها و یا آلوده کردن دریاچه‌ها و مسایلی از این دست که موجب وارد کردن ضرر به محیط زیست می‌شود، بر پایه این قاعده مهم فقهی جایز نیست. بدیهی است هر مقدار این زیان‌رسانی بزرگ‌تر و در تخریب محیط زیست مؤثرتر باشد، به طور روشن‌تر مشمول این قاعده خواهد بود. در زمان ما تخریب جنگل‌های بزرگ جهان و از بین بردن و آلوده کردن خاک‌ها، تأسیس کارخانه‌هایی که تصاعد گازهای گلخانه‌ای را در پی دارد و موجب افزایش دمای کره زمین می‌شود یا گازهایی که به لایه ازن لطمه می‌زند و نیز آلوده کردن آب‌ها از بزرگترین ضررها و ضررهایی است که آتش آن گریبان‌گیر همه انسان‌ها می‌شود (حسینی، ۱۳۹۳).

لاضرر قاعده‌ای است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی که برخی از فقیهان بدان

۱- به عنوان نمونه: کلینی ۱۴۰۱، ج ۵: ۲۹۲؛ طوسی ۱۳۹۰، ج ۹: ۱۴۶-۱۴۷. (طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰) تهذیب الاحکام.

بیروت: دار صعب، دار التعارف). (کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱) الکافی. بیروت: دار صعب، دار التعارف)

اذعان نموده‌اند، می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه‌های زیست‌محیطی استناد نمود. با توجه به سند قاعده لاضرر، در قضیه سمره بن جندب، ضرری که سمره ایجاد می‌کرد، عدم ایجاد امنیت در روابط اجتماعی بود و هرگز ضرر شخص مطرح نبود، بلکه امنیت خانواده را به چالش می‌کشید که یک ضرر جمعی بود، لذا منطق حقوق اسلامی به ما می‌آموزد تا با قیاس اولویت به ضرورت جبران خسارت ناشی از تجاوز به حقوق محیط زیست حکم نماییم، لذا قاعده لاضرر از قواعد حاکمه فقهی است؛ به این معنا که بر هر گونه مقرر شرعی، حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی‌دهند. این قاعده مستند به آیه ۲۳۳ سوره بقره، روایات متعدد، عقل و اجماع می‌باشد. طبق این قاعده هیچ کس نمی‌تواند فعالیتی که به زیان دیگری باشد انجام دهد، گرچه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد؛ ضامن جبران خسارت وارده شده است. حتی تمسک به اصل تسلیط، تا زمانی امکان‌پذیر است که بین آن و قاعده لاضرر، تعارضی به وجود نیاید در غیر این صورت، اصل لاضرر راجح است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

نکته کلیدی در بررسی قاعده لاضرر، حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است. به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز، فرد مطلق‌العنان نبوده و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست خود می‌باشد. در حوزه حقوق محیط زیست نیز اعمال قاعده لاضرر به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می‌انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد (ابراهیمی سالاری و همکاران، ۱۳۹۲).

۲-۳- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف مال دیگران از مهم‌ترین قواعدی است که فقهای اسلام در باب ضمان از آن بهره می‌برند. برخی از فقهای بزرگ برای اثبات این قاعده به یکی از آیات قرآن استناد کرده‌اند. دو تن از فقهای بزرگ، یعنی ابن ادریس و محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، به آیه «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره/۱۹۴)، استدلال کرده‌اند (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۶). گروهی از فقها نیز برای اثبات این قاعده به دسته‌ای از روایات استناد جسته‌اند (حر عاملی، ۱۳۹۲، ج ۱۹: ۱۸۱).

اتلاف به معنای از بین بردن و نابود کردن مال می‌باشد که در ابواب مختلف فقهی موضوعیت

داشته و به همین دلیل از قواعد پرکاربرد فقهی می‌باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۵۵). به عنوان مثال با توجه به این قاعده، هر کسی به امکانات و اموال عمومی مسلمانان، ضرر و زیانی برساند و به گونه‌ای در میزان بهره‌مندی از آن مشکلی ایجاد کند و سبب خسران دیگران گردد، به لحاظ حقوقی زیان‌زننده، ضامن است و باید خسارت وارد شده را بپردازد. از مجموع روایات مربوطه، فقها قاعده‌ای را برداشت کرده‌اند و از آن این گونه تعبیر کرده‌اند: «کسی که مال دیگران را تلف کند، ضامن خواهد و باید خسارت وارد شده به آن‌ها را بپردازد» (حسینی، ۱۳۹۳). حکم اولی در اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی، حرمت و از جهت وضعی، ضامن است (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۰).

برخی دیگر از فقیهان دلیل این قاعده را حکم عقلا دانسته‌اند. آنان معتقدند حکم عقلا و روش آنان این است که هرگاه کسی مال دیگران را تلف کند، ضامن آن خواهد بود و اسلام در واقع همان روش عقلا را امضاء کرده و خود حکم جدیدی در این مورد ابداع نکرده است. امام خمینی (ره) که در زمره این گروه است، بر این عقیده است که در زندگی خردمندان این نکته مسلم است که هر کس هر ضرر و زیانی به دیگران وارد کند، به گونه‌ای که مال او را تلف کند، ضامن پرداخت خسارت خواهد بود (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۴۶۵). برخی دیگر از فقها مستند این قاعده را از سوی اجماع و اتفاق نظر فقیهان و از سوی دیگر بدیهی بودن آن دانسته‌اند و بر این باورند که همه فرقه‌های اسلامی درباره این قاعده اتفاق نظر دارند و می‌توان گفت قاعده مذکور از مسائل ضروری و بسیار روشن اسلام است (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۴۶۵؛ بجنوری، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۷؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۳۴۷). بی‌گمان این قاعده صحیح است و در فقه اسلامی شهرت به سزایی دارد.

بر اساس قاعده اتلاف هر کسی مال دیگری را تلف کند ضامن است. قاعده اتلاف می‌تواند در مصادیق اعمال حق بر محیط زیست و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هر کس محیط زیست را تخریب نماید، در برابر آن ضامن است. برخی از فقها تمسک به قاعده اتلاف را قاعده عقلایی و بدیهی برشمرده‌اند.

در بررسی قاعده اتلاف، بحث مالکیت نیز مطرح می‌شود. در این مورد می‌توان گفت با توجه به رسمیت داشتن و قانونی بودن سه نوع مالکیت (مالکیت شخصی، مالکیت حکومت اسلامی و مالکیت ملی) در فقه، مالکیت محیط زیست در برخی مصادیق مانند انفال (دریاها، سواحل،

آب‌های عمومی، جنگل‌ها، مراتع، هوا و فضا....) تحت مالکیت دولتی حکومت اسلامی بوده و برخی دیگر مانند زمین‌ها و اراضی، تحت مالکیت ملی تعریف می‌شوند که متعلق به همه مردم بوده و قابل نقل و انتقال نیست و عین آن همیشه باقی می‌ماند. با توجه به اتلاف، می‌توان گفت هر نوع آلودگی و تخریب محیط زیست موجب ضمان است، چراکه محیط زیست متعلق به مردم یا تحت مدیریت حکومت اسلامی و جزء بیت‌المال است.

بر این اساس هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. از جمله در مواردی که محیط زیست مال متعلق به مردم باشد، با توجه به اینکه در اتلاف، قصد شرط نیست بر این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده‌تری برای خسارت‌زندگان به محیط زیست دست یافت، لهذا بر اساس همین نظریه می‌توان اصل مشهور «آلوده‌کننده باید خسارت بپردازد»^۱ یا اصل «پرداخت خسارت توسط آلوده‌ساز»^۲ را توجیه نمود (بهرامی‌احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶).

۳-۳- قاعده تسبیب

قاعده تسبیب از جمله قواعد فقهی مؤثر در باب ضمان است. بر اساس این قاعده اگر شخصی با واسطه سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت انتساب خسارت به او ضامن خواهد بود. مستندات این قاعده روایات و اجماع است که روایات مربوطه بیشترین نقش را در اثبات قاعده دارند (طباطبایی لطفی و روشنی، ۱۳۹۰).

بر اساس این نظریه، هر کس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود، باید از عهده خسارت وارده برآید، لذا در این نظریه، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد که از منظر آموزه‌های دینی هر سببی را که به عدم تعادل محیط زیست و تخریب آن بیانجامد، طبق این قاعده مسبب مسئولیت دارد. اما بنا به نظر برخی پژوهشگران، سببیت، قاعده مناسبی برای جبران کامل و سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست نیست، چرا که در غالب موارد مربوط به خسارات زیست محیطی

۱- یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست که در حقوق اروپایی تأسیس شده، اصل آلوده‌ساز، پرداخت کننده است که با قاعده اتلاف مرتبط بوده و طبق هر دو قاعده، کسی که سبب آلودگی زیست محیطی گردد، ملزم به پرداخت هزینه بازگشت محیط به شرایط اول می‌باشد. اگر چه در اثبات و تعیین مسبب در بسیاری از بحران‌های زیست محیطی، مشکلات جدی وجود دارد.

اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار رو به روست. فقهای امامیه نیز این قاعده را مورد نقد قرار داده‌اند. صاحب جواهر معتقد است موجب مسئولیت مدنی، اتلاف است نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز معیار و ضابطه، روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت، مسئولیت مدنی را به موارد مشابه سرایت داد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵).

علی‌رغم این که نظریه اتلاف تناسب بیشتری با اهداف حفاظت از محیط زیست دارد و می‌تواند به گونه‌ای حداکثری این وضعیت را تأمین نماید، لیکن باید از نظریه‌ای رقیب در فقه امامیه یاد کرد که ناظر به قاعده مشهور «تسبیب» است. در اینجا مشابه نظریه خطر یا مبتنی بر تقصیر؛ اسناد فعل به عامل زیان اهمیت دارد که از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست بسیار قابل انتقاد است. این نظریه که در حقوق کنونی بسیاری از کشورها نیز پذیرفته شده است، نظریه‌ای مناسب برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط زیست نیست. چرا که در غالب موارد مربوط به خسارات زیست‌محیطی، اسناد رابطه سببیت با دشواری‌های بسیار روبه‌رو است. فقهای امامیه نیز این نظریه را مورد نقد قرار داده‌اند. صاحب‌جواهر چنین قاعده‌ای را از روایات پراکنده قابل اصطیاد نمی‌داند و معتقد است موجب مسئولیت مدنی، اتلاف است نه تسبیب و در صورت فقدان اتلاف نیز؛ معیار و ضابطه، روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت، مسئولیت مدنی را به موارد مشابه سرایت داد (نجفی، بی تا، ج ۳۷: ۵۵۰ و ۵۴۱؛ ج ۳۴: ۹۷). برخی از فقها نیز ضمن تصدیق منشأ اتلاف برای ضمان، صرفاً «تحقق عرفی اتلاف» را مبنای مسئولیت قراردادده‌اند (الحسینی‌المراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۸). البته برخی از فقها نیز قاعده تسبیب را قاعده‌ای مستقل قلمداد نموده‌اند. برای مثال بجنوردی در استقلال قاعده انصاف ذکر نموده است که «انصاف این است که از روایت «من اخرج میزاباً» قاعده کلی استظهار شود و آن قاعده این است که هر فعلی که از فاعل مختار صادر شود و آن فعل سبب ورود تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که نزد عرف و عقلاً تلف به او اسناد داده شده و فعل دیگری فاصله نشود، فاعل چنین سببی، ضامن است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۵؛ شهید صدر، ۱۴۰۰ق، ج ۴: ۳۱۹؛ ر.ک. بهرامی‌احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶)

۳-۴- قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

یکی از قواعد فقهی مهم که فقها بدان پرداخته‌اند، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم است. آنچه که

در این قاعده در بدو امر جلب توجه می‌کند، تقابل نفع و ضرر و در واقع تلازم میان آن دو است. به عبارتی، غرامت و تاوان در برابر غنیمت و بهره است. یعنی کسی که به سود و بهره چیزی می‌رسد، زیان آن را هم تحمل می‌کند. قاعده مزبور بر پایه عدالت اجتماعی و تعادل بین سود و ضرر استوار شده است.... تقابلی که با خود معنای ملازمه را به همراه دارد. بدین معنی که لازمه بهره‌مندی شخص منتفع، مسئولیت وی در قبال خسارات ناشی از آن انتفاع، در برابر اشخاص ثالث است. در خصوص ضرری که در مقابل انتفاع و بهره‌مندی قرار می‌گیرد، باید بین دو حالت قائل به تفکیک شد؛ در مورد ضرری که به خود مال وارد می‌شود، بدون اینکه عامل انسانی دیگری در آن دخالت داشته باشد؛ شکی نیست که طبق قاعده من له الغنم فعلیه الغرم، شخصی که از موضوع انتفاع بهره‌مند می‌شود، مسئول آن است و نمی‌تواند جبران آن را از کسی بخواهد. اما در رابطه با ضرری که ممکن است این انتفاع به اشخاص ثالث وارد کند و عدم تدارک آن ناعادلانه به نظر می‌رسد، می‌توان از این قاعده با لحاظ شرایطی برای مسئولیت شخص بهره‌مند، بهره برد. بنابراین می‌توان گفت که نظریات جدید حقوقی مطرح شده که بر پایه نوعی مسئولیت محض استوار است، چیزی نیست جز صورتی از قواعد فقه اسلامی که سال‌ها پیش مشکل را در چنین مواردی حل نموده و به تعیین معیار پرداخته است (نویسی، ۱۳۹۲: ۳).

طبق این قاعده هر کسی که از چیزی فایده‌ای و بهره‌ای می‌برد، باید جبران خسارات آن را نیز بر عهده گیرد. بر اساس این قاعده فقهی که دارای مستندات و مبانی از روایات، اجماع و سیره عقلا می‌باشد، هر فردی که از فعالیتی بهره‌مند می‌شود، باید خسارت‌های ناشی از آن را نیز بپذیرد. بنابراین کسانی که به انحاء مختلف اقدام به بهره‌برداری از محیط زیست می‌نمایند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی بوده و مکلف به جبران مافات می‌شوند. بهره‌مندی از طبیعت طیف وسیعی از اقدامات را در برمی‌گیرد. مواردی مانند احداث صنایع تولیدی، کارخانه، سد، ساخت و ساز در جنگل‌ها و مراتع، بهره‌برداری از حریم رودخانه‌ها، قطع اشجار و

۵-۳- قاعده تضایف حق و تکلیف^۱

۱- با توجه به اینکه قواعد فراوانی در لابه‌لای روایات و احیاناً کلمات فقها وجود دارند که استخراج نشده‌اند، ممکن است قواعدی مانند تضایف حق و تکلیف، عدالت، حق الناس و جزء قواعد فقهی مشهور در فقهات نبوده و به عنوان قواعدی

مقصود از حق در اینجا حق در برابر تکلیف است. حق، چیزی است که به نفع فرد و بر عهده دیگران است و تکلیف، چیزی است که بر عهده فرد است و به نفع دیگران. مراد از حق در اینجا امتیازات و اختیاراتی است که افراد جامعه از آن برخوردارند، مانند حق مالکیت، آزادی، حق رأی، حق بهره‌مندی از محیط زیست و و گاهی از آن به حقوق فردی تعبیر می‌شود. واژه حقوق در تعبیر حقوق و آزادی‌های عمومی، حقوق ملت، حقوق و تکالیف مردم و مانند آن به همین معناست.

تکلیف در اصطلاح عبارت است از انجام فعل یا ترک فعلی که قانون‌گذار فرد را به آن ملزم کرده است و هرگاه بر خلاف آن رفتار نماید به جزایی که در خور آن است، دچار می‌گردد (امامی، ۱۳۸۳: ۱۱). به بیان دیگر کلیه الزامات قانون را می‌توان تکلیف نامید (جعفری لنگرودی، ۱۷۷) و الزامات قانون گاهی در قالب امر است؛ مثل اینکه خداوند امر فرموده است که باید مرد نفقه زن و همسرش را بدهد. این یک تکلیف قانونی به عهده شوهر و یک حق قانونی برای زن است که در صورت خودداری شوهر از پرداخت نفقه، زن می‌تواند شکایت نماید و گاهی تکلیف در قالب نهی است؛ مثلاً خداوند فرموده است که نباید سرقت یا خیانت در امانت و یا کلاهبرداری کرد و اگر کسی مرتکب این قانون‌شکنی گردد، مجازات می‌شود. این نهی، ایجاد تکلیف می‌کند.

درباره مسئله حق و تکلیف، دانشمندان اسلامی مباحث بسیاری مطرح کرده‌اند. علامه در قواعد (کتاب النکاح)، محقق قمی در جامع الشتات (کتاب الطلاق)، صاحب جواهر در کتاب النکاح، شیخ انصاری در کتاب البیع به آن پرداخته‌اند و نیز شیخ هادی تهرانی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ق)، سیدمحمد آل بحرالعلوم (۱۲۶۱-۱۳۲۶ ق)، میرمحمدتقی مدرس اصفهانی (۱۲۷۶-۱۳۳۳ ق) و شیخ محمدحسین غروی اصفهانی (متوفای ۱۳۶۱ ق) رساله‌های مستقلی در این زمینه به یادگار گذاشته‌اند.^۱

با توجه به این قاعده و رابطه متقابل حق و تکلیف، می‌توان گفت حق و تکلیف رابطه‌ای متقابل و

نشان‌دار (مانند لاضرر) مورد بحث قرار نگرفته باشند، اما این موارد از شرایط لازم برای قاعده بودن برخوردار بوده و دارای پشتوانه بسیار خوب قرآنی و روایی هستند که می‌توانند به تشخیص تکلیف و عمل به آن کمک بسزایی نمایند.
 ۱- ر. ک: مقاله (مبانی کلامی حق و تکلیف)، جوادی آملی، فصل نامه اندیشه نوین دینی، شماره ۱، ص ۹.

دوسویه با یکدیگر دارند. اگر بهره‌مندی همگانی از محیط زیست را حقی عمومی بدانیم، تکلیفی نیز تعریف و تثبیت می‌شود. هر کجا در فقه، حقوقی برای کسی تعریف می‌شود، بایسته‌ها و الزامی نیز تعریف می‌شود. با توجه به آنچه در ذیل ادله قرآنی حفظ محیط زیست بیان شد، خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و به انسان حق تصرف در آن را داده است، در مقابل استفاده از این حق باید به نحوی باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. در قرآن کریم، همان طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت برای انسان ذکر شده، مسئولیت و تکلیف عمران و آبادانی زمین نیز بر عهده او گذاشته شده است^۱. شاید در پرتو همین نگاه باشد که اصل پنجاهم قانون اساسی تصریح می‌کند که: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

۶-۳- قاعده عدالت

عدالت ناموس بزرگ الهی است و مدار آفرینش نظام تکوین و پیدایی نظام تشریح بوده است^۲. آیات متعددی از قرآن^۳ و نیز روایات مختلف مردم را با تأکید بسیار به اجرای عدالت فرمان می‌دهد. بررسی این آیات و روایات نشان می‌دهد که در اسلام، عدالت از مهم‌ترین ضوابط و محورهای تصمیم‌گیری است که باید به عنوان مبنا و معیار احکام فقهی و قوانین موضوعه باشد. عدالت اقتضا می‌کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق

۱- هُوَ آتَشَأْكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود، ۶۱)؛ اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت.

۲- وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید! (الرحمن، ۹-۷).

۳- برخی از این آیات عبارتند از: قل امر ربی بالقسط؛ ای پیامبر بگو خداوند مرا به اجرای عدالت فرمان داده است (اعراف/۲۹)، و امرت لاعدل بینکم؛ به من فرمان داده اند تا میان شما عدالت برقرار کنم (شوری/۱۵)، یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط؛ مؤمنان عدالت را بسیار پیادارید (نساء/۱۳۵).

امت‌های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم‌نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد (عمیق، ۱۳۹۲).

عدل در نظام هستی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه مناسب خود است و عدالت آن است که حق هر موجودی، چنان که شایسته اوست، ادا شود (اعطاءً کلّ ذی حقّ حقّه) و رکن رکین عالم هستی به شمار می‌آید. لذا به منظور حفظ این رکن، خداوند متعال انسان را به برپایی عدالت سفارش می‌کند و پیامبران خود را نیز به همین منظور برای انسان‌ها فرستاده است. عدالت اقتضا می‌کند که تصرفات انسان در محیط اطراف خود تصرفات ظالمانه نباشد و حقوق امت‌های آینده را در نظر بگیرد. چنان که حقوق سایر هم‌نوعان خود را در تمام اطراف عالم در نظر داشته باشد. طبق آیات و روایات بر هر فردی واجب است که در رفتار و منش خود اصل عدل و انصاف را رعایت کند. همان طور که احکام دین اسلام جهانی و جاودانه بوده، شامل انسان‌هایی که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند نیز می‌شود. برخورداری از مواهب طبیعی نیز به یک نسل اختصاص ندارد، یعنی افزون بر عدالت درون نسلی، عدالت بین نسلی نیز جایگاه خود را دارد. بر این اساس، هر گونه استفاده‌ای از منابع طبیعی که به نابودی آنها بینجامد یا سبب آلوده‌سازی محیط زیست شود و زندگی را برای دیگر انسان‌ها مشکل سازد، به دور از عدالت و مخالف انصاف است و از نظر منطق اسلامی ممنوع و ضمان‌آور است (عمیق، ۱۳۹۲).

۲-۳- قاعده اختلال نظام

این قاعده از جمله قواعدی است که در علم اصول فقه مورد استفاده قرار گرفته است و محققان بزرگ این دانش در موارد متعددی، از جمله آن جا که احتیاط واجب نیست، از این قاعده بهره برده‌اند (انصاری ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۹۶؛ خراسانی ۱۴۱۴ق: ۳۵۸). بر پایه این قاعده، هیچ گونه حکم شرعی و نیز قاعده اصولی که اختلال نظام معیشتی و زندگی بشر را در پی داشته باشد، در اسلام جعل نشده است. مقصود آنان از نظام زندگی، نظام معیشتی انسان است؛ آن چه نظام معیشتی زندگی بشر را سامان دهد، به نوبه خود دارای نظام‌های کوچکتری است که در درون آن قرار دارد؛ مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام اجتماعی و فرهنگی و مواردی از این قبیل. بی‌شک انسان در صورتی می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد که نظام طبیعت و چرخه طبیعی به درستی عمل کند و هرگاه بخشی از آن مختل شود و چرخه طبیعی و نظام زیستی حاکم بر طبیعت دچار

مشکلاتی شود یا حرکت آن به کندی گراید، دیگر انسان نخواهد توانست نظام زندگی خود را حفظ کند و بی‌شک اختلال و چالش عظیمی بر نظام حیات او حکم فرما خواهد شد. اگر اعمال آدمی، چه فردی و چه جمعی، به محیط زیست زیان رساند و آن را ویران سازد، بی‌شک این نظام احسن و بی‌نظیر، مختل شده است (حسینی، ۱۳۹۳).

می‌توان نام این قاعده را قاعده وجوب حفظ تعادل در طبیعت نامید و دلایل آن را عقل و نقل، اعم از قرآن و سنت دانست و می‌توان آن را بخشی از قاعده اختلال نظام دانست. در هر دو صورت چون مسأله‌ای جدید است، فقها بدان نپرداخته‌اند. تفاوت این دو در آن است که در قاعده لزوم حفظ تعادل در طبیعت، تخریب طبیعت و تغییر آن، هرچند به مرحله اختلال و تخریب عظیم نرسد، حرام است. اما در صورت اول، حرمت تنها در فرضی است که تخریب طبیعت به مرحله اختلال نظام برسد که یکی از مصادیق آن در زمان ما وقتی است که هوای شهر به قدری آلوده می‌شود که از حد مجاز خارج می‌شود یا در بعضی مناطق آب‌ها چنان آلوده می‌شود که حیات مردم به خطر می‌افتد. از آنجا که درباره قاعده اختلال نظام، فقها در فقه و اصول به تفصیل مطالبی آورده‌اند ولی درباره محیط زیست نیز نیازمند یک تطبیق هستیم (حسینی، ۱۳۹۳).

۸-۳- قاعده حق الناس

در فرهنگ سنتی اسلامی دو گونه حق شهرت دارد: حق الله و حق الناس. مقصود از حق الله انجام واجبات و ترک گناهانی است که در یک محور اصلی یعنی ارتباط با خدا مشترکند. به عنوان نمونه نماز و روزه از واجبات بزرگ و از حق الله محسوب می‌شوند و هرگاه آدمی این وظایف را به گونه شایسته و درخور انجام ندهد، سزاوار کیفر الهی است؛ چون مرتکب گناه شده است. در مقابل این حق، حق الناس است. گستره این حقوق مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. در روایتی از امام علی (ع) نقل شده که: خداوند متعال حقوق بندگانش را بر حقوق خود مقدم ساخت، پس هر کس حقوق مردم را ادا کند، زمینه ادا کردن حقوق خدا نیز در او فراهم می‌آید (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۳: ۳۷۰).

همچنین در روایتی دیگر آمده است: « با فضیلت‌ترین راه عبادت خداوند اداء حق مؤمن

است^۱ (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۳۹). روایاتی از این دست بسیار است. در مقابل، برخی روایات از کيفر دردناک تضييع حقوق مردم سخن می‌گویند. در حدیثی آمده است: «آن ظلمی که بازخواست می‌شود، ظلم بنده به بنده دیگری است که قصاص و تلافی آن در آخرت دشوار است و قصاص در آن جا با زخم کاردها و زدن تازیانه نیست و به گونه‌ای است که زخم کاردها و درد شلاق‌ها در برابر آن کوچک و حقیر است^۲» (نهج البلاغه، سیدرضی، خطبه ۱۷۵). عقل انسان حکم می‌کند که برای انجام این فریضه الهی در آغاز، حقوق مردم را بشناسد چه این که بدون شناخت حق الناس ممکن است از سر جهل آن حقوق پای مال شود. در این باره روایاتی نیز بر شناخت حقوق مردم تأکید می‌ورزد؛ به عنوان نمونه در روایتی از امام حسن عسکری (ع) چنین نقل شده است: «والاثرین مقام را نزد خداوند کسانی دارند که حقوق برادران خود را (مردم را) بهتر بشناسد و بهتر ادا کنند^۳» (مجلسی، ج ۷۵: ۱۱۷). شناخت حقوق دیگران، امری ضروری در منظومه معارف دینی است. بی‌تردید یکی از حقوق مسلم انسان‌ها، برخورداری از محیط زیستی سالم است که تخطی از آن موجب ایجاد حق الناس بوده و عامل تضييع حق دیگر هموعان است. با همین مبنا تنظیم رابطه انسان با محیط زیست ضرورتی مضاعف پیدا می‌کند.

نتیجه

با توجه به شرایط فعلی محیط زیست و تخریب رو به افزایش آن، می‌توان گفت بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران‌های برآمده از فرهنگ مادی‌گرا، زمینه‌ها و پشتوانه‌های فلسفی و اخلاقی دارد. در حال حاضر به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است (کیس، ۱۳۷۹: ۷۰۸).

در چنین شرایطی بررسی نگاه دین به محیط زیست، اهمیتی مضاعف می‌یابد. برای آگاهی از جایگاه محیط زیست در منظومه تعالیم دینی می‌توان تقسیمی چهارگانه را از تمام روابط انسان در

۱- ما عبد الله بشيء افضل من اداء حقوق المؤمن

۲- و اما الظلم الذي لا يترك فظلم العباد بعضهم لبعض القصاص هناك شديد ليس هو جرحاً بالمدى ولا ضرباً بالسياط ولكن ما يستصغر ذلك معه

۳- اعرف الناس بحقوق اخوانه و اشداهم قضائاً لها اعظمهم عند الله شأناً

نظر گرفت؛ رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگر انسان‌ها و رابطه انسان با طبیعت. چگونگی تعامل انسان با طبیعت و منابع طبیعی، آب، خاک، هوا، جنگل، جانوران و...؛ در حوزه چهارم روابط انسان تعریف شده و احکام این روابط در نگاه فقهی به این حوزه تبیین و تشریح می‌گردد.

با توجه به سؤال اصلی این مقاله که «آیا قواعد فقهی می‌توانند الزاماتی را در حفظ محیط زیست تعریف نمایند؟»، می‌توان در نتیجه‌گیری از مطالب مطروحه بیان داشت که در بررسی فقهی حفظ محیط زیست، ادله مختلفی از قرآن، سنت و عقل مطرح است، اما در این میان، با توجه به ویژگی‌های خاص قاعده فقهی در استقلالی بودن و مراجعه شخص مکلف به آن و اینکه می‌تواند حکم مسائل جزئی را تعیین کرده و از طرفی دارای شمول و فراگیری هم هست، بررسی قواعد فقهی در حوزه محیط زیست، این نتیجه و ثمره عملی را برای مکلف دارد که نتیجه آنها اثبات ضمان (با توجه به برخی قواعد فقهی) در نتیجه هر عمل تخریبی در محیط زیست است.

قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب، قاعده من له العُثم فعلیه العُرم، قاعده تضایف حق و تکلیف، قاعده عدالت، قاعده اختلال نظام و قاعده حق الناس؛ هشت قاعده‌ای هستند که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و هر یک از زاویه‌ای مسئولیت‌هایی را در تعامل انسان با طبیعت ایجاد می‌نمایند.

لاضرر قاعده‌ای است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی که برخی از فقیهان بدان اذعان نموده‌اند، می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه‌های زیست‌محیطی استناد نمود. نکته کلیدی در بررسی قاعده لاضرر، حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است. به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز، فرد مطلق‌العنان نبوده و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست خود می‌باشد. در حوزه حقوق محیط زیست نیز اعمال قاعده لاضرر به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می‌انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد. بر اساس قاعده اتلاف نیز هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است.

بر اساس قاعده تسبیب، هر کس سبب خسارت یا تلف مال غیر شود، باید از عهده خسارت وارده برآید، لذا در این قاعده، اثبات رابطه سببیت اهمیت ویژه‌ای دارد که از منظر آموزه‌های دینی هر سببی را که منجر به عدم تعادل محیط زیست و تخریب آن بیانجامد، مسبب مسئولیت دارد.

با توجه به قاعده من له الغنم فعلیه الغرم کسانی که به انحاء مختلف اقدام به بهره‌برداری از محیط زیست می‌نمایند، مشمول این حکم از ضمانت شرعی بوده و مکلف به جبران مافات می‌شوند. بهره‌مندی از طبیعت نیز طیف وسیعی از اقدامات را در برمی‌گیرد. مواردی مانند احداث صنایع تولیدی، کارخانه، سد، ساخت و ساز در جنگل‌ها و مراتع، بهره‌برداری از حریم رودخانه‌ها، قطع اشجار و غیره. قاعده تضایف حق و تکلیف، قاعده عدالت، قاعده اختلال نظام و قاعده حق الناس نیز هر کدام وظایفی فقهی و اخلاقی را برای انسان ترسیم نموده و چارچوب‌هایی را تعریف می‌کنند که در ذیل عمل دقیق به آن‌ها می‌توان به حفظ محیط زیست، امید بست.

در پایان ذکر این نکته لازم است که یکی از ملاحظات مهم در بررسی‌های فقهی، حل تعارضی است که میان ادله نقلی بویژه در روایات حاصل شده و بررسی و نحوه جمع‌بندی بین آنها، ابوابی مهم در اصول فقه را با عنوان حکومت و ورود، تخصیص و تخصص و ... شکل داده است. اما در این مقاله با توجه به اینکه مبنای پژوهش در حوزه قواعد فقهی بود، این قواعد مؤید یکدیگر در الزامات حفظ محیط زیست بوده و با توجه به آنچه در فرآیند پژوهش نتیجه گردید، قواعد فقهی نه تنها تعارضی با یکدیگر در تبیین الزامات حفظ محیط زیست نداشتند، بلکه یکدیگر را پشتیبانی و تقویت می‌کردند. در مورد همپوشانی این قواعد با یکدیگر نیز ذکر این نکته ضروری است که افزایش تعداد ادله‌ای که یک نتیجه فقهی را پشتیبانی می‌کنند، به معنای همپوشانی آن ادله با یکدیگر نیست، بلکه به استحکام نتیجه حاصله کمک می‌نماید.

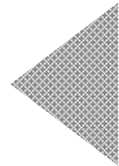
منابع

- ابراهیمی سالاری، تقی؛ صالح‌نیا، نفیسه؛ لشکری‌پور، فاطمه (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه محیط زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار، **همایش ملی پژوهش‌های محیط زیست ایران**، همدان، دانشکده شهید مفتاح (آبان ۹۲)
- امامی، سیدحسین (۱۳۸۳)، **حقوق مدنی**، انتشارات اسلامی، تهران، ج ۴.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۸۵)، **فرائد الاصول**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- ایروانی، باقر (۱۴۲۶)، **دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه**، قم، دارالفقه للطباعه و النشر، چاپ سوم، ج ۱.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۰)، **غور الحکم و درر الکلم**، مترجم: جمال الدین محمد خوانساری، با تحقیق میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.

- بنان، غلامعلی (۱۳۵۱)، **محیط زیست انسان و جلوگیری از آلودگی آن**، انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسان، تهران.
- بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، **القواعد الفقهیه**، نشر الهادی، قم.
- بهرامی احمدی، حمید و فهیمی، عزیزاله (۱۳۸۵)، مبنای مسئولیت مدنی زیست محیطی در فقه و حقوق ایران، **دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی**، دوره ۸، شماره ۲۶، پاییز و زمستان، صص ۱۵۰-۱۲۱.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، **قواعد فقه، مختصر هفتاد و هفت قاعده فقهی و حقوقی، با تطبیق بر قوانین**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، **ترمینولوژی حقوق**، نشر گنج دانش، تهران.
- جعفری، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، **رساله فقهی**، تهران، منشورات کرامت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، مبانی کلامی حق و تکلیف، **فصلنامه اندیشه نوین دینی**، شماره ۱.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۲)، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- الحسینی المراغی، سیدمیر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، **العناوین الفقهیه**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۱۴)، **قاعده لاضرر ولا ضرار**، قم: موسسه آل البیت (ع).
- حسینی، سیدعلی (۱۳۹۳)، **محیط زیست در قواعد فقهی**، در: <http://rasekhoon.net/article>
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳)، **تحف العقول**، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- حکیم، سیدمحمدتقی (۱۳۹۴)، **الاصول العامه للفقّه المقارن**، ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- خمینی، روح الله الموسوی (۱۳۹۷)، **کتاب البیع**، نجف: مطبعة الآداب.
- رحمانی، محمد (۱۳۷۵)، **پژوهشی در قواعد فقهی، مجله فقه اهل بیت (ع)**، شماره ۷، صص ۱۸۸-۱۶۳.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، **تهذیب الاصول، تقریرات درس خارج اصول امام خمینی (ره)**، نشر اسماعیلیان، قم.
- سلیمانی، ایران؛ راعی، مسعود، واعظی، سیدحسین (۱۳۹۵)، مبنای حق بر محیط زیست در فقه امامیه، **فصلنامه اخلاق زیستی**، سال ششم، شماره نوزدهم، بهار، صص ۱۰۰-۷۶.
- سلیمان الأشقر، عمر (۱۴۱۲)، **تاریخ الفقه الاسلامی**، دار النفائس، عمان.
- شبخیز، محمدرضا (۱۳۹۲)، **اصول فقه دانشگاهی**، نشر لقاء، قم.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۰ هـ ق)، **بحوث فی شرح العروه الوثقی**، بیروت، مجمع الشهد آیت الله الصدر العالمی.
- طباطبایی لطفی، عصمت السادات و روشنی، محمود (۱۳۹۰)، قاعده تسبیب و رابطه آن با قاعده اتلاف، **فصلنامه تخصصی مطالعات فقهی و فلسفی**، دوره ۲، شماره ۷، پاییز، صص ۹۱-۷۳.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰)، **تهذیب الاحکام**، بیروت: دارالتعارف.
- عمیق، محسن (۱۳۹۲)، درآمدی بر فقه محیط زیست، **نشریه کاوشی نو در فقه اسلامی**، شماره ۷۸.
- فاضل تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ق)، **الوافیه فی اصول الفقه**، تحقیق سید محمدحسین رضوی کشمیری، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- فهیمی، عزیزالله و عربزاده، علی (۱۳۹۱)، مبانی فقهی حقوق محیط زیست، **پژوهشنامه حقوق اسلامی**، شماره پیاپی ۳۵، بهار و تابستان ۹۱، صص ۲۰۹-۱۸۹.
- کیس، الکساندر (۱۳۸۴)، **حقوق محیط زیست**، ترجمه محمدحسن حبیبی، دانشگاه تهران.
- فیاض، محمداسحاق (۱۴۱۷ق)، **محاضرات فی اصول الفقه (تقریرات درس آیت الله سید ابوالقاسم خوئی)**، چاپ انصاریان، قم.
- لواسانی، احمد (۱۳۷۵)، **کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجلسی، محمد باقر (بی تا)، **بحار الانوار**، ج ۷۵، باب ۲۳، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۶)، **اصطلاحات الأصول و معظّم أبحاثها**، نشر الهادی، قم.
- مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۱ق)، **القواعد، مائه قاعده فقهیه، معنی و مدرک و مورد**، قم، دفتر نشر اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۶۸)، **اصول الفقه**، ج سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ هـ ق)، **القواعد الفقهیه**، قم: نشر مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
- میرقوام، عظیم (۱۳۷۵)، **حمایت کیفری از محیط زیست**، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول.
- نجفی، محمدحسن (بی تا)، **جواهرالکلام فی مسائل الحلال و الحرام**، تحقیق شیخ عباس قوچانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوایی، سارا (۱۳۹۲)، **تقابل نفع و ضرر (قاعده من له الغنم فعلیه النرم) به عنوان مسؤلیت مدنی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۹)، **نهج الفصاحه**، تحقیق غلامحسن حیدری، ج ۲، مؤسسه انصاریان، قم.

تحلیل هم‌جمعی از کیفیت زندگی منطقه‌ای در ایران



مجتبی ولی‌بیگی^۱

مجید فشاری^۲

مژگان ولی‌بیگی^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۳/۸ - تاریخ تصویب ۹۶/۷/۲۰)

چکیده

این پژوهش با استفاده از تکنیک‌های هم‌انباشتگی و تحلیل علیت گرنجر به بررسی روابط بین شاخص‌های کیفیت زندگی با هم می‌پردازد. نتایج آزمون تکنیک هم‌انباشتگی که به بررسی ارتباط بلندمدت بین متغیرها می‌پردازد، نشان می‌دهد که در میان شاخص‌ها بیشترین رابطه بلندمدت به ترتیب متعلق به نرخ اشتغال بوده است. نتایج آزمون گرانجر که در زمینه تصمیم‌گیری در رابطه با جهت علیت بین دو متغیر می‌باشد، نشان می‌دهد که رابطه علی معناداری میان رشد اقتصادی مناطق و اشتغال با سایر شاخص‌های کیفیت زندگی در استان‌های ایران وجود دارد؛ درحالی‌که این رابطه هم‌کنون به طور عکس معنادار نبوده است. بهبود در رشد اقتصادی مناطق و اشتغال می‌تواند در بلندمدت منجر به بهبود کیفیت زندگی به طور معنادار شود، اما این رابطه به طور عکس هم اکنون برقرار نیست، در نتیجه به نظر می‌رسد در حال حاضر با توجه به

۱ - استادیار مرکز آموزش عالی فنی مهندسی بوئین‌زهرآ، گروه شهرسازی (نویسنده مسئول)، mojtaba.valibeigi@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه خوارزمی، گروه اقتصاد

۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مالی

نتایج این مطالعه باید توجه ویژه‌ای به رشد اقتصادی در سیاست‌های منطقه‌ای نسبت به دیگر شاخص‌ها در میان استان‌ها داشته باشیم.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، تحلیل هم‌جمعی، تحلیل گرنجر، توسعه انسانی.

۱. مقدمه

تحقیقات انجام شده در ایران وجود تفاوت میان استان‌های کشور را از لحاظ توسعه منطقه‌ای و کیفیت زندگی نشان می‌دهد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۷) و از جمله اهداف توسعه استان‌های کشور، از میان بردن دوگانگی بین توسعه‌ها و توسعه متوازن این مناطق است. لازمه دستیابی به این هدف بالاتر بودن سرعت رشد در مناطق توسعه‌نیافته نسبت به مناطق ثروتمند است (رحمانی و حسن زاده، ۱۳۹۰: ۱۳). بنابراین امروزه تأکید بر مباحث توسعه انسانی و توجه به عواملی از جمله نابرابری، کیفیت زندگی و رفاه افزایش یافته است و سیاست‌گذاری‌هایی مبتنی بر تخصیص کارآمدتر منابع انجام شده است (استوار، ۱۳۸۹: ۱۵).

منظور از سیاست اجتماعی مجموعه‌ای از برنامه‌هایی است که توسط دولت و دیگر سازمان‌ها برای نائل شدن به اهداف اجتماعی همچون برابری میان مناطق در برخورداری از فرصت‌ها، تأمین نیازهای مناطق مختلف به آموزش، بهداشت و ... و حل و کنترل مسائل اجتماعی چون بیکاری اتخاذ می‌شود (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۱۲)؛ در همین راستا، فهم بهتر و دقیق‌تر پدیده‌های جغرافیایی چون نابرابری، کیفیت زندگی و توسعه منطقه‌ای در سطوح ملی و منطقه‌ای و نیز دستیابی به شناخت علمی‌تر از مکان‌های جغرافیایی منوط به در اختیار داشتن اطلاعاتی جامع از مکان‌های مورد نظر است. بر این اساس بررسی تأثیر شاخص‌های کیفیت زندگی بر رشد و توسعه منطقه‌ای می‌تواند سیاست‌گذاران و کارشناسان را در اتخاذ سیاست‌های بهینه و مناسب به منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و بهبود کیفیت زندگی مناطق یاری رساند (طالبی و زنگی‌آبادی، ۱۳۸۹: ۱۷). بر این اساس تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی به تحلیل رابطه بلندمدت شاخص‌های کیفیت زندگی بر توسعه بلندمدت منطقه‌ای و تحلیل رابطه علی میان شاخص‌های کیفیت زندگی با توسعه منطقه‌ای می‌پردازد.

۲. پیشینه تحقیق

تحول اساسی که امروز در رویکرد به کیفیت زندگی رخ داده است، بر اساس سیاست‌هایی است که در آن هر چه مؤثرتر بودن سیاست‌ها در بهبود کیفیت زندگی مردم در اولویت قرار دارد. تحلیل‌های تغییرات در بهره‌وری اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی بین دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نشان می‌دهد، سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی جزء قوی‌ترین موتورهای رشد اقتصادی است. سه تأثیر ارتقاءدهنده رشد توسعه انسانی عبارت‌اند از: اول آنکه چنین سرمایه‌گذاری کارآمدی اقتصادی را فراهم می‌کند. دوم، منابع نیروی کار را فراهم می‌کند که رشد بدان وابسته است. سوم، نابرابری اجتماعی را کاهش می‌دهد و به طور بالقوه رشد را پایدارتر می‌سازد (Haldar and Mallik, 2010).

اریک هانوشیک^۱ (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و نقش سرمایه انسانی در آنها را مورد بررسی قرار داده و بیان می‌دارد که توجه به سرمایه انسانی به عنوان محرک رشد اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه منجر به توجه غیرضروری و نادرست به میزان سال‌های تحصیل شده است. کشورهای در حال توسعه، پیشرفت قابل توجهی را در کاهش شکاف خود با کشورهای توسعه یافته بر حسب این شاخص داشته‌اند، اما تحقیقات اخیر بر اهمیت مهارت‌های شناختی برای رشد اقتصادی تأکید دارند. این نتیجه توجهات را به سمت مسأله کیفیت تحصیل معطوف می‌کند؛ از نگاه اریک هانوشیک (۲۰۱۳) کشورهای در حال توسعه در کاهش شکاف خود با کشورهای توسعه یافته کمتر موفقیت کسب کرده‌اند و بر این اساس بدون بهبود کیفیت تحصیل، کشورهای در حال توسعه در بهبود عملکرد اقتصادی بلندمدت‌شان به مشکل برخورد خواهند کرد. هالدر و مالک^۲ (۲۰۱۰) بیان کردند آموزش همیشه به عنوان نخستین سرمایه انسانی ظاهر شده است. بخش زیادی از مطالعه در زمینه سهم آموزش در توسعه اقتصادی به طور اساسی متکی است بر برآوردهای بین کشوری که شاخص اصلی آنها نرخ خام ثبت نام یا متوسط تعداد سال‌های به مدرسه رفتن می‌باشد. آدلمن و موریس (۱۹۷۰) به بررسی معرف‌های اقتصادی-اجتماعی متعددی پرداختند.

۱- Eric Hanushek

۲- Haldar&Mallik

موخرجی و چاکروبرتی^۱ (۲۰۱۰)، در کار تحقیقی "آیا هیچ ارتباطی بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود دارد؟"^۲ تلاش دارند تا ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی را برای ۲۵ ایالت اصلی هند در طول ۴ دوره زمانی تحلیل کنند. آنها تصدیق می‌کنند که نیاز به بررسی بیشتری برای تعیین عوامل زمینه‌ای (به غیر از درآمد سرانه) وجود دارد که دستاوردهای توسعه انسانی یک ایالت را متأثر می‌کند.

قدری و واحد^۳ (۲۰۱۱)، ارتباط بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در پاکستان را برای دوره ۱۹۷۸-۲۰۰۷ مورد بررسی قرار می‌دهند. شاخص آموزش و سلامت تعدیل شده برای سرمایه انسانی بکار گرفته می‌شود و ارتباط مثبت بلندمدت بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در پاکستان تأیید می‌شود.

۳. مدل تحقیق و روش برآورد

تحقیق حاضر به صورت توصیفی تحلیلی سعی در بررسی رابطه بلند مدت نماگرهای کیفیت زندگی و جهت اثرگذاری آنها بر توسعه منطقه‌ای دارد. بدین منظور دوره‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ انتخاب شدند. سپس با توجه به دیگر مطالعات که بخشی از آن در پیشینه تحقیق شرح داده شد؛ شاخص توسعه انسانی معرفی شده توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ به عنوان مبنا جهت سنجش روندهای کیفیت زندگی مناسب تشخیص داده شد. این شاخص با توجه به اصلاحات صورت گرفته در آن، همکنون به نظر شاخص کامل‌تری جهت سنجش کیفیت زندگی و سرمایه انسانی به نظر می‌رسد، برای مثال دیگر این شاخص تنها به سنجش نرخ ثبت نام یا متوسط تعداد سال‌های تحصیل افراد نمی‌پردازد و سنجش کامل‌تری را در حوزه آموزش ارائه می‌کند.

بعد از بررسی نقدهایی که به شاخص‌های توسعه انسانی شده و ضعف آن در بعضی از شاخص‌ها مانند در نظر نگرفتن شاخص محیطی و یا نبود بعضی از اطلاعات آن به صورت استانی در ایران همچون شاخص درآمد سرانه ناخالص استانی، شاخص‌هایی به تحقیق افزوده شد که در جدول

۱- Mukherjee & Chakraborty

۲- Is there any Relationship between Economic Growth and Human Development?

۳- Qadri & Waheed

زیر نشان داده شده است (مبانی نظری کاملی از این شاخص، تحول و روندهای آن و چگونگی وزن‌دهی شاخص توسعه انسانی و زیر شاخص‌های آن و علت چنین وزن‌دهی را می‌توانید در گزارش ۲۰۱۰ سازمان ملل و کار تحقیقی کلاگمن^۱، ۲۰۱۱ ببینید).

جدول (۱)- شاخص‌های بکار گرفته شده جهت سنجش کیفیت زندگی در میان استان‌های ایران

نام شاخص	زیر شاخص	سنجه‌ها
شاخص‌های توسعه انسانی	شاخص آموزش	شاخص امید به تحصیل شاخص میانگین سال‌های تحصیل جمعیت فعال
	شاخص امید به زندگی	سال‌های مورد انتظار برای زندگی
	شاخص درآمد سرانه	تولید ناخالص داخلی سرانه
شاخص‌های دسترسی به آب سالم	میزان دسترسی به آب سالم	به تفکیک مناطق شهری و روستایی در هر استان
شاخص‌های اشتغال	نرخ اشتغال	نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال
	میزان مشارکت اقتصادی	نسبت جمعیت فعال و بیش‌تر به جمعیت در سن کار
شاخص‌های درآمد	درآمد متوسط شهری درآمد متوسط روستایی	متوسط درآمد در مناطق شهری به تفکیک استان

جهت سنجش رابطه بلند نماگرهای کیفیت زندگی از تکنیک هم‌انباشتگی^۲ و رابطه علی میان شاخص‌ها با تحلیل علیت گرنجر^۳ در نرم‌افزار EViews مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در ادامه ابتدا روش برآورد شاخص توسعه انسانی مبتنی بر روش ارائه شده توسط سازمان ملل از ۲۰۱۰ به بعد شرح داده می‌شود و سپس تکنیک هم‌انباشتگی و علیت گرنجر توضیح داده می‌شود.

۳.۱. شاخص توسعه انسانی

شاخص توسعه انسانی، ادبیات آکادمیکی گسترده‌ای را به وجود آورده است که خصوصیات این شاخص را مورد بررسی قرار داده‌اند که این خود انتقاداتی را سبب شده است و درعین حال

۱- Klugman

۲- Co-integration technique

۳- Granger Causality

بهبودهای بالقوه‌ای را پیشنهاد کرده است. بعضی از این مشارکت‌های کلیدی در ژورنال توسعه انسانی و قابلیت‌ها منتشر شده‌اند. در این میان مثلاً می‌توان به کارهایی همچون کارهای تحقیقی آناند و سین^۲ (۲۰۰۰)، چاترجی^۳ (۲۰۰۵)، گایرتنر و زو^۴ (۲۰۰۶) و کواچ^۵ (۲۰۱۰) اشاره کرد. به عنوان مثال در نمونه اخیر، تحقیق کواچ (۲۰۱۰)، بخشی از مرور جامعی بود که توسط سازمان گزارش توسعه انسانی برای آگاهی از اصلاحات ممکن انجام شد. با فرارسیدن بیستمین گزارش سالیانه این شاخص، نویسندگان این گزارش، تجدیدنظر جامعی از این انتقادات را در نظر گرفته و تغییرات مهم چندی را در نسخه ۲۰۱۰ آن مطرح کردند. اگر چه این بدان معنا نیست که اولین بار است که شاخص توسعه انسانی اصلاح شده است، بلکه این اولین بار است که تغییرات عمده‌ای به طور همزمان در شاخص‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری برخورداری و شکل عملکردی استفاده شده برای تبدیل آن‌ها به سنج‌های واحد از پیشرفت مطرح شده است (Klugman, 2012). این فرمول جدید توسعه انسانی به شکل زیر می‌باشد:

$$HDI = \sqrt[3]{LEI \cdot EI \cdot II} \quad (۱)$$

امید به زندگی (le) شاخصی برای بعد سلامت باقی می‌ماند، در حالی که درآمد ملی ناخالص (GNI) با تولید ناخالص داخلی سرانه (GDP) به عنوان سنج‌های جهت اندازه‌گیری استاندارد زندگی جایگزین می‌شود و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن (mys) و امید به تحصیل (eys) در حال حاضر بعد تحصیل را شکل می‌دهند.

الف) شاخص امید به زندگی که با " امید به زندگی در بدو تولد" اندازه‌گیری می‌شود. روش محاسبه این شاخص به صورت زیر می‌باشد: پس از استخراج مقادیر مربوط به امید به زندگی، باید مقادیر بیشینه و کمینه این مقادیر را به دست آورد (در گزارش‌های برنامه توسعه ملل متحد، مقادیر بیشینه و کمینه برای یک دوره سی ساله محاسبه شده و در رابطه مورد اشاره قرار

۱- The Journal of Human Development and Capabilities

۲- Ananda&Sen

۳- Chatterjee

۴- Gaertner&Xu

۵- Kovacevic

می‌گیرد). در ادامه با توجه به رابطه زیر:

$$(۲) \quad \text{کمینه شاخص} - \text{مقدار واقعی شاخص در استان مورد نظر} = \frac{\text{کمینه شاخص} - \text{بیشینه شاخص}}{\text{امید زندگی}}$$

مقدار شاخص برای همه مناطق به دست می‌آید. مقدار به دست آمده نشان‌دهنده درصدی از امید به زندگی در بالاترین منطقه مورد مطالعه می‌باشد. به عبارت دیگر اگر شاخص امید به زندگی در استانی ۰.۹ باشد با توجه به اینکه یک یا چند استان دارای شاخص امید به زندگی یک هستند امید به زندگی در استان مورد نظر، نود درصد امید به زندگی استانی است که شاخص آن ۱ بوده است.

(ب) شاخص آموزش که با دو شاخص میانگین سال‌های تحصیل و امید به تحصیل اندازه‌گیری می‌شود.

میانگین سال‌های تحصیل: متوسط سال‌های تحصیل افراد بالای ۲۵ سال را در سال مورد بررسی به شکل زیر محاسبه می‌کند:

$$(۳) \quad \%P_{25+h}^t = \frac{P_{25+h}^t}{P_{25+}^t} * 100$$

جائیکه $\%P_{25+h}^t$ درصد جمعیت ۲۵ سال و بالاتر که به سطح h تحصیلی در سال t دست یافته‌اند. P_{25+h}^t جمعیت ۲۵ سال و بالاتر که به سطح h تحصیلی در سال t دست یافته‌اند. P_{25+}^t کل جمعیت ۲۵ سال و بالاتر در سال t .

امید به تحصیل: متوسط تعداد سال‌هایی که کودکان امروز به لحاظ تحصیلی می‌توان انتظار داشت در بزرگسالی بدان برسند، اگر نرخ‌های ثبت‌نام در همین سطح فعلی باقی بماند را می‌سنجد (UNESCO, 2011)، که در آن:

$$(۴) \quad SLE_a^t = \sum_{i=a}^n \frac{E_i^t}{P_i^t} + \sum_{l=level-education} \frac{E_{unknown}^t}{P_{age-of-level}^t / D_t}$$

SLE_a^t : امید به تحصیل در سن a در سال تحصیلی t . E_i^t : ثبت‌نام افراد در سن i در سال تحصیلی

P_i^t : جمعیت در سن i در سال تحصیلی $D_i.t$: طول دوره تحصیل I به لحاظ نظری
 ج) شاخص درآمد ملی سرانه (برحسب برابری قدرت خرید دلار آمریکا) (GNI)
 اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به فقدان اطلاعات مربوط به درآمد ناخالص ملی در سطح استان‌ها
 از شاخص تولید ناخالص داخلی سرانه هر استان در این پژوهش استفاده شده است.
 اطلاعات هر شاخص بعدی به شکل زیر استاندارد شده و مطابق فرمول یک شاخص توسعه
 انسانی محاسبه می‌شود:

$$H_i = (I_i - I_{i_{\min}}) / (I_{i_{\max}} - I_{i_{\min}}) \quad (5)$$

$$H_e = [((\text{mys} - \text{mys}_{\min}) / (\text{mys}_{\max} - \text{mys}_{\min})) * ((\text{eys} - \text{eys}_{\min}) / (\text{eys}_{\max} - \text{eys}_{\min}))]^{1/2} \quad (6)$$

$$H_{Is} = (\ln(\text{gni}) - \ln(\text{gni}_{\min})) / (\ln(\text{gni}_{\max}) - \ln(\text{gni}_{\min})) \quad (7)$$

در این تحقیق با پیروی از مازومدار (۱۹۹۹)، کرانه‌های بالایی و پایینی، از کرانه‌های مشاهده شده
 در پایگاه اطلاعات منطقه‌ای مورد استفاده در جدول ۲ انتخاب شده است:

جدول (۲) - مقادیر بیشینه و کمینه شاخص‌ها

شاخص	بیشینه (استان، سال)	کمینه (استان، سال)
امید به زندگی	۷۶.۵ (تهران، ۱۳۹۰)	۶۲.۸ (کردستان، ۱۳۷۵)
میانگین سال‌های تحصیل	۹.۹ (تهران، ۱۳۹۰)	۲.۹ (سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵)
امید به تحصیل	۱۶.۴ (قم، ۱۳۹۰)	۷.۷ (کردستان، ۱۳۷۵)
تولید ناخالص داخلی سرانه (ریال)	۹۳۳۹۲۷۸۷ (تهران ۱۳۹۰)	۳۴۷۴۱۵۲ (سیستان و بلوچستان، ۱۳۷۵)

در مجموع شکل تابع به همان صورت ساختار سه بعدی خود با وزن‌های مساوی باقی می‌ماند؛ و
 شاخص‌های درآمد و تحصیل در آن تغییر کرده‌اند. همچنین روش تجمیع از میانگین حسابی به
 میانگین هندسی تغییر می‌یابد و تعریف مجددی از کرانه بالایی و پایینی را ارائه می‌کند و تعیین
 حدی برای کرانه بالایی برداشته می‌شود.

۳.۲. تحلیل هم‌انباشتگی

در جهت فهم ارتباط بلندمدت بین متغیرها تکنیک‌های روش هم‌انباشتگی استفاده می‌شود که تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان متغیر وابسته به عنوان نماینده‌ای برای رشد اقتصادی فرض می‌شود و شاخص توسعه انسانی، امید به زندگی و آموزش، نرخ اشتغال، مشارکت اقتصادی، دسترسی به آب سالم و درآمد متوسط شهری و روستایی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود و رابطه بلند مدت میان این شاخص‌ها با رشد اقتصادی مناطق مورد تحلیل قرار می‌گیرد. برای این منظور از روش‌شناسی حداقل مربعات اصلاحی^۱ کائو چینگ^۲ (۲۰۰۰) برای برآورد بردار هم‌انباشتگی بلندمدت، برای پنل‌های غیرثابت استفاده می‌شود که به شکل زیر می‌باشد (Bangake&Eggoh, 2010, 61):

$$y_{it} = \alpha_i + x_{it}\beta + u_{it}, i = 1, \dots, N, t = 1, \dots, T, \quad (8)$$

جائیکه y_{it} ماتریسی برای $(1,1)$ ، β بردار منحنی‌های بُعدی $(k, 1)$ است، α_i اثر ثابت ویژه، u_{it} عبارات توزیعی ثابت هستند. فرض می‌شود که بردار $(k, 1)$ x_{it} فرایندهای نظم یکسان برای همه i را یکپارچه می‌کند، جایی که:

$$x_{it} = x_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (9)$$

با توجه به این خصوصیات معادله زیرسیستمی از رگرسیون‌های هم‌انباشتگی را توصیف می‌کند:

$$\hat{\varepsilon}_{it} = \hat{\rho}_i \hat{\varepsilon}_{it-1} + \hat{u}_{it} \quad (10)$$

گفته می‌شود y_{it} هم‌انباشته است با x_{it} . با بررسی توزیع محدود برآورد FMOLS در رگرسیون‌های هم‌انباشته، کائو چینگ (۲۰۰۰) نشان می‌دهند که به طور تقریبی نرمال هست. بر آورد FMOLS به وسیله ایجاد اصلاحیه‌هایی برای درون‌زایی و همبستگی دوری به برآورد OLS به شکل زیر تعریف می‌شود:

۱- Fully Modified OLS (FMOLS) Methodology

۲- Kao and Chiang

$$\hat{\beta}_{fm} = \left[\sum_{i=1}^N \sum_{t=1}^T (x_{it} - \bar{x}_i) \right]^{-1} \left[\sum_{i=1}^N \left(\sum_{t=1}^T (x_{it} - \bar{x}_i) \right) \hat{y}_{it} + T \hat{\Delta}_{\varepsilon U} \right] \quad (11)$$

جائیکه $\Delta + \varepsilon U$ عبارت همبستگی دوری و y_{it} متغیر اصلاحی از y_{it} برای دست یافتن به اصلاح درون‌زایی است.

۳.۳. علیت گرنجر

گاهی در زمینه تصمیم‌گیری در رابطه با جهت علیت بین دو متغیر مرتبط و همچنین اینکه آیا بازخوردی بین این دو روی می‌دهد یا نه، مشکلی روی می‌دهد (Granger, 1969). معمول‌ترین راه برای آزمون ارتباطات علی بین این دو متغیر، علیت گرنجر است که توسط گرنجر (۱۹۶۹) پیشنهاد شد. متغیر X گفته می‌شود با متغیر دیگر Y دارای علیت گرنجر است. اگر ارزش‌های گذشته X به پیش‌بینی سطح فعلی Y با توجه به تمام اطلاعات مناسب دیگر کمک کند. این تعریف بر اساس مفهوم نظم علی قرار دارد. دو متغیر می‌توانند به طور همزمان به طور تصادفی همبسته باشند اما غیر محتمل است که ارزش‌های گذشته از X در پیش‌بینی Y با توجه به همه ارزش‌های گذشته Y مفید باشند، مگر اینکه X واقعاً علت Y به معنای فلسفی خود باشد و همین‌طور بالعکس. علیت گرنجر به طور ایده‌آل علیت در معنای فلسفی کلاسیک آن نیست بلکه احتمال کلی از چنین علیتی را یا فقدان چنین علیتی را با قاطعیت بیشتر از همبستگی ساده معاصر استنتاج می‌کند (Geweke, 1984). ساده‌ترین آزمون از علیت گرنجر به برآورد دو معادله رگرسیون زیر نیاز دارد (Stern, 2011):

$$x_t = \sum_{j=1}^k \alpha_j x_{t-j} + \sum_{j=1}^k \beta_j y_{t-j} + \varepsilon_t \quad 12$$

$$y_t = \sum_{j=1}^k \gamma_j x_{t-j} + \sum_{j=1}^k \rho_j y_{t-j} + \theta_t \quad 13$$

جائیکه ε_t و θ_t دو سری رفت برگشت سفید هستند و k حداکثر تعداد وقفه‌ها می‌باشند. علیت گرنجر به تعداد وقفه‌های استفاده‌شده بسیار حساس است. آزمون علیت گرنجر چهار نتیجه احتمالی دارد (Akram, 2008):

الف) هیچ متغیری علیت دیگری نیست.

- ب) علیت غیر مستقیم از X تا Y اما نه بالعکس
 ج) علیت غیر مستقیم از Y تا X اما نه بالعکس
 د) هر دو متغیر علیت دیگری است

۴. داده‌ها و نتایج تجربی

داده‌های اولیه مورد استفاده در این پژوهش از منابع زیر جمع‌آوری شده‌اند. داده‌های اولیه استفاده شده در تحلیل‌ها برای شاخص‌های متوسط درآمد، اشتغال، آب سالم، آموزش از نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به دست آمده‌اند. برای تولید ناخالص داخلی سرانه داده‌های موجود در حساب‌های منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفت و برای امید به زندگی، شاخص‌های سیمای سلامت در جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته شدند. جدول شماره ۳ به بررسی روند شاخص آموزش و امید به زندگی در میان استان‌های ایران می‌پردازد. جاییکه بعد از محاسبه شاخص آموزش و امید به زندگی در استان‌ها، بنا بر رتبه در آغاز دوره و سیر آن بنا بر دوره زمانی تحقیق، طبقه‌بندی شده‌اند^۱.

۱- لازم به ذکر است برای جلوگیری از آورده شدن تعداد زیادی جدول در مقاله نتایج زیرشاخص‌های آموزش و سایر شاخص‌های اضافه شده در پیوست مقاله ضمیمه شده است.

جدول (۳) - بررسی روند شاخص آموزش و امید به زندگی در بین استان‌ها در ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

استان‌ها	امید به زندگی					آموزش					
	۱۹۹۶	۲۰۰۶	R	۲۰۱۱	R	۱۹۹۶	R	۲۰۰۶	R	۲۰۱۱	R
اردبیل	۹۱/۹	۲۰	۱۵۹/۹	۲۱	۱۷۸/۹	۲۱	۶۵/۳	۲۴	۱۷۱	۲۲	۲۰۶/۱
آذربایجان شرقی	۱۱۰/۹	۱۲	۱۸۸/۸	۹	۲۰۷/۷	۹	۷۹/۳	۲۲	۱۷۴/۵	۲۰	۲۲۸/۶
آذربایجان غربی	۷۶/۴	۳۳	۱۷۱/۸	۱۵	۱۹۰/۷	۱۵	۶۶/۹	۲۵	۱۶۴/۲	۲۹	۱۸۵/۵
بوشهر	۱۰۷/۹	۱۴	۱۹۵/۴	۱۳	۲۱۲/۴	۱۳	۱۲۲/۴	۱۱	۱۸۸	۱۱	۲۳۷/۲
چهارمحال	۱۰۱/۹	۱۶	۱۶۵/۱	۱۷	۱۸۳/۲	۱۸	۸۹/۹	۲۰	۱۸۴/۳	۱۴	۲۱۹/۳
اصفهان	۱۴۴/۳	۴	۲۳۶/۵	۱	۲۴۲/۳	۳	۱۵۲/۶	۲	۲۰۲/۹	۷	۲۶۳/۳
فارس	۱۳۰/۱	۸	۱۹۲/۷	۸	۲۱۷/۷	۷	۱۳۳/۱	۶	۱۸۹/۳	۱۰	۲۴۴/۸
گیلان	۱۰۰/۱	۱۷	۱۷۶/۵	۱۳	۱۹۳/۶	۱۴	۱۴۴/۱	۵	۱۷۸/۱	۱۸	۲۴۲/۹
گلستان	۱۴۶/۱	۳	۲۰۳/۳	۶	۲۰۹/۱	۸	۱۲۳/۸	۱۰	۱۵۲/۳	۲۷	۲۰۷
همدان	۹۶	۱۸	۱۵۷/۳	۲۳	۱۷۸/۸	۲۲	۸۶/۴	۲۱	۱۷۰/۴	۲۴	۲۰۲/۶
هرمزگان	۱۰۲/۴	۱۵	۱۴۲/۷	۲۵	۱۵۱/۶	۲۶	۷۵	۲۳	۱۶۱/۴	۲۵	۲۰۵/۳
ایلام	۶۷/۲	۲۷	۱۰۰/۱	۲۸	۱۱۶/۴	۲۹	۱۰۴/۲	۱۷	۲۱۹/۵	۳	۲۵۰/۳
کرمان	۹۳/۵	۱۹	۱۶۲/۳	۲۰	۱۸۱/۴	۱۹	۱۳۰/۲	۸	۱۸۵	۱۳	۲۴۴/۲
کرمانشاه	۸۵/۴	۲۱	۱۵۸/۹	۲۲	۱۷۲/۷	۲۴	۹۹/۸	۱۸	۱۷۷/۸	۱۹	۲۰۸/۴
خراسان رضوی	۷۴/۸	۲۵	۱۶۲/۵	۱۹	۱۸۴/۱	۱۷	۱۰۹/۵	۱۴	۱۸۴/۱	۱۵	۲۱۸/۴
خراسان جنوبی	-	-	۱۲۸/۶	۲۷	۱۳۸/۶	۲۸	۱۰۹/۵	۱۶	۱۸۶/۹	۱۲	۲۱۵/۶
خراسان شمالی	-	-	۱۶۶/۲	۱۶	۱۸۱/۳	۲۰	۱۰۹/۵	۱۵	۱۵۳/۷	۲۶	۱۹۶/۷
خوزستان	۱۱۸/۷	۹	۱۸۷/۴	۱۰	۲۰۶/۳	۱۰	۱۱۵/۶	۱۲	۱۷۰/۵	۲۳	۲۲۲
کهگیلویه	۵۳/۳	۲۸	۱۳۱/۳	۲۶	۱۷۶/۳	۲۳	۹۹/۶	۱۹	۲۰۴/۵	۶	۲۴۷/۸
کردستان	۱۴/۶	۳۰	۹۵	۳۰	۱۴۷/۶	۲۷	۱۵/۹	۲۹	۱۴۷/۸	۲۸	۱۶۸/۵
لرستان	۷۷/۲	۲۲	۱۵۰/۳	۲۴	۱۶۷/۵	۲۵	۲۳/۹	۲۸	۱۸۱/۳	۱۷	۲۱۲/۳
مرکزی	۱۱۶/۵	۱۱	۱۸۴/۱	۱۲	۲۰۳/۱	۱۲	۱۰۹/۷	۱۳	۱۹۴/۸	۸	۲۲۹/۱
مازندران	۱۱۶/۸	۱۰	۱۸۶/۸	۱۱	۲۰۶/۲	۱۱	۱۲۳/۹	۹	۱۹۰/۴	۹	۲۶۴/۹
قزوین	۱۳۶/۵	۶	۱۹۸/۷	۷	۲۲۲/۳	۶	۶۶/۱	۲۶	۱۷۳/۲	۲۱	۲۲۰/۶
قم	۱۴۶/۱	۲	۲۱۰/۶	۴	۲۲۵/۲	۵	۱۳۹/۴	۴	۳۳۷/۷	۱	۲۷۱/۵
سمنان	۱۳۵/۴	۷	۲۰۶/۲	۵	۲۳۳/۸	۴	۱۶۲/۸	۱	۲۰۶/۱	۵	۲۸۱/۴
سیستان و بلوچستان	۱۹/۱	۲۹	۹۷/۵	۲۹	۱۱۳/۹	۳۰	۱۴/۴	۳۰	۱۳۰/۳	۳۰	۱۳۴/۲
تهران	۱۴۶/۱	۱	۲۳۶/۴	۲	۲۵۵/۵	۱	۱۳۳	۷	۲۳۸/۳	۲	۳۰۱/۹
یزد	۱۳۹/۵	۵	۲۱۳/۹	۳	۲۵۵/۴	۲	۱۶۶/۲	۳	۲۱۵/۳	۴	۲۶۲
زنجان	۱۰۲/۹	۱۴	۱۶۴/۳	۱۸	۱۸۵/۱	۱۶	۶۶/۱	۲۷	۱۸۴	۱۶	۲۱۵/۷
ایران	۱۰۰/۲	۱۷۰	۱۹۰/۷	۱۰۰	۱۸۲/۹	۱۰۰	۱۸۲/۹	۱۰۰	۱۸۲/۹	۱۰۰	۲۲۶/۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نتایج جدول ۳ همه استان‌ها در طول دوره مورد بررسی امید به زندگی‌شان افزایش داشته است و این افزایش در استان‌هایی با نرخ امید به زندگی پایین‌تر در آغاز دوره به شکل ملموس‌تری افزایش را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۷۵ کمترین میزان امید به زندگی به استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و خراسان تعلق داشته است و در ۱۳۹۰ بیش‌ترین میزان افزایش متعلق به استان کردستان بوده است که نسبت به آغاز دوره هشت سال افزایش را نشان می‌دهد و از حدود ۶۳ سال به ۷۱ سال رسیده است. بعد از این استان بیش‌ترین افزایش‌ها به ترتیب به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، یزد، آذربایجان غربی، تهران و خراسان شمالی تعلق داشته است.

در رابطه با شاخص آموزش نیز یافته‌ها حاکی از آن است که نسبت به آغاز دوره استان‌های با نرخ پایین‌تر، رشد بیشتری را به نسبت سایر استان‌ها تجربه کرده‌اند؛ در حالی که در سال ۱۳۷۵، استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، لرستان، زنجان، قزوین، آذربایجان غربی و هرمزگان کمترین میزان را در مقایسه با سایر استان‌ها به خود اختصاص داده بودند. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ استان‌های لرستان، تهران، قزوین، کردستان و زنجان به ترتیب بیشترین میزان افزایش را در این شاخص داشته‌اند. جدول شماره ۴ نتایج کلی شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص داخلی سرانه را در استان‌های ایران نشان می‌دهد؛ جاییکه بعد از محاسبه شاخص توسعه انسانی و زیرشاخص درآمد سرانه آن استان‌ها بنا بر رتبه‌شان در آغاز دوره و سیر آن در شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص داخلی سرانه طبقه‌بندی شده‌اند (نتایج شاخص توسعه انسانی و سایر شاخص‌های اضافه شده در پیوست مقاله ضمیمه شده است).

با نگاهی به نتایج شاهد آنیم که شاخص توسعه انسانی در میان تمام استان‌های بهبود یافته است؛ میزان افزایش نرخ شاخص توسعه انسانی در استان‌های کردستان، تهران، لرستان، بوشهر، یزد، زنجان و آذربایجان غربی بیشتر از استان‌های دیگر بوده و بیشتر این استان‌ها در آغاز دوره نسبت به سایر استان‌ها از رتبه پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. در نتیجه تقریباً می‌توان بیان داشت که استان‌های با رتبه پایین‌تر در ۱۳۷۵، رشد سریع‌تری را در بهبود شاخص توسعه انسانی تجربه کرده‌اند. در رابطه با درآمد سرانه، نتایج نشان می‌دهد که اگر چه درآمد سرانه افزایش داشته اما این افزایش لزوماً در استان‌های با درآمد سرانه کمتر افزایش بیشتری را نشان نمی‌دهد. در کل مطابق جداول ۲ و ۳ رتبه‌بندی بین استان‌ها به لحاظ بهره‌مندی از شاخص توسعه انسانی و ابعاد وابسته به آن در طول این دوره‌ها آن‌چنان تغییراتی را نشان نمی‌دهد. همچنین قابل ذکر است که جایگزینی‌هایی بین استان‌ها بسته به شاخص مورد استفاده برای بررسی کیفیت زندگی یا سرمایه اجتماعی اتفاق می‌افتد؛ اگر چه تا حدی می‌توان رابطه مستقیمی مشاهده کرد، اما داشتن شاخص توسعه انسانی بالاتر یا امید به زندگی بالاتر لزوماً درآمد سرانه بالاتر را نشان نمی‌دهد. به عنوان مثال می‌توان این امر را در استان‌هایی چون قم، گلستان و یزد مشاهده کرد؛ ارزش‌های شاخص توسعه انسانی قم و همچنین ارزش‌های ابعادی امید به زندگی و آموزش در قم بالاتر از ارزش‌های بسیاری از استان‌ها همچون خراسان رضوی، مازندران، آذربایجان شرقی، کرمان، سمنان و خوزستان است، اما درآمد سرانه‌اش پایین‌تر است. این استان پیشرفت قابل توجهی را از

۱۳۷۵ به ویژه در ابعاد امید به زندگی و آموزش نشان می‌دهد. بعد از دو دهه توسعه مداوم و بالا در شاخص آموزش، قم به بالاترین سطح این شاخص در ۱۳۹۰ رسید و از تهران و دیگر استان‌های با سطح بالای آموزش، پیشی می‌گیرد. به طور مشابه چندین استان با تولید سرانه بالاتر وجود دارند که شاخص توسعه انسانی متعلق به آن‌ها پایین‌تر از انتظار است مانند هرمزگان، ایلام و مرکزی. به طور کلی، همه استان‌ها عملکرد بهتری را نسبت به گذشته داشته و متعاقباً به سطح شاخص توسعه انسانی بالاتری در دو دهه گذشته دست یافته‌اند؛ به هر حال با توجه به نتایج، بسیاری از استان‌ها هنوز با چالش‌های عمده توسعه همچون نابرابری در درآمد سرانه و سپس شاخص توسعه انسانی، امید به زندگی و در انتها آموزش مواجهند.

جدول (۴) - بررسی روند توسعه شاخص توسعه انسانی و درآمد سرانه در بین استان‌ها در ۱۳۸۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰

استان‌ها	درآمد سرانه					شاخص توسعه انسانی				
	۱۹۹۶	R	۲۰۰۶	R	۲۰۱۱	۱۹۹۶	R	۲۰۰۶	R	۲۰۱۱
اردبیل	۶۲/۲	۲۲	۱۹۱	۲۳	۲۶۱/۵	۲۵	۷۶/۴	۲۴	۱۷۳/۳	۱۳
آذربایجان شرقی	۹۴/۳	۱۴	۲۱۷/۱	۱۴	۲۸۶	۱۳	۹۷/۲	۱۷	۱۹۳/۱	۱۳
آذربایجان غربی	۶۰/۵	۳۳	۱۸۰/۴	۲۸	۲۴۲/۲	۲۹	۶۹/۴	۲۵	۱۶۶/۴	۱۷
بوشهر	۱۰/۷	۱۱	۳۰/۷۷	۳	۳۶۴/۴	۴	۱۱۴	۱۲	۲۱۴/۲	۸
چهارمحال	۵۰/۳	۲۶	۱۸۴/۹	۲۶	۲۶۴/۲	۲۴	۸۶/۲	۲۰	۱۷۸/۶	۲۰
اصفهان	۱۲۰/۶	۷	۲۹۹/۷	۸	۳۲۰/۸	۹	۱۴۳	۳	۳۳۰/۸	۲
فارس	۸۱/۸	۱۶	۲۱۶/۱	۱۵	۲۸۰/۸	۱۵	۱۲۰/۷	۹	۱۹۹/۶	۱۲
گیلان	۸۷/۵	۱۵	۲۰۵/۱	۱۸	۲۷۹/۷	۱۶	۱۱۰	۱۵	۱۸۶/۲	۱۶
گلستان	۷۴/۷	۱۹	۱۸۹/۳	۲۵	۲۵۹	۲۶	۱۲۲/۸	۸	۱۸۶/۲	۱۸
همدان	۶۲/۲	۲۱	۱۹۶/۶	۲۱	۲۷۰	۲۱	۸۵/۴	۲۱	۱۷۳/۵	۲۲
هرمزگان	۱۲۸/۲	۵	۲۴۴	۱۰	۳۰۸/۲	۱۲	۱۰۰/۵	۱۶	۱۷۱/۸	۲۵
ایلام	۱۰۰/۴	۱۳	۲۹۶/۸	۴	۳۵۹	۵	۸۹/۱	۱۸	۱۹۱/۴	۱۴
کرمان	۱۱۶	۸	۲۹۹/۳	۱۳	۲۸۵/۵	۱۴	۱۱۲/۹	۱۳	۱۸۸/۷	۱۵
کرمانشاه	۵۰/۸	۲۵	۱۹۰/۱	۲۴	۲۷۶/۱	۲۰	۸۲/۸	۳۳	۱۷۵/۱	۲۱
خراسان رضوی	۷۶	۱۸	۲۰۵/۴	۱۷	۲۷۹/۲	۱۷	۸۸/۱	۱۹	۱۸۲/۵	۱۹
خراسان جنوبی	-	-	۱۹۳/۱	۲۲	۲۶۷/۵	۲۲	-	-	۱۶۶/۳	۲۸
خراسان شمالی	-	-	۱۹۹/۸	۲۰	۲۶۴/۹	۲۳	-	-	۱۷۲/۱	۲۴
خوزستان	۲۱۶/۵	۲	۳۵۶/۵	۲	۴۰۶/۱	۲	۱۴۲/۲	۲	۲۲۵/۶	۴
کهگیلویه	۱۵۸/۴	۳	۲۶۶/۱	۵	۳۵۰/۳	۳	۱۳۳/۹	۶	۲۲۷/۳	۳
کردستان	۳۹/۴	۲۷	۱۷۴/۸	۲۹	۲۴۶/۷	۲۸	۲۱/۴	۲۷	۱۳۴/۲	۲۹
لرستان	۵۵/۷	۲۴	۱۸۱/۷	۲۷	۲۵۰/۴	۲۷	۵۴/۳	۲۶	۱۷۰/۶	۲۶
مرکزی	۱۴۶/۷	۴	۲۶۵/۸	۶	۳۳۳/۱	۸	۱۲۰/۵	۱۰	۲۱۰/۲	۹
مازندران	۱۰۵/۴	۱۲	۲۲۹/۳	۱۲	۳۰۹/۲	۱۰	۱۱۷/۸	۱۱	۲۰۰/۸	۱۱
قزوین	۱۲۴/۹	۶	۳۳۹/۶	۱۱	۳۰۸/۷	۱۱	۱۱۰/۱	۱۴	۲۰۲/۳	۱۰
قم	۷۹/۸	۱۷	۲۰۴/۴	۱۹	۲۷۸/۸	۱۸	۱۹۹/۵	۷	۲۲۱	۶
سمنان	۱۱۴/۷	۹	۲۵۰/۸	۷	۳۳۵/۹	۶	۱۶۱/۴	۴	۲۱۹/۷	۷
سیستان و بلوچستان	۱۶/۲	۲۸	۱۴۴/۲	۳۰	۲۰۱	۳۰	۱۷	۲۸	۱۱۶/۶	۳۰
تهران	۳۱۱/۶	۱	۴۱۰/۴	۱	۴۹۹/۱	۱	۱۶۶/۴	۱	۲۸۸/۷	۱
یزد	۱۰۷/۲	۱۰	۲۹۷/۲	۹	۳۳۵/۳	۷	۱۳۵/۵	۵	۲۲۵/۱	۵
زنجان	۷۴/۳	۲۰	۲۱۱/۵	۱۶	۲۷۸/۱	۱۹	۸۳/۶	۲۲	۱۸۴/۸	۱۷
ایران (کل)	۱۰۰	-	۲۲۹	-	۲۹۷	-	۱۰۰	-	۱۹۱	-

مأخذ: محاسبات تحقیق

تحلیل رابطه بلندمدت میان نماگرهای کیفیت زندگی و توسعه منطقه‌ای: جدول شماره ۵ تأثیر شاخص‌های کیفیت زندگی را بر رشد منطقه‌ای نشان می‌دهد.

جدول (۵) - تأثیر شاخص‌های کیفیت زندگی بر رشد منطقه‌ای

متغیر	ضریب همبستگی	Std/ Error	t-Statistic	Prob
شاخص توسعه انسانی	۰/۱۵۲۷۱۲	۰/۰۷۹۴۸۶	۱/۹۲۱۲۵۶	۰/۰۵۸
C	۰/۱۱۱۰۸۳	۰/۰۶۸۲۸	۱/۶۲۶۸۸۱	۰/۱۰۷۴
آموزش	۰/۱۳۳۰۰۳	۰/۰۶۹۹۱۸	۱/۹۰۲۲۵۶	۰/۰۶۰۴
C	۰/۱۰۲۲۱۱	۰/۰۶۱۷۴۶	۱/۶۵۵۳۴۷	۰/۱۰۱۵
درآمد سرانه	۰/۱۱۵۲۴۷	۰/۰۶۳۵۶۹	۱/۸۱۲۹۴۶	۰/۰۷۳۳
C	۰/۱۰۳۹۶۶	۰/۰۶۸۸۴۴	۱/۵۱۰۱۶	۰/۱۳۴۶
امید به زندگی	۰/۱۵۶۱۲۳	۰/۰۷۲۱۷	۲/۱۶۳۲۷۲	۰/۰۳۳۳
C	۰/۱۰۵۷۴۳	۰/۰۵۵۰۳۵	۱/۹۲۱۳۹۴	۰/۰۵۸
دسترسی به آب سالم روستایی	۰/۴۷۱۹۵۸	۰/۱۴۱۴۷۶	۳/۳۳۵۹۵۱	۰/۰۰۱۳
C	۲۰۰۴۲۰۸۵-	۰/۶۱۶۵۲۵	۳۰۳۱۲۲۴۹-	۰/۰۰۱۳
دسترسی به آب سالم شهری	۱/۴۶۰۱۲	۰/۳۳۶۷۱	۴/۳۳۹۵۱۲	۰/۰۰۰۱
C	۶۰۶۱۶۴۵۸-	۱/۵۲۸۰۴۳	۴۰۳۰۰۲۱-	۰
درآمد متوسط روستایی	۰/۰۰۴۷۱۶	۰/۰۳۳۸۷۹	۰/۱۹۷۵۱۱	۰/۸۴۳۹
C	۰/۰۷۳۳۹-	۰/۴۰۰۵۱۳	۰/۱۸۳۳۳۹-	۰/۸۵۵
درآمد متوسط شهری	۰/۰۰۱۸۵۲	۰/۰۱۶۵۲۱	۰/۱۱۲۰۷۲	۰/۹۱۱
C	۰/۰۰۲۰۵۶۲-	۰/۸۱۳۳۷۲	۰۰۰۷۲۸۱۸-	۰/۹۴۲۱
نرخ اشتغال	۰/۱۹۸۴۶۲	۰/۳۶۹۱۵۷	۰/۵۳۳۶۱	۰/۰۴۲۲
C	۰/۰۸۷۳۳۸۳-	۱/۶۴۷۹۲۳	۰۰۵۲۹۳۸۳-	۰/۵۹۷۹
مشارکت اقتصادی	۰/۱۲۳۱۱۲-	۰/۳۱۰۱۵۳	۰/۳۶۹۴۴-	۰/۶۹۲۴
C	۰/۴۵۹۹۶۱	۱/۱۲۳۵۵۲	۰/۴۰۹۳۸۱	۰/۶۸۳۳

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که شاخص توسعه انسانی به طور معنادار بر رشد منطقه‌ای تأثیر دارد و افزایش یک درصدی شاخص توسعه انسانی، ۱۵ درصد رشد منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت بهبود شاخص توسعه انسانی، رشد منطقه‌ای را در بلندمدت افزایش می‌دهد.

همچنین مبتنی بر نتایج، افزایش یک درصدی شاخص آموزش، امید به زندگی، تولید ناخالص داخلی سرانه، به ترتیب ۱۳، ۱۵ و ۱۱ درصد رشد منطقه‌ای را در بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و این نتایج در سطح ۵ درصد و ۱۰ درصد معنادار است. نتایج برای درآمد متوسط شهری، درآمد متوسط روستایی و مشارکت اقتصادی به لحاظ آماری معنادار نبوده و در نتیجه

تفسیر آماری برای آن نمی‌توان ارائه کرد.

نتایج برای شاخص نرخ اشتغال به لحاظ آماری در سطح ۵ درصد معنادار بوده و به طور مثبتی رشد منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد و افزایش یک درصدی آن، ۱۹ درصد رشد منطقه‌ای را بهبود می‌دهد. همچنین دسترسی به آب سالم و بهبود آن می‌تواند رشد منطقه‌ای را بهبود بخشد. این نتایج به طور گسترده‌ای با مطالعات پیشین در مورد تأثیر سرمایه انسانی بر رشد منطقه‌ای همسوست. از این رو سرمایه‌گذاری در تحصیلات، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی و درآمد سرانه بالاتر و ساختار اقتصادی، نه تنها بر افزایش کیفیت زندگی مؤثر است، بلکه بر رشد منطقه‌ای در میان استان‌های ایران نیز در بلندمدت تأثیرگذار است. البته چنین نتیجه‌ای تنها از وجود رابطه میان این متغیرها خبر می‌دهد اما برای جهت دادن به سیاست‌ها، محقق بدان نیاز دارد تا از جهت ارتباط و تأثیرگذاری متغیرها نیز آگاه باشد که این امر سیاست‌گذاران را برای تأکید بیشتر بر نماگرهای خاصی یاری می‌رساند. در حقیقت سؤال مهمی که پیش روی محققین وجود دارد این است که کدام شاخص در یک رابطه دارای تقدم است به گونه‌ای که بهبود آن می‌تواند شاخص دیگر را نیز به طور معنادار تحت تأثیر قرار دهد و برای کاهش نابرابری و ایجاد تعادل منطقه‌ای با تأکید بر آن می‌توانیم به نتایج بهتری در زمینه ایجاد تعادل پایا در میان مناطق دست یابیم. جدول ۶ به بررسی این علیت و جهت ارتباط بین متغیرها می‌پردازد.

نتایج به دست آمده از علیت گرنجر نشان می‌دهد که رابطه علی از رشد منطقه‌ای به شاخص توسعه انسانی با میزان ۷.۵ به طور معنی‌داری در سطح ۱ درصد برقرار هست؛ اما این موضوع به طور عکس معنی‌دار نیست. به عبارتی با بهبود وضعیت رشد منطقه‌ای، شاخص توسعه انسانی نیز بهبود خواهد یافت، اما این موضوع به طور عکس تأیید نمی‌شود.

همین موضوع در رابطه با شاخص آموزش نیز برقرار هست، بطوریکه رشد اقتصاد منطقه‌ای می‌تواند شاخص آموزش را (امید به تحصیل و هم میانگین سال‌های تحصیل بزرگسالان) به طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد؛ درحالی‌که این موضوع به طور عکس از شاخص آموزش به رشد اقتصاد منطقه‌ای به لحاظ آماری معنی‌دار نیست. این نتیجه نشان از آن دارد که در استان‌ها با بهبود رشد اقتصادی شاهد بهبود وضعیت آموزشی مردم این استان‌ها خواهیم بود، اما این ارتباط به طور عکس همکنون وجود ندارد.

در شاخص توسعه انسانی و ابعاد مربوطه بیشترین میزان آماره F را امید به زندگی نشان می‌دهد،

به گونه‌ای که نتایج جدول ۶ در رابطه با ارتباط علی امید به زندگی و رشد اقتصاد منطقه دلالت بر آن دارد که فرضیه صفر در رابطه با رشد اقتصاد منطقه‌ای با میزان ۱۴۰۱ ارد شده و رشد اقتصاد منطقه‌ای می‌تواند به طور معناداری امید به زندگی را تحت تأثیر قرار دهد؛ در حالی که فرضیه صفر به طور عکس از امید به زندگی به رشد منطقه‌ای تأیید می‌شود و عدم تأثیر امید به زندگی بر رشد منطقه‌ای را نشان می‌دهد. همچنین در ارتباط با دسترسی به آب سالم نیز نتایج با آنچه در مورد شاخص توسعه انسانی به دست آمد، همسوست. رشد اقتصاد منطقه‌ای رابطه علی با دسترسی به آب سالم دارد، یعنی می‌توان انتظار داشت که با بهبود یافتن رشد اقتصاد منطقه‌ای، دسترسی به آب سالم نیز بهبود یابد؛ و این امر هم در رابطه با آب سالم روستایی با ۳۰۷ و هم در رابطه با آب سالم شهری ۶۰۲ مصداق دارد. این رابطه به طور عکس تأیید نمی‌شود.

جدول (۶) - نتایج تجربی از علیت گرنجر در استان‌های ایران^۱

Null Hypothesis	F-Statistic	Prob
Lag:2		
L HDI does not Granger Cause L GDP	0/56685	0/5695
L GDP does not Granger Cause L HDI	7/52207	0/001
Lag:2		
L EDU does not Granger Cause L GDP	1/99736	0/1422
L GDP does not Granger Cause L EDU	8/00310	0/0007
Lag: 2		
L Life Expectancy does not Granger Cause L GDP	0/46466	0/63
L GDP does not Granger Cause L Life Expectancy	14/0117	0/0001
Lag: 2		
L GDP does not Granger Cause L Income Urban	3/59125	0/081
L Income Urban does not Granger Cause LGDP	10/9394	0/0001
Lag: 2		
L GDP does not Granger Cause L Income Rural	3/20008	0/0891
L Income Rural does not Granger Cause L GDP	18/5502	0/0002
Lag: 2		
LGDP does not Granger Cause L Rural Water	4/75349	0/0275
L Rural Water does not Granger Cause LGDP	0/40589	0/6677
Lag: 2		
LGDP does not Granger Cause L Urban Water	6/23161	0/003
L Urban Water does not Granger Cause LGDP	2/36003	0/1007
Lag: 2		
LGDP does not Granger Cause L economic Participation	6/82608	0/0018
L economic Participation does not Granger Cause LGDP	3/94360	0/0231
Lag: 2		
LGDP does not Granger Cause L economic Rate	5/46968	0/0059
L economic Rate does not Granger Cause LGDP	4/87367	0/01

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱- لازم به ذکر است نتایج در سطح معنی‌داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است به عبارتی زمانی که ارزش احتمال (Probability) زیر ۵ درصد باشد و آماره F هر چه از ۳ بزرگتر باشد، اثر آن متغیر معنی‌دار است.

بین درآمد متوسط خانوارهای شهری با ۱۰.۹ و درآمد متوسط روستایی با ۱۸.۵ در استان‌های مختلف و رشد اقتصاد منطقه‌ای رابطه علی وجود دارد. به عبارتی افزایش درآمد متوسط خانوارها هم در شهر و هم در روستا می‌تواند رشد اقتصادی را به وجود آورد؛ و این رابطه به طور عکس نیز برقرار است. می‌توان بیان داشت که با افزایش درآمد متوسط خانوارها در روستاها و شهرهای با درآمد متوسط پایین‌تر نسبت به سایر استان‌هایی‌توان انتظار داشت که در بلندمدت به طور سریع‌تری شکافشان به لحاظ رشد اقتصادی با استان‌های بالاتر را کم کنند و این بهبود در رشد اقتصادی بر کیفیت زندگی آن‌ها اثر مستقیم خواهد داشت.

همچنین در ارتباط با نرخ اشتغال و مشارکت اقتصادی نیز رابطه‌ای دو طرفه بین متغیرها برقرار است، اگر چه این ارتباط از رشد منطقه‌ای به اشتغال و مشارکت اقتصادی بیشتر است. پس ایجاد اشتغال و افزایش آن و سیاست اشتغال‌زایی به ویژه در مناطق محروم‌تر رابطه علی با رشد منطقه‌ای دارد؛ و رشد اقتصاد منطقه‌ای نیز به طور ملموسی نرخ اشتغال و مشارکت اقتصادی را متأثر می‌کند.

نتیجه

یکی از اهداف در کشور ما، بهبود مناطقی است که در مقایسه با سایر مناطق به لحاظ استاندارد زندگی کمتر توسعه یافته‌اند. تلاش برای بهبود عملکرد اقتصادی مناطق بویژه در مناطق فقیر، بحث تأثیر سرمایه‌گذاری‌ها در توسعه انسانی در بلندمدت را تقویت کرده است. به عبارتی شایسته است پرسیده شود که آیا چنین سرمایه‌گذاری‌هایی عملکرد بهتر این مناطق در بلندمدت را موجب می‌شوند؟ یافته‌های تجربی این مطالعه نشان می‌دهند که متوسط شاخص توسعه انسانی در میان استان‌های ایران افزایش یافته است. این نتیجه بدان معنا است که اگرچه هنوز نابرابری باقیست، اما کیفیت زندگی به طور معناداری افزایش داشته است. همچنین نتایج از این یافته پشتیبانی می‌کنند که توسعه انسانی به طور مثبتی با رشد اقتصادی در استان‌های ایران در بلندمدت مرتبط است. علاوه بر این نتایج بیان می‌دارند که علیت یکسویه‌ای از رشد اقتصادی به شاخص توسعه انسانی و سایر نماگرهای کیفیت زندگی وجود دارد. بنابراین با توجه به شرایط کنونی، رشد اقتصادی پایدار و منطقی به طور مثبتی هم بر کیفیت زندگی و هم نابرابری منطقه‌ای مؤثر است. سرعت رشد اقتصادی بویژه در مناطق محروم‌تر می‌تواند اندازه بازار استانی و سطح توسعه

را افزایش دهد که خود منجر به عملکرد بهتر کیفیت زندگی در بلند مدت در استان‌ها می‌شود و فرصت‌های اشتغال بیشتری را نیز فراهم می‌آورد.

افزایش در تولید ناخالص داخلی و درآمد استان‌ها می‌تواند توسعه انسانی را بهبود بخشد و سرمایه‌گذاری در تولید در استان‌های ایران موجب ارتقاء درآمد و کیفیت زندگی می‌شود و تمرکز بر کاهش فقر بواسطه این درک که به سادگی بازتوزیع درآمد و منابع نمی‌تواند منجر به راه حل بلند مدت برای فقر شود، به طور مستقیمی با رشد اقتصادی در ارتباط است. به نظر می‌رسد در ارتباط با توسعه منطقه‌ای بویژه در مناطق فقیرتر، این هدف را می‌توان بوسیله افزایش تولید و اشتغال و بازتوزیع درآمد ناشی از آن، سرمایه‌گذاری ساختاری و دیگر فرصت‌های اقتصادی بین استان‌ها و سپس افزایش و بهبود سهم شاخص توسعه انسانی و سایر شاخص‌های مربوط به آن بویژه اگر سهم کنونی استانی در شاخصی خاص پایین است، به دست آورد. این مطالعه با مطالعات پروفیسور اریک هانوشیک^{۱۳} (۲۰۱۳) استاد دانشگاه استنفورد همسوست که در بررسی کشورهای در حال توسعه و نقش سرمایه انسانی، بدین نتیجه رسیده است که انگیزه بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای اتخاذ سیاست‌های سرمایه انسانی، امکان ایجاد رشد اقتصادی است که نابرابری درآمدی در این کشورها را بهبود دهد؛ تمرکز بر کاهش فقر در این کشورها به طور مستقیمی مرتبط با رشد اقتصادی است بدان سبب که تحقق صرف باز توزیع درآمد و منابع به راه‌حل‌های بلندمدت برای رفع فقر منجر نمی‌شود. در نتیجه بایستی تأکیدی بر رشد اقتصادی بین مناطق وجود داشته باشد.

منابع

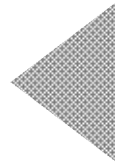
- استوار، اسماعیل (۱۳۸۷)، آیا برابری می‌تواند یکی از اهداف سیاست اقتصادی باشد؟ *روزنامه دنیای اقتصاد*
- پسندیده، بلدا (۱۳۸۶)، *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، اقتصادی و کیفیت زندگی سالمندان مطالعه موردی شهر مشهد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جمعیت‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- رحمانی، تیمور و حسن‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران، *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، تهران، شماره ۵، صص ۴۵-۷۸.
- طالبی، هوشنگ و زنگی‌آبادی، علی (۱۳۸۰)، تحلیل شاخص‌ها و تعیین عوامل مؤثر در توسعه انسانی شهرهای بزرگ کشور، *تحقیقات جغرافیایی*، تهران، شماره ۶۰، صص ۱۶۶-۱۳۲.

- مرصوصی، نفیسه(۱۳۸۳)، توسعه‌یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، **فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی**، شماره ۱۴، تهران، صص ۱۳۰-۳۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰)، **نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن در جمهوری اسلامی ایران**، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- مرکز آمار ایران(۱۳۷۶-۱۳۸۹)، **حساب‌های منطقه‌ای**، انتشارات مرکز آمار ایران، تهران.
- مهدی‌زاده، جواد(۱۳۸۵)، **برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری**، وزارت مسکن و شهرسازی، ناشر شرکت طرح و نشر پیام سیما، تهران.

- Akram, Naeem., Padda, IhtshamulHaq., Khan, Mohammad(2008), The Long Term Impact of Health on Economic Growth in Pakistan, **Pakistan Development Review**, 4: 487-500.
- Anand, S., and A. Sen(2000), The Income Component of the Human Development Index, **Journal of Human Development**, 1(1): 83-106.
- Bangake, C., Eggoh, J. (2010), **International Capital Mobility in African Countries: A Panel Co-integration Analysis**, Center for the Study of African Economies (CSAE). Oxford University.
- Chatterjee, S. K.(2005), Measurement of Human Development – An Alternative Approach, **Journal of Human Development**, 6(1): 31-53.
- Gaertner, W., and Y. Xu.(2006), Capability Sets as the Basis of a New Measure of Human Development, **Journal of Human Development**, 7(3): 311-321.
- Geweke, J.F.(1984), Measures of Conditional Linear-Dependence and Feedback between Time Series, **Journal of the American Statistical Association**, 79 (388): 907-915.
- Granger, C. W.J.(1969), Investigation Causal Relations by Econometric Models and Cross-Spectral Methods, **Econometrica**, 37(3): 424-438.
- Haldar, S., Mallik, G.(2010), Does Human Capital Cause Economic Growth? A Case Study of India, **International Journal of Economic Sciences and Applied Research**, 3 (1):7-25.
- Hanushek, Eric (2013), Economic Growth in Developing Countries: The Role of Human Capital, **Economics of Education Review**, Forthcoming.
- Klugman, J., Rodríguez, F., Choi, H.(2011), **The HDI 2010: New Controversies, Old Critiques**, United Nation: United Nations development program human development reports.
- Kovacevic, M.(2010), Review of HDI Critiques and Potential Improvements, **Human Development Research Paper** 33. New York:UNDP-HDRO.
- Mukherjee, Sacchidananda.,Chakraborty, Debashis(2010), **Is There any Relationship between Economic Growth and Human Development?** Evidence from Indian States, From Munich Personal RePEc Archive, 22997, 5-27.

- Qadri, F, S., Waheed, A. (2011), Human Capital and Economic Growth: Time Series Evidence from Pakistan, *Pakistan Business Review*, 1: 815-833.
- Stern, D.(2011), From Correlation to Granger Causality, *The AIJOS Capstone Conference*, University of Michigan.
- U.N.D.P.(1990 & 2010), *Human Development Reports 1990, and 2010*, New York: Oxford University Press through 2005; and Palgrave Macmillan since 2006.

بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی ایران



سید محمدرضا مهدویان^۱

مرضیه اسفندیاری^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۵/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۹/۲۰)

چکیده

نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی مشکلاتی از قبیل مهاجرت، افزایش میزان حاشیه‌نشینی شهری، بیابان‌زایی در اثر خالی از سکنه شدن روستاها و ... را موجب می‌شود. از این رو دیده‌بانی روند تغییرات نابرابری درآمدی و تحلیل آن در مناطق روستایی برای سیاست‌گذاران در حوزه اقتصادی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. پژوهش حاضر ضمن محاسبه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد مناطق روستایی استان‌های ایران با استفاده از شاخص‌های جینی، تایل، اتکینسون و هوور، به بررسی روند آن طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شاخص‌های توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور، ضمن دارا بودن نوسان در طی سال‌های مورد بررسی روندی کاهشی را طی نموده است که نشان‌دهنده کاهش نابرابری توزیع درآمد در این مناطق است. نوسان شاخص حکایت از عدم توجه به برنامه‌های توسعه متوازن منطقه‌ای در سال‌های گذشته دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های توزیع درآمد پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها کاهش یافته، ولیکن با گذر زمان مجدداً روندی افزایشی را

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، Sm.mahdavian@yahoo.com
۲ - استادیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، m.esfandiari@eco.usb.ac.ir

آغاز نموده است که خود دلیلی بر عدم موفقیت سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها در برقراری عدالت اجتماعی و توزیعی اقشار آسیب‌پذیر جامعه است.

واژگان کلیدی: ضریب جینی، شاخص اتکینسون، شاخص هوور، شاخص تایل، توزیع درآمد.

مقدمه

توصیف درجه نابرابری موجود میان افراد یک کشور و تشریح چگونگی سهم افراد مختلف یک کشور در درآمد ملی را توزیع درآمد می‌گویند. توزیع درآمد در علم اقتصاد عبارت است از چگونگی تقسیم و توزیع درآمد ملی بین آن دسته از عوامل تولید که در تشکیل و پیدایش ارزش افزوده محصول مشارکت داشته‌اند. به بیان دیگر، توزیع درآمد در اقتصاد، چگونگی تقسیم و توزیع درآمد جامعه بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی، در نتیجه عملکرد نظام اقتصادی را بیان می‌کند (تودارو، ۱۳۸۴: ۴۷).

امروزه اهمیت نقش دولت در مسئله توزیع درآمد به حدی است که تقریباً تمام اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. توزیع عادلانه درآمد از مهم‌ترین نشانه‌های رشد اجتماعی و وضعیت رفاه در یک جامعه است و از این رو یکی از اهداف دولت‌ها توزیع عادلانه درآمد است. هر چند که توزیع عادلانه درآمد پس از حصول رشد اقتصادی و استمرار آن جنبه عملیاتی پیدا می‌کند، اما از جنبه اجتماعی همواره سیاست‌های توزیع درآمد مورد توجه دولت و جامعه قرار دارد.

توجه به توزیع درآمد در مناطق روستایی به واسطه نقش این مناطق در بخش تولیدی، اشتغال و حتی محیط‌زیست کشور و در پیشگیری از مهاجرت و مشکلات حاشیه‌نشینی اهمیتی دوچندان می‌یابد. همچنین اطلاع از روند توزیع درآمد در مناطق روستایی به تفکیک استان‌های کشور می‌تواند به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های مناسب برای تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی منجر شود. از این رو پژوهش حاضر ضمن محاسبه شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی استان‌های ایران با استفاده از شاخص‌های جینی، تایل، اتکینسون و هوور (رابین‌هود)، به بررسی و تحلیل وضعیت مناطق روستایی استان‌ها در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ می‌پردازد.

ادبیات موضوع

معیارهای نابرابری با هدف ایجاد ابزاری جهت رتبه‌بندی کامل توزیع درآمد در سطح یک گروه تعریف شده‌اند. دو معیار اصلی برای اندازه‌گیری توزیع درآمد وجود دارد: الف: توزیع شخصی یا مقداری درآمد^۱، ب: توزیع مبنی بر عوامل تولید^۲ یا سهم عوامل تولید. در معیار توزیع شخصی به کل درآمدهای دریافتی افراد یا خانوارها توجه می‌شود. در این معیار، مهم این است که هر فرد چه مقدار درآمد به دست آورده است و نوع منبع کسب درآمد مطرح نیست. همچنین مکان جغرافیایی، موقعیت شهری و روستایی، بخش اقتصادی منبع کسب و ... هیچ‌کدام در نظر گرفته نمی‌شوند. در این مقیاس تمامی جمعیت به اندازه‌های مشخص و مساوی تقسیم می‌شود. معمولاً به ۲۰ گروه پنج‌درصدی و یا ده گروه ده درصدی (دهک) تقسیم می‌گردد. سپس تعیین می‌شود که هر گروه چه نسبتی از کل درآمدها را دریافت کرده است.

مقیاس توزیع درآمد مبتنی بر سهم عوامل تولید، سعی می‌کند سهم کل درآمد ملی را که به وسیله هر یک از عوامل تولید دریافت می‌شود، توضیح دهد. نظریه و مقیاس درآمد مبنی بر عوامل تولید، درصد درآمدی را که کار در مجموع دریافت می‌کند با درصد درآمدی که به شکل سود اجاره و بهره توزیع می‌شود، مقایسه می‌کند (عادل‌زاده، ۱۳۸۶).

بررسی توزیع درآمد با استفاده از شاخص‌های مختلف امکان‌پذیر است، لیکن شاخص منحصر به فردی وجود ندارد که بهتر از سایر شاخص‌های نابرابری باشد، زیرا برخی از ضرایب و شاخص‌های نابرابری درآمد برای نشان دادن یک جنبه و برخی دیگر برای بیان و تفسیر جنبه‌های دیگر مناسب و مطلوب‌اند. دالتون^۳ (۱۹۲۰) اصولی را برای یک شاخص مطلوب نابرابری درآمد عنوان می‌کند که به شرح زیر است:

۱. اصل افزایش نسبی درآمدها^۴ (اصل استقلال میانگین): در صورتی که درآمد همه افراد به یک نسبت کاهش یا افزایش یابد، معیار اندازه‌گیری نابرابری نباید دچار تغییر شود.

۱-Personal Income Distribution

۲-Functional Income Distribution

۳-Dalton

۴-Principle of Proportional Addition to Income

۲. **اصل افزایش نسبی افراد (اصل استقلال اندازه جمعیت):** افزایش یکسان در تعداد افراد دریافت کننده هر سطحی از درآمد، منجر به تغییر شاخص نمی‌شود. (سایر شرایط ثابت)
۳. **اصل افزایش یکسان درآمدها:** اگر درآمد همه افراد به یک میزان معین افزایش یابد، شاخص کاهش یافته و به هنگام کاهش مساوی از درآمد همه افراد، شاخص افزایش یابد.
۴. **اصل انتقال^۱ (پیگو-دالتون):** انتقال درآمد از ثروتمند به فقیر، شاخص نابرابری اندازه-گیری شده را کاهش می‌دهد. البته بعد از دالتون ویژگی‌های دیگری نیز به چهار خصیصه فوق اضافه شدند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:
۵. **اصل تجزیه‌پذیری:** بر اساس این اصل، هرگاه جامعه مورد بررسی را بتوان به چند زیرگروه تقسیم کرد، در این صورت معیار نابرابری کل جامعه به صورت حاصل جمع نابرابری درآمد بین زیرگروه‌ها و متوسط وزنی نابرابری درآمد درون زیرگروه‌ها تعریف می‌شود (خداداد کاشی، ۱۳۸۷). ضریب وزنی زیرگروه‌ها می‌تواند سهم جمعیتی یا سهم درآمدی باشد (عادل‌زاده، ۱۳۸۶).
۶. **اصل آزمون‌پذیری آماری (قابلیت محاسبه):** یعنی شاخص نابرابری را بتوان به سهولت با اطلاعات آماری موجود برآورد کرد. این اصل از جنبه علمی و کاربردی اهمیت دارد. برخی از شاخص‌ها به‌رغم برتری نظری، تنها به دلیل عدم امکان محاسبه، کارایی خود را از دست می‌دهند (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۲).
۷. **اصل تقارن (گمنامی):** یعنی شاخص نابرابری فقط باید به توزیع فراوانی درآمدها بستگی داشته باشد و اگر تعداد افراد جامعه با ویژگی‌های مختلف، جایگاه درآمدی خود را تغییر دهند، شاخص نابرابری تغییر نکند (حسینی، ۱۳۹۴). به عبارتی دیگر، شاخص نابرابری درآمدی نسبت به خصوصیات غیر درآمدی، مانند سواد، جایگاه اجتماعی و سن مستقل است و متأثر از رتبه‌بندی افراد بر حسب درآمد است (خداداد کاشی، ۱۳۸۷).
۸. **اصل استقلال:** بدان معنا که شاخص نابرابری درآمدی باید نسبت به واحد اندازه‌گیری بی‌تفاوت باشد. به طور مثال شاخص نابرابری نباید به هنگام تغییر واحد پول تغییر کند (حسینی، ۱۳۸۶).

منحنی لورنز و ضریب جینی^۱

ضریب جینی متداول‌ترین شاخص نابرابری درآمد است که توسط کواردو جینی (۱۹۱۲) برای اندازه‌گیری میزان نابرابری معرفی شده که به لحاظ آماری برابر است با نسبت اندازه نابرابری توزیع درآمد در جامعه به حداکثر اندازه نابرابری درآمدی ممکن در یک توزیع درآمد کاملاً ناعادلانه است (نژاد عبدالله و همکاران، ۱۳۹۲).

$$Gini = 1 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i+1})(Y_i + Y_{i+1}) \quad [1]$$

$$Gini = \frac{0.5 - \sum_{i=1}^n (X_i - X_{i-1}) \left(\frac{Y_i + Y_{i-1}}{2} \right)}{0.5} \quad [2]$$

X_i درصد تجمعی افراد یا خانوارها در گروه (دهک) i و Y_i درصد تجمعی درآمد افراد یا خانوارها در گروه i و n تعداد گروه‌ها یا دهک‌های درآمدی است (رفعت، جزئی زاده، ۱۳۹۵). ضریب جینی موضوع توزیع درآمد را از دریچه عدم عدالت بررسی می‌کند. در حقیقت، این شاخص میزان تمرکز درآمد را اندازه‌گیری می‌کند و بنابراین از آن به عنوان شاخص تمرکز درآمد نیز می‌توان یاد کرد (پژویان، ۱۳۷۸: ۶۲).

شاخص تایل^۲

شاخص تایل بر خلاف سایر شاخص‌ها که بر منحنی لورنز و توابع تولید متکی است، بر مفهوم آنتروپی در نظریه اطلاعات استوار است. بر پایه این نظریه، وقایع محتمل پذیرفتنی در محیطی داده‌ای برابر با مجموع موزون داده‌ای این رویدادها است که محتوای داده‌ای هر رویداد به نوبه خود تابع نزولی احتمال رخداد آن است؛ یعنی هرچه احتمال رخداد یک رویداد بیش‌تر باشد، ارزش محتوایی داده‌ای این رویداد کم‌تر است (راغفر و همکاران، ۱۳۹۰). شکل عمومی معیارهای آنتروپی تعمیم‌یافته را می‌توان به صورت زیر ارائه کرد:

۱-Lorenz Curve & Gini Coefficient

۲-Theil Index

$$GE(\alpha) = \frac{1}{\alpha^2 - \alpha} \left[\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)^\alpha - 1 \right] \quad [3]$$

که در آن، n تعداد افراد درون جامعه مورد بررسی، y_i درآمد فرد i ام ($i=1,2,\dots,n$) و $\bar{y} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n y_i$ میانگین حسابی درآمدها می‌باشد. مقدار GE در دامنه صفر تا بی‌نهایت قرار دارد که مقدار صفر بیانگر توزیع درآمد کاملاً برابر می‌باشد و با افزایش GE ، سطح نابرابری نیز افزایش می‌یابد. مقدار α هر مقدار حقیقی می‌تواند باشد. برای مقادیر کوچک α رابطه GE به تغییرات درآمدی در قسمت پایین توزیع درآمد حساس‌تر است و برای مقادیر بزرگ‌تر α ، GE به تغییرات درآمد در قسمت بالایی توزیع درآمد حساس‌تر می‌شود. زمانی که $\alpha = 1$ باشد، GE نشان‌دهنده شاخص تایل می‌باشد که فرمول آن به صورت ذیل می‌باشد: (نژاد عبدالله و همکاران، ۱۳۹۲: ۸)

$$GE(1) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{y_i}{\bar{y}} \ln \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right) \quad [4]$$

حالتی که در بالا به آن اشاره شد، در صورت وجود و به‌کارگیری اطلاعات به صورت خام، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما در صورتی که داده‌ها به صورت دهک بندی شده در اختیار باشد، تایل به صورت ذیل می‌باشد:

$$Theil = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n p_i \ln \left(\frac{p_i}{q_i} \right) \quad [5]$$

که در آن n ، تعداد دهک‌های درآمدی، p_i ، سهم درآمدی دهک (طبقه) i ام، q_i سهم جمعیتی طبقه i ام است (نیکولاس^۱، ۲۰۰۷).

شاخص اتکینسون^۲

اتکینسون رفاه اجتماعی را از حاصل جمع مطلوبیت‌های تمام افراد جامعه به دست می‌آورد. وی معیار خود را معادل توزیع برابر^۳ برای مقایسه هر توزیع می‌نامد (اتکینسون، ۱۹۸۷). اتکینسون

۱-Nicholas Rohde

۲-Atkinson Index

۳-Equality Distributed Equivalent Measure

معتقد است مطلوبیت افراد به ۲ عامل درآمد اشخاص و گریز جامعه از نابرابری بستگی دارد. در این صورت هرچه درجه پرهیز و گریز از نابرابری بیشتر باشد، نابرابری محاسبه شده برای هر توزیع درآمد مشخص نیز بیشتر است (نژادعبدالله و همکاران، ۱۳۹۲).

اتکینسون (۱۹۷۰) در تحقیقات خود به این نکته پی برد که معیارهای نابرابری به طور ضمنی متأثر از قضاوت‌های ارزشی هستند. بنابراین قضاوت‌ها باید به طور صریح در تابع رفاه اجتماعی لحاظ شوند. فرمول عمومی اتکینسون در رابطه ذیل نمایان است:

$$A_t = 1 - \left[\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left(\frac{y_i}{\bar{y}} \right)^{1-\varepsilon} \right]^{\frac{1}{1-\varepsilon}} \quad [6]$$

جایی که n تعداد دهک‌های درآمدی، y_i درآمد سرانه، \bar{y} درآمد میانگین و ε پارامتری است که مقادیر غیر منفی اختیار می‌کند و میزان پرهیز از نابرابری را به طور نسبی بیان می‌کند. در واقع، با اختصاص وزن‌های متفاوت به این پارامتر، حساسیت شاخص اتکینسون برای ارزیابی توزیع درآمد در طبقات مختلف درآمدی جامعه مشخص می‌شود. برای محاسبه شاخص نابرابری اتکینسون مقدار ε باید مشخص شود که از نقطه نظر اجماع کار ساده‌ای نیست. به همین جهت محققان معمولاً شاخص اتکینسون را با مقادیر مختلف ε محاسبه می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۴). هرچه مقدار بالاتر باشد جامعه نسبت به نابرابری نگرانی بیشتری دارد. دامنه گروه معیارهای اتکینسون از صفر تا یک است، که صفر برابری کامل و یک نابرابری کامل را نشان می‌دهد.

شاخص هوور (رابین‌هود)^۱

شاخص رابین‌هود، نشان‌دهنده حداکثر فاصله عمودی از خط ۴۵ منحنی لورنز (خط برابری) می‌باشد. علت اینکه نام این شاخص، رابین‌هود نام گرفته، این است که شاخص مزبور سهمی از درآمد است که باید از افراد با درآمد بالای میزان متوسط به افراد با درآمد پایین میزان متوسط منتقل شود، تا حداکثر برابری توزیعی درآمد ایجاد شود. بالا بودن شاخص هوور نشان از وجود نابرابری بیشتر در جامعه دارد، لذا برای دستیابی به برابری باید سهم بیشتری از درآمد باز توزیع

شود. این شاخص در مطالعات بسیاری برای بررسی فرضیه وجود نابرابری درآمد استفاده شده است (مایو^۱، ۲۰۰۷).

فرمول این شاخص به صورت زیر است:

$$H = \frac{1}{2} \sum_{i=1}^N \left| \frac{E_i}{E_{total}} - \frac{A_i}{A_{total}} \right| \quad [V]$$

فرمول فوق در حالت در اختیار داشتن داده‌ها به صورت دهک بندی شده قابل استفاده می‌باشد. E_i میزان درآمد دهک i ام، E_{total} مجموع درآمدهای تمام دهک‌های درآمدی، A_i جمعیت دهک i ام و A_{total} مجموع جمعیت تمام دهک‌های درآمدی نشان می‌دهد.

شاخص رابین‌هود نیز مانند ضریب جینی بین صفر و یک قرار دارد، عدد یک نشان از نابرابری کامل دارد (نیاز به باز توزیع مجدد کامل) و عدد صفر نیز برابری کامل در توزیع درآمد را نشان می‌دهد (چالرز^۲، ۲۰۱۱).

پیشینه تحقیق

اولین تحقیق در زمینه توزیع درآمد در ایران را اوشیما^۳ در سال (۱۹۷۰) انجام داد. نتایج مطالعه مزبور نشان از تمرکز شدید الگوی توزیع درآمدها در ایران داشت، ضریب جینی بین ۰.۶ تا ۰.۷ تخمین زده شد. پس از اوشیما، پسران (۱۹۷۴) با بررسی الگوی توزیع درآمد در ایران به این نتیجه رسید که توزیع درآمدها بدتر شده و نابرابری در بین گروه‌های مختلف جامعه از یک طرف و مناطق شهری و روستایی از طرف دیگر افزایش یافته است. اگرچه نابرابری میان گروه‌های مختلف شهری از یک طرف و نیز بین گروه‌های مختلف روستایی از طرف دیگر افزایش یافته است، توزیع درآمد در مناطق روستایی از نابرابری کمتری نسبت به مناطق شهری برخوردار بوده است. مهران (۱۹۷۵)، ضریب جینی هزینه‌های مصرفی در سال ۱۳۵۲ را در مناطق شهری ۰.۴ و در مناطق روستایی برابر ۰.۳۶ برآورد کرده است.

۱-Maio

۲-Charles

۳-Oshima

ابونوری و ایرجی (۱۳۸۳) طی مقاله‌ای به مقایسه توزیع درآمد در استان خراسان با کل کشور طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۸۰ با به کارگیری ضریب جینی به روش پارامتری پرداختند. نتایج حاصل از ارزیابی روند توزیع درآمد حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۱، به جز سال ۱۳۵۲، نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری از مناطق روستایی خراسان بیشتر است. در سال‌های قبل از ۱۳۶۹، نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری ایران به مراتب از مناطق روستایی بیشتر است، در حالی که در سال‌های پس از ۱۳۶۹ این روند معکوس شده است.

ارسلان‌بد (۱۳۸۳) طی مطالعه‌ای به بررسی تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران طی سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۷۸ پرداخت. نتایج نشان از این دارد که ضریب جینی از سال ۱۳۵۸ تا اواسط دهه ۱۳۷۰ با فراز و فرودهایی همراه بوده است. وی در مقاله خود نشان داد که ضریب جینی توزیع درآمد مناطق روستایی و شهری در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۵ کاهش یافته، در حالی که در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵ افزایش داشته است.

خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۷) به بررسی توزیع درآمد مناطق شهری و روستایی در ایران با استفاده از شاخص‌های تایل، اتکینسون و جینی طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۸۳ پرداختند. یافته‌ها دلالت بر این دارد که طی سال‌های مورد بررسی، نشان از کاهش نابرابری دارد. شاخص تایل مناطق روستایی از مقدار (۰.۲۵۲) به (۰.۱۶۳) کاهش یافته است.

حسینی و نجفی (۱۳۸۸) با به کارگیری ضریب جینی، شاخص اتکینسون و تایل به بررسی توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۶۳ پرداختند. یافته‌های مطالعه نشان داد در طول دوره مورد بررسی از نابرابری درآمدی در کشور کاسته شده است، هرچند که این کاهش بسیار کند است. مضافاً اینکه توزیع درآمد در مناطق روستایی نابرابرتر از مناطق شهری و از نوسان‌های بیشتری برخوردار بوده است.

بیات و حکمتی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان اندازه‌گیری درآمد در مناطق شهری و روستایی استان همدان با استفاده از ضریب جینی به بررسی میزان نابرابری طی دوره ۱۳۸۹-۱۳۷۵ پرداختند. نتیجه این که میانگین ضریب جینی طی دوره مورد بررسی در مناطق شهری و روستایی استان همدان به ترتیب ۰.۳۸ و ۰.۳۹ بوده است. به طور متوسط وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی استان نابرابرتر از مناطق شهری بوده است.

نژادعبدالله و همکاران (۱۳۹۲) طی بررسی شاخص‌های توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری

ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۷ پرداختند. نتیجه آن‌که در دوره مورد بررسی، شدت نسبی نابرابری‌های درآمدی در کشور کاهش یافته، اما میزان کاهش آن بسیار محدود بوده و در مجموع حاکی از ناکارآمدی سیاست‌های توزیعی اعمال شده است.

حسینی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان توزیع درآمد در ایران با استفاده از شاخص‌های جینی و اتکینسون در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ به بررسی وضعیت توزیع درآمد در جامعه شهری و روستایی در ایران پرداخت. نتایج محاسبه شده دو شاخص جینی و اتکینسون نشان از کاهش نابرابری درآمدی طی سال‌های مورد بررسی دارد. نابرابری درآمدی از سال ۱۳۸۹ کاهش چشمگیری داشته است.

همان‌طور که بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد وضعیت توزیع درآمد مناطق روستایی به تفکیک استان‌ها انجام نشده است درحالی‌که محاسبه و پایش شاخص‌های توزیع درآمد در مناطق روستایی می‌تواند به تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های منطقه‌ای منجر گردد.

یافته‌های تحقیق

جهت بررسی وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی، شاخص‌های جینی، تایل، هوور و اتکینسون با استفاده داده‌های نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای مناطق روستایی (ارائه شده توسط مرکز آمار ایران) محاسبه و در ادامه ارائه شده است.

جدول ۱ ضریب جینی مناطق روستایی به تفکیک استان را در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ نشان می‌دهد. مقایسه ضریب جینی در مناطق روستایی کشور در فاصله سال‌های مورد بررسی از (۰.۳۹۷) به (۰.۳۴۶)، کاهش یافته که نشان از بهبود وضعیت توزیع درآمد در مناطق روستایی کشور دارد. کمترین میزان ضریب جینی مربوط به سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ و در سال ۱۳۹۴ اندکی افزایش یافته است.

جدول (۱)- ضریب جینی مناطق روستایی به تفکیک استان‌های کشور در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵

سال	استان										
	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵
کشور	۰.۳۹۷	۰.۳۸۵۷	۰.۳۶۷۹	۰.۳۶۱۵	۰.۳۳۱	۰.۳۵۶۷	۰.۳۵۰۳	۰.۳۲۶	۰.۳۲۷	۰.۳۴۶	
آذربایجان شرقی	۰.۳۷۵	۰.۳۶۱۰	۰.۳۵۳۵	۰.۳۱۶۲	۰.۲۹۴۱	۰.۳۳۳۸	۰.۲۸۸۲	۰.۳۰۱	۰.۳۰۵	۰.۳۰	
آذربایجان غربی	۰.۳۳۳	۰.۳۲۸۱	۰.۲۹۷۷	۰.۲۶۷۴	۰.۲۴۲۸	۰.۳۴۲۴	۰.۳۲۳۶	۰.۲۹	۰.۲۶۷	۰.۲۸۷	
اردبیل	۰.۳۴۷	۰.۳۳۴۸	۰.۳۰۷۹	۰.۲۸۳۲	۰.۲۴۶۶	۰.۳۱۲۰	۰.۳۱۰۸	۰.۲۹۷	۰.۲۷	۰.۳۰۴	
اصفهان	۰.۳۱۷	۰.۳۱۴۱	۰.۳۰۸۴	۰.۲۶۸۸	۰.۲۲۸۸	۰.۳۳۳۵	۰.۳۷۰۸	۰.۳۴۵	۰.۳۱۲	۰.۳۸	
البرز	-	-	-	-	-	۰.۲۵۹۴	۰.۲۴۴۳	۰.۲۱۱	۰.۲۰۷	۰.۲۵۳	
ایلام	۰.۳۲۲۷	۰.۲۸۱۴	۰.۲۸۱۹	۰.۲۵۴۵	۰.۲۴۴۶	۰.۳۲۰۰	۰.۲۲۸۹	۰.۲۸۴	۰.۲۹۲	۰.۲۲۲	
بوشهر	۰.۳۲۱۹	۰.۲۸۸۲	۰.۲۴۸۰	۰.۲۵۴۶	۰.۲۶۸۵	۰.۳۵۱۹	۰.۲۸۶۳	۰.۲۴۹	۰.۲۴۱	۰.۲۹۵	
تهران	۰.۳۴۲	۰.۳۲۱۳	۰.۲۶۶۵	۰.۲۹۳۶	۰.۲۵۰۳	۰.۲۸۱۳	۰.۲۵۴۲	۰.۲۷۶	۰.۲۲۴	۰.۲۸	
چهارمحال و بختیاری	۰.۳۰۷	۰.۲۹۸۵	۰.۲۵۳۰	۰.۲۹۱۳	۰.۲۴۲۴	۰.۳۱۳۱	۰.۳۳۱۱	۰.۲۶۵	۰.۲۴۹	۰.۳۴۳	
خراسان جنوبی	۰.۳۸	۰.۳۴۴۷	۰.۳۵۷۴	۰.۳۵۷۰	۰.۳۳۴۴	۰.۳۲۷۶	۰.۳۳۸۱	۰.۳۵۷	۰.۲۸۳	۰.۳۰۴	
خراسان رضوی	۰.۴۱۴	۰.۳۹۶۷	۰.۳۷۳۳	۰.۳۷۲۸	۰.۳۷۲۴	۰.۳۴۶۸	۰.۳۳۸۱	۰.۳۱۳	۰.۳۱۷	۰.۳۳۳	
خراسان شمالی	۰.۳۹۵	۰.۳۸۱۰	۰.۳۸۰۲	۰.۳۶۴۵	۰.۳۵۵۶	۰.۳۱۹۲	۰.۳۴۵۵	۰.۳۵۸	۰.۳۴۹	۰.۳۳۱	
خوزستان	۰.۳۳۲	۰.۳۰۱۶	۰.۲۶۳۷	۰.۲۹۰	۰.۳۳۱۲	۰.۳۱۴۴	۰.۳۰۱۲	۰.۲۴۲	۰.۲۳۸	۰.۲۹۲	
زنجان	۰.۳۳۸	۰.۲۸۵۱	۰.۲۸۳۷	۰.۲۴۸۵	۰.۲۰۰۹	۰.۲۹۲۳	۰.۲۵۳	۰.۲۹	۰.۳۰۸	۰.۳۱۱	
سمنان	۰.۳۳۸	۰.۳۳۰۰	۰.۳۵۳۹	۰.۳۴۴۳	۰.۳۱۴۷	۰.۳۰۸۲	۰.۳۱۸۱	۰.۲۹۵	۰.۳۲۵	۰.۲۹۹	
سیستان و بلوچستان	۰.۳۶۹	۰.۴۲۳۴	۰.۴۲۲۲	۰.۴۰۸۷	۰.۴۱۹۲	۰.۳۵۶۱	۰.۳۴۴۹	۰.۳۳۲	۰.۳۳۵	۰.۳۷۳	
فارس	۰.۳۶۸	۰.۳۵۹۶	۰.۳۲۹۸	۰.۳۰۰۱	۰.۲۶۰۵	۰.۳۵۶۳	۰.۳۷۰۸	۰.۳۴۲	۰.۳۳۹	۰.۳۳۷	
قزوین	۰.۳۴	۰.۳۳۲۲	۰.۳۳۲۱	۰.۳۱۸۸	۰.۳۵۱۰	۰.۳۳۲۲	۰.۳۵۸۵	۰.۳۴۸	۰.۳۱۷	۰.۳۴۸	
قم	۰.۳۹۹	۰.۳۳۶	۰.۳۶۴۰	۰.۳۶۱۷	۰.۳۳۲۱	۰.۳۲۷۳	۰.۳۱۴	۰.۳۷۱	۰.۳۶۵	۰.۳۲	
کردستان	۰.۳۴۳	۰.۲۸۲۲	۰.۲۸۱۰	۰.۲۹۴۷	۰.۲۷۲۷	۰.۳۱۶۲	۰.۳۲۴۶	۰.۳۱۴	۰.۳۱۸	۰.۲۸۸	
کرمان	۰.۴۲۸	۰.۴۶۹۰	۰.۳۷۷۰	۰.۳۵۰۴	۰.۳۳۲۱	۰.۳۰۹۸	۰.۲۸۶۷	۰.۲۹۹	۰.۲۶۷	۰.۳۵۶	
کرمانشاه	۰.۳۸۵	۰.۳۱۹۴	۰.۳۳۲۸	۰.۳۳۳۳	۰.۲۹۳۳	۰.۳۴۲۶	۰.۳۲۷۱	۰.۳۰۴	۰.۲۸۷	۰.۳۱۱	
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۴۴۱	۰.۳۷۰۱	۰.۳۰۳۹	۰.۳۳۳۵	۰.۲۵۵۵	۰.۲۹۱۱	۰.۲۷۱۱	۰.۲۶	۰.۲۵۴	۰.۳۰۶	
گلستان	۰.۴۲۲	۰.۴۲۰۲	۰.۳۶۲۹	۰.۳۶۴۹	۰.۳۵۵۹	۰.۳۶۸۵	۰.۳۸۱۵	۰.۳۷۲	۰.۳۶۹	۰.۳۸۵	
گیلان	۰.۳۷۷	۰.۳۵۰۳	۰.۳۶۵۷	۰.۳۳۴۴	۰.۳۰۳۲	۰.۳۵۵۱	۰.۳۳۶۸	۰.۲۹۹	۰.۳۲۱	۰.۳۴۸	
لرستان	۰.۳۵۴	۰.۲۵۶۴	۰.۲۹۴۷	۰.۳۰۷۶	۰.۳۰۶۰	۰.۲۶۰۲	۰.۳۵۶۲	۰.۳۱	۰.۲۹۸	۰.۲۵	
مازندران	۰.۳۵۵	۰.۳۲۸۶	۰.۳۱۸۳	۰.۲۹۳۵	۰.۲۴۵۹	۰.۳۶۹۱	۰.۳۴۵۲	۰.۲۹۴	۰.۲۷۶	۰.۳۱۷	
مرکزی	۰.۴۰۵	۰.۴۳۳۲	۰.۴۱۴۴	۰.۳۹۸۱	۰.۴۲۵۸	۰.۳۸۱۷	۰.۳۸۹۲	۰.۳۶۹	۰.۳۵	۰.۳۵۶	
هرمزگان	۰.۳۷	۰.۳۶۳۱	۰.۴۲۹۹	۰.۳۷۹۹	۰.۳۳۷۴	۰.۳۲۳۵	۰.۳۱۷۷	۰.۳۱۴	۰.۳۵۲	۰.۳۲۱	
همدان	۰.۴۱۴	۰.۴۰۲۱	۰.۳۶۶۰	۰.۳۵۵۹	۰.۳۲۶۱	۰.۳۵۱۱	۰.۳۶۶۶	۰.۳۷۱	۰.۳۲۹	۰.۳۳۷	
یزد	۰.۴۱۲	۰.۴۱۳۵	۰.۴۰۰۸	۰.۴۰۰۹	۰.۳۲۶۱	۰.۴۰۴۳	۰.۳۷۲۱	۰.۳۴۷	۰.۳۲۳	۰.۳۷۵	

منبع: محاسبات پژوهش (استان البرز از سال ۱۳۸۹ تشکیل شده است؛ بنابراین شاخص‌های توزیع درآمد از سال ۱۳۹۰ محاسبه شده است)

مقایسه و رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس ضریب جینی مناطق روستایی در جدول ۲ ارائه شده است. در جدول پنج استان که بالاترین میزان ضریب جینی مناطق روستایی در کشور را طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۵ به خود اختصاص داده‌اند، نشان داده شده است.

جدول (۲)- رتبه‌بندی توزیع نابرابر درآمد در مناطق روستایی استان‌ها

سال رتبه	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
۱	تهران و پویر احمد	مرکزی	هرمزگان	سیستان و بلوچستان	مرکزی	یزد	مرکزی	گلستان	گلستان	گلستان
۲	کرمان	سیستان و بلوچستان	سیستان و بلوچستان	یزد	سیستان و بلوچستان	مرکزی	گلستان	همدان	کرمان	یزد
۳	گلستان	کرمان	مرکزی	مرکزی	خرم‌آباد	مازندران	یزد	قم	قم	سیستان و بلوچستان
۴	همدان	گلستان	یزد	هرمزگان	گلستان	گلستان	قم	مرکزی	هرمزگان	کرمان
۵	یزد	یزد	خرم‌آباد	خرم‌آباد	خرم‌آباد	قزوین	فارس	خرم‌آباد	مرکزی	مرکزی

منبع: محاسبات پژوهش

بررسی جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که شاخص تایل در مناطق روستایی کشور از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۸۹ روندی افزایشی داشته و در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته و مجدداً از سال ۱۳۹۱ روندی افزایشی را طی نموده است؛ بنابراین به استثنای سال ۱۳۹۰ در مناطق روستایی کشور وضعیت درآمد نامناسب‌تر شده است.

جدول (۳) - شاخص تایل مناطق روستایی به تفکیک استان‌های کشور در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کشور	۰.۳۵۶	۰.۳۸۳	۰.۳۶۹	۰.۳۷۸	۰.۳۹۴	۰.۳۵۶	۰.۳۵۹	۰.۳۶۵	۰.۳۸۵	۰.۳۳
آذربایجان شرقی	۰.۳۲۴	۰.۳۶۹	۰.۴۷	۰.۳۸۴	۰.۳۹۷	۰.۳۵	۰.۳۵۱	۰.۳۷۵	۰.۳۱۷	۰.۳۵۳
آذربایجان غربی	۰.۳۳۹	۰.۳۹۸	۰.۴	۰.۳۸۹	۰.۴۲۶	۰.۳۶۲	۰.۳۶۱	۰.۳۸۲	۰.۳۶۱	۰.۲۹۴
اردبیل	۰.۳۴۳	۰.۳۹۹	۰.۳۹	۰.۳۷۸	۰.۴۵۵	۰.۳۳۷	۰.۳۶۵	۰.۳۷۵	۰.۳۵۶	۰.۲۷۱
اصفهان	۰.۳۵۷	۰.۴۱۸	۰.۳۸	۰.۳۹۵	۰.۴۰۱	۰.۳۶۲	۰.۳۸	۰.۳۷۶	۰.۳۶۶	۰.۳۲
البرز	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ایلام	۰.۳۳۹	۰.۳۱۸	۰.۳۴	۰.۳۶۱	۰.۳۶۲	۰.۳۴۳	۰.۳۱۷	۰.۳۴۶	۰.۳۵۱	۰.۳۵۸
بوشهر	۰.۳۵۳	۰.۳۳۷	۰.۳۷۶	۰.۳۴۶	۰.۳۴۸	۰.۳۵۹	۰.۳۶۱	۰.۳۵	۰.۳۵۳	۰.۲۹۹
تهران	۰.۳۷۴	۰.۳۸۶	۰.۳۶	۰.۳۵۰	۰.۳۴۹	۰.۳۳۶	۰.۳۹	۰.۳۸۵	۰.۳۲۶	۰.۳۱۲
چهارمحال و بختیاری	۰.۳۴	۰.۲۹۹	۰.۳	۰.۳۶۰	۰.۳۶۰	۰.۳۴۷	۰.۳۷	۰.۳۴۶	۰.۳۷۶	۰.۳۳
خراسان جنوبی	۰.۲۸	۰.۳۰۵	۰.۳۱	۰.۳۶۴	۰.۲۹۶	۰.۳۱۶	۰.۳۳۶	۰.۳۱۵	۰.۳۲۴	۰.۲۸۹
خراسان رضوی	۰.۳۷۴	۰.۳۳۱	۰.۳۶	۰.۳۱۹	۰.۳۶۸	۰.۳۵۵	۰.۳۳۷	۰.۳۵۶	۰.۳۵۷	۰.۳۳۵
خراسان شمالی	۰.۳۳۶	۰.۳۱۳	۰.۳۳	۰.۳۵۱	۰.۳۵۹	۰.۳۲۱	۰.۳۴۱	۰.۳۵۹	۰.۳۴۶	۰.۲۹۲
خوزستان	۰.۳۹۱	۰.۳۱۶	۰.۳۳	۰.۴۲۸	۰.۴۰۹	۰.۳۵۲	۰.۳۶۸	۰.۳۵۵	۰.۳۷۸	۰.۳۱۵
زنجان	۰.۳۸۳	۰.۴۱۱	۰.۳۳	۰.۳۴۲	۰.۳۸۴	۰.۳۴۵	۰.۳۶۲	۰.۳۵۶	۰.۳۵۸	۰.۲۷۰
سمنان	۰.۳۵۱	۰.۳۰۷	۰.۳۴	۰.۳۳۳	۰.۳۸۷	۰.۳۴۷	۰.۳۳	۰.۳۳۳	۰.۳۵۷	۰.۳۲۱
سیستان و بلوچستان	۰.۳۰۷	۰.۳۴۵	۰.۳۲	۰.۳۳۷	۰.۳۷۵	۰.۳۸۸	۰.۳۹۴	۰.۳۶۹	۰.۳۴۶	۰.۳۲۵
فارس	۰.۳۵۱	۰.۳۶۶	۰.۳۷	۰.۴۰۷	۰.۴۷	۰.۳۶۹	۰.۳۷۹	۰.۳۷۱	۰.۳۷۲	۰.۳۵۲
قزوین	۰.۳۵۱	۰.۳۹۳	۰.۴۰	۰.۳۸۱	۰.۳۷۹	۰.۳۵۸	۰.۳۷۴	۰.۳۹۸	۰.۳۹۸	۰.۳۲۹
قم	۰.۳۵۵	۰.۳۳۷	۰.۳۵	۰.۳۴۹	۰.۳۸۴	۰.۳۴۵	۰.۳۴۶	۰.۳۶	۰.۳۷۶	۰.۳۱۳
کردستان	۰.۳۱۹	۰.۲۹۷	۰.۳	۰.۳۶	۰.۳۵۵	۰.۳۲۸	۰.۳۳۹	۰.۳۴۶	۰.۳۴۶	۰.۲۷۸
کرمان	۰.۳۴۹	۰.۴۳	۰.۳۴	۰.۳۴۶	۰.۳۶۰	۰.۳۵۱	۰.۳۲۷	۰.۳۴۲	۰.۳۵	۰.۲۸۳
کرمانشاه	۰.۳۸۴	۰.۳۲۷	۰.۳۵	۰.۳۶۷	۰.۳۸۸	۰.۳۵۹	۰.۳۵۴	۰.۳۶۶	۰.۳۶۴	۰.۲۷۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۳۶۴	۰.۳۴۷	۰.۳	۰.۳۱	۰.۳۴۴	۰.۳۳۵	۰.۳۱۹	۰.۳۵۳	۰.۳۵۳	۰.۲۸
گلستان	۰.۳۷۴	۰.۳۸۳	۰.۳۲	۰.۳۷۵	۰.۳۷۷	۰.۳۵۳	۰.۳۷۵	۰.۳۸۱	۰.۳۷۶	۰.۲۸۹
گیلان	۰.۳۶۱	۰.۳۴۳	۰.۳۷۰	۰.۳۷۸	۰.۳۸۷	۰.۳۵۶	۰.۳۴۵	۰.۳۴۱	۰.۳۷۲	۰.۳۱۳
لرستان	۰.۳۳۵	۰.۳۰۵	۰.۳۳۳	۰.۳۵۲	۰.۳۶۲	۰.۳۵۲	۰.۳۵۴	۰.۳۵۴	۰.۳۵۸	۰.۳۳۲
مازندران	۰.۳۸۹	۰.۳۸۵	۰.۳۸	۰.۳۷۱	۰.۴۳۲	۰.۳۴۴	۰.۳۶۹	۰.۳۷۴	۰.۳۷۲	۰.۲۸۵
مرکزی	۰.۳۳۵	۰.۳۶۱	۰.۳۴	۰.۳۴۳	۰.۴۵۱	۰.۳۵۷	۰.۳۶۶	۰.۳۸۱	۰.۳۷۱	۰.۳۱۶
هرمزگان	۰.۳۸۵	۰.۳۷۴	۰.۳۹	۰.۳۸۱	۰.۳۳۱	۰.۳۳۳	۰.۳۴۳	۰.۳۴۴	۰.۲۹۲	۰.۳۱۳
همدان	۰.۳۴۵	۰.۳۵۶	۰.۳۲	۰.۳۶۴	۰.۳۶۳	۰.۳۸۳	۰.۳۶۴	۰.۳۱	۰.۳۶۸	۰.۳۵۱
یزد	۰.۳۴۴	۰.۳۷۸	۰.۳۸	۰.۳۸۶	۰.۴۰۳	۰.۳۵۹	۰.۳۶۶	۰.۳۷۴	۰.۳۰۱	۰.۳

منبع: محاسبات پژوهش

کمترین میزان شاخص تایل در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۴، مربوط به سال ۱۳۹۰ با مقدار (۰.۲۵۶) و بعد از آن سال ۱۳۹۱ با مقدار (۰.۲۵۹) است. بالاترین مقدار نیز، در سال ۱۳۸۹ با مقدار (۰.۳۹۴) و بعد از آن در سال ۱۳۸۶ با مقدار (۰.۳۸۳) می‌باشد.

در بررسی نابرابری توزیع درآمد بین استان‌ها، بالاترین مقدار شاخص تایل (بالاترین میزان نابرابری توزیع درآمد) در سال‌های مورد بررسی به ترتیب به استان‌های خوزستان (۰.۳۹۱)، کرمان (۰.۴۳۰)، آذربایجان غربی (۰.۴۷۰)، خوزستان (۰.۴۲۸)، فارس (۰.۴۷۰)، مازندران (۰.۳۴۴)، سیستان و بلوچستان (۰.۳۹۴)، همدان (۰.۳۱۰)، آذربایجان شرقی (۰.۳۱۷) و البرز (۰.۴۲۳) اختصاص یافته است.

نتایج حاصل از محاسبه شاخص هوور در جدول ۴ ارائه شده است. شاخص مزبور از مقدار ۰/۲۹۸ در سال ۱۳۸۵ به ۰/۲۴۴ در ۱۳۹۴ کاهش یافته است. این شاخص تا سال ۱۳۸۹ روند نوسانی و از سال ۱۳۹۰ به بعد روندی کاهشی را سپری کرده است.

بالاترین میزان شاخص هوور در طی سال‌های مورد بررسی در سال ۱۳۸۶ (۰/۲۹۹) و پایین‌ترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۴ (۰/۲۴۴) است.

بر اساس شاخص هوور، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد (۰.۳۲۶)، گلستان (۰.۳۲۳)، هرمزگان (۰.۲۹۹)، یزد (۰.۳۱۲)، مرکزی (۰.۳۶۴)، مازندران (۰.۳۲۷)، فارس (۰.۳۰)، مرکزی (۰.۲۸۱)، یزد (۰.۲۸۱)، سیستان و بلوچستان (۰.۲۹۸)، به ترتیب رتبه نخست در نابرابری توزیع درآمد را از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴ به خود اختصاص داده‌اند.

جدول (۴) - شاخص هوور در مناطق روستایی کشور در فاصله سال‌های ۹۶-۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	استان
کشور	۰.۲۹۸	۰.۲۹۹	۰.۲۸۹	۰.۲۹۸	۰.۲۹	۰.۲۵۶	۰.۲۵۵	۰.۲۵۲	۰.۲۵۵	۰.۲۴۴	
آذربایجان شرقی	۰.۲۸۱	۰.۲۸۲	۰.۲۹۹	۰.۲۷۶	۰.۲۶۶	۰.۲۴۵	۰.۲۰۹	۰.۲۴۲	۰.۲۶۳	۰.۲۵۲	
آذربایجان غربی	۰.۲۵۵	۰.۲۸۹	۰.۲۶۹	۰.۲۴۷	۰.۲۳۱	۰.۲۵۴	۰.۲۵۹	۰.۲۴۱	۰.۲۱۷	۰.۲۰۷	
ازبیل	۰.۲۸	۰.۲۹۱	۰.۲۷۴	۰.۲۵۸	۰.۲۳۳	۰.۲۳۲	۰.۲۴۵	۰.۲۲۳	۰.۲۲۱	۰.۲۴۵	
اصفهان	۰.۲۸۸	۰.۳۱۲	۰.۲۷۳	۰.۲۹۲	۰.۲۴۸	۰.۲۶۱	۰.۲۷۸	۰.۲۶۹	۰.۲۵۵	۰.۲۱۶	
البرز						۰.۱۸۵	۰.۱۹۱	۰.۱۵۷	۰.۱۶۸	۰.۲۵۲	
ایلام	۰.۲۴۶	۰.۲۱۶	۰.۲۴۲	۰.۲۳	۰.۲۲۳	۰.۲۳۹	۰.۱۶۳	۰.۲۱۲	۰.۲۱۸	۰.۲۴۲	
بوشهر	۰.۲۵۱	۰.۲۳۵	۰.۲۲۴	۰.۲۲۸	۰.۲۳۹	۰.۲۵۷	۰.۲۰۳	۰.۱۸۲	۰.۱۸	۰.۲۱۲	
تهران	۰.۲۶۶	۰.۲۷۸	۰.۲۴	۰.۲۵۴	۰.۲۲۲	۰.۲۰۱	۰.۱۸۹	۰.۲۱۶	۰.۱۸۱	۰.۱۹۹	

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
چهارمحال و بختیاری	۰.۲۲	۰.۲۲۵	۰.۱۹۲	۰.۲۴۶	۰.۲۲۳	۰.۲۲۸	۰.۲۳۹	۰.۲۰۶	۰.۲۲۳	۰.۲۴۵
خراسان جنوبی	۰.۲۷۶	۰.۲۷۴	۰.۲۵۹	۰.۲۵۵	۰.۲۴۶	۰.۲۳۷	۰.۲۳۶	۰.۱۸۸	۰.۲۱۶	۰.۲۱۶
خراسان رضوی	۰.۳۰۴	۰.۲۹۸	۰.۲۸۱	۰.۲۷۲	۰.۲۹۸	۰.۲۴۷	۰.۲۴۹	۰.۲۲۹	۰.۲۳۷	۰.۲۵۲
خراسان شمالی	۰.۲۸۳	۰.۲۸۱	۰.۲۷۷	۰.۲۷۲	۰.۲۷۲	۰.۲۳	۰.۲۵۲	۰.۲۶۲	۰.۲۶۱	۰.۲۴۲
خوزستان	۰.۲۴	۰.۲۲۹	۰.۲۲۸	۰.۲۷۱	۰.۲۱۳	۰.۲۲۸	۰.۲۳۲	۰.۲۰۳	۰.۲۰۷	۰.۲۱۲
زنجان	۰.۲۶۲	۰.۲۹۸	۰.۲۲۲	۰.۲۰۳	۰.۱۹	۰.۲۰۳	۰.۲۴۲	۰.۲۲۳	۰.۲۲۶	۰.۲۰۹
سمنان	۰.۲۴۴	۰.۲۳۳	۰.۲۷۴	۰.۲۷۱	۰.۲۵۴	۰.۲۲	۰.۲۳۲	۰.۲۲	۰.۲۴۹	۰.۲۱۹
سیستان و بلوچستان	۰.۲۷	۰.۳۱۴	۰.۳۰۸	۰.۲۹۴	۰.۲۹۹	۰.۲۵۷	۰.۲۴۵	۰.۲۳۹	۰.۲۴	۰.۲۹۸
فارس	۰.۲۸۵	۰.۲۹۱	۰.۲۷۶	۰.۲۷۴	۰.۲۴۸	۰.۲۶۴۳	۰.۳۰	۰.۲۵۷	۰.۲۶۴	۰.۲۳۸
قزوین	۰.۲۷۸	۰.۲۸۳	۰.۲۹۹	۰.۲۷۷	۰.۲۳۳	۰.۲۶۴	۰.۲۶۷	۰.۲۷۳	۰.۲۵۴	۰.۲۵۳
قم	۰.۲۸۹	۰.۲۷۷	۰.۲۸۴	۰.۲۸۴	۰.۲۹۱	۰.۲۳۶	۰.۲۷	۰.۲۷۱	۰.۲۷۷	۰.۲۲۷
کردستان	۰.۲۴۶	۰.۲۱۱	۰.۲۱۳	۰.۲۵۳	۰.۲۴۱	۰.۲۲۵	۰.۲۳۵	۰.۲۲۶	۰.۲۳۶	۰.۱۹۹
کرمان	۰.۳۲۲	۰.۳۱۷	۰.۲۸۴	۰.۲۶۹	۰.۲۷۶	۰.۲۱۹	۰.۲۰۷	۰.۲۰۹	۰.۲۷	۰.۲۷
کرمانشاه	۰.۲۸۸	۰.۲۴۲	۰.۲۷۴	۰.۲۷۶	۰.۲۶۸	۰.۲۴۷	۰.۲۴۲	۰.۲۳۶	۰.۲۲۹	۰.۲۲۴
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۳۲۶	۰.۲۸۵	۰.۲۱۶	۰.۲۵۸	۰.۲۲۵	۰.۲۰۹	۰.۱۹۶	۰.۱۹۹	۰.۲۰۵	۰.۲۱۴
گلستان	۰.۳۱۳	۰.۳۲۳	۰.۲۶	۰.۳۱	۰.۲۹۵	۰.۲۷	۰.۲۸۳	۰.۲۷۵	۰.۲۶۶	۰.۲۸۱
گیلان	۰.۲۸۵	۰.۲۷۲	۰.۲۹۶	۰.۲۹۱	۰.۲۶۹	۰.۲۵۹	۰.۲۴۵	۰.۲۲۵	۰.۲۵۵	۰.۲۴۷
لرستان	۰.۲۶۳	۰.۱۸۳	۰.۲۲۲	۰.۲۶۱	۰.۲۴۵	۰.۱۷۸	۰.۲۵۹	۰.۲۱۸	۰.۲۲۲	۰.۱۸۱
مازندران	۰.۲۹۵	۰.۲۹۱	۰.۲۸	۰.۲۶۱	۰.۲۳۲	۰.۳۳۷	۰.۲۵۸	۰.۲۳۹	۰.۲۳۶	۰.۲۲۸
مرکزی	۰.۲۹۴	۰.۳۱۷	۰.۳۱۱	۰.۳۰۴	۰.۳۶۴	۰.۲۸۳	۰.۲۹۳	۰.۲۸۱	۰.۲۷۳	۰.۲۵۴
هرمزگان	۰.۲۹۲	۰.۲۹۹	۰.۳۳۱	۰.۲۹۸	۰.۲۶	۰.۲۳۳	۰.۲۲۴	۰.۲۲۹	۰.۲۶۸	۰.۲۲۹
همدان	۰.۳۰۵	۰.۲۹۳	۰.۲۴۵	۰.۲۷۹	۰.۲۶۸	۰.۲۴۷	۰.۲۷۱	۰.۲۶۳	۰.۲۳۹	۰.۲۴۲
یزد	۰.۳۰۹	۰.۳۰۶	۰.۳۱۳	۰.۳۱۲	۰.۳۱۹	۰.۲۹	۰.۲۷۵	۰.۲۶	۰.۲۸۱	۰.۲۶۹

منبع: محاسبات پژوهش

پایین‌ترین میزان شاخص (کمترین میزان نابرابری) در استان‌های چهارمحال و بختیاری (۰.۲۲)، البرز (۰.۱۸۳)، کهگیلویه و بویراحمد (۰.۲۱۶)، زنجان (۰.۲۰۳)، زنجان (۰.۱۹)، البرز (۰.۱۸۵)، ایلام (۰.۱۶۳)، البرز (۰.۱۵۷)، البرز (۰.۱۶۸) و لرستان (۰.۱۸۱) به ترتیب از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۵. شاخص اتکینسون با ضریب ۰/۱ برای مناطق روستایی کشور در فاصله سال های ۹۴-۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
استان										
کشور	۰۰۳۵	۰۰۳۶	۰۰۳۶	۰۰۳۷	۰۰۳۸	۰۰۴۵	۰۰۲۶	۰۰۲۶	۰۰۲۷	۰۰۰۳
آذربایجان شرقی	۰۰۲۲	۰۰۲۴	۰۰۴۶	۰۰۲۷	۰۰۳۹	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۷	۰۰۰۳	۰۰۳۳
آذربایجان غربی	۰۰۳۳	۰۰۳۹	۰۰۳۹	۰۰۴۵	۰۰۳۸	۰۰۲۶	۰۰۲۶	۰۰۲۸	۰۰۲۶	۰۰۲۹
اردبیل	۰۰۲۴	۰۰۳۹	۰۰۳۸	۰۰۳۷	۰۰۴۱	۰۰۲۳	۰۰۲۶	۰۰۲۷	۰۰۲۵	۰۰۲۷
اصفهان	۰۰۳۵	۰۰۴۱	۰۰۳۸	۰۰۳۸	۰۰۳۹	۰۰۲۶	۰۰۲۸	۰۰۲۷	۰۰۲۶	۰۰۳۲
البرز	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰۰۲۳	۰۰۲۲	۰۰۲۳	۰۰۴۱
ایلام	۰۰۳۳	۰۰۳۱	۰۰۳۳	۰۰۳۵	۰۰۳۵	۰۰۲۴	۰۰۲۱	۰۰۲۴	۰۰۲۵	۰۰۲۵
بوشهر	۰۰۳۵	۰۰۳۳	۰۰۳۷	۰۰۳۴	۰۰۳۴	۰۰۲۵	۰۰۲۶	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۹
تهران	۰۰۲۷	۰۰۳۸	۰۰۳۵	۰۰۳۴	۰۰۳۴	۰۰۲۳	۰۰۲۳	۰۰۲۸	۰۰۲۲	۰۰۳۱
چهارمحال و بختیاری	۰۰۰۳	۰۰۲۹	۰۰۰۳	۰۰۴۱	۰۰۳۵	۰۰۲۴	۰۰۲۷	۰۰۲۴	۰۰۲۷	۰۰۳۲
خراسان جنوبی	۰۰۲۸	۰۰۰۲	۰۰۳۱	۰۰۳۵	۰۰۲۹	۰۰۲۱	۰۰۲۳	۰۰۲۱	۰۰۲۲	۰۰۲۹
خراسان رضوی	۰۰۲۷	۰۰۳۲	۰۰۳۵	۰۰۳۱	۰۰۳۶	۰۰۲۵	۰۰۲۳	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۳۳
خراسان شمالی	۰۰۲۲	۰۰۳۱	۰۰۳۳	۰۰۳۴	۰۰۳۵	۰۰۲۲	۰۰۲۴	۰۰۲۶	۰۰۲۴	۰۰۲۹
خوزستان	۰۰۳۵	۰۰۳۱	۰۰۳۲	۰۰۴۲	۰۰۳۷	۰۰۲۵	۰۰۲۶	۰۰۲۵	۰۰۲۸	۰۰۳۱
زنجان	۰۰۳۴	۰۰۴۱	۰۰۳۲	۰۰۰۳	۰۰۳۸	۰۰۲۴	۰۰۲۶	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۷
سمنان	۰۰۳۱	۰۰۰۲	۰۰۳۳	۰۰۳۳	۰۰۳۴	۰۰۲۴	۰۰۲۳	۰۰۲۳	۰۰۲۵	۰۰۳۲
سیستان و بلوچستان	۰۰۰۳	۰۰۳۴	۰۰۳۲	۰۰۳۳	۰۰۳۷	۰۰۲۶	۰۰۲۷	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۳۲
فارس	۰۰۲۴	۰۰۳۶	۰۰۳۷	۰۰۰۴	۰۰۴۶	۰۰۲۷	۰۰۲۷	۰۰۲۷	۰۰۲۷	۰۰۳۵
قزوین	۰۰۳۴	۰۰۳۸	۰۰۰۴	۰۰۳۷	۰۰۳۷	۰۰۲۵	۰۰۲۷	۰۰۲۹	۰۰۲۶	۰۰۲۹
قم	۰۰۳۵	۰۰۳۲	۰۰۳۴	۰۰۳۴	۰۰۳۷	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۲۶	۰۰۲۷	۰۰۳۱
کردستان	۰۰۳۱	۰۰۲۹	۰۰۲۹	۰۰۳۵	۰۰۳۵	۰۰۲۲	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۲۷
کرمان	۰۰۳۴	۰۰۴۳	۰۰۳۴	۰۰۳۴	۰۰۳۵	۰۰۲۵	۰۰۲۲	۰۰۲۴	۰۰۲۵	۰۰۲۸
کرمانشاه	۰۰۳۴	۰۰۳۲	۰۰۳۴	۰۰۳۶	۰۰۳۸	۰۰۲۶	۰۰۲۵	۰۰۲۶	۰۰۲۶	۰۰۲۷
کهگیلویه و بویراحمد	۰۰۳۶	۰۰۳۴	۰۰۲۹	۰۰۰۳	۰۰۳۴	۰۰۲۳	۰۰۲۲	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۸
گلستان	۰۰۲۷	۰۰۳۷	۰۰۳۲	۰۰۳۷	۰۰۳۷	۰۰۲۵	۰۰۲۷	۰۰۲۸	۰۰۲۷	۰۰۲۹
گیلان	۰۰۳۵	۰۰۳۴	۰۰۳۷	۰۰۳۷	۰۰۳۸	۰۰۲۵	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۲۷	۰۰۳۱
لرستان	۰۰۳۳	۰۰۳۰	۰۰۳۳	۰۰۳۴	۰۰۳۲	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۵	۰۰۲۶	۰۰۳۳
مازندران	۰۰۳۸	۰۰۳۰	۰۰۳۷	۰۰۳۶	۰۰۴۲	۰۰۳۴	۰۰۲۷	۰۰۲۷	۰۰۲۷	۰۰۲۸
مرکزی	۰۰۳۳	۰۰۳۵	۰۰۳۴	۰۰۳۳	۰۰۴۴	۰۰۲۵	۰۰۲۶	۰۰۲۸	۰۰۲۷	۰۰۳۱
هرمزگان	۰۰۳۸	۰۰۳۶	۰۰۳۹	۰۰۳۷	۰۰۳۲	۰۰۲۳	۰۰۲۴	۰۰۲۴	۰۰۲۹	۰۰۳۱
همدان	۰۰۳۴	۰۰۳۵	۰۰۳۲	۰۰۳۵	۰۰۳۵	۰۰۲۸	۰۰۲۶	۰۰۰۳	۰۰۲۶	۰۰۳۵
یزد	۰۰۳۴	۰۰۳۷	۰۰۳۷	۰۰۳۸	۰۰۳۹	۰۰۲۶	۰۰۲۶	۰۰۲۷	۰۰۰۳	۰۰۰۳

منبع: محاسبات پژوهش

اختصاص ضریب (۰.۱) به پارامتر ϵ ، سبب می‌شود که شاخص اتکینسون با حساسیت بالاتر نسبت به توزیع درآمد در طبقات پایین درآمدی محاسبه شود. نتایج محاسبات در جدول (۶) آمده است. بر اساس جدول ۶ نابرابری توزیع درآمد مناطق روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۹ روندی فزاینده داشته و از سال ۱۳۹۰ روندی کاهشی به خود گرفته است. بهترین وضعیت توزیع درآمد در سال ۱۳۹۰ (۰/۲۵) و بدترین وضعیت توزیع درآمد در سال ۱۳۸۹ (۰/۳۸) بوده است.

جدول (۶) - شاخص اتکینسون با ضریب ۰/۵ برای مناطق روستایی کشور در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کشور	۰.۱۶۸	۰.۱۷۱	۰.۱۷۲	۰.۱۷۵	۰.۱۸۲	۰.۱۳۱	۰.۱۳۳	۰.۱۳۴	۰.۱۳۶	۰.۱۴۹
آذربایجان شرقی	۰.۱۵۷	۰.۱۶۶	۰.۲۲۹	۰.۱۷۹	۰.۱۸۴	۰.۱۲۹	۰.۱۳	۰.۱۳۸	۰.۱۵	۰.۱۶۳
آذربایجان غربی	۰.۱۶۲	۰.۱۸۵	۰.۱۸۷	۰.۱۷۷	۰.۱۹۲	۰.۱۳۳	۰.۱۳۵	۰.۱۴۲	۰.۱۳۴	۰.۱۴۸
اردبیل	۰.۱۶۲	۰.۱۸۷	۰.۱۸۱	۰.۱۷۴	۰.۱۹۲	۰.۱۲۲	۰.۱۲۲	۰.۱۲۸	۰.۱۲۸	۰.۱۳۸
اصفهان	۰.۱۶۸	۰.۱۹۱	۰.۱۷۹	۰.۱۸۱	۰.۱۸۴	۰.۱۳۴	۰.۱۴۲	۰.۱۳۹	۰.۱۳۵	۰.۱۵۷
البرز	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰.۱۱۸	۰.۱۱۷	۰.۱۱۹	۰.۱۹۶
ایلام	۰.۱۶۱	۰.۱۵۳	۰.۱۵۷	۰.۱۶۸	۰.۱۷۰	۰.۱۲۲	۰.۱۱۴	۰.۱۲۲	۰.۱۲۸	۰.۱۳۱
بوشهر	۰.۱۷	۰.۱۶۱	۰.۱۷۷	۰.۱۶۲	۰.۱۶۲	۰.۱۳	۰.۱۳	۰.۱۳۱	۰.۱۲۷	۰.۱۴۷
تهران	۰.۱۸۲	۰.۱۷۹	۰.۱۶۹	۰.۱۶۳	۰.۱۶۵	۰.۱۲۲	۰.۱۱۶	۰.۱۴۵	۰.۱۱۳	۰.۱۵۱
چهارمحال و بختیاری	۰.۱۴۵	۰.۱۴۴	۰.۱۴۵	۰.۱۷۱	۰.۱۶۹	۰.۱۲۷	۰.۱۳۶	۰.۱۲۵	۰.۱۳۷	۰.۱۶
خراسان جنوبی	۰.۱۳۷	۰.۱۴۶	۰.۱۴۹	۰.۱۶۹	۰.۱۴۱	۰.۱۱۳	۰.۱۲۱	۰.۱۱۱	۰.۱۱۴	۰.۱۴۴
خراسان رضوی	۰.۱۷۵	۰.۱۵۷	۰.۱۶۷	۰.۱۵۳	۰.۱۷۱	۰.۱۳۱	۰.۱۲۲	۰.۱۳۰	۰.۱۳۲	۰.۱۶۴
خراسان شمالی	۰.۱۵۶	۰.۱۵	۰.۱۵۷	۰.۱۶۴	۰.۱۶۸	۰.۱۱۵	۰.۱۲۲	۰.۱۳۱	۰.۱۲۵	۰.۱۴۶
خوزستان	۰.۱۶۴	۰.۱۵۲	۰.۱۵۵	۰.۱۹۴	۰.۱۷۶	۰.۱۲۶	۰.۱۳۴	۰.۱۲۸	۰.۱۴۵	۰.۱۵۴
زنجان	۰.۱۷	۰.۲۱۱	۰.۱۵۹	۰.۱۴۶	۰.۱۸	۰.۱۲۶	۰.۱۳۱	۰.۱۳۰	۰.۱۳۱	۰.۱۳۶
سمنان	۰.۱۵	۰.۱۴۷	۰.۱۵۹	۰.۱۵۶	۰.۱۶۴	۰.۱۲۶	۰.۱۱۹	۰.۱۱۹	۰.۱۳	۰.۱۵۷
سیستان و بلوچستان	۰.۱۴۸	۰.۱۶۳	۰.۱۵۵	۰.۱۵۹	۰.۱۷۴	۰.۱۳۴	۰.۱۳۷	۰.۱۲۷	۰.۱۲۸	۰.۱۶
فارس	۰.۱۶۸	۰.۱۷	۰.۱۷۷	۰.۱۸۶	۰.۲۱۱	۰.۱۳۶	۰.۱۳۸	۰.۱۳۶	۰.۱۳۷	۰.۱۷
قزوین	۰.۱۶۴	۰.۱۸۱	۰.۱۸۶	۰.۱۷۶	۰.۱۷۴	۰.۱۳	۰.۱۳۶	۰.۱۴۵	۰.۱۳۱	۰.۱۴۶
قم	۰.۱۶۸	۰.۱۵۵	۰.۱۶۵	۰.۱۶۳	۰.۱۷۵	۰.۱۲۵	۰.۱۲۶	۰.۱۳۳	۰.۲۸	۰.۱۵۳
کردستان	۰.۰۳۱	۰.۰۲۹	۰.۰۲۹	۰.۰۳۵	۰.۰۳۵	۰.۰۲۲	۰.۰۲۴	۰.۰۲۴	۰.۰۲۴	۰.۰۲۷
کرمان	۰.۱۶۴	۰.۲۱۲	۰.۱۶۲	۰.۱۶۳	۰.۱۶۸	۰.۱۲۸	۰.۱۱۷	۰.۱۲۳	۰.۱۲۷	۰.۱۴۳
کرمانشاه	۰.۱۶۳	۰.۱۵۴	۰.۱۶۴	۰.۱۷	۰.۱۷۸	۰.۱۳۱	۰.۱۳۱	۰.۱۳۱	۰.۱۳۳	۰.۱۳۷
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۱۷	۰.۱۶۱	۰.۱۴۲	۰.۱۴۸	۰.۱۶۱	۰.۱۲	۰.۱۱۳	۰.۱۱۳	۰.۱۲۷	۰.۱۴۲

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
گلستان	-۰.۱۷۵	-۰.۱۷۶	-۰.۱۵۶	-۰.۱۷۵	-۰.۱۷۶	-۰.۱۲۹	-۰.۱۳۷	-۰.۱۴۱	-۰.۱۳۸	-۰.۱۴۵
گیلان	-۰.۱۷	-۰.۱۶۳	-۰.۱۷۴	-۰.۱۷۴	-۰.۱۷۹	-۰.۱۳۱	-۰.۱۲۵	-۰.۱۲۳	-۰.۱۳۸	-۰.۱۵۴
لرستان	-۰.۱۵۹	-۰.۱۴۵	-۰.۱۵۶	-۰.۱۶۵	-۰.۱۵۷	-۰.۱۳	-۰.۱۲۹	-۰.۱۲۸	-۰.۱۳۱	-۰.۱۶۲
مازندران	-۰.۱۸۲	-۰.۱۷۷	-۰.۱۷۵	-۰.۱۷۱	-۰.۱۹۹	-۰.۱۷۴	-۰.۱۳۸	-۰.۱۳۸	-۰.۱۳۷	-۰.۱۴۴
مرکزی	-۰.۱۶۱	-۰.۱۷۱	-۰.۱۶۳	-۰.۱۶۱	-۰.۲۰۳	-۰.۱۳۱	-۰.۱۳۴	-۰.۴۱	-۰.۱۳۵	-۰.۱۵۶
هرمزگان	-۰.۱۷۹	-۰.۱۷۳	-۰.۱۸۳	-۰.۱۷۶	-۰.۱۵۵	-۰.۱۲	-۰.۱۲۵	-۰.۱۲۵	-۰.۱۴۶	-۰.۱۵۵
همدان	-۰.۱۶۳	-۰.۱۶۸	-۰.۱۵۶	-۰.۱۶۹	-۰.۱۷	-۰.۱۴۲	-۰.۱۳۳	-۰.۱۵۳	-۰.۱۳۵	-۰.۱۶۹
یزد	-۰.۱۶۳	-۰.۱۷۷	-۰.۱۷۸	-۰.۱۷۹	-۰.۱۸۵	-۰.۱۳۳	-۰.۱۳۵	-۰.۱۳۹	-۰.۱۵	-۰.۱۴۹

منبع: محاسبات پژوهش

جدول (۷) - شاخص اتکینسون با ضریب ۰.۹ برای مناطق روستایی کشور در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
کشور	-۰.۲۸۶	-۰.۲۸۷	-۰.۲۸۸	-۰.۲۹۲	-۰.۳۰۲	-۰.۲۳۷	-۰.۲۳۹	-۰.۲۴۱	-۰.۲۴۵	-۰.۲۶۲
آذربایجان شرقی	-۰.۲۷۱	-۰.۲۸۱	-۰.۴	-۰.۲۹۹	-۰.۳۰۸	-۰.۲۳۵	-۰.۲۳۹	-۰.۲۴۸	-۰.۲۶۶	-۰.۲۸۳
آذربایجان غربی	-۰.۲۸۷	-۰.۳۰۹	-۰.۳۱۴	-۰.۲۹۲	-۰.۳۱۲	-۰.۲۳۹	-۰.۲۳۱	-۰.۲۵۵	-۰.۲۴۳	-۰.۲۶۵
اردبیل	-۰.۲۷۵	-۰.۳۱۴	-۰.۳۰۵	-۰.۲۸۸	-۰.۳۱۵	-۰.۲۲۱	-۰.۲۳۳	-۰.۲۴۷	-۰.۲۲۷	-۰.۲۴۷
اصفهان	-۰.۲۸۴	-۰.۳۱۶	-۰.۲۹۷	-۰.۲۹۸	-۰.۳۰۶	-۰.۲۴۳	-۰.۲۵۸	-۰.۲۵	-۰.۲۴۳	-۰.۲۷۶
البرز	-۰.۳۲۹	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳	-۰.۳۳۳
ایلام	-۰.۲۷۵	-۰.۲۶۲	-۰.۲۶۳	-۰.۲۸۲	-۰.۲۸۵	-۰.۲۱۸	-۰.۲۱	-۰.۲۱۷	-۰.۲۱۴	-۰.۲۳۴
بوشهر	-۰.۲۹۵	-۰.۲۷۵	-۰.۲۹۹	-۰.۲۷۳	-۰.۲۷۰	-۰.۲۳۲	-۰.۲۳۲	-۰.۲۴۵	-۰.۲۳۶	-۰.۲۵۸
تهران	-۰.۳۲	-۰.۲۹۷	-۰.۲۸۳	-۰.۲۷۳	-۰.۲۸	-۰.۲۲۴	-۰.۲۰۸	-۰.۲۶۳	-۰.۲۰۳	-۰.۲۶
چهارمحال و بختیاری	-۰.۲۴۷	-۰.۲۴۶	-۰.۲۴۷	-۰.۲۹۰	-۰.۲۸۳	-۰.۲۳۲	-۰.۲۴۴	-۰.۲۲۷	-۰.۲۴۱	-۰.۲۷۶
خراسان جنوبی	-۰.۲۴	-۰.۲۵	-۰.۲۵۴	-۰.۲۸۲	-۰.۲۴۲	-۰.۲۰۹	-۰.۲۲۱	-۰.۲۰۲	-۰.۲۰۶	-۰.۲۵۵
خراسان رضوی	-۰.۲۹۶	-۰.۲۶۶	-۰.۲۸۲	-۰.۲۶۲	-۰.۲۸۶	-۰.۲۳۸	-۰.۲۲۳	-۰.۲۳۸	-۰.۲۴۱	-۰.۲۸۴
خراسان شمالی	-۰.۲۶۸	-۰.۲۵۹	-۰.۲۶۷	-۰.۲۷۵	-۰.۲۸۱	-۰.۲۱۱	-۰.۲۲	-۰.۲۳۴	-۰.۲۲۵	-۰.۲۵۹
خوزستان	-۰.۲۷۲	-۰.۲۶۳	-۰.۲۶۲	-۰.۳۱۷	-۰.۲۹۸	-۰.۲۲۴	-۰.۲۳۸	-۰.۲۲۸	-۰.۲۶۷	-۰.۲۶۹
زنجان	-۰.۲۹۸	-۰.۳۸۶	-۰.۲۷۳	-۰.۲۴۹	-۰.۳۰۴	-۰.۲۲۹	-۰.۲۳۳	-۰.۲۳۶	-۰.۲۳۶	-۰.۲۴۴
سمنان	-۰.۲۵۶	-۰.۲۵۲	-۰.۲۶۹	-۰.۲۶۲	-۰.۲۷۶	-۰.۲۲۸	-۰.۲۱۹	-۰.۲۱۶	-۰.۲۳۴	-۰.۲۷۴
سیستان و بلوچستان	-۰.۲۵۵	-۰.۲۷۶	-۰.۲۶۴	-۰.۲۷	-۰.۲۹۱	-۰.۲۴۲	-۰.۲۴۵	-۰.۲۳	-۰.۲۳۵	-۰.۲۷۹
فارس	-۰.۲۸۸	-۰.۲۸۴	-۰.۲۹۸	-۰.۳۰۸	-۰.۳۴۳	-۰.۲۴۵	-۰.۲۴۴	-۰.۲۴۳	-۰.۲۴۵	-۰.۲۹۴
قزوین	-۰.۲۷۷	-۰.۳۰۲	-۰.۳۰۶	-۰.۲۹۳	-۰.۲۸۷	-۰.۲۳۳	-۰.۲۴۲	-۰.۲۵۴	-۰.۲۳۴	-۰.۲۵۸
قم	-۰.۲۸۷	-۰.۲۶۳	-۰.۲۷۶	-۰.۲۷۳	-۰.۲۸۹	-۰.۲۲۶	-۰.۲۲۹	-۰.۲۴۲	-۰.۲۴۶	-۰.۲۶۸
کردستان	-۰.۲۶۸	-۰.۲۴۶	-۰.۲۴۸	-۰.۲۸۷	-۰.۲۷۹	-۰.۲۱۳	-۰.۲۲۲	-۰.۲۲۷	-۰.۲۲۹	-۰.۲۵۱
کرمان	-۰.۲۷۷	-۰.۲۷۲	-۰.۲۷۳	-۰.۲۷۶	-۰.۲۸۱	-۰.۲۳۲	-۰.۲۱۳	-۰.۲۲	-۰.۲۲۹	-۰.۲۵۴

سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
استان										
کرمانشاه	۰.۲۷۳	۰.۲۵۹	۰.۲۷۵	۰.۲۸۴	۰.۲۹۳	۰.۲۳۷	۰.۲۳۲	۰.۲۴۳	۰.۲۳۸	۰.۲۴۳
کهگیلویه و بویراحمد	۰.۲۸۴	۰.۲۷	۰.۲۴	۰.۲۵۲	۰.۲۶۹	۰.۲۱۶	۰.۲۰۶	۰.۲۳۵	۰.۲۳۶	۰.۲۵۴
گلستان	۰.۲۹۴	۰.۲۹۲	۰.۲۶۸	۰.۲۹۴	۰.۲۹۴	۰.۲۳۳	۰.۲۴۴	۰.۲۵۳	۰.۲۴۶	۰.۲۵۷
گیلان	۰.۲۸۶	۰.۲۷۷	۰.۲۹	۰.۲۹	۰.۲۹۹	۰.۲۳۹	۰.۲۳۶	۰.۲۳۳	۰.۲۴۹	۰.۲۷
لرستان	۰.۲۷۲	۰.۲۴۸	۰.۲۶۲	۰.۲۲۷	۰.۲۶۷	۰.۲۳۹	۰.۲۳۳	۲۳۱	۰.۲۳۵	۰.۲۸۲
مازندران	۰.۳۰۵	۰.۲۹۲	۰.۲۹۱	۰.۲۸۵	۰.۳۳۱	۰.۳۰۹	۰.۲۵	۰.۲۴۸	۰.۲۴۶	۰.۲۵۹
مرکزی	۰.۲۷۷	۰.۲۹۱	۰.۲۷۶	۰.۲۷۱	۰.۳۲۹	۰.۲۳۷	۰.۲۴۱	۰.۲۵۱	۰.۲۴	۰.۲۷۳
هرمزگان	۰.۳۰۱	۰.۲۹۰۲	۰.۳۰۴	۰.۲۹۲	۰.۲۶۱	۰.۲۱۹	۰.۲۲۷	۰.۲۲۸	۰.۲۶	۰.۲۷۴
همدان	۰.۲۷۵	۰.۲۸۶	۰.۲۶۶	۰.۲۸۳	۰.۲۸۷	۰.۲۵۳	۰.۲۳۹	۰.۲۶۸	۰.۲۴۲	۰.۲۹۲
یزد	۰.۲۷۶	۰.۲۹۸	۰.۲۹۶	۰.۳	۰.۳۰۵	۰.۲۴۱	۰.۲۴۵	۰.۲۵۱	۰.۲۶۶	۰.۲۶۲

منبع: محاسبات پژوهش

اختصاص ضریب ۰/۹ به پارامتر E به منزله تأکید بر طبقات بالای درآمدی هنگام محاسبه شاخص اتکینسون است؛ علیرغم اینکه طی دوره مورد بررسی شاخص از (۰/۲۸۲) در سال ۱۳۸۴ به (۰/۲۶۲) در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است، از سال ۱۳۹۰ به بعد روندی فزاینده به خود گرفته است. بالاترین و پایین‌ترین مقدار شاخص به ترتیب مربوط به سال ۱۳۸۹ (۰/۳۰۲) و سال ۱۳۹۰ (۰/۲۳۷) است.

بحث و نتیجه‌گیری

محاسبه و پایش شاخص‌های توزیع درآمد استانی در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای اهمیت بسزایی دارد. روند کلی شاخص‌های توزیع درآمد مناطق روستایی در استان‌های مختلف نشان دهنده مناسب‌تر شدن وضعیت توزیع درآمد در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۸۵ است. بررسی روند مقایسه‌ای شاخص‌های توزیع درآمد نشان می‌دهد که ضریب جینی در سال ۱۳۸۹، شاخص تایلر در سال ۱۳۹۰، شاخص هوور در سال ۱۳۹۱ و شاخص اتکینسون در سال ۱۳۹۰ کمترین میزان را در مناطق روستایی کشور به خود اختصاص داده‌اند. اعطای یارانه نقدی اگرچه در سال‌های ۹۱-۱۳۸۹ به روایت شاخص‌های مختلف منجر به بهبود وضعیت توزیع درآمد شده است اما به دلیل بروز شرایط تورمی و رکودی در سال‌های بعد نابرابری توزیع درآمد را افزایش داده است؛ بنابراین پرداخت یکسان یارانه به اقشار مختلف جامعه سیاست

بازتوزیع در راستای کاهش فاصله طبقاتی نبوده و به جای تأمین از محل مالیات افراد ثروتمند از محل اعتبارات بانک مرکزی جبران شده است.

بررسی روند تغییرات شاخص اتکینسون به ازای مقادیر متفاوت ϵ ، در طبقات مختلف درآمدی نشان از آن دارد که با افزایش پارامتر ϵ ، مقدار شاخص اتکینسون در همه سال‌های مورد بررسی، افزایش یافته که این نشان از وجود نابرابری بیشتر در طبقات بالای درآمدی دارد. به طور معمول انتظار می‌رود توزیع درآمد در طبقات پایین‌تر بهتر از طبقات میانی و بالای درآمدی باشد که این امر، پس از مقایسه مقادیر شاخص اتکینسون به ازای مقادیر مختلف پارامتر ϵ ، تأیید شده است.

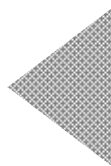
در مجموع می‌توان گفت که اجرای سیاست پرداخت یارانه‌های نقدی از سال ۱۳۸۷، ابتدا تأثیری مثبت بر نابرابری توزیع درآمد گذاشته و موجب کاهش آن گردیده است، اما از سال ۱۳۸۹ به بعد، تأثیر منفی پرداخت یارانه‌های نقدی بر میزان نابرابری توزیع درآمد مشاهده می‌شود. طبق قانون پرداخت یارانه‌های نقدی، ۵۰ درصد درآمد حاصل از آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی، جهت حمایت دهک‌های پایین درآمدی باید به آنان تعلق می‌گرفت. ۲۵ درصد درآمد حاصل به بخش تولید و ۲۵ درصد دیگر باید به دولت جهت هزینه بخش‌های عمرانی و زیرساخت‌ها تعلق می‌گرفت؛ اما پرداخت برابر یارانه به همه اقشار جامعه موجب شد تا نه تنها سهمیه ۲۵ درصدی بخش تولید و دولت پرداخت نشود، بلکه باعث ایجاد تورم و کاهش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد جامعه گردید و نقش روستاها از واحدهای تولیدکننده به واحدهای مصرف‌کننده تغییر یافت. نتیجه اینکه اثر مثبت یارانه‌ها با گذر زمان به اثری منفی تبدیل شد و نابرابری را افزایش داد. نوسانی بودن شاخص توزیع درآمد در سال‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که توسعه متوازن منطقه‌ای در دهه‌های گذشته چندان مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی نبوده است. همچنین بررسی یافته‌ها در استان‌های مرزی نشان می‌دهد که در طی سال‌های مورد بررسی، استان‌های سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، گلستان، خراسان شمالی و کردستان، توزیع نامناسب درآمدی را تجربه نموده‌اند و استان ایلام و خوزستان در بیشتر سال‌ها از توزیع درآمد عادلانه‌تری در مناطق روستایی نسبت به سایر روستاهای مرزی برخوردار بوده‌اند.

منابع

- ابونوری، اسماعیل و ایرجی، فریدرضا (۱۳۸۳)، «مقایسه آماری توزیع درآمد در استان خراسان با کل کشور (۱۳۵۰-۱۳۸۰)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۹(۱): ۸۲-۵۹.
- ارسلان بد، محمدرضا (۱۳۸۳)، «تغییرات توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۴۵.
- بختیاری، صادق؛ دائی، بابک؛ رحیمی‌فر، مهری (۱۳۸۲)، *تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک*، تهران: انتشارات وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
- بیات، مرضیه و حکمتی، محمد (۱۳۹۰)، «اندازه‌گیری نابرابری درآمد در مناطق شهری و روستایی استان همدان»، *اقتصاد مالی و توسعه*، ۴۲-۲۳.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۸)، *بررسی فقر و شرایط اقتصادی خانوارهای استان تهران*، سازمان برنامه و بودجه استان تهران.
- تودارو، مایکل و فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۴)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، انتشارات کوهسار.
- حسینی، س. ش. الدین (۱۳۹۴)، «توزیع درآمد در ایران با استفاده از شاخص‌های جینی و اتکینسون در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۷۴: ۷۴-۵۵.
- حسینی، مریم و نجفی، سیدعباس (۱۳۸۸)، «توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران ۱۳۸۶-۱۳۶۳»، *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱۴۷-۱۶۵.
- راغفر، حسین؛ خوشدست، فریبا؛ یزدان‌پناه، محدثه (۱۳۹۰)، «اندازه‌گیری نابرابری درآمد در ایران از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۲(۴۵): ۳۰۵-۲۷۵.
- رحمانی، تیمور؛ پوررحیم، پروین؛ دهقان منشادی، محمد (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصاد کلان و توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه»، *فصلنامه علمی پژوهشی سیاست-گذاری اقتصادی*، ۴(۸): ۲۰۱-۱۸۱.
- رفعت، بتول و جزای زاده، الهه (۱۳۹۵)، «بررسی اثر توسعه مالی استانی بر توزیع درآمد استانی در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۶(۳): ۴۶-۲۹.
- زنده‌دل، احمد (۱۳۹۱)، «استفاده از آنتروپی تعمیم یافته در برآورد نابرابری در توزیع درآمد خانوار شهری و تجزیه آن به استان‌های کشور»، *سومین کنفرانس ریاضات مالی و کاربردها*.
- عادل‌زاده، رسول (۱۳۸۶)، «بررسی روند شاخص‌های توزیع درآمد در استان‌های کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۰»، پژوهشکده آمار.
- شفیعی، سعید (۱۳۸۷)، *بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی بر توزیع درآمد در ایران*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- صمدی، مسعود (۱۳۷۱)، *بررسی تأثیر تورم توزیع درآمد در ایران*، دانشگاه اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

- فرهاد، خداداد کاشی؛ حیدری، خلیل (۱۳۸۷)، «بررسی توزیع درآمد در ایران کاربرد شاخص تایل، اتکینسون و ضریب جینی»، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی**، ۱۷۹-۱۵۱.
 - فطرس، محمدحسن؛ شهبازی، فاطمه (۱۳۹۳)، «بررسی تحرک درآمدی در ایران طی سال های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه های نقدی ۱۳۹۲-۱۳۶۳»، **فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران**، ۲۰۱: ۱۲-۱۸۳.
 - نژادعبدالله، معصومه؛ محتشمی برزادران، غلامرضا؛ یعقوبی اول ریایی، مهدی (۱۳۹۲)، «شاخص های توزیع درآمد در ایران»، **مجله اقتصادی**، ۹-۱۰: ۶۴-۴۹.
-
- Atkinson, A. B. (1970), "On the Measurement of Inequality." *Journal of Economic Theory*, Vol.2(3), PP. 244-263.
 - Atkinson, A. B. (1987), "On the Measurement of Poverty." *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, PP. 749-764.
 - Charles-Coll, J. A. (2011), "Understanding income Inequality: Concept, Causes and Measurement." *International Journal of Economics and Management Sciences*, Vol. 1(3), PP. 17-28.
 - Dalton, H. (1920), "The Measurement of the Inequality of Incomes." *The Economic Journal*, Vol.30(119), pp. 348-3.
 - De Maio, F.G.(2007). "Income Inequality Measures." *Journal of Epidemiology and Community Health*, Vol.61(10), PP. 849-852.
 - Gini, C. (1921). "Measurement of Inequality of Incomes." *The Economic Journal*, Vol. 31(121), PP. 124-126.
 - Litchfield, J. A. (1999), "Inequality: Methods and Tools." *World Bank 4*.
 - Mehran, f. (1975), "Income Distribution of Iran." *Statistics of Inequality*, ILO Geneva.
 - Oshima, H. T. (1973), "Employment and Income Policies for Iran." *Mission Working Paper*, ILO.
 - Pesaran, M. H. (1978), "Income Distribution and Determinants in Iran." *Aspen Institute for Humanistic Studies*.
 - Rohde, N. (2009), "An Alternative Functional form for Estimating the Lorenz Curve." *Economics Letters*, Vol. 105(1), PP. 61-63.
 - Theil, H. (1967), "*Economics and Information Theory*", North Holland, Amsterdam.
 - Theil, H. (1979), "The Measurement of Inequality by Components of Income." *Economics Letters*, Vol. 2(2), PP. 197-199.
 - Wolff, E. N. (1997), *Economics of Poverty Inequality and Discrimination*. South-Western Cengage Publishing, Cengage Publications.

نظام صنفی کشاورزی و انتظارات کشاورزان؛ مورد مطالعه شهرستان فیروزه استان خراسان رضوی



فائزه سادات حسینی^۱

احمد عابدی سروسنایی^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۶/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۱۰/۲۰)

چکیده

نظام صنفی کشاورزی به منظور گردهم آوردن تمام افراد حقیقی و حقوقی فعال بخش کشاورزی، هویت دادن به مشاغل این بخش و حمایت از حقوق صنفی کشاورزان فعالیت می‌کند. تحقیق حاضر با روش توصیفی-همبستگی و با هدف بررسی انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی انجام گرفت. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع‌آوری گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل کشاورزان شهرستان فیروزه استان خراسان رضوی بودند که تعداد ۳۸۰ نفر از آنان به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. پایایی پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ و روایی از طریق روایی صوری و اخذ نظرات اساتید دانشگاه و کارشناسان نظام صنفی کشاورزی و تعاون روستایی مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد انتظار کشاورزان از نظام صنفی در حدّ زیاد قابل ارزیابی می‌باشد. بیشترین انتظار کشاورزان در زمینه دفاع از حقوق کشاورزان و کمترین آن به استقلال نظام صنفی کشاورزی ارتباط دارد. با افزایش سن کشاورزان، انتظارات آنان از نظام صنفی در زمینه‌های هویت‌دهی و دفاع از حقوق کشاورزان

۱- کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، fhoseini12000@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (نویسنده مسئول)، abediad@gau.ac.ir

افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش تعداد سال‌های تحصیل، انتظار کشاورزان در همه زمینه‌ها به- جز استقلال نظام صنفی افزایش می‌یابد. اگرچه کشاورزان عضو نظام صنفی، انتظارات کمتری از نظام صنفی دارند، اما انتظارات کشاورزان ساکن در شهر بیشتر از کشاورزان ساکن در روستا می‌باشد. پیشنهاد مقاله حاضر اولویت دادن به دفاع از حقوق کشاورزان در فعالیتهای نظام صنفی کشاورزی می‌باشد.

واژگان کلیدی: نظام صنفی، کشاورزی، انتظارات، حقوق کشاورزان.

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه موانع عمده‌ای برای توسعه بخش کشاورزی وجود دارد (امینی و رضانی، ۱۳۸۰). برای مثال، سطح سواد پایین اکثر کشاورزان، مشکلات معیشتی، خطرپذیری بالای فعالیتهای کشاورزی و پراکندگی واحدهای تولیدی، منجر به کاهش بهره‌وری تولید شده است. پراکندگی تولیدکنندگان و بهره‌برداران بخش کشاورزی باعث می‌شود که آن‌ها به منابع و امکانات دسترسی کمتری داشته باشند و منافع کوتاه‌مدت را به بلندمدت ترجیح داده و از سرمایه‌گذاری کلان در بخش کشاورزی پرهیز کنند (انصاری، ۱۳۸۰). با کاهش سود کشاورز و در نهایت پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، بخش کشاورزی دچار رکود می‌گردد (سالتمارش و همکاران^۱، ۲۰۱۱). همچنین، نیروی انسانی فعال در بخش کشاورزی از کیفیت و منزلت اجتماعی مناسب برخوردار نیستند. این در حالی است که سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت برای بهبود بخش کشاورزی نیز به سختی به اجرا درمی‌آید. نتیجه آن نیز، وجود یک ارتباط ضعیف و نهادینه نشده بین دولت و بهره‌برداران خواهد بود که قدرت چانه‌زنی کشاورزان را کاهش می‌دهد (نارایان^۲، ۲۰۰۲). بدیهی است در چنین شرایطی به بخش کشاورزی به عنوان یک بخش عقب‌مانده نگریسته می‌شود (امینی و رضانی، ۱۳۸۰). از نظر سیاسی نیز کشاورزان قدرت چندانی ندارند و نمایندگان آن‌ها در دولت در حداقل می‌باشند. در برخی اوقات تصمیم‌گیری

۱- Saltmarsh *et al*

۲- Narayan

برای بخش کشاورزی نیز در خارج از این بخش و حتی به وسیله افرادی گرفته می شود که تجربه چندانی در این زمینه ندارند. برای خروج از این شرایط، بسیاری بر این باورند که مشارکت کشاورزان در قالب تشکلهای مختلف مانند انجمنها، سندیکاها، اتحادیهها، تعاونیها و شرکتها می تواند به حل مشکلات یاد شده کمک نماید (ابوت^۱، ۱۹۹۵؛ کوهن، ۱۳۷۹). تجارب سایر کشورها که امروزه به مرزهای توسعه یافتگی رسیده اند، بیانگر ضرورت تشکیل چنین نهادهای اجتماعی-اقتصادی برای کشاورزان است (سوختانلو و شوکتی آقمقانی، ۱۳۹۱).

ادبیات نظری پژوهش

یکی از ضرورت های ایجاد صنف در بخش کشاورزی به ساماندهی، متحد ساختن و حمایت از بهره برداران حقیقی و حقوقی بخش کشاورزی برمی گردد (نظام صنفی کارهای کشاورزی، ۱۳۸۸). ضرورت دیگر مربوط به احتمال موازی کاری به علت انواع تشکلهای در بخش کشاورزی می باشد. برای مثال می توان به انجمن های همابندی (سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی، ۱۳۹۴)، شرکت های تعاونی (شفیعی علویجه، ۱۳۹۰)، شرکت های تعاونی تولید روستایی (زارع، ۱۳۸۵)، تعاونی های روستایی، تعاونی های کشاورزی (سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران، ۱۳۸۹)، شرکت های مشاوره و توسعه کارآفرینی بخش کشاورزی (اساسنامه سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۱۳۸۸)، شرکت های سهامی-زراعی (شفیعی علویجه، ۱۳۹۰)، انجمن های صنفی (سندیکای) کارفرمایی (وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۶۹)، خبرگان کشاورزی (بخشی، ۱۳۸۹)، تشکلهای همابندی و حمایتی تشکلهای بخش کشاورزی (دالوند، ۱۳۸۹) و خانه کشاورز (خانه کشاورز، ۱۳۷۹) اشاره کرد. همچنین، به دلیل ناآگاهی نسبت به کارکردهای مختلف هر تشکل و احتمال رقابت ناسالم، نیاز به وجود یک سازمان برای تحت پوشش دادن همه افراد و تشکلهای حقیقی و حقوقی ضرورت دارد (برم و ایزنهار^۲، ۲۰۰۸). این در حالی است که موفقیت این تشکلهای منوط به قوانین حمایتی و تسهیل کننده

۱- Abbott

۲- Brehm and Eisenhauer

می باشد که در برخی مواقع مناسب نمی باشند (ردی و ردی^۱، ۲۰۰۲).

واژه صنف معادل واژه گیلد^۲ در زبان انگلیسی و در لغت به معنی رسته، صنف و اتحادیه صنفی است. در دائره المعارف بریتانیکا^۳ واژه گیلد، به معنی صنف یا تشکلی از پیشه‌وران یا تاجران می باشد که با هدف حمایت مشترک و همچنین تأمین منافع حرفه‌ای شکل می گیرد. دائره المعارف بین المللی^۴، گیلد را سازمانی داوطلبانه از افراد می داند که در پیشه، تجارت و یا کسب و کار مشابه در گیر باشند (مسلمی و محمدزاده، ۱۳۸۹). در تعریف دیگر، صنف به عنوان گروهی از سرنشینان در نظر گرفته می شود که به شغل و حرفه مشترک مشغول اند، رؤسا و کارگزاران را خود انتخاب می کنند، مالیات های صنفی می پردازند و دارای کارکردهای مالی و اداری می باشند (مهدی دوست و همکاران، ۱۳۹۰). سابقه صنف به قرون وسطی برمی گردد که به شکل سازمان های مذهبی و تجاری رشد یافتند و تا روزگار مدرن امروری دوام آورده اند (دنسون^۵، ۱۹۹۷).

سابقه تلاش برای تشکیل صنف کشاورزی در ایران به سال ۱۳۵۹ بر می گردد که نخستین قانون نظام صنفی کشور به تصویب رسید. بعد از آن و در سال ۱۳۶۸، این قانون با تغییراتی مجدداً به تأیید رسید. در نهایت، قانون نظام صنفی کشور پس از تأیید شورای نگهبان در سال ۱۳۸۳ جهت اجرا ابلاغ گردید (آیین نامه اجرایی نظام صنفی کشاورزی، ۱۳۹۳). بر اساس تصویب نامه موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی ابلاغی از طرف معاون اول رئیس جمهور، تمام سازمان های جهاد کشاورزی موظف به تشکیل نظام صنفی بخش، شهرستان و استان گردیدند (مسلمی و محمدزاده، ۱۳۸۹). با تصویب قانون تأسیس «سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی جمهوری اسلامی ایران» در تیرماه ۱۳۸۰، زمینه لازم برای تدوین آیین نامه نظام صنفی کارهای کشاورزی آماده گردید. پیش نویس آیین نامه اجرایی در سال ۱۳۸۴ تهیه و پس از آن، در هفدهم مرداد ۱۳۸۶، آیین نامه اجرایی نظام صنفی کارهای کشاورزی تصویب و در خرداد ۱۳۸۷ برای اجرا به

۱- Reddy and Reddy

۲- Guild

۳- Britanica

۴- Encyclopedia International

۵- Denison

وزارت جهاد کشاورزی ابلاغ شد (مهدی دوست و همکاران، ۱۳۹۰).

نظام صنفی کشاورزی جهت ایجاد تشکیلات، تعیین وظایف و اختیارات، ساماندهی و نظم بخشی و حمایت از حقوق افراد شاغل در بخش کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت می کند. فرد صنفی نیز به هر شخص حقیقی یا حقوقی اطلاق می شود که فعالیت خود را در زمینه بهره برداری از آب و خاک به منظور تولید محصولات کشاورزی در حوزه های زراعت، باغداری، جنگل کاری، مرتعداری، آبخیزداری، شبکه های آبیاری و زهکشی، دامداری، شیلات، آبریان، پرورش طیور، زنبور عسل و پرورش کرم ابریشم و همچنین ارائه خدمات فنی و مشاوره ای کشاورزی و منابع طبیعی قرار می دهد (مهدی دوست و همکاران، ۱۳۹۰). واحد صنفی نیز هر واحد تولیدی یا خدماتی است که توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب از وزارت بازرگانی و سایر مجوزهای لازم از مراجع مربوط و با تأیید وزارت جهاد کشاورزی برای فعالیت مورد نظر دایر می گردد (مهدی دوست و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجا که نظام صنفی کشاورزی سال های اولیه فعالیت خود را در کشور طی می کند، تحقیق حاضر با هدف بررسی انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی و ارتباط آن با ویژگی های فردی و اقتصادی کشاورزان انجام گردید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی-همبستگی^۱ انجام گردید. جمعیت مورد مطالعه شامل حدود ۱۲ هزار نفر از کشاورزان شهرستان فیروزه استان خراسان رضوی بودند که از این تعداد حدود ۱۰۰۰ نفر عضو نظام صنفی کشاورزی می باشند. حجم نمونه با کمک فرمول کوکران ۳۸۰ نفر برآورد گردید. برای انتخاب نمونه ها از روش نمونه گیری طبقه بندی شده تصادفی استفاده گردید. ابتدا جمعیت مورد مطالعه به دو طبقه یعنی کشاورزان عضو نظام صنفی کشاورزی و کشاورزان غیر عضو تقسیم شدند. سپس با روش انتساب متناسب، در هر کدام از این طبقات به ترتیب ۱۶۰ و ۲۲۰ نفر کشاورز به طور تصادفی انتخاب گردیدند. برای انتخاب نمونه از کشاورزان غیر عضو نظام صنفی، ابتدا در هر چهار دهستان شهرستان فیروزه، حدود یک پنجم از روستاها به صورت تصادفی انتخاب و سپس در هر روستا تعداد ۱۰ نفر از کشاورزان به صورت تصادفی به عنوان

نمونه برگزیده شدند. بدین ترتیب، در دهستان مرکزی که دارای ۱۸ روستا بود، چهار روستا انتخاب و در مجموع در این دهستان ۴۰ کشاورز به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. به همین ترتیب، در دهستان تحت‌جلگه که دارای ۳۵ روستا بود، تعداد ۶ روستا انتخاب و در مجموع ۶۰ نفر کشاورز به عنوان نمونه انتخاب شدند. در دهستان طاغنکوه شمالی نیز ۱۰۰ کشاورز و در دهستان طاغنکوه جنوبی نیز ۲۰ کشاورز به عنوان نمونه به‌طور تصادفی انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات یک پرسشنامه محقق‌ساخته بود که با توجه به اهداف و سؤالات تحقیق و بر اساس مرور مطالعات انجام شده درباره تشکلهای کشاورزان و همچنین انجام مصاحبه‌های اکتشافی با کارشناسان تنظیم گردید. در این راستا به ۱۲ نفر از کارشناسان نظام صنفی کشاورزی، تعاون روستایی و همچنین رئیس هیأت مدیره نظام صنفی استان خراسان رضوی، رئیس اداره تشکلهای استان خراسان رضوی، رئیس هیأت مدیره نظام صنفی کشور، رئیس اداره تعاون روستایی شهرستان فیروزه و چند نفر از روسای هیأت مدیره شهرستان‌های استان خراسان رضوی و شهرستان فیروزه مراجعه و در مجموع ۲۵ ساعت با آنان مصاحبه حضوری به‌عمل آمد. روایی پرسشنامه از طریق روایی صوری و با اخذ نظرات اساتید دانشگاه و همچنین کارشناسان نظام صنفی و کارشناسان تعاون روستایی استان مورد بررسی قرار گرفت و بر اساس آن، اصلاحات لازم در پرسشنامه انجام پذیرفت. برای بررسی پایایی ابزار سنجش از مطالعه راهنما(پایلوت) استفاده گردید که در آن، ۳۰ عدد پرسشنامه با کشاورزان خارج از محدوده تحقیق تکمیل شد. سپس، ضریب کرانباخ آلفا محاسبه گردید که میزان آن برای شاخص انتظارات از نظام صنفی (۳۳ گویه در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای) برابر ۰/۹۴ به دست آمد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌های به‌دست آمده با نرم‌افزار SPSS18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

یافته‌ها نشان داد که ۹۳/۴ درصد از کشاورزان مورد مطالعه مرد و ۶/۶ درصد زن می‌باشند. سن کشاورزان در دامنه ۲۰ تا ۸۸ سال قرار داشت و میانگین آن ۴۳ سال بود. همچنین، ۶۲/۱ درصد از کشاورزان کم‌تر از ۳۰ سال سن داشتند و ۹۳/۲ درصد از کشاورزان متأهل بودند. از نظر سطح تحصیلات، ۵/۳ درصد افراد بی‌سواد، ۴۱/۱ درصد در حد دوره ابتدایی، ۲۵/۳ درصد در حد

دوره راهنمایی، ۲۱/۱ درصد در حد دوره دبیرستان و مابقی یعنی ۷/۴ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. نتایج نشان داد که ۶۲/۴ درصد از کشاورزان دارای زمین کشاورزی ملکی می‌باشند. مابقی یعنی ۸/۲ درصد دارای زمین مشاعی، ۷/۹ درصد دارای زمین استیجاری، ۱۳/۲ درصد دارای زمین ملکی و مشاعی، ۵/۸ درصد دارای زمین ملکی و استیجاری و وضعیت مالکیت ۱۰ درصد نیز نامشخص بوده است. بیشتر کشاورزان (۷۹/۷ درصد) در روستا ساکن بودند. از نظر کشت، ۸۵/۵ درصد کشاورزان دارای کشت پاییزه (با میانگین سطح زیر کشت ۴/۶ هکتار) و ۷۵/۸ درصد کشاورزان دارای کشت بهاره (با میانگین سطح زیر کشت ۲/۴ هکتار) بودند. میانگین سطح باغ کشاورزان نیز برابر ۱/۳۷ هکتار به‌دست آمد. علاوه بر این، ۴۶/۸ درصد از کشاورزان دارای دام سبک (گوسفند و بز) با میانگین ۱۱/۶ رأس بودند. همچنین، ۲۵ درصد کشاورزان دارای گاو بودند که میانگین آن برابر ۱/۴ رأس بود.

انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی

توزیع انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی در جدول ۱ نشان داده شده است. بیشترین انتظار کشاورزان به ترتیب در مورد افزایش پوشش بیمه محصولات کشاورزی، اثرگذاری در تعیین قیمت محصولات کشاورزی و برگزاری کلاس‌های آموزشی می‌گردید. در مقابل، کمترین انتظار کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی در ارتباط با انجام ندادن فعالیت‌ها تحت نظارت یک سازمان دیگر، راه‌اندازی سایت اینترنتی و دوری جستن از سیاست و فعالیت‌های حزبی بوده است. لازم به ذکر است که میانگین امتیاز شاخص انتظارات کشاورزان از نظام صنفی برابر ۱۳۹/۴۸ و با انحراف معیار ۱۸/۲۴ به‌دست آمد که با توجه به دامنه امتیاز ممکن این شاخص (۳۳ تا ۱۶۵) می‌توان انتظارات کشاورزان از نظام صنفی را در حد زیاد ارزیابی کرد.

جدول (۱) - انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی

ردیف	گوبه‌ها	میانگین*	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	افزایش پوشش بیمه محصولات کشاورزی	۴/۶۲	۰/۵۷	۰/۱۲۳	۱
۲	اثر گذاری در تعیین قیمت محصولات کشاورزی	۴/۴۱	۰/۷۴	۰/۱۶۷	۲
۳	برگزاری کلاس آموزشی	۴/۳۶	۰/۷۷	۰/۱۷۶	۳
۴	افزایش صادرات محصولات کشاورزی	۴/۳۹	۰/۷۸	۰/۱۷۷	۴
۵	دفاع از حقوق مصرف کنندگان محصولات کشاورزی	۴/۴۴	۰/۷۹	۰/۱۷۸	۵
۶	اطلاع دادن از وضع بازار به کشاورزان	۴/۴۴	۰/۸۰	۰/۱۸۰	۶
۷	کمک به تولید محصولات کشاورزی اساسی (گندم و جو)	۴/۴۶	۰/۸۴	۰/۱۸۷	۷
۸	تلاش در ارتقای کیفیت محصولات کشاورزی و دامی	۴/۳۳	۰/۸۱۶	۰/۱۸۸	۸
۹	صدور کارت شناسایی	۴/۳۷	۰/۸۳	۰/۱۸۹	۹
۱۰	ایجاد تنوع در بازار محصولات کشاورزی	۴/۲۹	۰/۸۲	۰/۱۹۱	۱۰
۱۱	ایجاد بازارهای محلی محصولات کشاورزی	۴/۲۸	۰/۸۳	۰/۱۹۳	۱۱
۱۲	استفاده از نظرات کشاورزان عضو	۴/۲۵	۰/۸۳	۰/۱۹۵	۱۲
۱۳	افزایش اعتبار اجتماعی کشاورزان	۴/۳۰	۰/۸۵	۰/۱۹۷	۱۳
۱۴	سهام دار کردن کشاورزان	۴/۲۴	۰/۸۴	۰/۱۹۸	۱۴
۱۵	صدور پروانه فعالیت	۴/۳۶	۰/۸۷	۰/۱۹۹	۱۵
۱۶	فرستادن مربی جهت آموزش کشاورزان به روستا	۴/۳۱	۰/۸۶	۰/۲۰۰	۱۶
۱۷	ایجاد بیمه‌های تکمیلی	۴/۳۶	۰/۸۷	۰/۲۰۱	۱۷
۱۸	حذف واسطه‌ها از بازار محصولات کشاورزی	۴/۵۲	۰/۹۲	۰/۲۰۳	۱۸
۱۹	عدم انتخاب هیأت مدیره، از افراد خارج نظام صنفی	۴/۲۸	۰/۸۸	۰/۲۰۵	۱۹
۲۰	برگزاری گردهمایی در دهستان	۴/۱۶	۰/۸۷	۰/۲۰۹	۲۰
۲۱	داشتن استقلال در اجرای فعالیت‌ها	۴/۱۶	۰/۸۸	۰/۲۱۱	۲۱
۲۲	معرفی اعضا به مراکز آموزشی	۴/۱۷	۰/۹۴	۰/۲۲۵	۲۲
۲۳	عدم دخالت سایر سازمان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها	۴/۱۲	۰/۹۸	۰/۲۲۷	۲۳
۲۴	ایجاد مزرعه آموزشی	۴/۰۲	۰/۹۶	۰/۲۳۸	۲۴
۲۵	ارسال پیامک آموزشی	۴/۱۱	۰/۹۹	۰/۲۴۰	۲۵
۲۶	حل و فصل اختلافات اعضا	۳/۹۸	۰/۹۹	۰/۲۴۸	۲۶
۲۷	تهیه و توزیع روزنامه آموزشی	۴/۰۶	۱/۰۱	۰/۲۴۹	۲۷
۲۸	ارائه سی‌دی آموزشی	۴/۱۰	۱/۰۳	۰/۲۵۱	۲۸
۲۹	توزیع اطلاعیه‌های خبری و آموزشی	۴/۰۸	۱/۰۴	۰/۲۵۴	۲۹
۳۰	ایجاد بیمه‌های تأمین اجتماعی و بازنشستگی	۴/۵۸	۱/۲۷	۰/۲۵۵	۳۰
۳۱	دوری از سیاست و فعالیت‌های حزبی	۳/۹۱	۱/۰۶	۰/۲۷۱	۳۱
۳۲	راه‌اندازی سایت اینترنتی	۳/۹۵	۱/۰۸	۰/۲۷۷	۳۲
۳۳	انجام ندادن فعالیت‌ها تحت نظارت یک سازمان دیگر	۳/۱۶	۱/۱۷	۰/۳۷۰	۳۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

* دامنه میانگین: ۱ تا ۵

به منظور بررسی بیشتر و با توجه به اساسنامه نظام صنفی کشاورزی، انتظارات کشاورزان از نظام صنفی در چهار بُعد مورد بررسی قرار گرفت. این ابعاد عبارتند از: دفاع از حقوق کشاورزان (گویه‌های ۱، ۵، ۱۲، ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۳۰) هویت‌دهی (گویه‌های ۹، ۱۳، ۱۵)، تنظیم بازار (گویه‌های ۲، ۴، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۸)، آموزشی (گویه‌های ۳، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۲) و استقلال نظام صنفی (گویه‌های ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۳۱، ۳۳). جدول ۲ ابعاد انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی را بر حسب میانگین، ترکیب خطی غیر وزن‌دار و اولویت نشان می‌دهد. لازم به ذکر است به دلیل یکسان نبودن تعداد گویه‌های هر بُعد و به منظور قابل مقایسه ساختن آنها با یکدیگر، میانگین هر بُعد بر تعداد گویه‌های همان بُعد تقسیم گردید تا ترکیب خطی غیر وزن‌دار به دست آید. با توجه یافته‌های ارائه شده در این جدول، دفاع از حقوق کشاورزان به عنوان مهم‌ترین بُعد از انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی مطرح می‌باشد. بعد از آن، به ترتیب انتظارات در زمینه‌های هویت‌دهی، تنظیم بازار، آموزشی و در آخر، انتظارات مربوط به استقلال نظام صنفی کشاورزی قرار دارد.

جدول (۲) - ابعاد انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی

اولویت	ترکیب خطی غیر وزن دار	میانگین	ابعاد انتظارات
۱	۴/۳۶۰	۳۰/۵۲	دفاع از حقوق کشاورزان
۲	۴/۳۴۸	۱۳/۰۴	هویت دهی
۳	۴/۳۲۷	۳۴/۸۸	تنظیم بازار
۴	۴/۱۳۸	۴۱/۳۸	آموزشی
۵	۳/۹۳۴	۱۹/۶۴	استقلال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

رابطه سن، سطح تحصیلات و سطح زیر کشت زراعی با انتظارات از نظام صنفی
 آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع متغیر انتظارات کشاورزان در پنج بُعد شامل دفاع از حقوق کشاورزان، هویت‌دهی، تنظیم بازار، استقلال و آموزشی، نرمال نمی‌باشد. لذا از ضریب همبستگی اسپیرمن-رو استفاده گردید. نتایج این بررسی که در جدول ۳ آورده شده، نشان می‌دهد که سطح زیرکشت کشاورزان با هیچ‌کدام از ابعاد انتظارات از نظام صنفی کشاورزی دارای همبستگی معنی‌دار نمی‌باشد. اما با افزایش سن کشاورزان، انتظارات آنان از

نظام صنفی در زمینه‌های هویت‌دهی و دفاع از حقوق کشاورزان افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش تعداد سال‌های تحصیل کشاورزان، انتظارات آنان از نظام صنفی در زمینه‌های آموزشی، هویت‌دهی، تنظیم بازار و دفاع از حقوق کشاورزان افزایش می‌یابد. با این حال، این رابطه برای انتظارات در زمینه استقلال نظام صنفی، یک رابطه منفی و معنی‌دار می‌باشد.

جدول (۳) - نتایج آزمون همبستگی متغیرها با انتظارات کشاورزان از نظام صنفی

متغیرها	آموزشی	هویت دهی	تنظیم بازار	دفاع از حقوق	استقلال
سن	۰/۰۶۸	۰/۱۱۰ [*]	- ۰/۰۷۳	۰/۱۴۵ ^{**}	- ۰/۰۳۳
تعداد سال‌های تحصیلات	۰/۲۴۳ ^{**}	۰/۱۷۷ ^{**}	۰/۱۴۵ ^{**}	۰/۲۰۵ ^{**}	-۰/۱۸۰ ^{**}
سطح زیر کشت	۰/۰۸۱	۰/۰۴۳	۰/۰۵۰	۰/۰۷۹	۰/۰۵۲

^{**} معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ ^{*} معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مقایسه انتظارات از نظام صنفی کشاورزی در بین گروه‌های دو وجهی از کشاورزان آزمون کولموگروف-اسمیرنوف نشان داد که توزیع متغیر شاخص انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی نرمال نمی‌باشد. بنابراین، از آزمون من-وینتی به منظور مقایسه شاخص انتظارات از نظام صنفی کشاورزی در بین گروه‌های دو وجهی استفاده گردید. نتایج این مقایسه در جدول ۴ نشان می‌دهد که انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی از نظر محل سکونت، عضویت در نظام صنفی و داشتن پروانه فعالیت با یکدیگر تفاوت معنی‌دار دارد، به طوری که کشاورزانی که ساکن شهر هستند، عضو نظام صنفی نیستند و همچنین پروانه فعالیت دارند، انتظارات بیشتری از نظام صنفی کشاورزی دارند.

جدول (۴)- مقایسه شاخص انتظارات از نظام صنفی کشاورزی در گروه‌های دو وجهی

متغیر گروه‌بندی	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	آماره U	آماره Z	سطح معنی‌داری
جنسیت مرد زن	۳۵۵ ۲۵	۱۸۹/۲۲ ۲۰۸/۷۲	۳۹۸۲/۰۰۰	-۰/۸۵۹	۰/۳۹۱
وضع تأهل متأهل مجرد	۳۵۴ ۲۶	۱۸۷/۶۳ ۲۲۹/۵۴	۳۵۸۷/۰۰۰	-۱/۸۷۹	۰/۰۸۰
محل سکونت شهر روستا	۷۵ ۳۰۵	۲۲۷/۱۷ ۱۸۱/۴۸	۸۶۸۷/۰۰۰	-۳/۲۲۹	۰/۰۰۱
عضویت در نظام صنفی بلی خیر	۱۶۰ ۲۲۰	۱۶۲/۲۲ ۲۱۱/۰۷	۱۳۰۷۵/۰۰۰	-۴/۲۸۳	۰/۰۰۰
داشتن پروانه فعالیت بلی خیر	۱۶۰ ۲۲۰	۲۰۶/۳۰ ۱۷۹/۰۱	۱۵۰۷۲/۰۰۰	-۲/۳۹۳	۰/۰۱۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تبیین انتظارات از نظام صنفی کشاورزی

به منظور تبیین تغییرات انتظارات کشاورزان از نظام صنفی و بررسی تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر روی این متغیر وابسته، به‌طور همزمان از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. متغیرهای مستقل شامل: جنسیت، سن، وضع تأهل، تعداد سال‌های تحصیل، محل سکونت، پرداختن به دامداری، پرداختن به مرغداری، پرداختن به پرورش ماهی، عضویت در نظام صنفی، داشتن پروانه فعالیت کشاورزی، سطح زیر کشت زراعی و مساحت باغ می‌گردید. مقدار B در جدول ۵ نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل تعداد سال‌های تحصیل، پرداختن به دامداری، عضویت در نظام صنفی و محل سکونت (شهر) به ترتیب تغییراتی برابر با ۰/۸۱۹، ۰/۸۷۶، -۰/۵۸۷ و ۷/۲۲۲ واحد در سطح متغیر وابسته یا انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی ایجاد می‌شود. سایر متغیرهای مستقل یعنی سن، وضع تأهل، پرداختن به مرغداری، داشتن استخر ماهی، داشتن پروانه فعالیت کشاورزی، سطح زیر کشت زراعی و مساحت باغ، در معادله رگرسیونی وارد نشدند. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۶، متغیرهای مستقل تعداد

سال‌های تحصیل، پرداختن به دامداری، عضویت در نظام صنفی و محل سکونت (در شهر) به ترتیب قادرند ۵، ۴/۷، ۴/۵ و ۱/۹ درصد تغییرات در متغیر وابسته انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی را توضیح دهند.

جدول (۵)- یافته‌های حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره به شیوه مرحله‌ای

متغیرهای مستقل	B	Se.B	β	sig.t
تعداد سال‌های تحصیل	۰/۸۱۹	۰/۲۱۲	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰
پرداختن به دامداری	-۷/۸۷۶	۱/۴۰۴	-۰/۲۸۵	۰/۰۰۰
عضویت در نظام صنفی	-۶/۵۸۷	۱/۸۱۹	-۰/۱۷۸	۰/۰۰۰
محل سکونت (شهر)	۷/۲۲۲	۲/۴۷۷	۰/۱۵۸	۰/۰۰۴
۰/۰۰۰ Sig. F=	F=۱۷/۹۰۰	۱۴۴/۶۱۸ Constant=		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۶)- تأثیر متغیرهای وارد شده در معادله بر انتظارات کشاورزان از نظام صنفی

Step	Multiple R	R ²	R ² Adjust	R ² changed
تعداد سال‌های تحصیل	۰/۲۲۳	۰/۰۵۰	۰/۰۴۷	۰/۰۵۰
پرداختن به دامداری	۰/۳۱۱	۰/۰۹۷	۰/۰۹۲	۰/۰۴۷
عضویت در نظام صنفی	۰/۳۷۶	۰/۱۴۱	۰/۱۳۴	۰/۰۴۵
محل سکونت (شهر)	۰/۴۰۰	۰/۱۶۱	۰/۱۵۱	۰/۰۱۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که انتظارات کشاورزان از نظام صنفی در حدّ زیاد قابل ارزیابی می‌باشد و در این بین، بیشترین انتظار در زمینه دفاع از حقوق کشاورزان و کمترین آن مربوط استقلال نظام صنفی کشاورزی می‌باشد. نتایج نشان داد هر قدر تحصیلات کشاورزان افزایش یابد، انتظار آنان نسبت به دریافت آموزش از طریق نظام صنفی افزایش می‌یابد. همچنین، بین سن و انتظارات مربوط به هویت‌دهی از نظام صنفی، یک رابطه مثبت و معنی دارد وجود دارد. به بیان دیگر، با افزایش سن، کشاورزان انتظار دارند که نظام صنفی به افزایش اعتبار اجتماعی آنان کمک نماید. یکی از روش‌های افزایش اعتبار اجتماعی کشاورزان، ارائه پروانه فعالیت برای

کشاورزان از طرف نظام صنفی می‌باشد. هنگامی که پروانه فعالیت کشاورزی در تمام مراجع قانونی دارای اعتبار باشد، به کشاورز به عنوان یک شخص مستقل و یک شغل پایدار نگریسته می‌شود. بنابراین، نظام صنفی می‌تواند برای افزایش اعتبار پروانه فعالیت، تلاش نماید تا بدین طریق، هدف اعتباربخشی و هویت دادن به کشاورزان محقق گردد.

نتایج نشان داد که بین تحصیلات و انتظار کشاورزان از نظام صنفی در تنظیم بازار، یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. این در حالی است که تنظیم بازار می‌تواند به رعایت الگوی کشت مناسب کمک نماید. بنابراین، پیشنهاد می‌شود شرایطی فراهم گردد تا کشاورزان هنگام فروش محصولات مشکل کمتری داشته باشند و پایانه‌های فروش که اکنون برای گندم و جو وجود دارد، برای محصولات دیگر نیز استفاده شوند. انتظار کشاورزان برای تنظیم بازار و قیمت‌ها را می‌توان در راستای بهبود زیرساخت‌های توسعه کشاورزی در نظر گرفت. در این رابطه، نجاتیان (۱۳۷۸) نشان داد که با تشکیل تشکلهایی مانند تعاونی‌های تولید روستایی، زمینه کاهش قیمت تمام‌شده محصولات فراهم می‌شود و بستری مناسب نیز برای به‌کارگیری فناوری‌های جدید از سوی کشاورزان آماده می‌شود.

تحقیق حاضر نشان داد که بین سن و انتظار کشاورزان از نظام صنفی در مورد دفاع از حقوق آنان، یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. با توجه به این که کشاورزان در یک محیط پرمخاطره به کار مشغول می‌باشند و غالباً امنیت شغلی ندارند، بنابراین همواره این دغدغه وجود دارد که در صورت بروز اتفاقات ناخواسته و یا در زمان پیری، امرار معاش خود را چگونه انجام دهد؟ بنابراین نیاز است به این انتظار کشاورزان به درستی پرداخته شود.

نتایج نشان داد که بین میزان تحصیلات و انتظار کشاورزان از نظام صنفی نسبت به دفاع از حقوق آنان، یک رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. افزایش تحصیلات و به‌روز شدن دانش باعث می‌شود افراد به حقوق خود بیشتر آشنا شوند. از این‌رو، این قبیل افراد انتظار بیشتری از نظام صنفی دارند تا در جهت ایفای حقوق آن‌ها تلاش نماید. همچنین، نتایج نشان داد که همبستگی منفی و معنی‌دار بین سطح تحصیلات و انتظار کشاورزان از نظام صنفی نسبت به استقلال این نظام وجود دارد. یکی از دلایل می‌تواند به تجارب کشاورزان درباره سایر تشکلهای برگردد که در نهایت، به دلیل عدم حمایت کافی از سوی سایر مراجع، نتوانسته‌اند به بقای خود ادامه دهند و یا عملکرد مناسبی داشته باشند.

نتایج نشان داد افراد ساکن روستا انتظارات آموزشی کمتری از نظام صنفی نسبت به ساکنان شهر دارند. همچنین، کسانی که عضو نظام صنفی هستند و پروانه فعالیت دارند، انتظار آموزشی بیشتری نسبت به افراد غیر عضو دارند. یکی از دلایل می‌تواند به آگاهی بیشتر ساکنان مناطق شهری ارتباط داشته باشد. همچنین، افراد غیر عضو ممکن است شناخت کافی نسبت به نظام صنفی و اهداف آن نداشته باشند. نتایج نشان داد که انتظارات هویتی از نظام صنفی در بین گروه‌های مختلف کشاورزان از نظر جنسیت یکسان نیست و زنان انتظارات هویتی بیشتری از نظام صنفی دارند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که زنان روستایی به دلایل مختلف ممکن است به حاشیه رانده شده و کمتر از آن‌ها یاد شود. همچنین، زنان کمتر از مردان، مالک زمین کشاورزی هستند و انتظار بیشتری برای کسب هویت دارند. از طرف دیگر، کشاورزان مجرد، انتظار بیشتری از نظام صنفی در هویت‌دهی به کشاورزان داشتند. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که افراد مجرد هنوز جایگاه مشخص خود در اجتماع را پیدا نکرده‌اند و بنابراین، احساس نیاز و انتظار بیشتری در این زمینه از نظام صنفی دارند.

نتایج نشان داد که کشاورزان ساکن در روستا در مقایسه با کشاورزان ساکنان در شهر، انتظارات کمتری از نظام صنفی در جهت دفاع از حقوق خود دارند. دلیل آن می‌تواند این باشد که ساکنان روستا از حقوق خود آگاهی کمتری دارند و در نتیجه، انتظار کمتری در این باره دارند. همچنین، کسانی که عضو نظام صنفی نیستند و پروانه فعالیت ندارند، انتظار بیشتری در جهت دفاع از حقوق کشاورزان و همچنین تنظیم بازار از نظام صنفی دارند. دلیل آن می‌تواند این باشد که این قبیل کشاورزان، تا کنون از حمایت سازمانی (نظام صنفی) کمتری برخوردار بوده‌اند و در نتیجه، انتظار بیشتری در این ارتباط دارند. علاوه بر این، نتایج نشان داد مجردها نسبت به افراد متأهل، انتظار بیشتری دارند که نظام صنفی مستقل عمل نماید. اما کسانی که عضو نظام صنفی می‌باشند، انتظار کمتری دارند که نظام صنفی مستقل عمل کند. یکی از دلایل می‌تواند به تجربه افراد عضو نظام صنفی نسبت به فعالیت‌ها و عملکرد این نظام ارتباط داشته باشد که در شرایط فعلی، استقلال آن را کمتر به صلاح می‌دانند.

نتایج نشان داد که متغیرهای تعداد سال‌های تحصیل، پرداختن به دامداری، عضویت در نظام صنفی و محل سکونت (شهر) می‌توانند در پیش‌بینی انتظارات کشاورزان از نظام صنفی مورد استفاده قرار گیرند. اگرچه میزان تبیین بر اساس این متغیرها زیاد نمی‌باشد، اما بیانگر مهم بودن

این متغیرها در پیش‌بینی انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی می‌باشد. همچنین، نیاز به مطالعات بیشتر در کشف سایر متغیرهای اثرگذار بر انتظارات کشاورزان از نظام صنفی کشاورزی را مشخص می‌نماید. با توجه به یافته‌ها، موارد زیر برای بهبود فعالیت‌های نظام صنفی کشاورزی پیشنهاد می‌گردد:

- ایجاد شرایط مناسب برای آموزش اعضاء نظام صنفی کشاورزی؛
- توجه به هویت بخشیدن به کشاورزان به ویژه کشاورزان زن و صدور پروانه فعالیت برای آنان؛
- آشنا ساختن کشاورزان نسبت به حقوق خود؛
- تلاش به عضویت تمام کشاورزان در نظام صنفی؛
- پرهیز نظام صنفی از سیاسی کاری؛
- تقویت منابع مالی و انسانی نظام صنفی و اجرای قانون‌های مصوب مربوط به نظام صنفی کشاورزی؛
- توجه کافی به خواسته‌ها و انتظارات کشاورزان از نظام صنفی.

منابع

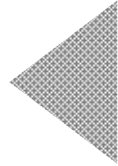
- دفتر بسیج سازندگی و توسعه تشکل‌های وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۳)، **آیین‌نامه اجرایی نظام صنفی کشاورزی**، تهران: دفتر بسیج سازندگی و توسعه تشکل‌های وزارت جهاد کشاورزی.
- نظام صنفی کارهای کشاورزی (۱۳۸۸)، **اساسنامه نظام صنفی کارهای کشاورزی شهرستان و استان**، تهران: دفتر بسیج سازندگی و توسعه تشکل‌های وزارت جهاد کشاورزی.
- خانه کشاورزی (۱۳۷۹)، **اساسنامه و مرام‌نامه خانه کشاورزی**، تهران: خانه کشاورز.
- امینی، ا.م. و رضائی، م. (۱۳۸۰)، «بیمه محصولات کشاورزی راهکارهای اجتناب‌ناپذیر برای توسعه کشاورزی»، **همایش بیمه کشاورزی، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری**، تهران.
- انصاری، ح. (۱۳۸۰)، «نقش تعاونی‌ها در گذر از تولید معیشتی به تولید تجاری در بخش کشاورزی»، در: **مجموعه مقالات سمینار کشاورزی ایران و بازارهای جهانی**، تهران.
- بخشی، ع.ا. (۱۳۸۹)، **آشنایی با مجمع ملی خبرگان کشاورزی کشور**، تهران: دفتر امور تشکل‌های کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی.

- ۱۱۶
- دالوند، ه. (۱۳۸۹)، **آشنایی با مجمع هماهنگی حمایتی تشکل‌های بخش کشاورزی**، تهران: دفتر امور تشکل‌های کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی.
 - زارع، م. (۱۳۸۵)، **آشنایی با مدیریت نظام بهره‌برداران استان مازندران**، تهران: دفتر نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.
 - سازمان مرکزی تعاون روستایی (۱۳۸۹)، **معرفی شرکت‌های تعاونی تولید روستایی**، تهران: دفتر نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.
 - شفیعی علویچه، ع. (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی تشکل‌های کشاورزی استان همدان»، **دومین همایش توسعه پایدار روستایی**، همدان، دانشگاه بوعلی سینا همدان
 - کوهن، ی. (۱۳۷۹)، **سازمان‌های تعاونی برای توسعه روستایی: جنبه‌های سازمانی و مدیریتی**، تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
 - سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی (۱۳۹۴)، **خبرنامه کشاورزی استان خراسان رضوی**. قابل دسترسی در: www.magri.ir، دسترسی: ۱۰ مرداد ۱۳۹۴.
 - سوخنانلو، م. و شوکتی آقمانی، م. (۱۳۹۱)، «نقش تشکل‌های غیر دولتی (NGOs) در تقویت الزامات توسعه روستایی»، **همایش ملی توسعه روستایی**، رشت، دانشگاه گیلان.
 - مسلمی، ع. و محمدزاده، م. (۱۳۸۹)، «مروری بر اصناف»، **تعاون و روستا**، سال ۵، شماره ۴، ص ۵۶-۶۲.
 - مهدی‌دوست، ح؛ کرمی‌مقدم، ن. و متین، ک. (۱۳۸۹)، **راهنمای سازماندهی و تأسیس تشکل‌های بخش کشاورزی**. تهران: سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران.
 - مهدی‌دوست، ح؛ حسینی، س.ن. و دادجو، ج. (۱۳۹۰)، **مجموعه قوانین و مقررات نظام صنفی کارهای کشاورزی**. تهران: انتشارات آوا.

- Abbott, J.(1995), "Community participation and its relationship to community development", *Community Development Journal*, 30: 158-168.
- Brehm, J. and Eisenhauer, B.(2008), "Motivations for participating in community-supported agriculture and their relationship with community attachment and social capital", *Southern Rural Sociology*, 23(1): 94-115.
- Denison, D.(1997), *The Cambridge Encyclopedia of the English Language*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Narayan, P.D.(2002), *Empowerment and Poverty Reduction: A Sourcebook*, New York: World Bank Publications.

- Reddy, V.R. and Reddy, P.P.(2002), “Water institutions: Is formalisation the answer: A study of water user associations in Andhra Pradesh”, *Indian Journal of Agricultural Economics*, 57(3): 519–534.
- Saltmarsh, N.; Meldrum, J. and Longhurst, N.(2011), *The Impact of Community Supported Agriculture*. Bristol: Soil Association.

بررسی و تحلیل شاخصه‌های نظامات توسعه یافته ثبتی



مهدی ناصر^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۹/۱۰ - تاریخ تصویب ۹۷/۱/۲۰)

چکیده

در دوران حاضر با پیشرفت روزافزون جوامع بشری کشورهای مختلف سعی بر این امر دارند تا با شکل‌گیری نظام‌های پیشرفته ثبتی جوابگوی نیازهای جامعه مطابق با شرایط جدید بوجود آمده باشند. آثار این امر بوجود آمدن هر چه بیشتر امنیت در خصوص تضمین حقوق مالکانه افراد و افراد ذی‌حق در خصوص اموال غیر منقول می‌باشد که یکی از اثرات وضعی آن افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و توسعه نظام اقتصادی کشور می‌باشد. همین اثرات بر سایر بخش‌های جامعه نیز تأثیر می‌گذارد و باعث شکوفایی کشور می‌گردد. شاخصه‌های نظامات توسعه یافته ثبتی در نگاه کلی به هشت عنوان تقسیم می‌گردند که عبارتند از: وجود امنیت تصرف برای مالک، وجود مراجع صلاحیت‌دار در خصوص انجام معاملات انتقالی، وجود مکانیسم‌های پیشگیرانه جهت جلوگیری از وقوع دعاوی ملکی، وجود منابع مالی جهت پیشبرد اهداف قانونی مقرر شده توسط حاکمیت، شفافیت در نظام ثبتی و امکان دسترسی مردم به اطلاعات غیر محرمانه در خصوص مالکیت اراضی و املاک، پیش‌بینی حقوق متعلق به مال غیر منقول جهت حفظ حقوق مالک و اشخاص ثالث در ملک، پیش‌بینی ابزارهای تضمین مالکیت و استفاده از تکنولوژی می‌باشد که هر یک نقش بخصوصی در توسعه نظام ثبت اسناد و

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه، mn.ujsasac0077@yahoo.com

املاک دارند. در این مقاله به بررسی و تحلیل این شاخصه‌ها پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: ثبت املاک، ثبت اسناد، ملک، سند، قراردادهای هوشمند.

مقدمه

نظام‌های ثبتی به نظام‌هایی گفته می‌شود که در آنها از طریق به کارگیری ابزارهایی برای به رسمیت شناختن حقوق و دارایی‌های ملکی افراد و تسهیل نقل و انتقالات ملکی استفاده می‌گردد^۱. در سیستم‌های ثبتی دو مقوله ثبت اسناد و املاک نقش آفرینی می‌نمایند که علی‌رغم عملکرد مجزای این دو مقوله نمی‌توان از وابستگی این دو بر یکدیگر و تأثیراتی که هر کدام بر یکدیگر می‌گذارند، غافل بود. چرا که توسعه نظام ثبت اسناد همواره منوط به توسعه نظام ثبت املاک بوده است؛ بدین شکل که استفاده از ثبت الکترونیکی اسناد یا انعقاد قراردادهای هوشمند^۲ در گرو این می‌باشد که املاک مورد معامله جهت ثبت الکترونیکی، ثبت گردیده و به عبارتی عملیات مقدماتی ثبت نسبت به آنها انجام شده باشد. امروزه با توسعه تکنولوژی نیز در کنار ثبت الکترونیکی اسناد، انجام فرایند ثبت الکترونیکی املاک نیز در دستور کار کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفته است. از ۱۵۰ سال قبل که سیستم ثبت املاک پایه‌ریزی گردید، همواره کشورها بر این امر بودند تا با توسعه این سیستم بر سرعت فرایندهای قابل انجام افزوده و خود را با پیشرفت‌های روز جهان تطبیق دهند. از آنجا که انجام فعالیت‌های ثبتی و اقدامات مرتبط با آن از طریق استفاده از کاغذهای سفید، پرهزینه و زمان‌بر بود؛ بسیاری از کشورها به ثبت الکترونیکی املاک و صدور اسناد الکترونیکی روی آورده و در قرن بیستم بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، نظام ثبتی خود را به این شیوه بازنگری کرده بودند. (Sandberg Heim, E., 2009: 1&2). در سال ۱۹۹۹ پروفیسور ویتمن^۳ در صدد ارائه برخی نظرات در خصوص گسترش و توسعه این نظام برآمد و با پیشنهاد ذخیره اطلاعات در یک سیستم جامع^۴ و ایجاد

۱-Dale, P. and McLaughlin, J.(1999), Land Administration, Oxford University Press.

۲-Smart Contracts

۳-Dale Whitman

۴-Text Characters

امکان دریافت تقاضاهای ثبتی به صورت الکترونیکی بر گسترش این نظام کمک کرد که بعدها با تکمیل شدن این فرایند، تمامی فرایندهای ثبتی از زمان ارائه درخواست تا اتمام عملیات ثبتی به صورت الکترونیکی انجام می‌گردد (Whitman D.A., 1999: 32). ثبت الکترونیکی املاک یک برنامه کاربردی اینترنتی در خصوص ثبت املاک می‌باشد که در بردارنده تمامی اطلاعات مالکیتی مالکان املاک و ملک ثبت شده و حقوق راجع به هر جزء از ملک می‌باشد، به گونه‌ای که می‌تواند به عنوان یک ابزار به صورت کاملاً شفاف اطلاعات مالکیتی مالک یک ملک، تحدید حدود و محدوده هر ملک و سایر اطلاعات مورد نیاز را به خوبی در کمترین زمان ممکن در اختیار متقاضی قرار دهد^۱. چنین امکاناتی با انجام عملیات مختلف ثبتی با سرعت بالا و صرف هزینه و مدت بسیار کم موجب سوق بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به انجام چنین فرایندهای الکترونیکی در ثبت اسناد و املاک شده است که کشورهای توسعه‌یافته به خصوص کشورهای افریقایی مانند نیجریه، گینه، کنیا و ... نیز با الهام از نظام ثبتی کشورهای توسعه‌یافته سعی در انجام این مهم داشته و به پیشرفت‌هایی نیز رسیده‌اند. انجام این تشریفات علاوه بر اینکه مؤثر در صرفه‌جویی فراوان در وقت و کوتاه شدن تشریفات ثبتی می‌گردد، در سایر موارد نیز اثرات مثبتی به همراه دارد. به عنوان مثال کاهش استفاده از کاغذهای سفید در انجام تشریفات ثبتی و عدم استفاده از کاغذ در صدور اسناد الکترونیکی کمک به گسترش جنگل‌ها و فضای سبز نموده و از آلودگی‌های زیست محیطی کاسته و از صرف هزینه‌های فراوان در بازیافت زباله‌های غیرپلاستیکی جلوگیری می‌نماید. از طرفی نیز انجام چنین امری موجب افزایش امنیت معاملاتی و کاهش آمار جعل و کلاهبرداری‌های ملکی و معاملات فضولی می‌گردد که از طرح پرونده‌های پرشمار ثبتی در دادگستری پیش‌گیری می‌نماید. مسئله ثبت اجباری املاک در کشورهای توسعه‌یافته مانند استرالیا، انگلستان و ایرلند از سال‌های دور ثبت اولیه املاک و اراضی با پیش‌بینی مشکلات تحقق پیوسته در آینده در دستور کار قرار گرفته و این نشان‌دهنده توجه هر چه بیشتر این کشورها در رسمیت بخشیدن به مالکیت خصوصی مالکان و حقوق آنان می‌باشد^۲. (Edward Hogg James, 1918:4) همانطور که برخی از دکترین‌های غربی

۱- Electronic Land Register, P1: <https://e-estonia.com/component/electronic-land-register/>

۲- در این خصوص در قانون نقل و انتقالات مصوب سال ۱۸۹۷ انگلستان (Land Transfer Act 1897: England)،

بیان نموده‌اند، وجود امنیت در جامعه در جهت حفظ حقوق شخصی افراد جهت تصرف در اموال شخصی خود بدون هرگونه تصرف مداخله‌گرایانه غیرقانونی از اجزای اصلی سازنده و توسعه‌دهنده نظام اقتصادی کشور تلقی می‌گردد. تصدیق و تثبیت حقوق مالکانه افراد در قالب اسناد معتبر نقش سازنده و حیاتی در گسترش مبادلات و معاملات و همچنین تسهیل انجام این امور بازی می‌نماید (Hanstad, 1998: 649). لذا با این مقدمه به ارتباط موجود در نظامات مختلف پی برده و نمایان می‌گردد که توسعه یک نظام چقدر می‌تواند در توسعه نظامات دیگر مؤثر باشد. توسعه نظام ثبتی موجب افزایش امنیت مبادلاتی و کاهش ریسک در معاملات شده و علاوه بر اینکه از وقوع بسیاری از جرایم مالی مانند کلاهبرداری‌های ملکی و فروش مال غیر، پیشگیری می‌نماید؛ موجب افزایش سرمایه‌گذاری گردیده که این امر موجب کاهش نقدینگی در بانک‌ها و توسعه نظام اقتصادی می‌گردد. لذا اهمیت مطالعه نظام ثبتی کشورهای توسعه‌یافته و شناسایی شاخصه‌های یک نظام توسعه‌یافته ثبتی، اهمیت دو چندان می‌یابد.

اکنون با بیان این مقدمه ابتدا به بررسی و تحلیل شاخصه‌های یک نظام پیشرفتی ثبتی و سپس به اثرات وجود این ویژگی‌ها در سایر نظامات موجود در کشور از جمله نظام اقتصادی و ... خواهیم پرداخت.

۱- وجود امنیت تصرف^۱ برای مالک

امنیت تصرف بدین معنا نمی‌باشد که جامعه در امنیتی کامل بدون هرگونه تجاوز فراسرزمینی قرار گیرد اگرچه این امر نیز یکی از شاخصه‌های موجود می‌تواند تلقی گردد اما منظور از امنیت تصرف این امر می‌باشد مالک یک زمین بتواند در ملک قانونی خود هرگونه تصرف قانونی را انجام داده و مالکیت وی هیچ‌گاه بدون وجود یک عنصر قانونی مورد خدشه قرار نگیرد یکی از

مسئله اجباری بودن ثبت اولیه املاک تنها در مناطق و مکان‌های دارای مساحت محدود پذیرفته شده بود که امروزه در قانون سال ۲۰۰۲ این امر به تمامی املاک و اراضی موجود در این کشور تسری پیدا کرده است و در کشور ایرلند نیز مطابق آنچه که در قانون سال ۱۸۹۱ کشور مذکور (Ireland Local Registration of Title Act 1891) قید شده بود، ثبت اراضی و املاک تنها به انواع خاصی از اراضی محدود شده بود که این امر نیز امروزه به تمامی اراضی و املاک موجود در کشور مذکور تسری یافته است (Edward Hog James, 1918:4).

ابزارهای وقوع این امر وجود شواهد و مدارک اسنادی می‌باشد (Hanstad, 1998:653). به نظر می‌رسد با پیشرفت امروزه جوامع بشری و گسترش تکنولوژی نیازها برای بوجود آمدن و تنظیم اسناد الکترونیکی در یک نظام ثبت الکترونیکی بیش از پیش تقویت شده است. همانگونه که مشاهده می‌گردد اسناد تنظیم شده بر روی کاغذ دارای نقاط ضعف و منفی زیادی هستند که می‌توان به عنوان مثال امکان جعل اسناد مذکور را نام برد. اگرچه در خصوص اسناد الکترونیکی نیز چنین احتمالی وجود دارد اما امکان انجام چنین امری بسیار کاهش می‌یابد؛ چرا که سازمان‌های ذیربط ثبتی در یک کشور می‌توانند با تهیه نسخه‌های پشتیبان این اسناد حتی در صورت نفوذ به شبکه و تغییر مالکان املاک توسط برخی سوجدویان از طریق مقایسه اطلاعات تهیه شده از نسخه‌های پشتیبان از آمار چنین جرایمی کاسته و به سوی تضمین مالکیت افراد، قدم‌های بلندی بردارند. امکان وجود امنیت جهت تصرف هر بهتر مالک در مایملک خود می‌تواند تبعات اقتصادی نیز داشته باشد. چرا که گسترش و پیشرفت نظام اقتصادی یک کشور منوط به عوامل بسیاری می‌باشد که یکی از آنها همان وجود تضمین مالکیت در خصوص دارایی افراد جامعه می‌باشد. سرمایه‌گذاری‌های خارجی یکی از شاخصه‌های گسترش این نظام می‌باشند و زمانی سرمایه‌گذاری خارجی گسترش می‌یابد که تضمین مالکیت در یک جامعه به بهترین شکل ممکن صورت گیرد و هرگونه نقل و انتقالات اسنادی توسط دولت نظارت گردد تا امری خلاف قانون نسبت به مالکیت خصوصی افراد انجام نگیرد. تولیدات کشاورزی بهتر و بیشتر یقیناً از اثرات یک نظام پیشرفته اقتصادی می‌باشند. عکس این امر نیز صادق می‌باشد که در صورت وجود زیرساخت‌های صحیح، حتی تولیدات گسترده کشاورزی نیز موجب رونق اقتصاد یک کشور بوده و این امر نشان دهنده وابستگی شدید نظامات مختلف در کشور به یکدیگر می‌باشد^۱ (Hanstad, 1998: 653). در کشور ایران با شروع تصویب قوانین اصلاحات ارضی و به کارگیری تشریفات مقرر شده در آن قوانین، تعدادی از زمین‌های کشاورزی در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ شمسی به بعد، به زارعان منتقل گردید اما عدم اجرای کامل مقررات مذکور موجب عدم تعیین تکلیف در خصوص اراضی باقیمانده مشمول قوانین اصلاحاتی ارضی شده

۱ - جهت مشاهده الزامات تولیدات کشاورزی در گسترش فرایندهای اقتصادی رجوع کنید به:

C., Peter, Timmer(1988), The Agricultural Transformation, In Hand Book Of Deve, Opment Economies, pp. 283-321.

است. امروزه پرونده‌های باقیمانده اصلاحات ارضی که تاکنون منجر به صدور سند رسمی به نام زارعین نگردیده و به سرزمین منازعات و چالش‌های اصلاحات ارضی تبدیل شده است (دانشوری و چاووشی، ۱۳۹۲: ۱۸۵). همانطور که می‌دانیم اراضی باقیمانده مشمول مقررات اصلاحات ارضی که در اثر اجرای ماده ۱ قانون الحاق موادی به قانون اصلاحات ارضی باید به زارعان فروخته یا اجاره داده یا تقسیم گردند، هنوز به صورت قانونی به مالکان عین یا منافع حقیقی خود منتقل نگردیده‌اند و مالکان عین یا منافع آنها در خصوص تضمین مالکیت ایشان از طریق ایجاد بسترهای ثبتی دچار اجحاف شده‌اند که ثمره این امر عدم وجود هرگونه تضمینی مالکیت نسبت به زارعانی می‌باشد که مطابق مقررات مذکور، مالک حقیقی اراضی مزبور تلقی می‌گردند.

به نظر می‌رسد یکی از وظایف نظام ثبتی یک کشور جهت برقراری امنیت تصرف در کشور اجرای کامل تشریفات مقرر در قوانین و مقررات مربوط به اراضی مشمول اصلاحات ارضی می‌باشد. چرا که کشاورزان در جامعه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی نیاز به یک اطمینان خاطر جهت اجرای هر چه بهتر مقررات دارند که ثبت مالکیت اراضی در خصوص اجرای حقوق آنها یکی از شاخصه‌های امر مذکور تلقی می‌گردد (Hanstad, 1998: 654). در حقوق امریکا یکی از لوازم وجود امنیت مالکیت در جامعه، ثبت املاک و شناسایی حقوق مالکانه افراد توسط دولت به صورت رسمی قلمداد شده است (Hanstad, 1998: 658). بنابراین ایجاد یک مالکیت قانونی می‌تواند یک عنصر مؤثر در افزایش امنیت تصرف تلقی گردد. در ایران نیز با مطالعه قوانین ثبتی مشاهده می‌گردد که اگرچه بسیاری از قوانین مذکور به اجرا در نیامده‌اند، اما املاکی که دارای سابقه ثبتی بوده و اسناد رسمی در خصوص آنها صادر گردیده است، همواره به دور از تجاوز افراد بر حقوق مالکانه مالکان آنها بوده‌اند.

۲- ایجاد برخی مراجع صلاحیت‌دار در خصوص انجام معاملات انتقالی و سایر معاملات

نسبت به حقوق مالکانه افراد در اراضی تحت تصرف

وجود چنین مراکز دارای صلاحیت قانونی منجر به ایجاد یک مکانیزم جهت انتقال قانونی و مطمئن سهام مالکیت، حقوق مالکانه و سایر سایر حقوق موجود برای ذی‌حق می‌گردد (Hanstad, 1998: 654). فعالان اقتصادی به اهمیت وجود چنین مراکز داد و ستدی به عنوان یک شاخصه مهم در خصوص ملاک تشخیص پتانسیل‌های تولیدی در جامعه اشاره

می‌کنند^۱ (Hanstad, 1998:654). در کشور ایران نیز چنین مراکزی تحت عنوان بنگاه‌های معاملاتی املاک فعالیت می‌نمایند. با توجه به عدم اجرای کامل مقررات مواد ۹ به بعد قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ که نتیجه آن عدم ثبت رسمی بسیاری از املاک موجود در کشور شده است، انجام بسیاری از معاملات انجام شده در این بنگاه‌ها به صورت عادی صورت می‌گیرد که خلاف نص صریح مواد ۲۲^۲ و ۴۸^۳ قانون ثبت مصوب سال ۱۳۱۰ و ماده ۶۲^۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۶ می‌باشد که حتی قانون اخیرالذکر انعقاد قراردادهایی که از آنها به تعهد به انجام معاملات یاد می‌شود را نیز در صلاحیت دفاتر ثبت املاک قرار داده و اسناد تنظیم شده در بنگاه‌های املاک را فاقد هرگونه اعتبار قانونی در برابر اشخاص ثالث قلمداد نموده است.^۵ حال سؤال اینجاست که چرا از یک طرف قانونگذار تمامی مالکان املاک و حتی دولت را نیز موظف به انجام تشریفات ثبت املاک خود نموده است، اما با فعالیت چنین بنگاه‌هایی در خصوص انجام معاملات غیر منقول برخوردی نداشته است. اگرچه برخی معاملات انجام شده در این بنگاه‌ها به صورت تعهد بر انتقال رسمی آتی انجام می‌گیرد، اما وجود سوءاستفاده‌های بی‌شمار و تشکیل پرونده‌های گسترده فروش مال غیر و کلاهبرداری در کشور بر همگان آشکار می‌باشد. به نظر می‌رسد قانونگذار جهت جلوگیری از انجام این گونه

۱ - به عنوان مثال جهت مشاهده برخی شاخصه‌های تولیدی رجوع کنید به:

Jonathan Rodden & Susan Rose-Ackerman (1997), Does Federalism Preserve Markets?, 83 Va.L.Rev. 1569-1570.

۲ - ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰: همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد، مالک خواهد شناخت.

۳ - ماده ۴۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰: سندی که مطابق مواد فوق (۴۶ و ۴۷) باید به ثبت برسد اما به ثبت نرسیده، در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد.

۴ - ماده ۶۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب سال ۱۳۹۶: کلیه معاملات راجع به اموال غیرمنقول ثبت شده مانند بیع، صلح، اجاره، رهن و نیز وعده یا تعهد به انجام این گونه معاملات باید به طور رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شوند.

۵ - از این حیث می‌توان به قولنامه‌های تنظیمی در بنگاه‌های املاک اشاره نمود. قولنامه سندی است که در آن عاقدی تعهد فروش عین معینی را که مالک آن است در آینده‌ای معلوم در برابر سند معلوم می‌کند، در حین تنظیم قولنامه نقل ملکیت صورت نمی‌گیرد (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۹۵۹). به بیان ساده‌تر، قولنامه سندی است که خریدار و فروشنده و طرفین عقد به طور کلی قبل از انجام معامله تنظیم می‌نمایند تا در فاصله قول و معامله، فروشنده، مورد معامله را به دیگری نفروشد و خریدار هم آن را بخرد (معین، ۱۳۶۴: ۲۷۴۹).

اعمال و ایجاد مراجع صلاحیت‌دار از طریق ایجاد مکانیسم صحیح در خصوص انجام معاملات انتقالی در خصوص اموال غیرمنقول باید به تصویب برخی قوانین بر اساس واقعیات موجود در جامعه اقدام نماید. بسیاری از کشورهای کمونیست با تغییر نظام ثبتی خود جهت پذیرفتن مالکیت خصوصی افراد نسبت به املاک و ایجاد چنین مراکز صلاحیت‌داری قدم‌های بلندی برداشته‌اند. در این کشورها ایجاد یک فرصت جهت ایجاد یک نظام ثبتی جهت شناسایی مالکیت خصوصی ماکلان املاک مورد شناسایی و تشخیص قرار گرفته است (Hanstad, 1998:654).

۳- بوجود آوردن برخی مکانیسم‌های پیشگیرانه جهت جلوگیری از ایجاد دعاوی ملکی
بسیاری از دعاوی ملکی در ارتباط با تشخیص مالکیت افراد در ملک مزبور و اختلافات طرفین در میزان سهام هر یک در خصوص ملک مزبور حاصل می‌گردد. در کشورهای در حال توسعه عدم قطعیت در شناسایی مالکیت یک مالک و عدم تشخیص صحیح حدود ملک یک نفر نسبت به ملک دیگری به عنوان منابعی در خصوص مرافعات ملکی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تبدیل شده‌اند (Hanstad, 1998:654). ایجاد یک مکانیسم پیشگیرانه در این خصوص می‌تواند راهگشای حل بسیاری از مسائل باشد. اگرچه در سال ۱۳۱۰ قانونگذار با اجباری نمودن ثبت تمامی املاک نسبت به انجام چنین اقداماتی تدابیری اندیشید، اما در این راه نتوانست به خوبی تدابیر خود را به مرحله اجرا بگذارد چرا که در کنار چنین تدابیری نیاز به برخی زیرساخت‌ها بوده که قانونگذار به آنها توجه ننموده بود. اجرای برنامه‌های ثبتی در یک کشور نیازمند همگام بودن اقشار جامعه با اجرای چنین برنامه‌هایی می‌باشد و لازمه این امر آگاهی مردم از ابعاد و تبعات وجود چنین برنامه‌ای از طریق اطلاع‌رسانی‌های جمعی تلقی می‌گردد. آموزش عمومی در خصوص ثبت املاک می‌تواند حفظ‌کننده و شناساننده اهداف و برنامه‌های سیستم باشد که کمک شایانی به تسهیل انجام تشریفات ثبتی و وصول اهداف می‌باشد (Hanstad, 1998:655). در کشور ایران نیز عدم اجرای موارد فوق‌الذکر در سال ۱۳۰۲

منجر به تغییر کلی قانون ثبت در سال ۱۳۰۸ گردید که نشان‌دهنده ناکامی سیستم ثبتی آن زمان در رسیدگی به اهداف خود می‌باشد. در کشور اسکاتلند با تصویب قانون ثبت سال ۲۰۱۲ نیز ثبت تمامی اموال غیر منقول اجباری شده و یکی از اهداف قانون مذکور به ثبت رسیدن تمامی اموال غیر منقول موجود در این کشور در فاصله زمانی ۱۰ سال آینده می‌باشد. در این کشور انجام تشریفات ثبت به دو صورت پیش‌بینی شده است که عبارتند از: ثبت داوطلبانه و ثبت اجباری به گونه‌ای که مالکان املاک می‌توانند با انجام داوطلبانه تشریفات ثبت، از برخی امتیازات ویژه در خصوص ثبت املاک خود بهره‌مند گردند، مواردی مانند: تخفیف ویژه در پرداخت هزینه‌های ثبتی و کنترل زمانی در طی تشریفات ثبت. اما در صورتی که نسبت به انجام چنین امری اقدام نمایند اموال آنها توسط ادارات ثبت اسناد و املاک شناسایی گردیده و این اداره رأساً نسبت به چنین اعمالی بدون وجود هیچ‌گونه امتیازاتی اقدام خواهد نمود (Gamba, Stephen, 2015:1).

در کشور ایران نیز می‌توان از چنین مکانیسم‌هایی بهره برده و افراد را به ثبت اموال غیر منقول خود به صورت داوطلبانه ترغیب نمود. دولت می‌تواند با ارائه طرحی، بخشی از بودجه خود را صرف تعدیل هزینه‌های ثبتی نموده و سازمان ثبت نیز می‌تواند با پیش‌بینی برخی مکانیسم‌ها بر انجام هرچه سریع‌تر بدون وجود تشریفات طولانی ثبتی، نسبت به انجام این تشریفات در کمترین زمان ممکن اقدام نماید. در سال ۱۳۹۳ نیز با تصویب قانون کاداستر اقداماتی در خصوص تعیین ابعاد و حدود املاک خصوصی افراد در خصوص املاک رسمی انجام شده است که با انجام تشریفات فوق‌الذکر و تعیین محدوده مالکیت هر فرد، بسیاری از دعاوی ملکی بدون طرح بحث در دادگاه حل و از طرح بسیاری از آنها جلوگیری خواهد شد.

۴- تکمیل تمامی برنامه‌های پیش‌بینی شده در کشور با ایجاد زیرساخت‌های همگون و تأمین منابع کافی توسط دولت

ثبت املاک به یک سرمایه‌گذاری طولانی مدت در کشور توسط دولت نیازمند است (Hanstad, 1998:656). بنابراین دولت باید در انجام این امر منابع مالی کافی نسبت به انجام چنین پروژه عظیمی را در اختیار سازمان‌های مربوطه قرار دهد. سازمان‌های ذی‌ربط نیز باید تمامی وظایفی که در قانون جهت انجام کامل و هرچه بهتر اهداف پیش‌بینی شده قرار داده

شده‌اند را به طور کامل انجام دهند. بسیاری از محققان امریکایی بر این باور هستند که اگر ثبت املاک نتواند به صورت کامل و پیوسته مدیریت گردد و به صورت کامل انجام نگیرد، شروع به انجام آن و صرف هزینه نسبت به آن بی‌مورد خواهد بود (Hanstad, 1998:656). در کشورهای اروپایی مانند اسکاتلند نیز همین امر در طول یک برنامه ۱۰ ساله همانند آنچه در مطالب فوق بیان گردید، پیش‌بینی و تأمین هزینه شده است. در کشور ایران متأسفانه با صرف هزینه‌های فراوان نزدیک به ۸۶ سال است که کشور به چنین هدفی دست نیافته است. اهم دلایل آن به قرار ذیل است: عدم وجود ضمانت اجراهای اجرایی، عدم پذیرش قوانین و مقررات تصویب شده توسط اقشار جامعه، هزینه بالای انجام تشریفات مذکور و عدم حمایت دولت، عدم اختصاص منابع مالی کافی از سوی دولت، تصویب قوانین تعیین‌کننده بدون تنظیم زیرساخت‌های مناسب^۱، عدم تصویب قوانین بدون توجه به واقعیات موجود در جامعه بدین صورت که در ماده ۱۳۹ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰، املاکی که در فاصله زمانی مقرر تعیین شده توسط دولت (که البته امروزه این مهلت به اتمام رسیده است) به ثبت نرسیده باشند، مجهول‌المالک تلقی شده‌اند. به عبارتی مجهول‌المالک در حقوق ثبت، مال غیر منقولی است که نسبت به آن درخواست ثبت نشده و در خصوص آن، اظهارنامه ثبتی تنظیم نگردیده است (بهرامی، ۱۳۹۱: ۲۸۲). اما در ماده ۸۸ قانون مذکور به دفاتر اسناد رسمی امکان ثبت معاملات املاکی که عملیات مقدماتی ثبت نسبت به آنها انجام نشده است، داده شده است. سؤالی که مطرح می‌گردد این است که اگر این اموال مجهول‌المالک تلقی می‌گردند، چگونه دفاتر اسناد رسمی می‌توانند معاملات آنها را به ثبت رسانده و حتی این معاملات مابین متعاملین رسمی تلقی گردند؟ مضافاً اینکه در ماده ۹ قانون مذکور، ثبت املاکی که دارای سابقه ثبتی نمی‌باشند، وظیفه دولت قرارداده شده است (میرزایی، ۱۳۸۵: ۹) که امروزه با گذشت نزدیک به ۸۷ سال از تاریخ تصویب این قانون هنوز اقدامی از سوی دولت در خصوص تعیین تکلیف وضع ثبتی املاک صورت نگرفته است. این امر نشان از عدم وجود زیرساخت در تصویب قانون

۱- به عنوان مثال می‌توان به مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اشاره نموده که در چندین مرحله توسط قوانین اصلاحی بعد از تصویب قانون ثبت، اصلاح گردیده و هنوز هم با تصویب قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی بدلیل نبود زیر ساخت‌های جامعه به طور کامل به مرحله اجرا در نیامده است.

مذکور می‌باشد چرا که با وجود تشریفات طولانی و پرهزینه ثبت املاک، افراد نیز اشتیاقی بر انجام چنین تشریفات نداشتند و لذا تنها راهکار در این خصوص اصلاح قوانین و پیروی از روش پی‌ریزی شده در نظام ثبتی اسکاتلند بر پیش‌بینی تخفیفات ویژه در ثبت داوطلبانه املاک و کاهش تشریفات طولانی مدت این امر می‌باشد.

۵- ایجاد امکان دسترسی مردم و سازمان‌ها به اطلاعات غیرمحرمانه در خصوص املاک و حقوق مالکانه افراد و سایر حقوق مرتبط با املاک

در ماه مارس سال ۲۰۱۵ میلادی تنها پس از یکسال از لازم الاجرا شدن قانون ثبت سال ۲۰۱۲ اسکاتلند، سامانه اراضی دیجیتال و اطلاعات دارایی اشخاص در اسکاتلند طراحی گردید که در آن ادارات ثبت و مأموران آنها مکلف شدند تا با همکاری یکدیگر تمامی اطلاعات سازمان‌های مختلف به صورت یکپارچه در سیستم مزبور وارد گردیده و سازمان‌های مختلف بدون انجام هرگونه هزینه اضافی در حدود صلاحیت خود به اطلاعات مربوط به دارایی اشخاص دسترسی پیدا نمایند. این امر از انجام هرگونه معامله غیرقانونی در هر سازمان توسط هر شخصی جلوگیری کرده و نه تنها یک تضمین جهت حفظ دارایی و مالکیت افراد با نظارت دولت پدید می‌آورد بلکه در پیشرفت نظام اقتصادی کشور نیز بهره‌ور خواهد بود. در گزارش ارائه شده در خصوص این سیستم یکی از اهداف این سیستم، تبدیل کشور اسکاتلند به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان در خصوص دسترسی به اطلاعات املاک و مالکان املاک و افراد ذی‌حق می‌باشد. بدین ترتیب که حتی اگر فردی بانفوذ نیز از طریق سوء استفاده اقدام به انجام یا ثبت غیرقانونی معامله یا ملک نماید، به صورت کاملاً آسان این عمل قابل پیگیری خواهد بود.^۱ از دیگر آثار انجام چنین فرآیندی، تسریع در انجام معاملات ثبتی یا حتی انجام معاملات الکترونیکی و صدور اسناد الکترونیکی می‌باشد که دستاوردی شگرف در یک نظام ثبتی تلقی می‌گردد.^۲ از دیگر آثار وجود چنین سیستمی، پشتیبانی از نقل و انتقالات املاک توسط دولت، امکان جستجوی همه‌گانه

۱-New Digital Land and Property Information Service for Scotland Report to the Deputy First Minister/ros.gov.uk P1 num2

۲-New Digital Land and Property Information Service for Scotland Report to the Deputy First Minister/ros.gov.uk P1 num2

مالکلان، نظارت بیشتر و جلوگیری از هرگونه استفاده تجاوزگرایانه از اطلاعات و فایل‌ها در سازمان‌های مختلف بیان شده است.^۱ تمامی آثار بیان شده در فوق می‌توانند از ابزارهای پیشگیری از وقوع دعاوی ملکی تلقی گردند؛ چرا که اگر در کشوری وقوع معاملات معارض یا فروش مال غیر یا هرگونه کلاهبرداری ملکی به حداقل برسد، بالتبع تشکیل پرونده‌های قضایی به حداقل خواهد رسید. به نظر می‌رسد در کشور ما نیز سازماندهی چنین سیستمی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. در کشور ایالات متحده نیز از گذشته تشخیص اینکه یک ملک توسط چه کسی خریده و توسط چه کسی فروخته می‌شود و تعیین دقیق اطلاعات معاملاتی افراد به عنوان یک شاخصه اصلی جهت توزیع مجدد اصلاحات در خصوص اراضی مدنظر قرار گرفته است که از آثار این امر کمک به تضمین حقوق مالکانه افراد و ایجاد امنیت معاملاتی می‌باشد (Hanstad, 1998:655).

در کشور هلند نیز هر فرد می‌تواند از طریق مراجع ثبتی این کشور مانند ادارات ثبت، از وضعیت ملک مانند حقوق متعلقه به آن اطلاعات کافی کسب نماید و بدلیل استفاده تشخیص منحصر به اسناد، اسناد معاملات به راحتی قابل تهیه می‌باشند. در این کشور هنگام انجام معاملات، نهایتاً معامله آخر قبل از انجام معامله مزبور نسبت به ملک توسط مأمور ثبت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا صحت انجام معامله مزبور توسط وی احراز گردد و از بروز مشکلات بعدی جهت سوءاستفاده برخی افراد جلوگیری گردد. در این کشور مأمور ثبت جهت قصوراتی که در انجام وظایف خود مرتکب شده، در برابر طرف معامله دارای حسن نیت مسئول تلقی می‌گردد (Vos, Jaques, 2008: 2)

۶- پیش‌بینی تمام حقوق متعلقه به مال غیر منقول اعم از حقوق مالکانه مالک نسبت به ملک و حقوق اشخاص ثالث

در کشور اسکاتلند با تصویب قانون ثبت سال ۲۰۱۲، تحولی در نحوه تنظیم اسناد املاک ثبتی پدید آمد؛ به گونه‌ای که علاوه بر تصریح قانون مزبور بر ثبت عمومی املاک، در مواد آتی بر نحوه تنظیم اسناد مالکیت املاک ثبتی اشاره نموده و به صراحت بند پنجم از بخش اول ماده

مذکور را بر تبیین ساختار اسناد مالکیت اختصاص داده است که ساختار یک بر گه مالکیت باید بر چهار رکن استوار باشد: بخش مربوط به مایملک (ملک ثبت شده)^۱، بخش مربوط به مالکیت مالک^۲، بخش مربوط به مسائل امنیتی^۳ و بخش مربوط به شرایط و تحمیلات^۴. تمامی این بخش‌ها دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود از جمله آنچه در موارد ذیل اشاره شده، می‌باشند؛ به گونه‌ای که در بخش مربوط به ملک ثبت شده باید توصیفی از ملک مزبور در کنار نقشه‌ای از ملک که به گونه‌ای نموداری بر شرح ملک پرداخته و به نقشه حدنگار یا کاداستری ملک ارجاع شده باشد و به حقوق مالکانه مالک در ملک مزبور اشاره گردیده و در اوضاع و احوال ملک به گونه‌ای که اگر به صورت مستغلات مستقل ایجاد شده یا ملک اجاره‌ای بوده یا هر شرایط دیگری در ملک موجود باشد قید گردد^۵. در خصوص حقوق مالکانه مالک به مشخصات هویتی از جمله نام و سمت وی و در خصوص املاک مشاع^۶ به مشخصات وی در خصوص سهام وی اشاره گردیده^۷ و در خصوص موضوعات امنیتی مانند اشاره کردن به نام و سمت طلبکاران یک ملک به ارث رسیده^۸ و در خصوص شروط و تحمیلات به شروط مقرر در خصوص موقعیت ملک یا حقوق انتفاع یا مالکیت غیر بر منافع ملک اشاره می‌گردد^۹. تمامی اقدامات فوق در جهت حفظ حقوق مالک و اشخاص ثالث انجام می‌گیرد به گونه‌ای که در نظام حقوقی کشور مزبور تمامی معاملات نسبت به املاک و مستغلات باید به صورت ثبتی و رسمی انجام گرفته و معاملات غیررسمی اعتبار قانونی ندارند^{۱۰}. بنابراین مالک در صورتی که اقدام به انجام معامله در خصوص ملک مزبور نماید باید آن را به صورت رسمی انجام دهد و انجام رسمی معامله مبین

۱-Property Section

۲-Proprietor Section

۳-Securities Section

۴- Burdens Section

۵-Land Registration Act 2012 Scotland Part 1 Num 6

۶-Shared Plots

۷-Act 2012 Num 7

۸-Act 2012 Num 8

۹-Act 2012 Num 9

۱۰-Act 2012 Num50/1

تمامی حقوق متعلقه به ملک مزبور مبنی بر مسلوب‌المنفعه بودن یا نبودن، در وثیقه بودن و نبودن و ... می‌باشد که اولاً خریدار را از شرایط کنونی ملک باخبر نموده و از دعاوی بعدی جلوگیری می‌نماید و ثانیاً از وقوع بسیاری از معاملات غیرقانونی مانند فروش مال غیر، معاملات فضولی، کلاهبرداری‌های ملکی و ... جلوگیری می‌نماید. متأسفانه در کشور ایران چنین مکانیسمی طراحی نگردیده است و دلیل آن نیز همانطور که در گذشته بیان گردید، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب جهت انجام عملیات ثبتی املاک فاقد سند رسمی و بالتبع عدم امکان وجود نظارت دولت بر معاملات انجام شده و نهایتاً اثرات ناگوار آن بر تشکیل پرونده‌های بیشمار حقوقی و کیفری در دادگستری می‌باشد. همچنین در حقوق اسکاتلند قانونگذار وقت در تنظیم قانون ثبت مصوب سال ۲۰۱۲ در ثبت املاک موضوع قانون، نه تنها به ثبت ملک مزبور اشاره کرده، بلکه همانگونه که بیان گردید در صدد حفظ حقوق صاحبان حق در ملک مزبور، حقوق اجرایی اشخاص ثالث، حقوق متصرفین ملک، مالک‌الان مشاع املاک بوده بلکه، برای برخی املاک و مستغلات مانند آپارتمان‌های دارای مساحت گسترده تشریفات ثبتی ویژه‌ای همچون جداکردن هر بخش کاداستری جهت ثبت جدای هر سطح و تنظیم سند مالکیت جداگانه برای هر سطح پیش‌بینی نموده است که از نوآوری‌های قانون مذکور تلقی می‌گردد.^۱ ثمره انجام امر مذکور تشخیص دقیق حقوق اشخاص ثالث بر هر بخش از ملک مزبور می‌باشد که از تضييع حقوق افراد در املاک دارای مساحت گسترده با دارا بودن چند مالک به صورت جدا جلوگیری می‌نماید. در حقوق امریکا نیز بر مشخص شدن و قابل تشخیص بودن تمام حقوق متعلقه به ملک و حدود املاک تأکید شده است (Hanstad, 1998: 656) و ثبت املاک بدون تعیین حقوق متعلق به آنها به عنوان یک ثبت پرهزینه و بی‌ارزش تلقی گردیده است (Hanstad, 1998: 657). بنابراین ثبت املاک در این کشور نیز شامل ثبت تمامی مشخصه‌های قانونی همراه با هر جزء از ملک همانند توصیف ملک تلقی می‌گردد (Hanstad, 1998: 676). نکته قابل توجه این است که اگر تمام حقوق متعلقه به ملک به صورت رسمی مشخص گردد، اجرای حقوق مذکور نیز باید به صورت رسمی انجام گیرد. انجام این امر از وقوع دعاوی حقوقی بعدی در خصوص ادای دیون و تعهدات جلوگیری نموده و از آمار پرونده‌های دادگستری می‌کاهد. به

نظر می‌رسد در این خصوص نیاز به تأمین مالی از سوی دولت جهت جلوگیری از هزینه‌های اضافی برای افشار جامعه باشد که البته چنین هزینه‌هایی با افزایش ثبت اسناد و املاک موجود در کشور جبران می‌گردد.

۷- پیش‌بینی ابزارهای تضمین مالکیت افراد متناسب با شرایط موجود در جامعه توسط قوه حاکمه

تضمین مالکیت به اقداماتی گفته می‌شود که نظام‌های حقوقی یا ثبتی کشورهای مختلف جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی در خصوص اموال غیر منقول و اطمینان بخشیدن به مالکان حقیقی آنها با به کارگیری برخی ابزارها جهت گسترش هر چه بیشتر و پیشرفته‌تر شدن نظام ثبتی آن کشور و نهایتاً تطبیق نظام ثبتی و حقوقی با پیشرفت‌های نوین جهانی انجام می‌دهند. در حقوق امریکا یک سیستم تضمین مالکیت مناسب باید دارای ابزارهایی باشد تا مالکیت ایجاد شده در آن کشور به صورت انحصاری و الزام‌آور برای تمامی افراد تلقی گردد. سیستم مزبور باید این امکان را داشته باشد تا در هر موقعیت و زمانی، وضعیت مالکیت ملک مزبور را به روشنی نمایان سازد (Dent Bostick, C., 1987:60). همچنین این امکانات باید همواره در دسترس بوده و به صورت سریع و بدون هرگونه هزینه‌ای تغییرات بوجود آمده در وضعیت مالکیت مالکان املاک را به خوبی نشان دهد (Dent Bostick, C., 1987: 61). همانطور که قبلاً نیز بیان گردید در کشور اسکاتلند نیز چنین مکانیسمی از سال ۲۰۱۵ به صورت اجرایی در آمده و امکانات بیان شده را در اختیار افراد قرار داده است. نظام ثبتی یک کشور باید به گونه‌ای کامل طراحی گردد که پاسخگوی تمامی مسائل موجود در جامعه مانند مالکیت قانونی افراد، حقوق زناشویی، دعاوی ورشکستگی و ... باشد (Dent Bostick, C., 1987: 61). در کشور ایالات متحده برخلاف کشورهای انگلستان و اسکاتلند، ثبت اسناد و املاک نشان از بی اعتباری معاملات انجام شده نسبت به املاک فاقد سند رسمی تلقی نمی‌گردد بلکه اسناد صادره در نتیجه معاملات انجام شده با سند رسمی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی نسبت به اسناد ثبت نشده دارند (L. McCormack John, 1992: 68). بنابراین در این کشور برخی شرکت‌های بیمه مالکیت بوجود آمده‌اند که وظیفه آنها بررسی دقیق ابعاد مالکیت مالک یک ملک، حقوق متعلقه به آن، و وضعیت فعلی آن بر مقرون به صرفه بودن انجام معامله توسط طرف معامله نسبت به

ملک مزبور می‌باشد (Dent Bostick C., 1987: 72). اگرچه این امر دارای برخی هزینه‌ها بر طرف معامله تلقی می‌گردد، اما در هر حال وی را از انجام بررسی‌های طولانی مدت در خصوص کسب اطمینان در خصوص ابعاد ملک مزبور معاف نموده و جبران خسارت وی در صورت عدم صحت تضمینات ارائه شده توسط شرکت‌های مزبور را برای وی فراهم می‌آورد، در غیر این صورت فردی که ملک مزبور به وی منتقل می‌گردد یا نماینده او باید وارد پروسه تحقیقات پیچیده و پرهزینه و خسته‌کننده در خصوص ملک مزبور گردد که در هر حال فاقد هر گونه تضمینی در خصوص معاملات مذکور می‌باشد (Hastad, 1998: 671) در نظام حقوقی کشورهای اسکاتلند و انگلستان، عدم انجام معاملات رسمی در خصوص املاک موجب بی‌اعتباری معاملات انجام شده خواهد بود^۱، بنابراین در این کشورها اگرچه وجود شرکت‌های بیمه مالکیت در خصوص تضمین معاملات انجام شده مابین طرفین می‌تواند بسیار سودمند تلقی گردد، اما انجام معاملات به صورت رسمی می‌تواند به نوعی خلاء عدم وجود چنین امکاناتی را پر نماید.

۸- استفاده از تکنولوژی در انعقاد معاملات و ثبت اسناد

اخیراً در کشور ایالات متحده و برخی کشورهای توسعه‌یافته اروپایی مانند فرانسه و انگلستان، نوع جدیدی از قراردادهای الکترونیکی به نام قراردادهای هوشمند^۲ طراحی گردیده‌اند که معاملات انجام‌یافته به شکل این قراردادها کاملاً رسمی تلقی گردیده و بدلیل ثبت در بستر بلاک‌چین دیگر نیازی به ثبت مجدد این معاملات جهت صدور سند رسمی نمی‌باشد. قراردادهای هوشمند در هنگام انعقاد در بستر بلاک‌چین^۳ توسط دو مرجع تحت نظارت قرار می‌گیرند که یکی از آنها حکومت (Karen E. C. Levy, 2017:2) و دیگری هوش مصنوعی می‌باشد. هوش مصنوعی دستورالعمل‌های الکترونیکی خود اجرا می‌باشند که به

۱-Land Registrtrion Act 2002(England) Num 6&7&8

۲-Smart Contracts

۳-Block chain

۴- Instruction

صورت پیش‌نویس^۱ در کدهای کامپیوتری ذخیره شده و به کامپیوتر امکان بازخوانی^۲ قرارداد، تقدیم دستور کار^۳ و افزایش هوشمندی^۴ قرارداد را می‌دهد. (Bourque, Fung Ling, Tsui, 2014, 4) بدین صورت که در صورتی که طرفین قرارداد هر امر خلاف قانون مانند شروط مبهم یا باطل در قرارداد گنجانده باشند یا هر کدام مبادرت به انجام معامله در خصوص مایملک دیگران نمایند، کامپیوتر از انعقاد این معامله جلوگیری می‌نماید (Reggie O"Shield, 2017: 179) این قراردادها پس از انعقاد در نوع الکترونیکی به صورت کدهای بهینه‌سازی شده در بلاک چین^۵ ثبت و عرضه شده (J. Fairfield, 2014: 35) و توسط هر فردی بدون امکان تغییر مفاد آن یا دستکاری در قرارداد بدون وجود هر گونه ابهام^۶ در مفاد آن قابل مشاهده هستند (Karen E. C. Levy, 2017, 1) چون بلاک‌چین یک سرب‌گ عمومی می‌باشد و از یک سیستم یکپارچه تبعیت می‌نماید، بدلیل وجود ویژگی خوداجرایی^۷ در قراردادهای هوشمند، مالکیت عوضین معامله پس از انعقاد معامله به طرف دیگر منتقل گردیده و این امر نیز در سیستم اداره ثبت نمایان می‌گردد و ثمره این امر شفافیت معاملات انجام یافته، صدور سند مالکیت الکترونیکی و به رسمیت شناختن مالک ملک توسط دولت، و پیشگیری از وقوع برخی جرایم مانند فروش مال غیر و کلاهبرداری و جعل می‌باشد. همانطور که بیان گردید

۱- Draft

۲- Read

۳- Effectuate the instruction

۴- Smartness

۵- بلاک‌چین، تکنولوژی است که از ارزشهای دیجیتالی بهره‌مند می‌باشد (Reggie O"Shield, 2017, 179) به عبارتی بلاک‌چین نوعی پایگاه داده می‌باشد که میان دو کامپیوتر توزیع شده و هنگامی که قرارداد منعقد می‌گردد، اطلاعات آنها پس از تأیید توسط دستورالعمل پیش‌نویس شده در بلوک‌هایی از کد جمع‌آوری شده و پس از آن تحت زنجیره‌هایی در این سیستم ثبت می‌گردند. مهمترین مزیت چنین فرایندی اطمینان از صحت اطلاعات ثبت شده و امنیت بالا بوده که در هر حال تضمین‌کننده اجرای شروط قراردادی می‌باشد (Karen E. C. Levy, 2017: 2)

۶- Ambiguity

۷- خوداجرایی قراردادهای هوشمند بدین معناست که در این قراردادها سیستم قرارداد را به اجرا می‌گذارد و صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود اعتماد متقابل بین متعاملین، به صورت مستقل، پس از تأیید پرداخت مقدار پولی که به عنوان عوض قرارداد تعیین شده است توسط هوش مصنوعی و طرف مقابل قرارداد، به صورت دیجیتالی مالکیت دارایی یک طرف را به طرف مقابل منتقل می‌نماید (Riikka Koulu, 2016, p55).

این معاملات نیاز به ثبت مجدد نداشته و به نوعی یک جهش در نظام ثبت اسناد به شمار می‌روند. البته پی‌ریزی چنین سیستمی نیازمند زیرساخت‌هایی همچون آشنا کردن افراد با نحوه انعقاد قراردادهای هوشمند و انجام عملیات مقدماتی ثبت املاک نسبت به املاک موجود در محدوده آن کشور و شناسایی مایملک افراد می‌باشد^۱.

نتیجه‌گیری

کشورهای توسعه‌یافته با گسترش فناوری، قوانین و ساختارهای حکومتی خود را در راستای فناوری‌های بوجود آمده تغییر داده و با گذر زمان سعی در توسعه نظامات مختلف خود دارند. با توجه به وجود ارتباط میان توسعه اقتصادی و توسعه نظام ثبت اسناد و املاک نیاز هر چه بیشتر بر توسعه این نظام احساس می‌گردد. مطالعه تطبیقی قوانین و نظامات کشورهای توسعه‌یافته این امکان را به سایر کشورها می‌دهد تا با تطبیق پیشرفت‌های آن نظامات با نظام‌های خود از نقاط مثبت موجود در نظام ثبتی آنان بهره‌مند شده و در جهت توسعه نظام خود استفاده نمایند، چرا که امروزه نیز بسیاری از کشورهای امریکای مرکزی و قاره افریقا با تصویب قوانین جدید در کشورهای توسعه‌یافته، در اسرع وقت نظام ثبتی خود را با آنان تطبیق می‌دهند؛ به عنوان مثال با تصویب قانون ثبت در سال ۲۰۱۲ در کشور اسکاتلند، کشور کنیا در سال ۲۰۱۲ با تصویب قانون ثبت اراضی و املاک و کشور گینه در سال ۲۰۱۴ نیز با تصویب قانون مشابه از جدیدترین پیشرفت‌های نظام ثبتی اسکاتلند و امکانات موجود در قانون جدید این کشور جهت بهبود نظام خود استفاده کرده‌اند. متأسفانه کشور ایران از زمان تصویب قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ تاکنون هیچ‌گونه حرکتی در جهت توسعه نظام ثبتی خود به صورت جدی انجام نداده و فقط با تصویب برخی قوانین پراکنده و ارائه برخی بخشنامه‌های ثبتی بدون وجود زیرساخت‌های همگون سعی

۱- برای انعقاد قراردادهای هوشمند افراد باید دارای امضای دیجیتالی باشند که پیشرفته‌ترین نوع امضای الکترونیکی می‌باشد، و برای برخورداری از مجوز استفاده از این امضا، هویت و دارایی‌های آنها باید توسط قوه حاکمه شناسایی شوند. به عنوان مثال در کشور مجارستان جهت دریافت لایسنس استفاده از این نوع امضا، متقاضی باید درخواستی به طرفیت بازرس ارتباطات در کشور مجارستان (Hungarian Communication Inspector) تقدیم نماید که از طرف قوه حاکمه دارای صلاحیت کافی در خصوص بررسی امضانات مزبور می‌باشد. تقدیم‌کننده درخواست باید دارای شرایط لازم جهت تقدیم درخواست مانند داشتن الزامات مالی و علمی و نداشتن سابقه محکومیت کیفری باشد. پس از انجام تحقیقات کافی و استعلام از مراجع صلاحیت‌دار این لایسنس تقدیم متقاضی می‌گردد (Stephen E. Blythe, 2007, 47)

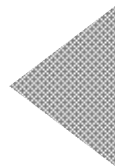
در رفع مشکلات داشته است که به نظر می‌رسد بدلیل عدم وجود شرایط مناسب به این هدف نرسیده است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه رویه حاضر در ایران با گذشت چند دهه از تصویب قانون ثبت به نتیجه نرسیده و اهداف مقرر محقق نشده‌اند، نیاز به تغییر رویه و اصلاح قوانین و استفاده از تجربیات کشورهای توسعه یافته در این زمینه می‌باشد. توسعه نظام ثبت اسناد منوط به توسعه نظام ثبت املاک و انجام عملیات مقدماتی ثبت املاک در نقاط مختلف کشور می‌باشد. پیش‌بینی برخی زیرساخت‌ها همچون تخفیفات در هزینه‌های ثبت املاک و کاهش تشریفات این فرایند می‌تواند به خوبی هدف مقرر شده را محقق سازد. پس از انجام چنین فرایندی، می‌توان با پی‌ریزی نظام ثبت الکترونیکی اسناد و حتی بهره‌مندی از تکنولوژی‌های پیشرفته همچون بستر بلاک چین جهت انجام قراردادهای هوشمند و بی‌نیازی از ثبت اسناد و صدور سند مالکیت کاغذی بود. اگرچه تکنولوژی بلاک چین و قراردادهای هوشمند بدلیل نوبا بودن دارای ایراداتی می‌باشد اما ویژگی‌های منحصر به فرد آن از جمله خود اجرایی در انتقال مالکیت، عدم نیاز به ثبت مجدد معامله، شفافیت معاملاتی و پیشگیری از جرایم مالی می‌تواند بسیار به توسعه نظام حقوقی چه در حوزه ثبت اسناد و املاک و چه در حوزه حقوق قراردادهای کمک نموده و ثمره این امر نیز در توسعه نظام اقتصادی به چشم می‌خورد.

منابع

- بهرامی، داریوش (۱۳۹۱)، **حقوق ثبت املاک در ایران**، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، جلد چهارم، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم.
- دانشوری، حسین؛ چاووشی، محمدصادق (۱۳۹۲)، **جایگاه ارضی مشمول مقررات اصلاحات ارضی در نظام حقوقی ایران**، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، **فورهنگ معین**، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ هفتم.
- میرزایی، علیرضا (۱۳۸۵)، **حقوق ثبت کاربردی**، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ دوم.
- New Digital Land and Property Information Service for Scotland(2014), Report to the Deputy First Minister/ros.gov.uk
- C. Peter, Timmer(1988), *The Agricultural Transformation*, In Hand Book Of Deve, Opment Economies, online edition <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1573447188010113>
- Dale.p and McLaughlin J.(1999), *Land Administration*, oxford university press oxford, 1st Edition

- Dent Bostick C.(1987), Land Title Registration :An English Solution to an American Problem, *Indiana Law Journal*, Volume 63 Issue1 Article 2.
- Edward Hogg James(1918), Registration of Title to Land, *Yale Law Journal*, online Edition digitalcommons.law.yale.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2648&context=yylj
- Electronic Land Register, <https://e-estonia.com/component/electronic-land-register/>
- Gamba, Stephen(2015), *Abrief Guide to Land Registration ACT (Scotland)2012*, onlineEditionrelated:www.legislation.gov.uk/asp/2012/5/contents/enacted
- Hanstad, Tim(1998), Desining Land Registration For Developing Countriesamerican, *University International Review*, Volume 13 Issue 3.
- J. Fairfield,(2014), "Smart Contracts, Bitcoin Bots, and Consumer Protection", *Washington & Lee Law Review*, Volume71, Online Edition.
- Jonathan Rodden ,Susan Rose,(1997), Ackerman, Does Federalism Preserve Markets? 83, *Va.L.Rev.*1569-1570.
- Karen E. C. Levy1(2017), *Book-Smart, Not Street-Smart: Blockchain-Based Smart Contracts and the Social Workings of Law*, Downloaded from www.ssrn.com
- Karen M.Broks(1990), *Land Tenure in Collectivised Agriculture: The Soviet Union, Poland and Hungary, in Agrarian Reform and Grassroot Dev*, online Edition related :<https://pdfs.semanticscholar.org/8997/024e65305b28e06eb8384bbf615e7b1c531f.pdf>
- L.McCormack John(1992), Torrens and Recording: Land Title Assurance in the Computer Age, William *Mitchell Law Review* volume 18 issue 1 Article 4.
- Riikka Koulu(2016), Blockchains and Online Dispute Resolution: Smart Contracts as an Alternative to Enforcement, *Scripted*, Volume 13, Issue1.
- Reggie O'shields(2017), Smart Contracts: Legal Agreements for the Blockchain, *North Carolina Banking Institute*, Vol21.
- Samuel Bourque, Sara Fung Ling Tsui(2014), *A Lawyer 'S Introduction to Smart Contracts*, Downloaded from www.ssrn.com
- Sandberg Heim, E(2009), *Land Conveyancing and Registration – Vision and Risks*, online edition,related:https://www.greengazette.co.za/documents/legal-notice-31173-of-27-jun-2008-vol-516-a_20080627-LNA-31173.pdf
- Stephen E. Blythe,(2007), Hungary's Electronic Signature Act: Enhancing Economic Development with Secure Electronic Commerce Transactions, School of Management, *New York Institute of Technology*, USA
- VOS,JAQUES, (2008), *The Digitalization of Land Registration in the Netherlands:Paving the Road for Cross Border Practicies*, Downloaded from www.heinonline.com
- Whitman D.A. (1999), Digital Recording of real estate conveyances, 32 *J.Marshall L.Rev.*Vol227
- William W.Hallo&William Kelly Simpson ,(1998), *The Ancient Near East*, Harcourt Brace College publishers, 1st Edition

رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی: چالش‌ها و انتقادات



محمدعثمان حسین‌بر^۱

بهروز روستاخیز^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۸/۵ - تاریخ تصویب ۹۶/۱۲/۲۰)

چکیده

ارزیابی مشارکتی روستایی، روشی متمرکز جهت نشان‌دادن ظرفیت‌های محلی جوامع برای حل مسائل موجود و همچنین رویکردی برای به گوش رسانیدن صداهای خاموش اقشاری از جامعه است که به دلایل گوناگون در حاشیه مانده‌اند. این رویکرد در وهله نخست با نقد پروژه‌های توسعه‌گرا که بر مشارکت ابزاری تأکید داشته و ناشی از دیدگاه‌های «علم‌گرا» و رویکردهای از «بالا به پایین» توسعه می‌باشند و سپس با انتقاد از روش‌های کمی و حتی کیفی تحقیق اجتماعی مطرح گردید. پروژه‌های ارزیابی مشارکتی روستایی با چنین رویکردی از دهه ۱۹۹۰ و براساس دیدگاه‌های رابرت چمبرز به‌عنوان بنیانگذار این روش مورد اجرا واقع شده‌اند لیکن از همان ابتدا با انتقاداتی رو به رو بوده که اینک با گذشت حداقل بیش از دو دهه همچنان به عنوان چالش‌هایی اساسی مطرح‌اند. تجربه‌های اجرایی این روش در ایران به مراتب قدمت بسیار کمتری دارد و این در حالی است که تا کنون به صورت مستقل به چالش‌های پیش‌روی آن پرداخته نشده است؛ با توجه به این امر، در این مقاله درصدد خواهیم بود تا به مهمترین این چالش‌ها با تقسیم‌بندی آنها در سطوح مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، سازمانی و آکادمیک

۱- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ زاهدان، ایران، mohb@lihu.usb.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران؛ تهران، ایران (نویسنده مسئول)، b.roustakhiz@ut.ac.ir

اشاره نماییم.

واژگان کلیدی: ارزیابی مشارکتی روستایی، مشارکت، توسعه، نقد روش شناختی.

۱- مقدمه

ارزیابی مشارکتی روستایی^۱ به مجموعه‌ای از روش‌ها و تکنیک‌های تحقیق اشاره داشته که با هدف برانگیختن مشارکت مردم در فرایندهای مختلف اجتماعی- توسعه‌ای و نیز کاربست عقاید، نظریات و دانش بومی آنها در برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه طراحی و اجرا می‌گردد. به بیان رابرت چمبرز^۲ (۱۹۹۶: ۵۷) - به‌عنوان مهم‌ترین ترویج‌گر این رهیافت-، ارزیابی مشارکتی روستایی به‌عنوان یک حوزه در حال رشد از رویکردها و روش‌ها در جهت فعال نمودن مردم محلی به منظور افزایش قدرت تجزیه و تحلیل آنان از زندگی و شرایط موقعیتی و همچنین سهم کردن آنان در برنامه‌ریزی و اجرا تعریف می‌شود. بر این اساس، ارزیابی مشارکتی روستایی می‌تواند توسط مردم محلی شهر یا روستا برای آن‌که وضعیت خود را مورد ارزیابی قرار دهند، مورد استفاده قرار گرفته و همچنین آنها را به تجزیه، تحلیل، اجرا، پایش و ارزیابی برنامه‌ها قادر سازد. این روش همچنین توانمندی زنان، فقراء و محرومین را افزایش داده و در نهایت منجر به این خواهد شد که آنان کنترل بیشتری بر زندگی خود داشته باشند (لورس، ۱۹۹۶: ۵۷).

ارزیابی مشارکتی روستایی را باید واکنشی نسبت به رهیافت‌های موجود در باب توسعه دانست، چنانکه با آشکار شدن کاستی رهیافت‌های بوروکراتیک در تنظیم سازوکارهای توسعه مناسب، توجه به رویکردهایی معطوف شده است که به‌واسطه آنها، بهتر بتوان به نیازهای روستاییان در شرایط محلی پاسخ داد (عابدی سروستانی، ۱۳۹۱). از همین نظر، امروزه به‌طور گسترده‌ای مشارکت را به‌عنوان فلسفه و شیوه توسعه توصیه می‌کنند. ایده اصلی در اینجا این است که برای دستیابی به تمام ابعاد واقعیت مورد نظر، دخالت و مشارکت روستاییان و استفاده از دانش و مهارت‌های بومی آنها در تمام مراحل برنامه‌ریزی، امری ضروری به نظر می‌رسد (ازکیا و

۱- Participatory Rural Appraisal (PRA)

۲- Robert Chambers

همکاران، ۱۳۸۷: ۴). از مهمترین اهداف این رهیافت، ایجاد اعتماد به نفس و باورپذیری به‌ویژه در اقشار حاشیه‌ای جامعه مانند زنان و فقراست که یا هیچ‌گاه صدایشان به گوش نرسیده و یا خواسته‌هایشان به واسطه دیگران بیان شده است؛ چیزهایی که البته باید تردید نمود خواست حقیقی آنان بوده یا خیر. ارزیابی مشارکتی مدعی تحقق عرصه‌ای برای گفت‌وگو عمومی و مشارکت برابر در این گفت‌وگو است، مشارکتی که در نتیجه به توانمندسازی خواهد انجامید و خود زمینه‌ای جهت شکوفایی و بهره‌وری هرچه بیشتر اجتماع مورد مطالعه خواهد شد.

تا اواسط دهه ۱۹۹۰ فعالیت‌هایی با عنوان ارزیابی مشارکتی روستایی در اشکال مختلف آن در بیش از چهل کشور گسترش یافته بود و امروز پس از گذشت حداقل دو دهه، به‌طور فزاینده‌ای توسط آژانس‌های غیردولتی^۱ و همچنین دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های مختلف از جمله انسان‌شناسی، جغرافیا، توسعه روستایی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی آنچنانکه اشاره شد، در نقد رهیافت‌های توسعه‌گرا که اغلب بر روش‌های کمی تحقیق نیز مبتنی بودند، مطرح گردید. با این وجود خود نیز از همان ابتدا انتقاداتی را برانگیخت که همچنان به‌عنوان چالش‌هایی اساسی در برابر آن قرار دارند؛ بعدها به دنبال کاستی‌های روش ارزیابی مشارکتی و البته در امتداد آن، روش‌های مشارکتی دیگری مطرح شد که خود محل مطالعه جداگانه‌ای است. اگرچه طرح این رهیافت در ایران قدمت زیادی نداشته، با این وجود علاقه بسیاری از پژوهشگران و نیز برخی سازمان‌های دولتی و غیردولتی را به خود جلب نموده است. این در حالی است که هنوز پیروان مکاتب کمی و کیفی تحقیق در ایران، بخش اعظمی از جمعیت پژوهشگران علوم اجتماعی را به خود اختصاص داده که البته دلایلی برای عدم پذیرش این رهیافت مطرح می‌نمایند؛ دلایلی که به‌طور کلی در بخشی از این مقاله و تحت عنوان «چالش‌های آکادمیک و روش‌شناختی» مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بدون شک مزایا و معایب هر روشی پس از آنکه مدتی مورد استفاده قرار گرفت، به زودی آشکار خواهند شد. نمی‌توان ارزیابی مشارکتی روستایی را یگانه روشی دانست که از خطا و انتقاد مصون است. امروز پس از دو دهه کاربرد روش مذکور در سطح جهان، چالش‌هایی آن را تهدید نموده که توجه بدان‌ها و تلاش برای رفع و حل‌شان در جهت انجام یک تحقیق کامل‌تر و

پروژه بهتر ضروری است؛ به زعم ما از آنجایی که این روش در ایران هنوز نسبت به بسیاری از نقاط کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، اتفاقاً طرح این چالش‌ها و تفکر برای چاره‌جویی در حل و رفع آنها یک امتیاز محسوب می‌شود، چه در آن صورت پویایی این روش در میدان تحقیق نیز بیشتر شده، در فضای آکادمیک نیز فرصت مباحث چالشی که لازمه پیشرفت علم اجتماعی است فراهم خواهد شد. از این رو، نگارندگان در بخش نخست این مقاله به‌طور مختصر به زمینه‌پیدایی و طرح ارزیابی مشارکتی روستایی و سپس به تفصیل، به انتقادات و چالش‌هایی که پیش روی خود این روش قرار دارد، خواهند پرداخت.

۲- زمینه‌های تکوین رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی

هدف این مقاله بحث در ارتباط با مهم‌ترین چالش‌هایی است که به زعم نگارندگان تهدیدکننده رهیافت ارزیابی مشارکتی است؛ ما معتقدیم این رهیافت با وجود ماهیت انسانی و اخلاق‌گرایانه خود، همچنین می‌تواند از مسیر رهایی‌بخشی که در پیش گرفته، خارج شده و منجر به نتایجی گردد که اساساً با آرمان‌هایش در تضاد است. بر این اساس، پیش از پرداختن به آن چالش‌ها، اشاره‌ای مختصر به این آرمان‌ها که در واقع از خلال انتقادات ارزیابی مشارکتی به سایر رهیافت‌ها قابل شناسایی می‌باشد، ضروری می‌نماید.

۲-۱- ضرورت بازاندیشی در روش‌های مطالعات روستایی

سوآلی اساسی که حتی می‌توان آن را یکی از زمینه‌های اصلی پیدایی این روش نیز دانست مربوط به تغییرات عمیقی است که جوامع روستایی به‌ویژه در دوران اخیر و در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تجربه نموده‌اند. در واقع، پرسش اینکه با وجود چنین تغییراتی در زندگی واقعی روستائیان، چه تغییراتی در حوزه آکادمیک روی داده است؟ آیا این تغییرات در حوزه روش‌های تحقیق نیز مطرح شده است؟ آیا روش‌های جدید معرفی و به صورت کاربردی مطرح می‌شوند؟ (مقصودی، ۱۳۹۲: ۱۶). در حقیقت، نکته مهم در اینجا اینکه پویایی جوامع روستایی و تغییرات صورت گرفته در آن، که البته خود متأثر از عوامل داخلی و نیز عوامل بیرونی است، این جوامع را در وضعیت جدیدی قرار داده که اگر نگوییم روش‌های سابق در مطالعه آن ناکارآمد است، اما ضرورت بازاندیشی در این روش‌ها و ابداع تکنیک‌های جدید

تحقیق و بررسی را ایجاب می‌نماید. ارزیابی مشارکتی روستایی از جمله روش‌هایی است که مدعی این نگاه جدید برای فهم بهتر مسائل روستاها و جوامع محلی است.

۲-۲- نقد پروژه‌های توسعه

یکی از زمینه‌های مطرح شدن روش‌های مشارکتی و به‌ویژه ارزیابی مشارکتی روستایی نقد پروژه‌هایی بود که با اهداف توسعه‌گرایانه در روستاها و حتی محله‌های شهری انجام می‌شد. در واقع، مدل‌های توسعه همواره در برنامه‌هایی تجلی یافته که ناشی از دیدگاه‌های «از بالا به پایین» بوده، به‌نحوی که بین افکار مردم و خواسته‌هایشان و آنچه در اندیشه مسئولان طراحی این برنامه‌ها می‌گذرد شکافی عمیق نهفته است، از همین رو پیشرفت چنین طرح‌هایی با بن‌بست مواجه شده و یا حداقل اینکه به حل مشکلات مردم کمک شایانی ننموده است. رابرت چمبرز (۱۹۹۲: ۶-۳) به‌عنوان بنیانگذار روش ارزیابی مشارکتی روستایی، مدل‌های توسعه این‌چنینی را از چند زاویه مورد نقد قرار می‌دهد که نشانگر وجود سه مشکل اساسی است: چنین توسعه‌ای ۱. از آنجایی که ناهمخوان با نیازها و امکانات بسیاری از جوامع روستایی بوده «توسعه‌ای نامناسب» است، ۲. چنین مدل‌هایی نشان‌گر «درک ضعیف از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی» جوامع روستایی است و ۳. در چنین برنامه‌هایی براستی شاهد «فقدان مشارکت» مردم بومی هستیم، زیرا اولویت‌هایی را مدنظر دارند که کارشناسان با اهمیت تشخیص داده‌اند.

با توجه به مسائل فوق، برای دستیابی به تمام ابعاد واقعیت مورد نظر، دخالت و مشارکت روستائیان و استفاده از دانش و مهارت‌های بومی آن‌ها در تمام مراحل برنامه‌ریزی، امری ضروری به نظر می‌رسد. اما باید توجه داشت که صرف اعلام مشارکت مردم کافی نیست، بلکه باید برای رواج این ایده کوشید و این امر مستلزم هزینه در زمان، منابع و ثبات قدم است. با این تفاسیر، مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای با گروه هدف طی دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی چالشی بود که مسیری جدید در خلق و آفرینش روش‌های مناسب و سازگار با اجرای توسعه مشارکتی پیش‌روی کارشناسان و کارگزاران توسعه‌گشود (از کیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). به‌طور کلی می‌توان گفت، روش ارزیابی مشارکتی روستایی در پاسخ به کاستی‌ها و انتقاداتی که بر نگرش سنتی توسعه وارد شده بود، در حوزه توسعه پدیدار شد و گسترش یافت.

۲-۳- ضرورت بازاندیشی در مفهوم مشارکت

یکی از مهمترین انتقادات روش ارزیابی مشارکتی روستایی به پروژهای توسعه، تعریفی است که آنها از مفهوم مشارکت مدنظر دارند. در مطالعات و تحقیقات توسعه‌ای، مشارکت با دو رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد: یکی «مشارکت ابزاری» است؛ مشارکت به‌عنوان روش دستیابی به اهداف خاص. مشارکت برای موفقیت مدیریت پروژه در تحقق اهداف پروژه یکی از نمونه‌های مشارکت ابزاری تلقی می‌شود. در اینجا، مشارکت به عنوان ابزاری برای موفقیت پروژه استفاده می‌شود. رویکرد دیگر، نوعی «مشارکت انتقالی» را مدنظر دارد، که در آن، خود مشارکت به عنوان هدف، مورد توجه قرار می‌گیرد و میزان و تحقق آن، هدف اصلی است (میکلسن، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

در حقیقت بسیاری از برنامه‌های توسعه، پس از برنامه‌ریزی یک طرح و به هنگام اجرای آن با هدف جذب مشارکت مردم در تسهیل این امر، به سراغ اعضای جوامع محلی رفته و بعضاً آنها را مجبور به همکاری می‌نمایند. در اینجا مفهوم «مشارکت» از محتوی تهی شده و به مفهوم «اطاعت فعال» از برنامه‌ای از پیش طراحی شده و تصمیم گرفته شده، تغییر ماهیت داده است (مقصودی، ۱۳۹۲: ۲۵). چنین عملی مصداق بارز «مشارکت ابزاری» است که نه تنها در نهایت منجر به موفقیت پروژه‌های توسعه نمی‌شود، بلکه گاه آسیب‌های جبران ناپذیری نیز برجای خواهد گذاشت. با توجه به این مسئله، رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی با هدف ابهام‌زدایی از مفهوم مشارکت، الگویی را مطرح نمود که طی آن می‌گفت، مشارکت در نوعی از توسعه نهفته است که نه تنها برای مردم بلکه با مردم انجام می‌شود. در این صورت مردم خود مجری تمام مراحل پروژه از تصمیم‌گیری تا اجرا شده، نقش کارشناسان بیرونی تنها به تسهیلگران این امر عدول می‌کند. با این نگاه، قبل از آنکه خود پروژه توسعه هدف باشد، مهم ایجاد باور در بین مردم نسبت به توانایی‌هایشان است و بی‌راه نیست اگر بگوئیم تلاش برای توانمندسازی اعضای جوامع محلی آرمان اصلی این روش می‌باشد.

۲-۴- نقد روش‌های تحقیق کمی و کیفی

پس از طرح مبانی معرفت‌شناختی روش ارزیابی مشارکتی روستایی و در بحثی روش‌شناختی، این روش را باید همچنین نقدی بر کاستی‌های روش‌های تحقیق پیشین یعنی روش‌های کمی و

کیفی دانست. ویژگی مشترک دو روش فوق در این نکته نهفته است که در هر دو مورد در این روش‌ها کوشش در جهت فعال نمودن محققین می‌باشد. اندیشمندان روش‌های مشارکتی به این ترتیب محور اصلی انتقاد خود را نسبت به روش‌های کلاسیک بر وارونه بودن رابطه محقق و اطلاع‌رسان، یعنی فعال بودن یکی و منفعل بودن دیگری قرار داده‌اند. آنان خواهان تغییر این معادله می‌باشند و این گونه استدلال می‌کنند: تمامی اطلاعات در ذهن اطلاع‌رسان‌هاست، نه در ذهن محقق. بنابراین ما باید با ابداع شیوه‌های مبتکرانه اطلاع‌رسان‌ها را از حالت انفعالی بیرون بیاوریم، به طوری که در کل فرایند تحقیق، حضوری فعال داشته باشند و مشارکت نمایند (مقصودی، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۰). با توجه به این موارد، روش ارزیابی مشارکتی خود را در جایگاهی می‌بیند که می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. با این همه، آیا موارد انتقادی که ارزیابی مشارکتی روستایی به سایر روش‌های تحقیق نسبت می‌دهد به خود آن وارد نیست؟ این موضوعی است که در بخش دوم این مقاله، درصدد یافتن پاسخ‌هایی برای آن هستیم.

۳- چالش‌های پیش‌روی رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی

پس از یادآوری مختصر زمینه تکوین و پیدایی رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی اینک به بحث درباره مهم‌ترین چالش‌ها و نگرانی‌هایی می‌پردازیم که این رویکرد را تهدید می‌نماید. چالش‌های مورد بحث در چهار سطح شناسایی و تنظیم شده‌اند که در ادامه می‌آید: ۱. فرهنگی و اجتماعی، ۲. سیاسی، ۳. سازمانی، و ۴. آکادمیک و روش‌شناختی.

۳-۱- چالش‌های فرهنگی و اجتماعی

نخستین چالشی که در این‌جا باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوت‌های فرهنگی تسهیلمان بیرونی با اعضای اجتماع محلی است. بسیاری از تسهیلمان تحصیل کرده و جوان ارزیابی مشارکتی روستایی ضمن پیش‌داوری براساس تجربیات شخصی و دانش خود، تجربه، زبان و ارزش‌های کاملاً متفاوتی با اعضای جامعه‌ای که در آن مشغول به کار هستند دارند. بر این موانع زبانی نمی‌توان غلبه نمود، مگر اینکه زبان‌های محلی یاد گرفته شوند. به طور مشابه، در ارتباط با تفاوت‌های فرهنگی، از این امر باید فراتر رفت و هر تسهیلمگر باید درک و احترام به این تفاوت‌ها را بیاموزد. اما سؤال اساسی اینجاست که آیا محقق می‌تواند با توجه به بازدیدهای کم و کوتاه

مدت خود چنین درک و تسلط زبانی‌ای بدست آورد؟ اگر نه، آیا ممکن نیست به پاسخ‌های نادرست دست یابد؟ پیروان این رهیافت حل چالش فوق را در گرو مهم‌ترین اصل آن یعنی «تغییر رفتار و نگرش» می‌دانند اما این در حالی است که طول کارگاه‌های آموزشی این روش بسیار کوتاه است: چند روز یا حداکثر چند هفته. علاوه بر این، آموزش‌های پی‌آر‌ای بیشتر بر روش‌ها تا نگرش‌ها و نحوه تغییر آنها متمرکز بوده است و شاید دلیل این امر این بوده که این کار آسان‌تر و غیرتهدیدکننده‌تر می‌باشد (لورس، ۱۹۹۶: ۵۹-۵۸).

چالش دیگری که در اینجا توجه بدان ضروری است به وضعیت اجتماعی و فرهنگی خود جامعه مورد بررسی مربوط می‌شود. پیش‌فرضی که در اینجا مطرح است اینکه ارزیابی مشارکتی روستایی می‌تواند کیفیت و کمیت مشارکت در امر توسعه را بهبود بخشد. اما آیا در عمل چنین است؟ به نظر می‌رسد در جامعه مسائلی مطرح باشد که این امر را به طور کامل محقق نکند. از جمله وجود فرهنگ سلسله‌مراتبی در جامعه، نابرابری جنسیتی در آن، نابرابری قدرت، نابرابری گروه‌های اجتماعی و... مسأله‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد در واقع به یکی از اصول اساسی این روش باز می‌گردد. چنانکه می‌دانیم توجه به اقشار منزوی یکی از اصول اخلاقی روش ارزیابی مشارکتی روستایی است (مقصودی، ۱۳۹۲: ۲۲). مسأله اساسی در اینجا به این نکته ارجاع دارد که برقراری ارتباط و جلب همکاری و مشارکت این اقشار در حاشیه‌نگه داشته شده اجتماع با موانع بسیاری روبه‌روست. افرادی که جامعه و به تبع آن سایر اقشار اجتماعی را تحت تسلط خویش دارند آیا به تسهیل‌گران ارزیابی مشارکتی روستایی اجازه خواهند داد که بدون هیچ مشکلی به سراغ دیگران بروند؟ اصلاً آیا خود آن اقشار در حاشیه مانده، تمایلی به همکاری با آنان دارند؟ برای حل این چالش چه مقدار باید هزینه کرد؟

در حقیقت مهم‌ترین مسیری که به تحقق اهداف یک پروژه ارزیابی مشارکتی ختم می‌شود، «مشارکت» واقعی اعضای اجتماع محلی در پروژه است؛ اما گاه این افراد به هیچ‌رو حاضر به مشارکت نیستند و این از اولین چالش‌های پیش‌روی این روش است؛ برخی از دلایل اینکه چرا بومیان محلی حاضر به مشارکت و همکاری در پروژه نیستند و یا در صورت مشارکت پاسخ‌های صحیح و کامل ارائه نمی‌دهند را می‌توان مواردی دانست که برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: (۱) از انواع گرفتاری‌های سیاسی هراسان‌اند؛ (۲) قادر به ساختن پاسخ‌های مصلحتی در کوتاه‌ترین زمان‌اند؛ (۳) از پرداخت مالیات هراسان‌اند؛ (۴) قادر به ارائه پاسخ‌های مناسبی‌اند که

بیرونی‌ها را خشنود می‌کند، زیرا به نظر می‌رسد نباید به دنبال پاسخ‌های بسیار پیچیده باشند؛ (۵) مصلحان روستایی زمانی می‌توانند به دریافت پاسخ‌های صحیح امیدوار باشند که مردم را در پروژه‌های مورد انتظارشان ذی‌نفع کنند؛ (۶) وجود نوعی ترس یا احساس کسر شأن در نزد مردم محلی از ابراز ندانستن پاسخ یا بیان این که درک درستی از پرسش ندارند، آن‌ها را در دادن پاسخ‌های قلبی مجاب می‌کند (از کیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲-۴۱).

اگرچه تکنیک‌های ارتباطی پیش‌بینی شده در این روش برای اطمینان خاطر دادن به مردم محلی و ایجاد صمیمت بین آنها و کارشناسان می‌تواند راه فائق آمدن نسبی بر این چالش باشد، اما نباید فراموش کرد که این راه، مسیری بسیار هزینه‌بر می‌باشد، چه مهم‌ترین هزینه برقراری یک ارتباط صمیمانه با مردم محلی صرف وقت زیاد است که البته هیچ پروژه‌ای به اندازه یک عمر به کارگزاران خود وقت نخواهد داد.

۳-۲- چالش‌های سیاسی

آنچنانکه در صفحات پیشین مورد بحث قرار گرفت، حمله پیروان ارزیابی مشارکتی روستایی به گفت‌وگو توسعه در ارتباط با خود عمل «مشارکت» آن بود که این عمل کاملاً یک عمل ابزاری در راستای تحقق اهدافی است که کارگزاران توسعه بدان می‌اندیشند؛ آنان همچنین به این نوع از مشارکت به عنوان شکلی از کنترل سیاسی حمله کرده‌اند. به بیان ویلیامز (۲۰۰۴) و فرگوسن (۱۹۹۴) در این رهیافت جدید از توسعه مشارکتی نوعی سکوت نسبت به مسائل سیاسی وجود دارد و ظاهراً در اینجا مشارکت نشان‌دهنده یک وجه کاملاً غیرسیاسی و حتی ضدسیاسی است. اما آیا به راستی ارزیابی مشارکتی روستایی و این گفت‌وگو از مشارکت لزوماً نشان‌دهنده غیر سیاسی بودن توسعه است؟ گلین ویلیامز^۱ (۲۰۰۴) در مقاله «ارزیابی توسعه مشارکتی: استبداد، قدرت و باز سیاسی شدن» علاوه بر بیان این نکته که مشارکت در معنای جدید نیز می‌تواند شکلی از انقیاد باشد، به بیان این ایده می‌پردازد که توانمندسازی را باید به‌عنوان یک روند جاری در برخورد و مبارزات سیاسی در یک مقیاس فضایی دید.

ارزیابی مشارکتی روستایی اگرچه در ابتدا مورد علاقه سازمان‌های مردم‌نهاد و غیر دولتی قرار

گرفت، اما بزودی و در همان سال‌های دهه ۹۰ و تا به امروز به بخشی از اهداف رسمی دولت‌ها و آژانس‌های بین‌المللی توسعه تبدیل شد. مجید رهنما (۱۹۹۷: ۱۶۷) نیز هنگامی که در ارتباط با «رونق یافتن ارزیابی مشارکتی روستایی» می‌نویسد این نکته را تأیید می‌کند که دولت‌ها و آژانس‌های توسعه اخیراً به‌طور بی‌سابقه‌ای به مفهوم مشارکت علاقمند شده‌اند. هنگامی که در این نکته دقیق‌تر می‌شویم در واقع مشاهده می‌کنیم که مشارکت در حال حاضر به لحاظ سیاسی «رام» شده و در خدمت کارکردهای مهم اقتصادی، نهادی و قانونی در خود چشم‌انداز جریان اصلی توسعه قرار گرفته است (ویلیامز، ۲۰۰۴: ۵۵۸).

رہیافت ارزیابی مشارکتی روستایی در آغاز نسبت به سیاسی شدن مفهوم مشارکت هشدار می‌داد، اما امروز قابل اثبات است که این عمل در این رویکرد نیز می‌تواند بسیار سیاسی‌تر و بحران‌انگیزتر از پیش باشد (کوک و کوثری، ۲۰۰۱). در حقیقت ما قصد طرح این نکته را داریم که اگرچه ارزیابی مشارکتی روستایی به لحاظ اهداف آرمانی قصد فراهم نمودن فرصت‌هایی برای بیان صداهای خاموش جامعه را دارد، با این وجود استعداد و پتانسیل اینکه به شکلی از «انقیاد» تبدیل شود را نیز داراست و این برای آن چالشی اساسی محسوب می‌شود.

می‌توان در ارتباط با وجه سیاسی ارزیابی مشارکتی روستایی چند ادعا را مطرح نمود: نخست اینکه آن تأکیدی بر اصلاح شخصی و تشویقی برای مبارزات سیاسی در یک مقیاس فضایی است و فراهم‌آورنده زمینه جنبشی برای به چالش کشیدن قدرت‌های محلی در جامعه. به عبارت دیگر، این روش یک جنبش سیاسی با ادعای آزادی جمعیت به حاشیه رانده شده است و از آن جایی که این جمعیت غالباً زنان می‌باشند، آشکارا یک وجه فمینیستی به خود می‌گیرد، و در نهایت می‌توان آن را پروژه‌ای برای بازساختن جوامع محلی و در راستای پروژه نوسازی دید.

بحث رابرت چمبرز به عنوان بنیانگذار این روش از آغاز و از همان جا که او مسئله اصلاح شخصی و توانمندسازی را مطرح می‌نماید، یک وجه کاملاً سیاسی به خود می‌گیرد. وی صاحبان اصلی دانش را خود مردم و به‌ویژه فقراء جامعه می‌داند که باید به دنبال تغییر رفتار و نگرششان به قدرت واقعی‌شان پی ببرند. بر این اساس او خروجی نهایی ارزیابی مشارکتی روستایی را افزایش دانش و مهارت مردم و توانایی پیگیری مطالبات‌شان می‌داند (چمبرز، ۱۹۹۶). برای چمبرز و همکارانش مشارکت در توسعه در نهایت باید منجر به «توانمندی» گردد و این به نوبه خود به معنی تغییر در روابط قدرت است. او اگرچه در نخستین آثار خود سوگیری‌های مختلف

پروژه‌های توسعه را که در آن فقراء و اقشار در حاشیه مانده جامعه نادیده گرفته می‌شوند را مورد نقد قرار می‌دهد (چمبرز، ۱۹۸۳)، اما در بیشتر کارهای اخیر خود به طور مستقیم کل روابط قدرت را به چالش می‌کشد (چمبرز، ۱۹۹۷)؛ گویی توانمندسازی باید منجر به از بین بردن هرگونه سلسله‌مراتبی گردد.

هنکل و استیرات^۱ (۲۰۰۱) دیدگاه‌های آرمان‌گرایانه چمبرز و استعاره تغییرات اجتماعی که ریشه کار او را تشکیل می‌دهد، بسیار مشابه گفتمان مسیحی رستگاری دانسته‌اند. گویی از طریق ارزیابی مشارکتی روستایی «الهامی» ایجاد می‌شود که به موجب آن جوامع به کشف دانش حقیقی خود نائل می‌آیند و با پی بردن به قدرت واقعی خود روابط سلسله‌مراتبی آن را فرومی‌پاشند. چنین دیدگاهی را باید آشکارا حمله‌ای به ساختارهای هنجاری و ارزشی جامعه قلمداد کرد. گاه ساختارهای اجتماعی به گونه‌ای است که شکلی از سلسله‌مراتب اجتماعی را ایجاد می‌نماید؛ همواره در هر جامعه‌ای سرآمدانی وجود دارند که به پشتوانه همان ساختارهای اجتماعاً پذیرفته شده عمل می‌کنند. این هنجارها از دیدگاه ما لزوماً قابل پذیرش نیست اما در اینجا آنچه مهم است دیدگاه خود مردم آن جامعه است. به عنوان مثال، ارزش‌های جامعه «زن بودن» و «مرد بودن» را تعریف می‌کند؛ این تعریف اگرچه همواره به نفع مردان بوده، اما در عین حال مورد پذیرش زنان واقع شده است. ارزیابی مشارکتی روستایی با داعیه فعال نمودن اقشار حاشیه‌ای اجتماع که غالباً زنان هستند، می‌تواند در راستای بازساختاربنندی ارزش‌های جامعه و به چالش کشیدن هنجارهای فعلی آن عمل کرده و به مجموعه‌ای از آشفته‌گی‌های عملکردی دامن بزند.

پژوهش‌های ارزیابی مشارکتی روستایی در میدان تحقیق، تأکید ویژه‌ای بر فعال شدن اقشار منزوی جامعه و بویژه زنان در انجام پروژه دارند؛ به عنوان مثال منیژه مقصودی و عباس رحیمی (۱۳۸۷: ۹۶) در پروژه‌ای که به وسیله این روش در منطقه «اوان» انجام داده‌اند تصریح می‌کنند که: «چنین به نظر می‌رسد که اصولاً عده‌ای در فرایند تحقیق غایب هستند. بنابراین، باید توجه به زنان و آن دسته از «اطلاع‌رسان»های کاملاً منفعل و مشارکت دادن آنها در تمامی فرایند تحقیق، از ابتدا تا انتها، از تهیه طرح تحقیق تا تحلیل اطلاعات مدنظر قرار گیرد». اما این مهم

همواره تحقق نمی‌یابد؛ آنچنانکه قبلاً نیز اشاره نمودیم مسئله اساسی در اینجا به این نکته ارجاع دارد که برقراری ارتباط و جلب همکاری و مشارکت این اقشار در حاشیه نگه‌داشته شده اجتماع با موانع بسیاری روبه‌روست.

آنچنانکه اشاره شد، رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی را همچنین می‌توان پروژه‌ای برای بازساختن جوامع محلی و در راستای پروژه نوسازی دانست. آرمان رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی نوعی توسعه درون‌زا و برخاسته از درون خود جوامع محلی است، اما آیا به راستی در عمل اینگونه بوده است؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤال، طرح این مسئله ضروری به نظر می‌رسد که پروژه‌های اجرایی و آموزشی ارزیابی مشارکتی روستایی بیشتر به کجا معطوف بوده است؟ چنانکه مشاهده می‌کنیم بیشتر این برنامه‌ها بر آنجایی تمرکز داشته است که معمولاً بدان نام «جنوب» می‌دهند؛ جنوب اساساً تداعی‌کننده جوامع عقب‌مانده و توسعه‌نیافته است. نوسازی در معنای خاص مد نظر ما، معطوف است به جوامع عقب‌مانده یا توسعه‌نیافته و توضیح تلاش‌های آنها برای رسیدن به توسعه یافته‌ترین کشورهایی که با آنها در یک دوره تاریخی واحد در جامعه جهانی همزیستی دارند (تومپکا، ۱۳۸۲: ۱۲). به عبارت دیگر چنین جوامعی باید خود را به سطح استانداردهایی برسانند که جوامع پیشرفته از آن برخوردارند، از این جمله‌اند استانداردهای سیاسی که به عنوان مثال در آنها آزادی فردی، دموکراسی و ... به رسمیت شناخته شده‌اند. اکنون به ایده‌ای باز می‌گردیم که رابرت چمبرز از آن دفاع می‌نماید: «در این الگوی در حال تحول از توسعه، یک چرخش اساسی وجود دارد ... که در آن عدم تمرکز، دموکراسی، تنوع و پویایی وجود دارد. واقعیت‌های متعدد محلی و فردی به رسمیت شناخته شده، افزایش یافته و مورد تجلیل قرار گرفته است» (چمبرز، ۱۹۹۷: ۱۸۸). چنین مواردی کاملاً نشانگر ارزش‌های یک جامعه غربی و در سطح ایده‌آل آن امریکاست، لذا گویی رسالت ارزیابی مشارکتی روستایی افزایش جامعه به سطحی از توسعه است که در آن یک دموکراسی امریکایی حاکم باشد.

ارزیابی مشارکتی روستایی و ایده‌های رابرت چمبرز به عنوان بنیانگذار آن اگرچه به لحاظ آرمانی چنین هدفی نداشته، با این وجود مستعد بهره‌گیری از سوی کسانی است که با آن اندیشه‌ها بسیار فاصله دارند. آنچنانکه اشاره نمودیم امروزه مشارکت از مفهوم اولیه خود که بیشتر توسط سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی مطرح می‌شد به بخشی از پروژه بزرگتر سیاست‌ها و برنامه‌های بین‌المللی توسعه، سازمان‌ها و حتی دولت‌های جنوبی تبدیل شده است (ویلیامز، ۲۰۰۴:

۵۶۳). در ادامه به این موضوع که دولت‌ها، سازمان‌ها و کارفرمایان پروژه‌های توسعه‌ای که با این روش اجرا می‌شود چگونه آن را از مسیر اهداف اولیه‌اش دور می‌سازند، بیشتر خواهیم پرداخت.

۳-۳- چالش‌های سازمانی

باید پذیرفت که بسیاری از پروژه‌های مبتنی بر ارزیابی مشارکتی روستایی به سفارش سازمان‌ها و نهادهای مختلف برنامه‌ریزی می‌شود و از این جهت نمی‌تواند مغایر با اهداف سازمانی آن نهاد خاص باشد. در همین ارتباط، این نکته قابل طرح است که آژانس‌های توسعه معمولاً با انتظارات خود از روش‌های پی.آر.ای وارد صحنه اجرای برنامه‌های توسعه می‌شوند، در حالی که مشارکت‌کنندگان پی.آر.ای ناگزیر هستند اطلاعاتی را که بر طبق شرایط عمومی و خاص مناسب می‌دانند در اختیار این نهادها قرار دهند. همین امر موجب تعارضاتی میان سرمایه‌گذاران و بهره‌برداران پروژه‌های توسعه می‌شود که از ساده‌ترین نتایج آن تأخیر در اجرای برنامه‌ها و بهره‌برداری از آنهاست (میکلسن، ۱۳۸۷: ۴۱۰).

گذشته از اهداف متفاوت طرفین پروژه‌های مبتنی بر این روش، یکی دیگر از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی پی.آر.ای در این سطح، فرهنگ سازمانی سلسله‌مراتبی است که هنوز هم در بسیاری از سازمان‌های دولتی و غیردولتی فراگیر است (چمبرز، ۱۹۹۴ ب؛ لورس، ۱۹۹۵). به عنوان مثال، بسیاری از پروژه‌های ارزیابی مشارکتی روستایی حداقل برای تأمین بودجه‌شان به مقامات بالاتر اداری و سیاسی وابسته‌اند و از این جهت باید در چارچوبی پاسخگویانه عمل کنند. در اینجا نکته این است که همواره ارائه‌دهندگان خدمات یا کارفرمایان بوده‌اند که نیازها، برنامه‌ها و روش کار را تعیین می‌کرده‌اند؛ در واقع آنها هستند که قدرت تعیین‌کنندگی دارند.

بسیاری از پروژه‌ها همچنین باید در یک چارچوب زمانی مشخص فعالیت کنند؛ کارگزاران پروژه نیز باید به صورت مداوم به مقامات بالاتر گزارش فعالیت‌هایشان را ارائه دهند؛ گویی پروژه‌های مزبور حتماً باید دارای «خروجی» باشند. به عبارت دیگر، برخی پروژه‌های توسعه برای خود اهدافی تنظیم می‌کنند که در نهایت باید خروجی کارشان باشد، پس باید به هر حال، پایان پروژه به آن اهداف ختم شود. گاه این هدف تنها بازتولید مشروعیت یک سازمان است، چنانکه به عنوان مثال بسیاری از سازمان‌های دولتی باید در قالب آمارهایی فعالیت‌های سالانه یا چند ماهه خود را به مقامات بالاتر گزارش دهند و بدین ترتیب مشروعیت خود را به عنوان یک سازمان کارا و فعال در بدنه دولت تولید و بازتولید کنند. چالش اساسی در این سطح به این مسئله

بازمی‌گردد که هدف اساسی رویکرد ارزیابی مشارکتی روستایی یعنی توانمندسازی و حل مسائل مردم به دست خود مردم، تحت‌الشعاع اهداف سازمانی قرار گرفته و در نهایت به فراموشی کامل سپرده می‌شود. در حقیقت اگرچه به لحاظ آرمانی تسهیل‌گر باید پاسخگوی جامعه باشد، در عمل پاسخگو به پروژه و سازمان مورد نظر خود خواهد بود.

بسیاری از منتقدان این رهیافت علاوه بر آنکه معتقدند در حال حاضر این روش تنها به وسیله‌ای برای دست‌اندرکاران آن جهت جذب بودجه‌های بیشتر تبدیل شده (کرنوال و پرات، ۲۰۱۱)، نگران آن چیزی هستند که آن را نوعی واگذاری مسئولیت شکست به خود مردم معرفی می‌کنند. چنانکه هنکل و استیرات (۲۰۰۱: ۱۸۳) مطرح می‌کنند یکی از جاذبه‌های این رویکرد برای جریان توسعه در این نهفته است که مسئولیت عواقب ناشی از این پروژه‌ها به جای سازمان‌ها و کارگزاران توسعه بر دوش خود افراد شرکت‌کننده گذاشته می‌شود؛ در واقع آژانس‌های توسعه با انکار اینکه خود آغازگر این روند بوده‌اند، خود را تنها به‌عنوان «تسهیلگر» معرفی می‌کنند.

کار و بکهوس^۱ (۱۹۹۴) چالش‌های سازمانی پیش روی ارزیابی مشارکتی روستایی را از بُعد دیگری مد نظر قرار داده‌اند؛ به اعتقاد آنان این چالش‌ها بویژه در مورد سازمان‌های دولتی قابل طرح‌اند. معیارهای استخدام کارکنان، بر اساس سن، مدارک تحصیلی و تجربه، توجه به ویژگی‌های رفتاری و نگرشی داوطلبان را تحت‌الشعاع قرار داده است. مقیاس‌های پائین حقوق و دستمزد نیز دشواری دیگری در جذب بهترین داوطلب است. آموزش تعداد کارکنان شاغل در سازمان‌های بزرگ نیز با توجه به تعداد محدود مربیان خوب این روش نیز چالش مهم دیگری است که باید بدان توجه نمود.

رابرت لورس^۲ (۱۹۹۵) نیز در بحث از چالش‌های سازمانی این روش به این نکته اشاره می‌نماید که سطوح مختلف شناخت، بین کادر فنی و غیرفنی و بین سطوح مختلف کارکنان نشان‌دهنده چالش دیگری در این سطح است. به اعتقاد او عدم تمایل کارکنان در به اشتراک‌گذاری تجربه-هاشان با یکدیگر مشکل را دو چندان می‌کند. در ادامه نشان خواهیم داد که این مسائل چگونه برای بسیاری از محققان آکادمیک و دانشگاهی دستاویزی جهت به زیر سؤال بردن این روش به

۱- Kar and Backhaus

۲- Robert Leurs

عنوان یک روش ناکارآمد جهت انجام تحقیقات اجتماعی شده است.

۳-۴- چالش‌های آکادمیک و روش‌شناختی

آنچنانکه در صفحات ابتدایی اشاره گردید، ارزیابی مشارکتی روستایی فعالیت‌های عملی و نظری خود را با نقد روش‌های کمی و حتی کیفی تحقیق آغاز نمود؛ با این وجود پیروان این پارادایم‌ها دلایل خود را برای رد و نپذیرفتن این رویکرد تازه مطرح شده ارائه می‌نمایند.

تصاویری که از ارزیابی مشارکتی روستایی ارائه می‌شود اغلب افرادی را نشان می‌دهد که در حال بازی کردن با لوییا و یا کشیدن نقاشی هستند، چنین مواردی بیش از هر چیز دیگری توسط منتقدان این روش و برای بی‌اعتبار کردن آن مورد استفاده قرار گرفته است؛ به اعتقاد بسیاری از ایشان، چنین تصاویری نه تنها کلاس حرفه‌ای دانشگاهیان را تضعیف می‌کند، بلکه ممکن است چالشی مشابه در میدان تحقیق ایجاد کند. به راستی آیا تکنیک‌های ساده و گاه کودکانه این روش، نوعی بی‌احترامی به اعضای برخی فرهنگ‌ها و بویژه مراتبی خاص (مثلاً ریش‌سفیدان و معتمدان) تلقی نخواهد شد و در آنان نوعی واکنش تدافعی مبنی بر عدم همکاری را بر نخواهد انگیزخت؟

چالش‌هایی که در این سطح مطرح است تنها در مسأله فوق خلاصه نمی‌شود؛ گویی در این رویکرد ابزار به هدف اساسی تبدیل شده و بین آنچه ادعا می‌شود و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فاصله زیادی حاکم است. به بیانی، در این روش «هیچ چیزی در مورد نگرش وجود ندارد و همه چیز ابزار است ... یک ابزار دیگر برای اضافه کردن به زرادخانه روش پژوهش‌های معمولی» (کرنوال و پرات، ۲۰۱۱) این نقد در واقع به تعریف ارزیابی مشارکتی روستایی به‌عنوان مجموعه‌ای از تکنیک‌ها ارجاع دارد که در نهایت به هیچ یافته مهمی ختم نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، در این روش تمام سعی تسهیلگران برای کاربری تکنیک‌های بیشتر است و کمتر به آن اصل اساسی که پرداختن به نگرش‌هاست، توجه می‌شود.

کرنوال و پرات^۱ (۲۰۱۱) در مقاله «استفاده و سوء استفاده از ارزیابی مشارکتی روستایی» به بیان تفصیلی دیدگاه‌های منتقدان ارزیابی مشارکتی روستایی در این سطح پرداخته‌اند. منتقدان این

روش با اشاره به این اصل ارزیابی مشارکتی روستایی که «بهترین قضاوت، قضاوت خود مردم است» آن را نوعی تشویق عدم دقت دانسته و طرفداران این روش را به دلیل عدم ارائه تجزیه و تحلیل‌های دقیق جهت آنکه مبنایی برای سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد، سرزنش می‌کنند. به اعتقاد این دسته از منتقدان، در این روش، گاه مردم دچار نوعی سردرگمی می‌شوند و نمی‌دانند چه بگویند یا چه نکنند. این روش در مواردی بسیار سریع است که در نهایت منجر به تحلیل‌های شتابزده خواهد شد و گاه آنچنان کند و زمان‌بر که در زندگی و معیشت مردم اختلال ایجاد کرده و در نهایت رغبت آنان به مشارکت را کم‌تر می‌کند. تسهیلگران ارزیابی مشارکتی روستایی از سوی دیگر مدعی آن چیزی هستند که «توانمندی» اعضای جامعه محلی می‌نمایند، اما باید از آنها پرسید این توانمندی در چه حوزه‌ای صورت گرفته است؛ عده‌ای از منتقدان بر این باورند که اگرچه این روش به مردم میزانی از اعتماد به نفس برای مشارکت در جلسات و بیان دیدگاه-هایشان را داده است اما این به معنای «توانمندی» آنها در زندگی واقعی‌شان نیست.

به اعتقاد بسیاری از منتقدان آکادمیک این روش، آن از محتوا تهی و فقط دچار یک صورت-گرایی یا فرمالیسم ساده شده است. رابرت چمبرز (۱۹۹۴ الف) به این انتقادات بی‌تفاوت نبوده و خود او نیز در مقاله «ارزیابی مشارکتی روستایی: چالش‌ها، پتانسیل‌ها و پارادایم» بدان‌ها اشاره نموده است؛ او پس از هشدار نسبت به آنچه منتقدان «تبدیل این روش به مُد رایج» می‌خوانند به ارائه یک صورت‌بندی از چالش‌های پیش‌روی آن می‌پردازد. علاوه بر مسأله فوق، او «عجله» را دومین خطری می‌داند که کیفیت این روش را تهدید می‌کند؛ در واقع بسیاری از مبلغان ارزیابی مشارکتی روستایی آن را در برابر روش‌های کمی مانند پرسشنامه در مقیاس بزرگ و روش‌های کیفی نظیر مردم‌نگاری، روشی «سریع» می‌دانند، اما آیا این سرعت به عدم توجه و دقت کافی در انجام پروژه منجر نخواهد شد؟ جان پاتیر^۱ (۱۹۹۲) در نقدی که در این زمینه ارائه می‌دهد به-عنوان مثال در ارتباط با عجله در انجام مصاحبه با کشاورزهای شمال زامبیا هشدار می‌دهد و آن را به‌عنوان نوعی خطا مطرح می‌کند. وان استیجن^۲ (۱۹۹۱) نیز در گزارشی که درباره «اجرای ارزیابی سریع روستایی در فیلیپین» نوشته است، به طور مشابه به کیفیت پایین انجام این روش به

۱- Johan Pottier

۲- Van Steijn

شیوه کاملاً گسترده اشاره می‌کند؛ در واقع، به زعم این دسته از منتقدان، «سریع» اغلب «اشتباه» است. سومین خطری که رابرت چمبرز در این مقاله مطرح می‌سازد، «فرمالیسم» است؛ این رویکرد با الگو قرار دادن مجموعه‌ای از تکنیک‌های ثابت و استاندارد فرض شده، مسیر هر نوآوری را می‌بندد. این مجموعه اغلب برگرفته از ایده‌ها و تجربه‌های دست‌اندرکاران این روش از اجرای آن در میدان‌های مختلف می‌باشد که امروزه در قالب دفاتر راهنما در اختیار تسهیلمان قرار می‌گیرد؛ تسهیلمان بدین دلیل ناگزیر از یاد گرفتن این مجموعه پرحجم بوده و از این جهت بیشترین وقت خود را صرف حضور در کلاس‌های آموزشی می‌کنند تا یادگیری در عمل و اساساً چنین چیزی مغایر با اهداف و آرمان‌های اولیه این رویکرد می‌باشد. او در نهایت آخرین خطر را «روزمرگی» و تبدیل شدن این روش به نوعی «عادت منظم» برای دست‌اندرکاران این روش در انجام تکنیک‌هایی تکراری معرفی می‌کند (چمبرز، ۱۹۹۴ الف: ۱۴۴۳ - ۱۴۴۱).

با وجود تمام انتقادات فوق، دست‌اندرکاران روش ارزیابی مشارکتی روستایی معتقدند راه‌حل فائق آمدن بر همه چالش‌ها، پایداری و تحقق اساسی‌ترین اصل این رهیافت یعنی «تغییر رفتار و نگرش» است؛ اما باید گفت این اصل اساسی نیز محل چالش است و آن به تناقض ادعا و عمل واقعی مشارکت‌کنندگان اعم از تسهیلمان و اعضای جامعه محلی باز می‌گردد، چنانکه یکی از دست‌اندرکاران این روش در نپال در توضیح مشاهدات خود می‌گوید: «مردم کلمات زیبایی بکار برده و زیبا سخن می‌گویند؛ آنها در خلال تکنیک‌های این روش عبارات بسیار زیبایی را می‌نویسند ... اما هنگامی که به فعالیت‌های آنها در اداره و حتی در منازلشان می‌نگریم، می‌بینیم که آن در عمل کاربردی نداشته است» (پرات، ۲۰۰۱: ۵۱). در بسیاری از تسهیلمان نیز این تناقض قابل مشاهده است: کسی که در مقام تسهیلمگر بسیار حساس، آرام، مهربان و مشتاق شنیدن مردم است اما دقایقی پس از آن، در هنگام رانندگی و یا در حین بحث با کارکنان یک اداره یا حتی در خانه و در زمان گفتگو با همسرش، خشمگینانه فریاد می‌زند (پرات، ۲۰۰۱).

گذشته از چالش‌های فرمی و اخلاقی که می‌توان پیش‌روی این روش نهاد، آن را می‌توان از زوایای دیگر روش‌شناختی نیز مورد نقد قرار داد؛ به عنوان مثال تامانگ^۱ (۱۹۹۴) تجربه ارزیابی مشارکتی روستایی و ارزیابی سریع روستایی را برای تحقیقات در حوزه سیاسی مورد بررسی قرار

داده و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که چالش‌های اصلی پیش‌روی فعلی در این سطح به شرح زیر است:

- ۱- چالش تعمیم اطلاعات تولید شده توسط پی.آر.ای در سطح تعداد زیادی روستا؛
- ۲- چالش نمونه‌گیری؛ روش پی.آر.ای گرایش به تأکید بر اهمیت شناسایی افراد فقیر، به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر دارد و با دادن یک صدایی به آنها به دنبال حداکثر بازنمایی ضدیت است؛
- ۳- چالش دیگر، چالش تلفیق داده‌های پی.آر.ای با اطلاعات ثانویه موجود است؛
- ۴- گرایش‌های کمی بسیاری از محققان و کاربران نهایی تحقیقات خط‌مشی‌گذارانه؛
- ۵- عدم شناخت زمینه محلی توسط محققان خارجی؛
- ۶- تغییر رفتار و نگرش.

غیرقابل اعتماد بودن یافته‌های ادراک شده بوسیله پی.آر.ای در مقایسه با کسانی که از رویکردهای روش‌شناختی دیگر (برای مثال، بررسی‌های اجتماعی براساس پرسشنامه) استفاده کرده‌اند، چالش عمده دیگری است که با وجود همه ادبیاتی که نشان‌دهنده عکس این موضوع است، پیش‌روی این روش قرار دارد (چمبرز، ۱۹۹۴ الف؛ پرتی، ۱۹۹۱؛ گیل، ۱۹۹۱). در پایان به گمان ما این پیش‌فرض که می‌توان در یک رابطه برای پژوهشگر نقش کمتری قائل شد و بیشترین تأکید را بر یادگیری از مردم گذاشت یک پیش‌فرض ساده‌انگارانه است و مناسبات دانش-قدرت را در نظر نمی‌گیرد؛ دانش اساساً ایجادکننده قدرت است و مشاهده یک پژوهشگر دانشگاهی، شهری و بیرونی آنچه را به ذهن یک روستایی متبادر می‌کند شخصی آگاه، دارای دانش علمی و به طور ضمنی دارای «قدرت» است، لذا یا باید به کلی به تخریب این تصویر و در نتیجه از دوباره‌سازی ذهنیت او پرداخت که این صورت باز به نوعی تأیید قدرت خود پژوهشگر است و یا اینکه به خودی خود در او ذهنیتی نسبت به پژوهشگر شکل می‌گیرد که گویی «بلد» نیست آنگونه که باید وظیفه‌اش را انجام دهد و این نیز زمینه‌ای بر عدم همکاری دقیق اعضای جامعه محلی با تسهیلگران است.

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله در بخش نخست با بررسی زمینه پیدایی و شکل‌گیری رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی نشان داد که این روش اساساً رویکردی انتقادی نسبت به برنامه‌های توسعه، روش‌های توسعه و نیز روش‌های تحقیق داشته و طرفداران و مبلغان آن نیز بدین واسطه هویت خویش را باز می‌یابند. این روش با این ادعا که روش‌های موجود در مطالعات روستایی ناکارآمد است به طرح ایده‌هایی به ظاهر نوین پرداخت و یک سره به رد روش‌های تحقیق کمی و کیفی تحقیق روی آورد. این رویکرد همچنین پروژه‌های توسعه و بویژه نگاه توسعه‌گرایانه «از بالا به پایین» را مورد انتقاد قرار داده و در ارتباط با مفهوم «مشارکت» ابهام‌هایی را مطرح نموده است. این روش جایگاه تازه‌ای برای محقق به مثابه تسهیلگر قائل بوده و خود را به اصولی نظیر «تغییر رفتار و نگرش» پایبند می‌داند که در اساسی‌ترین وجه آن محقق را به این نتیجه می‌رساند که مهم‌ترین وظیفه او تسهیلگری برای فراهم نمودن زمینه مشارکت مردم و در نتیجه توانمندسازی آنان است؛ او در این نگرش جدید به این باور دست پیدا می‌کند که دانش حقیقی نزد مردم است و آن را باید در آنان جستجو نمود. این روش با نقد مشارکت ابزاری به‌عنوان نوع رایج مشارکت در اکثر پروژه‌های توسعه، شکلی از مشارکت را مطرح می‌کند که در آن خود مشارکت به عنوان هدف، مورد توجه قرار می‌گیرد و میزان و تحقق آن، هدف اصلی است. با این وجود، امروز پس از حداقل دو دهه اجرای این روش در نقاط مختلف جهان چالش‌ها و خطراتی آن را مورد تهدید قرار داده است که توجه بدان‌ها بویژه برای محققانی که به تازگی این روش را در ایران مورد استفاده قرار می‌دهند، بسیار ضروری می‌نماید. ما در این مقاله، برخی از چالش‌های موجود را در چهار سطح فرهنگی- اجتماعی، سیاسی، سازمانی و آکادمیک و روش‌شناختی مورد بحث و بررسی قرار داده و چگونگی انحراف این روش از بنیان‌های اخلاقی و انسان‌گرایانه آن را نشان دادیم.

نگارندگان خود به‌عنوان پژوهشگران علوم اجتماعی و آشنا به این رهیافت روش‌شناختی، تجربه کاربست عملی آن را در میدان تحقیق داشته‌اند. ما حقیقتاً در جریان پژوهش، به‌معنی واقعی کلمه، احساس وجد و شغف ناشی از برقراری یک رابطه انسانی و تعالی‌گرایانه را در خود یافته‌ایم؛ با این همه، در مسیر مطالعه درباره این رهیافت و نیز، طی مدت زمانی که با آن در میدان پژوهش یا جامعه دانشگاهی درگیر بوده‌ایم، به ادراکی از چالش‌های پیش‌روی آن رسیده و در

این مجال، صرفاً به دنبال گشودن زمینه بحث و گفت‌وگو پیرامون آن برآمده و به هیچ روی، قصد نفی دستاوردهای آن را نداشته‌ایم. بحث اصلی ما، پیرامون این موضوع است که با وجود تمام پتانسل‌هایی که این روش در برقراری ارتباطی سریع و صمیمانه با اعضای جامعه مورد بررسی دارد، نمی‌توان از تفاوت‌های فرهنگی بین تسهیلگران و مردم چشم پوشید؛ از طرفی همواره برخی از موانع وجود دارند که سبب عدم تحقق مشارکت کامل همه اقشار جامعه در پروژه می‌شود؛ شاید بتوان مهم‌ترین این عوامل را «قدرت» دانست. از سویی، رهیافت مزبور اگرچه در ابتدا منکر هر گونه وجه سیاسی است، اما ارزیابی زوایای پنهان آن نشانگر وجود بُعد سیاسی قابل توجهی است؛ آن به‌ویژه به چالش کشاننده «ساختارهای قدرت» موجود در جامعه است؛ چنانکه در یکی از صورت‌های خود تبدیل به جنبشی برای احقاق حقوق از دست رفته زنانی می‌شود که همواره در حاشیه یک اجتماع مردسالارانه بوده‌اند.

سعی در نوسازی جوامع عقب مانده و گسترش ارزش‌های برخوردارسته از امیدها و آمال لیبرالیستی که توسط سازمان‌های بین‌المللی و حتی دولت‌های جوامع توسعه‌نیافته پی‌گیری می‌شود، نگرانی دیگری است که این رهیافت را به انحراف از آرمان‌های اولیه آن خواهد کشاند؛ از سوی دیگر، هیچ کسی نمی‌تواند این مسئله را که ارزیابی مشارکتی روستایی ممکن است جهت اهداف جاسوسی قرار گیرد، انکار کند؛ چه با استفاده از این روش می‌توان به راحتی به قلب جوامع مختلف و روح مردمان آن نفوذ کرده، اطلاعاتی را از آنان کسب کرد و در اختیار سازمان‌ها و نهادهایی قرار داد که اهدافی غیر از آنچه مردم فکر می‌کنند را دنبال می‌نمایند. امروزه با توجه به گسترش روزافزون این روش و بهره‌گیری آن توسط سازمان‌های مختلف، همچنین این مسئله را که ممکن است این روش در مراتب بوروکراتیک سازمانی گرفتار آید، به چالشی جدی تبدیل کرده که در نهایت به تحت‌الشعاع قرار گرفتن این روش توسط منافع سازمانی منجر خواهد شد.

ما در نهایت به دلایل عدم اقبال دانشگاهیان و محققان آکادمیک به این روش اشاره نمودیم؛ چالش اساسی در این سطح به عدم توانایی ارزیابی مشارکتی در تولید داده‌های قابل اتکاء اشاره داشت که از جمله بارزترین دلایل آن «شتاب‌زدگی»، «ابزاری بودن» و «صورت‌گرایی» بیش از حد این روش و عاملان آن می‌باشد.

بدون شک این رهیافت همان‌گونه که بنیان‌گذران و مدافعان آن نیز مطرح می‌کنند، دارای

پتانسیل‌های قابل توجهی است که آن را باید ناشی از اهداف آرمان‌خواهانه آغازینش دانست، با این وجود و با چالش‌هایی که در حال حاضر پیش‌روی این روش قرار دارد، تحقق آن پتانسیل‌ها و بالفعل نمودن‌شان نیازمند زمان و صرف هزینه‌های زیاد است؛ این یک مسئله کلیدی برای تمام ذینفعان شریک در فرایند ارزیابی مشارکتی روستایی است؛ از این منظر، آن یک فرایند زمان‌بر بوده و باید پرسید آیا مردم حاضر به مشارکت در چنین پروژه زمان‌بری خواهند بود و آیا سازمانی که این پروژه برای آن در حال اجراست می‌تواند منابع و هزینه این کار را برای مدت زمان زیادی تأمین کند؟

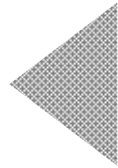
منابع

- ازکیا، مصطفی؛ زارع، عادل و علی ایمانی (۱۳۸۷)، **رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی**، تهران: نی.
- تومپکا، پیوترز (۱۳۸۲)، نظریه‌های نوسازی قدیم و جدید، ترجمه غلامرضا ارجمندی، **فصلنامه پیک نور**، شماره ۱: صص ۲۳-۱۱.
- عابدی سروستانی، احمد (۱۳۹۱)، رویکردهای مشارکتی به توسعه، **فصلنامه راهبرد توسعه**، شماره ۳۱، صص ۱۱۷-۱۶۱.
- مقصدی، منیژه و عباس رحیمی (۱۳۸۷)، روش ارزیابی مشارکتی روستایی: مطالعه موردی چهار روستا در منطقه اوان از استان قزوین، **فصلنامه توسعه و روستا**، شماره ۲، صص ۱۱۸-۹۱.
- مقصدی، منیژه (۱۳۹۲)، **ارزیابی مشارکتی روستایی؛ انسان‌شناسی روستایی**، تهران: علم.
- میکلسن، بریتا (۱۳۸۷)، **روش‌های توسعه**، ترجمه محمدجواد ناطق‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- Chambers, R.(1983), *Rural Development: Putting the Last First*, Harlow: Longman.
- Chambers, R.(1992), *Rapid Appraisal: Rapid, Relaxed and Participatory*, Brighton: Institute of Development Studies, University of Sussex.
- Chambers, R.(1996), The Origins and Practice of Participatory Rural Appraisal, *World Development*, 22 (7): 953- 969.
- Chambers, R.(1994), Participatory Rural Appraisal(PRA): Challenges, Potentials and Paradaigm, *World Development*, 22 (10): 1437- 1454.
- Chambers, R.(1994), Participatory Rural Appraisal(PRA): Analysis of experience, *World Development*, 22 (9): 1253- 1268.
- Chambers, R.(1997), *Whose Reality Counts? Putting the First Last*, London: Intermediate Technology Publications.

- Cooke, B. and Kothari, U.(2001), The Case for Participation as Tyranny, in: B. Cooke and U. Kothari (eds.), *Participation: The New Tyranny?*, pp 1–15. London: Zed Books.
- Cornwall, A and Pratt, G. (2011), The use and abuse of participatory rural appraisal: reflections from practice, *Agriculture and Human Values*, 28 (2): 263- 272.
- Ferguson, J.(1994), *The Anti-politics Machine: "Development", Depoliticization, and Bureaucratic Power in Lesotho*, Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.
- Gill, G.(1991), But how does it (RRA) compare with the real data? *RRA Notes*, 14: 5- 14.
- Henkel, H. and Stirrat, R.(2001), Participation as spiritual duty; empowerment as secular subjection, in: B Cooke & U Kothari (eds.), *Participation: The New Tyranny?*, pp 168–184. London: Zed Books.
- Kar, K. and Backhaus, C.(1994), *Old Wine in New Bottles? Experiences with the Application of PRA and Participatory Approaches in a Large Scale Foreign Funded Government Development Programme in Sri Lanka*, unpublished paper.
- Leurs, R.(1996), Current Challenges Facing Participatory Rural Appraisal, *Public Administration and Development*, 16: 57- 72.
- Pratt, G.(2001), Practitioners' critical reflections on PRA and participation in Nepal. *IDS Working Paper* 122.
- Pretty, J. (1991), The trustworthiness of findings from participatory methods, paper presented at an *IDS/IIED Workshop on Alternatives to Questionnaires*.
- Rahnema, M.(1997), Participation, in W. Sachs (ed.), *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*, Hyderabad: Orient Longman.
- Tamang, A. (1994), *The Use of PRA/RRA Methods in Policy Research and Analysis*, unpublished paper, Institute of Development Studies, University of Sussex, Brighton.
- Williams, G. (2004), Evaluating participatory development: tyranny, power and (re)politicization, *Third World Quarterly*, 25 (3): 557- 578.

مقدمه‌ای بر استراتژی توسعه منطقه‌ای^۱ (RDS) با تأکید بر تجارب ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق^۲



مجید یاسوری^۳

مریم سجودی^۴

(تاریخ دریافت ۹۶/۲/۲ - تاریخ تصویب ۹۶/۴/۱۰)

چکیده

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، به عنوان یکی از دستاوردهای نوین و کارآمد جهت دستیابی به توسعه و تعادل منطقه‌ای است. این استراتژی به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابر برای تمامی مناطق طرح گردیده و به مثابه ابزاری برای ایجاد و بقای جوامع پایدار شناخته می‌شود. این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی و شناسایی ابعاد و زوایای وجودی یکی از آخرین دستاوردهای توسعه‌مند نمودن مناطق؛ جهت تعمیق در حیطه کارکردی و جایگاه آن؛ به بررسی تجارب مناطقی که طرح RDS را اجرا نموده‌اند، پردازد. مناطق مورد

۱- Regional Development Strategy

۲- مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد دانشگاه گیلان با عنوان "تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای برای شهرستان رشت" می‌باشد.

۳- استاد گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران، yasoori@um.ac.ir

۴- کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران، msejodil@yahoo.com

مطالعه شامل ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق بوده است. بدین منظور طرح‌های تهیه شده در مناطق مذکور در بخش‌های رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج مورد مطالعه قرار گرفتند. بنابراین با توجه به زمینه‌های مشترک و همپوشانی‌های مابین طرح‌های فوق می‌توان بیان داشت، تهیه و اجرای موفقیت‌آمیز RDS می‌تواند با تقویت رقابت‌پذیری و جهت دادن به جریان‌ها، موجبات کاهش نابرابری منطقه‌ای، افزایش کارایی فضا و توسعه متوازن منطقه‌ای را فراهم می‌نماید.

به عبارتی از مهم‌ترین نتایج و ثمرات به‌کارگیری راهبرد توسعه منطقه‌ای، اطمینان از توجه به تمام عوامل دخیل در توسعه منطقه مورد نظر و همچنین توجه به مجموعه روابط و ارتباطات درونی و بیرونی که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم توسعه منطقه تحت تأثیر آن‌هاست و بالتبع شناسایی چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و.... می‌باشد.

واژگان کلیدی: استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)، حیطه کارکردی، نقش و جایگاه، تجارب.

مقدمه

راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) یکی از الگوهایی است که در برخی از کشورهای جهان همانند کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دیگر مناطق نوظهور اقتصادی جهان از دهه ۱۹۹۰ به این سو رواج یافته است. شناخت این الگوی سیاستی و برنامه‌ریزی می‌تواند گامی کوچک ولیکن مسیری نو برای بحث تجربه و اقدام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای تلقی شود (محمدی، ۱۳۹۲، ۱-۲). براین اساس راهبرد توسعه منطقه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه پایدار منطقه‌ای می‌باشد (داگلاس، ۱۳۸۹، ۶۹). بر اساس این استراتژی، شهرها به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده زیر مناطق، درگیر فرایند راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) خواهند بود؛ بنابراین راهبرد توسعه منطقه‌ای به‌عنوان راه‌حلی اجرایی برای توسعه یکپارچه و هماهنگ منطقه می‌باشد (DRD, 2001, 140).

به‌کارگیری راهبرد توسعه منطقه‌ای، راهی برای بالا بردن توان و ظرفیت مناطق و زیر مناطق جهت بروز و بالفعل نمودن استعدادها و توانمندی‌هایشان است. در واقع RDS به مشارکت همه

جانبه مناطق تأکید دارد، که تحقق این امر افزایش بهره‌وری کلیدی و پایه‌ای رقابت‌پذیری و کاهش تمرکزگرایی را در پی خواهد داشت. این در حالیست که تجربیات مختلف نشان می‌دهند؛ مطالعات خرد و سطحی به علت عدم وجود دیدی جامع و سیستمی و عدم بررسی ارتباطات محیط شهری با محیط‌های پیرامونی که شهر با آن‌ها درگیر می‌باشد، نتایج مثر ثمری را به دنبال نداشته‌اند.

با توجه به مزایا و برتری‌های که استراتژی توسعه منطقه‌ای بر استراتژی‌های پیشین خود دارد؛ در این پژوهش سعی شده است تا ضمن معرفی آن، هدف، نقش و حیطه کارکردی آن؛ جایگاه، چهارچوب فضایی، راهنما و دستورالعمل استراتژیک آن، مراحل اجرا و ویژگی‌های یک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کارآمد مورد بحث قرار گیرد.

پس از بیان و تشریح مفاهیم و کلیات فوق؛ به طور مشخص بخش‌های؛ رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج استراتژی توسعه منطقه‌ای به طور مجزا در طرح‌های تهیه شده در مناطق ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق معرفی شده است. این امر می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌گیری از تجارب کشورها و مناطق پیشرو در این زمینه باشد.

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS)

راهبرد توسعه منطقه‌ای الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که در چالش برای مواجهه با مسائل جدید و پیچیده منطقه‌ای مطرح شده است. (RDS) از دهه ۱۹۹۰ به این سو در برخی از کشورهای جهان با عنوان ابزار و چارچوب سیاستی توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (محمدی، ۱۳۹۲، ۱). راهبرد توسعه منطقه‌ای، یک سند بالادستی کلیدی برنامه‌ریزی است که دستورالعمل‌های راهبردی که در آماده‌سازی و هماهنگی برنامه‌های توسعه، بیانیه‌های سیاست برنامه‌ریزی و اقدامات توسعه شهری و منطقه‌ای به کار می‌روند را تنظیم می‌کند. این رویکرد یک هماهنگی جامع بین تمامی برنامه‌های شهری و منطقه‌ای و الگوهای توسعه در راستای توسعه بلندمدت ایجاد می‌کند. راهبرد توسعه منطقه‌ای به عنوان یک ابزار ضروری برای دولت‌ها به منظور از بین بردن اختلاف ساختاری منطقه‌ای و ایجاد فرصت برابری و مساوات برای تمامی مناطق مطرح است. این راهبرد بر اهمیت برنامه‌ریزی هماهنگ تأکید می‌کند و در نهایت به مثابه ابزاری برای ایجاد جوامع پایدار شناخته می‌شود. علاوه بر این‌ها، این راهبرد یک ابتکار اجرایی

نیز هست که جنبه‌های فضایی برنامه‌های توسعه منطقه‌ای را برای دولت‌ها روشن می‌سازد. همچنین متضمن جنبه‌های اقتصاد منطقه‌ای نیز است که هدفش بازسازی و متعادل کردن اقتصاد است. لذا این راهبرد توسعه پایدار در سطح مناطق را هدف‌گیری نموده است (Amec, 2011) به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). این رویکرد به عنوان یک سند مدون دارای عملکردی راهبردی برای برنامه‌ریزی می‌باشد، که روی مسائل مهم و کلیدی منطقه تمرکز کرده و در سطح ملی به دنبال کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای است. این راهبرد با تأکید بر دو جنبه مهم برنامه‌ریزی یعنی جنبه فضایی فعالیت و سکونت در منطقه و نیز ماهیت فعالیت‌های اقتصاد منطقه‌ای، نوعاً دارای ماهیت آمایشی است و یکی از اهداف آن یافتن مکان‌های مناسب به منظور سرمایه‌گذاری برای تسهیلات، ایجاد مشاغل و خدمات است. پیش‌بینی منابع لازم برای فعالیت‌های اقتصادی با تأکید بر مکان آن‌ها نتیجه دیگر این رویکرد است (Nawzad, 2011، به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲).

هدف، نقش و حیطة کارکردی استراتژی توسعه منطقه‌ای

جهانی شدن، نو منطقه‌گرایی و رقابت‌های منطقه‌ای، بحران‌های اقتصادی، مخاطرات محیطی، بحران انرژی و مسائل اجتماعی، RDS را به عنوان یک الگوی نو در برنامه‌ریزی منطقه‌ای قرار داده است. محرک‌های گسترش دهنده روند توسعه منطقه‌گرایی به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست، مربوط به حوزه‌های اجتماعی «محرک‌های سطح کلان» و «محرک‌های سطح خرد» است. نظریه‌های همگرایی و کارکردگرایی که مربوط به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی بوده است نیز به این گروه دلالت دارد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۶۴، به نقل از صرافی، نجاتی، ۱۳۹۳: ۸۶۴).

اهداف اصلی یک راهبرد توسعه منطقه‌ای عبارتند از: تحقق توسعه پایدار، ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، ارتقای کیفیت زندگی اجتماع محلی در مناطق جغرافیایی مشخص. راهبرد توسعه منطقه‌ای به دنبال ایجاد مناطقی پایدار پویا و مترقی از حیث اقتصادی، محیطی، اجتماعی و سیاسی است (DRD, 2008: 1). راهبرد توسعه منطقه‌ای، سیاست‌های کلان را برای نهادهای متولی توسعه منطقه‌ای ارائه می‌نماید. هم‌چنین نقش یک بازوی کمکی برای حکومت‌های

منطقه‌ای جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، استفاده از توان‌های زیر مناطق^۱ و یکپارچه‌سازی اقدامات منطقه‌ای را ایفا می‌نماید. قلمرو یک برنامه راهبردی توسعه شهری (منطقه) به معنای جغرافیایی آن است؛ اغلب طرح‌های راهبرد توسعه منطقه‌ای به دنبال ارتقای رقابت‌پذیری پویایی فضایی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس منطقه‌ای اند (محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

در واقع راهبرد توسعه منطقه‌ای زمینه را برای برنامه‌ریزی‌های زیر فراهم می‌کند: تقویت رقابت اقتصادی منطقه‌ای و تلاش برای از بین بردن وضع نامساعد اجتماعی و اقتصادی؛ محافظت و ارتقای سرمایه‌های فیزیکی، طبیعی و مصنوعی منطقه؛ ارتقای مسکن، حمل و نقل، کیفیت آب، انرژی و راهبردهای دفع پسماندها، تهیه زیرساخت‌ها، فراهم آوردن خدمات عمومی و راهنمایی‌های عمومی و تصمیمات سرمایه‌گذاری خصوصی مربوط به کاربری زمین؛ (Department for regional, 2010). به نقل از پژوهان، ۱۳۹۳: ۲). این راهبرد را می‌توان رویکردی فراگیر با هدف تهیه یک چارچوب بهینه توسعه منطقه‌ای قلمداد نمود که هماهنگی بین بخشی ما بین بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی یکی از کارکردهای اصلی آن است، با این ویژگی که ضمن هماهنگی به دستور کارهای مشخصی در رابطه با هر بخش با تأکید بر جنبه‌های فضایی و مکانی می‌رسد (پژوهان، ۱۳۹۳: ۳)، یک راهبرد توسعه منطقه‌ای منسجم و اثربخش دارای یک چشم‌انداز فراگیر است؛ چشم‌انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکان قوی در جهانی گسترده‌تر باشد. یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کار کردن در آن لذت می‌برند در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آن‌ها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم‌انداز فوق توسط ارزش‌های زیر پشتیبانی می‌شود:

- حمایت قوی از رشد پایدار به منظور بهره‌مند شدن از همه قسمت‌های منطقه؛
- پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها؛
- افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد؛
- گسترش ارتباطات به منظور بالا بردن جریان نقل و انتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها؛

- محافظت کردن و بهبود بخشیدن محیط زیست صرفاً به دلیل ارزشمند بودن ذاتی آن؛
 - اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب و هوایی منطقه.
- در سطح منطقه‌ای، بخش عمومی (به نمایندگی دولت)، بخش خصوصی و توسعه‌دهندگان فردی بازیگران اصلی برنامه‌ریزی و توسعه به شمار می‌روند که اقدامات متعدد و متنوعی در راستای اهداف بخشی خود انجام می‌دهد که لزوماً ممکن است با همدیگر هماهنگ نیز نباشند. یکی از کارکردهای مهم راهبرد توسعه منطقه‌ای هماهنگی این سیاست‌ها و اقدامات در سطح منطقه است. اما لازم است برخی مفاهیم کلیدی در رابطه با مفاهیم هم‌پیوند با این رویکرد تبیین شوند؛ سیاست منطقه‌ای راهی است برای مداخله دولت محلی در توزیع منابع و فعالیت‌های متنوع بین مناطق مختلف که معمولاً روی توزیع فعالیت‌های اقتصادی تمرکز می‌کند. از نگاهی عملی، سیاست منطقه‌ای طیف وسیعی از فعالیت‌هایی است که در برگیرنده بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی برای توسعه یا بازسازی اقتصادی مناطق می‌شوند. برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاملاً با سیاست منطقه‌ای متفاوت است و فرایندی است که ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و تنگناهای مناطق، نوعی تصمیم‌سازی در سطح منطقه‌ای است. سیاست منطقه‌ای به عنوان عاملی برای تمرکز روی مسائل بین منطقه‌ای دیده شده است، درحالی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای روی یک بازه وسیعی از مسائل در داخل یک منطقه تمرکز می‌کند. سازوکار برنامه‌ریزی منطقه‌ای معمولاً شامل تهیه و اجرای یک راهبرد توسعه منطقه‌ای می‌شود و با توجه به متفاوت بودن یک شرایط از مقتضیات دیگر نهادها در مقام اداره کردن آن‌ها قرار می‌گیرند (پژوهان، ۱۳۹۳: ۳).

جایگاه

با توجه به توضیحاتی که در باب استراتژی توسعه منطقه‌ای ارائه شد، می‌توان جایگاه استراتژی توسعه منطقه‌ای که تفاوت آن را با سایر طرح‌های توسعه منطقه‌ای نیز مشخص می‌کند، بدین شرح بیان نمود:

ماهیت و بنیان RDS بر تمرکززدایی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی و شراکت ذینفعان منطقه‌ای استوار است، در RDS چشم‌انداز، اهداف، ارزش‌ها و مأموریت سازمانی بخش‌ها و نهادها مشخص است، نه تنها مباحث فضایی را در کانون توجه خود دارد، بلکه به محتوای منطقه‌ای و بخش‌ها نیز توجه دارد، RDS بیش از آن که یک طرح با جزئیات قطعی باشد، راهنمای سیاست‌گذاری منطقه‌ای است و جزئیات را به بخش‌ها و نهادهای دخیل در حوزه

برنامه‌ریزی می‌سپارد، پستوانه قانونی، ساختار اجرایی و نیز هماهنگی بین بخشی و نهادی در RDS مورد توجه است. لیکن بر اصل شراکت و منافع کنشگران است، تلاش می‌کند تا بین برنامه‌های فضایی و بخشی در قلمرو فضایی هماهنگی لازم را به عمل آورد، فرایندمحور است و تغییرات بر مبنای تصمیم ذی نفعان انجام می‌شود، کلیه اقدامات به سمت اجتماع پایدار است و کیفیت زندگی را مد نظر دارد (محمدی، ۱۳۹۲، ۶).

چهارچوب فضایی در استراتژی توسعه منطقه‌ای

مدیریت شهری مجموعه‌ای از ابزارها، فعالیت‌ها، وظایف، و کارکردهایی است که اطمینان می‌دهد تا کارکردهای شهری بتوانند شکل بگیرند. مدیریت شهری اطمینان می‌دهد که خدمات اساسی شهر برای گروه‌ها، افراد مختلف، اجتماعات محلی و عمومی به شیوه مناسب شکل گیرد (Acioły, 2003: 1-2). در سوی دیگر مفهوم مدیریت یکپارچه شهری مطرح است که به دنبال ناکارآمدی مدیریت شهری سنتی در حل مشکلات شهری و فزونی چالش‌های شهری همچون فقر، ناهنجاری اجتماعی، ناامنی، ترافیک، بیکاری، حاشیه‌نشینی، شکاف طبقاتی و غیره به پسوند واژه مدیریت شهری جهت اهمیت دادن به ضرورت یکپارچگی اضافه شده است. این فرایند علی‌رغم گسترش دایره ارتباطات و تأثیرات در زندگی شخصی افراد در رشد و بلوغ سازمان‌ها و ارگان‌ها و مکان‌های زیست تأثیرگذار بوده، همچنین گرایش به کوچکی و فشرده شدن که از شگفتی‌های دوران کنونی است، به همین جهت در بعد کلان مسأله باید گفت که امروزه سازمان‌ها و سکونتگاه‌ها در محیطی پر تلاطم به سر می‌برند که در گذشته کمتر چنین بوده است. بنابراین امروزه چاره‌ای جز بازنگری در ساختار و کارکردهای سازمان‌ها و نهادها و سکونتگاه‌ها برای انطباق بیشتر با شرایط پیرامونی وجود ندارد (رکن الدین افتخاری، ۱۳۸۹: ۲۳۳) و از آن جایی که توسعه موضوعی چند بعدی است، لازم است تا با مدیریتی منسجم و به دور از یکپارچگی هدایت شود. یکی از ایرادات اساسی مدیریت شهری سنتی، نظریه انتقادی پر مسئولیت بودن دولت و مدیریت شهری صرفاً دولتی است که بر این اعتقاد بود دولت‌ها به تدریج وظایف بیشتری را در زمینه اداره جامعه از جمله مدیریت عمومی بر عهده گرفته‌اند که بسیار فراتر از توانایی مالی و اداری آن‌ها است. بنابراین لزوم واگذاری امور و اختیارات و توزیع آن به نهادهای سطوح پایین‌تر در قالب نهادهای محلی ضروری است؛ چرا که ادامه روند حاضر به دلیل

تسلط سرمایه‌داری خصوصی، وظایف دولت‌ها را با انواع تعارض مواجه کرده و در نتیجه منجر به بروز بحران عقلانیت، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و نهایتاً بحران مشروعیت را سبب‌ساز خواهد شد (Yann, 2009:3). یکی از دلایل مهم چنین وضعیتی عدم توجه به نظام برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است؛ با وجود آن که تلاش‌های پراکنده‌ای مانند تهیه برنامه‌های آمایش سرزمین یا طرح‌های منطقه‌ای برای هدایت مناطق بر اساس توانمندی‌های آن‌ها صورت می‌گیرد، اما به دلیل اینکه این تلاش‌ها منسجم نبوده و فاقد یک رویکرد مشخص برای انجام فعالیت‌های مرتبط با توسعه منطقه‌ای است؛ اغلب با شکست مواجه می‌شوند. در حالی که در دنیای پیشرفته چند دهه‌ایست که به اهمیت مناطق در توسعه ملی و تأمین عدالت و رفاه اجتماعی و اقتصادی پی برده و سعی در تدوین مبانی نظری و پایه برای توسعه متعادل و متوازن منطقه‌ای داشته‌اند (پژوهان، ۱۳۹۳: ۲).

بنابراین جریان‌های موجود بین مراکز زیستی اعم از شهری و روستایی در سطح مناطق باید به‌سوی ایجاد سیکل مطلوب پیوندهای منطقه‌ای هدایت شوند. برای تحقق این امر، تنها توجه به جریان‌ها کافی نیست، بلکه روابط اقتصادی، اجتماعی، روستایی، تولید، ظرفیت‌های نهادی و جنبه‌های زیست‌محیطی دارای اهمیت هستند. حال از آنجایی که شهرستان رشت از ابتدای شکل‌گیری تا کنون تمرکزگرایی وسیعی را تجربه نموده است که این امر عدم رقابت‌پذیری، انزوا و عدم تحرک را برای شهرهای پیرامون به دنبال داشته است و شهرستان را از تجربه اهداف بنیادین توسعه منطقه‌ای چون تعادل فضایی، رشد متوازن در منطقه، کاهش فقر و نابرابری، حذف شکاف‌های بین مناطق و تأمین عدالت اجتماعی و منطقه‌ای، بالا بردن ظرفیت مشارکت مناطق و ... محروم کرده است (سجودی، ۱۳۹۵: ۵).

در ایران نیز به رقم پیشی گرفتن نظریه‌های برنامه‌ریزی بر اقدامات منطقه‌ای طرح‌های سنتی منطقه‌ای و مدافعان آن‌ها با ناکامی مواجه شده‌اند. در نتیجه شاهد مواردی به شرح زیر در مناطق جغرافیایی کشور هستیم: ۱- تشدید فاصله و عقب‌ماندگی کارکردی حوزه‌های روستایی از مناطق شهری ۲- افزایش استفاده نامحدود از منابع طبیعی ۳- رشد پراکنده و تخریب محیط زیست ۴- تشدید تمرکز شهری ۵- تداوم عدم تعادل‌های اقتصادی منطقه‌ای ۶- تغییرات اقلیمی و عدم تغییر در سیاست‌های مرسوم توسعه منطقه‌ای که جملگی مناطق جغرافیایی کشور را به سراشیب ناپایداری توسعه سوق داده‌اند. بخشی از این ناپایداری در تغییرات و ساختار سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و محیطی ریشه دارد. لکن بخش مهم آن با ناکارآمدی طرح‌های توسعه، بی‌ثباتی و بلا تکلیفی برنامه‌ریزی و مدیریت منطقه‌ای مرتبط است. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی با توجه به هم‌ریختگی نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محدود شدن آن به تهیه طرح‌های کالبدی و فاقد سازو کارهای مشارکتی و اصلاح الگوهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (محمدی، ۱۳۹۲، ۲-۳).

راه‌نما و دستورالعمل استراتژیک

چشم‌انداز می‌تواند منظر بیرونی از منطقه‌ای پویا و سرزنده با یک حس مکان RDS یک قوم در جهانی گسترده‌تر باشد. یک منطقه سرشار از فرصت‌ها که مردم از زندگی کردن و کار کردن در آن لذت می‌برند، در یک محیط سالم جایی که کیفیت زندگی آنها افزایش می‌یابد و تنوع و گوناگونی، یک نقطه قوت به حساب می‌آید نه یک اختلاف. چشم‌انداز فوق توسط هشت ارزش پشتیبانی می‌شود:

حمایت قوی از رشد پایدار به منظور بهره‌مند شدن از همه قسمت‌های منطقه؛

پشتیبانی شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای شکوفا ساختن پتانسیل آن‌ها؛

افزایش توسعه که سلامت، امنیت و شادی جوامع را بهبود می‌بخشد؛

گسترش ارتباطات به منظور بالا بردن جریان نقل و انتقالات مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات میان مکان‌ها؛

محافظت کردن و بهبود بخشیدن محیط زیست صرفاً به دلیل ارزشمند بودن ذاتی آن؛

اقدام برای کاهش کربن و کمک به سازگاری با تغییرات آب و هوایی منطقه (پژوهان، ۱۳۹۳، ۳).

تجاری که تا کنون در کشورها یا مناطق پیشرو در تهیه طرح‌های RDS وجود دارد (همانند فنلاند، ایرلند، آریزونا) نشان می‌دهد که اصولاً دولت‌های مرکزی و یا منطقه‌ای در تهیه، هدایت و نظارت بر این طرح‌ها پیشگام بوده و یا از آن استقبال و حمایت نموده‌اند. با این وجود؛ در تهیه و اجرای طرح‌های RDS تمامی نهادها و مؤسسات عمومی و خصوصی منطقه‌ای دخیل هستند. از جمله نهادهای توسعه منطقه‌ای، نهادهای سرمایه‌گذاری، نهادهای خدمت‌رسانی، شوراهای منطقه‌ای و محلی، اصناف تجاری و بازرگانی، کمیته‌های برنامه‌ریزی، کمیته‌های مشورتی و رایزنی شهروندی و سایر کنشگران توسعه منطقه‌ای. به عبارتی تهیه طرح‌های RDS بخشی از

برنامه‌ریزی توسعه ملی است که در تهیه آن؛ نقش نهادهای منطقه‌ای غالب و چشمگیر است. به طور خلاصه مهم‌ترین نهادها و مسئولان درگیر در تهیه، تصویب و اجرا و نظارت بر اجرای برنامه در یک نمونه مطالعاتی (شبه جزیره ایستریا) شامل موارد ذیل هستند:

- ۱- مقامات عالی حکومتی و اداری منطقه؛
- ۲- نهاد دولتی مسئول تهیه و هماهنگی برنامه‌ریزی منطقه‌ای؛
- ۳- نهاد بخش خصوصی تهیه‌کننده طرح RDS که از تخصص لازم بهره‌مند و شناخت کامل از منطقه دارد؛
- ۴- نهادهای بخش اقتصادی و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای؛
- ۵- نهادهای دخیل در توسعه فضایی منطقه‌ای؛
- ۶- نمایندگان بنیادها و نهادهای بخش خصوصی؛
- ۷- نمایندگان مردمی و شوراهای منطقه‌ای و محلی؛
- ۸- نمایندگان نهادهای مردمی؛
- ۹- نهادهای اطلاعات آماری و حساب‌های منطقه‌ای؛
- ۱۰- نهادهای دانشگاهی و مشاوره برنامه‌ریزی، پژوهشی و سایر نهادهایی که به طور مستمر و مؤثر در توسعه منطقه‌ای دخالت دارند (IDI، ۲۰۱۳، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

اجرای استراتژی

RDS گونه‌ای از برنامه‌ریزی راهبردی در سطح منطقه‌ای است. از این رو فرایند تهیه یک طرح RDS همانند برنامه‌های راهبردی فضایی است. می‌توان گام‌های اصلی تهیه راهبرد توسعه منطقه‌ای را در موارد ذیل خلاصه نمود: اجماع و توافق بر تهیه طرح، تعیین اهداف، تحلیل وضعیت، ساخت چشم‌انداز و اصول راهنما، تهیه طرح و راهنمای اجرا، اجرای طرح‌ها و پایش و بازنگری طرح (DRD، ۲۰۰۱، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲، ۳).

البته مراحل ذکر شده الگوی قطعی و الزامی نیستند و متناسب با سیستم‌های برنامه‌ریزی مناطق و کشورها، مراحل متفاوتی می‌تواند وجود داشته باشد (محمدی، ۱۳۹۲، ۴) و متناسب با ویژگی‌های منطقه‌ای محتوای اسناد RDS می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. به طور کلی محتوای سند و گزارش راهبرد توسعه منطقه‌ای موضوعات ذیل را شامل می‌شود:

- ۱- بررسی و تحلیل چالش‌ها و اولویت‌های مهم منطقه‌ای؛
- ۲- چشم‌انداز و اهداف توسعه منطقه‌ای؛
- ۳- فعالیت‌های اجرایی توسعه منطقه‌ای؛
- ۴- کنشگران، نقش‌های مشخص و نقشه راه حرکت؛
- ۵- اولویت‌بندی برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی؛
- ۶- برنامه زمان‌بندی اجرای طرح‌های مصوب؛
- ۷- برنامه مالی و سنجش هزینه‌ها و منافع اجرای طرح‌ها؛
- ۸- روش‌های پایش اجرای طرح‌ها در بخش‌ها؛
- ۹- برنامه‌های اجرایی (مدیریتی) طرح‌ها و گزارش‌دهی‌ها (IDA، ۲۰۱۳)، به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۵-۶؛

۱۰- پیوست‌ها: شمال راهنما، تصمیمات، نتایج جلسات، اصلاحیه‌ها و اسناد راهنما (محمدی، ۱۳۹۲: ۶).

به طور کلی یک برنامه RDS بیش از آن که یک سند برنامه‌ریزی تلقی شود؛ چارچوبی سیاستی و مدیریتی برای تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای است. این سند بر مبنای چالش‌های اساسی موجود و آتی منطقه‌ای، تحلیل منابع و ظرفیت‌ها، نیازهای اجتماع منطقه‌ای و مهم‌تر از همه پایداری توسعه منطقه‌ای با رویکرد راهبردی تهیه می‌شود. اعتقاد این برنامه این است که باید ضمن پاسخگویی به نیازهای موجود، آینده پایدار را با مشارکت و همکاری شکل داد (محمدی، ۱۳۹۲: ۶).

ویژگی‌های یک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کارآمد

محتوای RDS کاملاً منعطف و وابسته به وضعیت و شرایط منطقه‌ای و نیز ساختار برنامه‌ریزی کشورهاست. لیکن به طور کلی یک برنامه RDS به بررسی موارد زیر می‌پردازد:

- ۱- ساختار نهادی، اقتصادی، محیطی و اجتماعی منطقه؛ ۲- ضعف‌ها، قوت‌ها، توان‌ها، تهدیدهای توسعه منطقه، ۳- مشارکت ذینفعان و شرکای توسعه؛ ۴- مشارکت اجتماع محلی، ۵- توجه به تهیه، اجرا و پایش طرح‌های اجرایی بر مبنای توان و اولویت‌های زیرمناطق (Harris & Adams 6 به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۴). RDS تأکید بیشتری بر ارتقای

وضعیت اقتصادی مناطق از طریق ایجاد تعادل در فرصت‌های توسعه و سرمایه‌گذاری دارد. یک برنامه RDS باید بتواند چارچوب سیاستی توسعه منطقه‌ای پایدار برای یک منطقه را تعریف نماید. به عبارت روشن‌تر الگویی از برنامه‌ریزی راهبردی است که بر انعطاف‌پذیری، مشارکت و توسعه پایدار منطقه‌ای می‌پردازد (محمدی، ۱۳۹۲: ۴).

همچنین RDS زمینه برنامه‌ریزی فضایی برای تحقق موارد زیر را فراهم می‌سازد:

۱- تقویت رقابت‌پذیری و کاهش عوامل منجر به عدم مزیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای؛

۲- نگاهداشت و ارتقای سرمایه‌های طبیعی و انسانی منطقه‌ای؛

۳- تقویت زیربناها و روتین‌های توسعه منطقه‌ای؛

۴- استفاده کارآمد و پایدار از فضاهای جغرافیایی در جهت توسعه منطقه‌ای (DRD, 2008: 2 به نقل از محمدی، ۱۳۹۲: ۵).

به طور خلاصه RDS طرحی است که طی آن سند راهبرد توسعه فضایی و راهنمای برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شامل اهداف بلندمدت توسعه در بخش‌های عمومی و خصوصی و اجتماع محلی ارائه می‌شوند. لیکن سند مصوب الزاماً به مفهوم اختصاص سرمایه‌گذاری عمومی برای هر یک از پروژه‌های خاص منطقه‌ای نمی‌باشد، بلکه برای اجرای پروژه‌ها ارزیابی محیط زیستی، اقتصادی، اجرایی، مالی و اجتماعی، انجام و بر مبنای اولویت‌های منابع در این خصوص تصمیم‌گیری می‌شود. یک طرح RDS سه سند اصلی و عمومی را شامل می‌شود (چشم‌انداز و اصول راهنما، راهبرد توسعه فضایی، راهنمای برنامه‌ریزی راهبردی) (محمدی، ۱۳۹۲: ۵).

با توجه به آن چه در باب ماهیت و ابعاد استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) بیان شد؛ در ادامه اسناد استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی، موراویای جنوبی، استونی و کردستان عراق در بخش‌های رویکرد اصلی سند، اهداف، مراحل و نتایج حاصله مورد مطالعه قرار گرفته است.

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی ۲۰۳۵

رویکرد اصلی در سند

بر اساس این سند، استراتژی یک برنامه بلندمدت است که برای افزایش رفاه منطقه نقش مهمی در بلفاست بازی می‌کند. لذا برای اطمینان از این که همه جا از رشد اقتصادی بهره‌مند شوند؛

بهره‌گیری از این استراتژی، نشان‌دهنده برنامه دولت از رشد متعادل زیر مناطق و اهمیت شهرهای کوچک، به عنوان کلیدی برای مراکز رشد و سرمایه‌گذاری را به رسمیت معرفی می‌کند (DRD، 2013، 3). در این سند RDS یک چارچوب برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور تسهیل گر راهنمای بخش‌های دولتی و خصوصی است؛ به تعبیری دیگر استراتژی توسعه منطقه‌ای یک تعریف مجدد از استراتژی‌های دیگر دپارتمان‌ها نیست بلکه با یک چشم‌انداز فضایی (مخصوص به خود) تعریف گردیده است (DRD، 2013، 7).

همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS ایرلند شمالی شامل: توسعه اقتصادی منطقه و زیر مناطق؛ نظم‌بخشی و هدایت متعادل سکونت‌گاهی، تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه، برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، حمایت از رنسانس شهری-روستایی، مدیریت پسماند منطقه‌ای، تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای و ... می‌باشد (DRD، 2013، 1-18). در این طرح جایگاه منطقه در قلمرو فرمانطقه‌ای و اروپایی دیده شده است. همچنین اقتصاد، جامعه و محیط زیست که ارکان توسعه پایدار به حساب می‌آیند در کانون توجه این طرح بوده‌اند (DRD، ۲۰۱۳، ۱۶-۱). نهایتاً چشم‌اندازی که در این طرح برای ایرلند شمالی ترسیم شده عبارت است از: «منطقه‌ای پویا، قابل زیست و سالم با تعلق مکانی بالا در یک بستر جهانی، که در آن فرصت‌های توسعه برای تمامی کنشگران فراهم است و مردم از کار و زندگی و برخورداری از کیفیت زندگی بالا لذت می‌برند و جایی است که گوناگونی اجتماعی و تنوع (اقتصادی و اجتماعی) در آن بیش از آن که عامل جدایی باشد عامل پایداری است» (DRD، ۲۰۱۳، ۱۸).

اهداف سند

هدف تهیه این سند ارائه یک چهارچوب برنامه‌ریزی راهبردی برای تسهیل و راهنمایی بخش‌های عمومی و خصوصی، توسعه منطقه‌ای و ایجاد منطقه‌ای پویا، موفق و مترقی عنوان شده است. این طرح الزاماً سیاست‌های منطقه‌ای دیگر وزارتخانه‌ها را تعیین نمی‌کند، لیکن تا حد امکان به دنبال ایجاد یکپارچگی و هماهنگی در اقدامات فضایی توسعه منطقه‌ای است. همچنین طرح این سند تحمیلی و یا سندی همانند طرح‌های جامع منطقه‌ای نمی‌باشد. بلکه بیشتر در قالب یک چارچوب سیاستی راهبردی است که زمینه را برای توسعه پایدار فراهم می‌نماید.

همان گونه که بیان شد، RDS استراتژی‌های دیگر گروه‌ها را تعریف نمی‌کند اما مکمل آن‌هاست و با چشم‌انداز فضایی خود آن‌ها را تکمیل می‌نماید مانند تأثیری که بر موارد زیر می‌گذارد:

برنامه برای دولت (PFG)؛ استراتژی‌های سرمایه‌گذاری برای ایرلند شمالی؛ سرمایه‌گذاری گروه‌ها، تصمیم‌گیری شوراها، سرمایه‌گذاری و همچنین سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی. همچنین عوامل فوق به نیروهای محرک کلیدی مانند رشد جمعیت و جنبش، تغییرات جمعیتی، افزایش تعداد خانواده‌ها، نیازهای حمل و نقل، تغییرات اقتصادی، تغییرات اقلیمی و پیامدهای فضایی از بخش‌های که هنوز هم در جامعه مذکور وجود دارد، ربط پیدا می‌کند.

در سند RDS ایرلند شمالی برای اطلاع و راهنمایی تمام جامعه در بخش‌هایی برای ایجاد یک ایرلند شمالی پویا، مرفه و مترقی در هزاره سوم بررسی‌هایی صورت گرفته است؛ در این راستا توسعه آینده RDS تحت تأثیر منطقه از جمله منطقه دریایی است. بنابراین توسعه آینده به استفاده از زمین محدود نمی‌شود اما اهمیت زمین در این سند لحاظ شده است. بنابراین در RDS مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی با هدف دستیابی به توسعه پایدار و انسجام اجتماعی صورت می‌پذیرد (DRD، 2013، 12)، که اهم اهداف در این سند (تجدید نظر شده) عبارتند از:

- پشتیبانی قوی و رشد پایدار به نفع تمام نقاط ایرلند شمالی؛ اقتصاد رو به رشد منطقه‌ای که از مناطق قوی شهری و روستایی بهره‌مند می‌شود. که تحقق این امر نیاز به یک رویکرد هماهنگ برای ارائه خدمات، مشاغل و زیرساخت و تمرکز بر همکاری بین ارائه‌دهندگان خدمات دارد. همچنین رشد منطقه متوازن و مقابله با عدم تعادل منطقه از مسائل مهم برای منطقه در این سند است.
- تقویت بلفاست به عنوان یک منطقه پیشرو اقتصادی؛
- پشتیبانی از شهرها، روستاها و جوامع روستایی برای به حداکثر رساندن توانایی‌های بالقوه خود؛ چرا که شهرها و روستاها نقش کلیدی در حمایت از رشد اقتصادی دارند. آن‌ها فرصت استفاده از نظر پتانسیل برای رشد در بخش‌های جدید، ارائه تفریح روستایی و گردشگری، ارائه جذابیت‌هایی به عنوان مکانی برای سرمایه‌گذاری، زندگی و کار و ... را به عنوان یک مخزن از منابع طبیعی و بسیار با ارزش دارند.

- ارتقاء توسعه که باعث بهبود سلامت و رفاه جوامع می‌گردد؛ چرا که یک جامعه سالم قادر به استفاده بهتر از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی است. همچنین بهبود سلامت و رفاه نه تنها از طریق دسترسی آسان به خدمات و امکانات مناسب به دست آمده، بلکه از طریق ایجاد یک مجموعه اقتصادی قوی در یک محیط امن و جذاب. همچنین در این بند بیان شده است که تأمین مسکن اجتماعی و مقرون به صرفه نیز به ایجاد جوامع متعادل قوی کمک می‌کند.
- بهبود قابلیت اتصال و دسترسی به منظور افزایش جنبش مردم، کالاها، انرژی و اطلاعات بین مکان‌ها که به بهبود شبکه‌ای از شهرهای مرتبط خواهد انجامید. در این زمینه شهرهای همسایه در حمایت از یکدیگر و کرانه‌های خود در ارائه خدمات، ارتباط خوبی بین شهرها و مناطق روستایی برای دسترسی به خدمات و فرصت‌های کسب و کار حیاتی پیدا می‌کنند.
- حفاظت از محیط زیست به خاطر خود آن و برای افزایش کیفیت زندگی فعلی و نسل‌های آینده ضروری است. محیط زیست ایرلند شمالی یکی از بزرگترین دارایی‌های آن است، با مناظری خیره‌کننده، خط ساحلی برجسته، انواع پیچیده‌ای از حیات وحش و میراث ساخته شده و فرهنگی غنی که مستلزم خدمات اکوسیستمی است؛ چرا که حس مکان و تاریخ را برای همه فراهم می‌کند.
- نگاهی به اقدامات برای کاهش ردپای کربن جهت انطباق با تغییرات آب و هوا، چرا که تغییرات آب و هوایی یکی از جدی‌ترین مشکلاتی است که جهان ما با آن مواجه است. بدین منظور باید به فکر گرم شدن کره زمین، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای برای کمک به کاهش خطر تغییر آب و هوا و ترویج ساخت و ساز پایدار بود و نسبت به مصرف و تولید با هدف جلوگیری از اتلاف و مقابله با آن در خط دستورالعمل چارچوب زباله تجدید نظر شود.
- تقویت ارتباط بین شمال و جنوب، شرق و غرب، با اروپا و بقیه جهان که در حال حاضر همکاری وجود دارد و بر اساس شمال / جنوب، ترویج توسعه از طریق دروازه و اتصالات مرزی. چرا که برای پیشبرد توسعه باید بهبود ارتباط بین شرق / ارتباط غرب وجود داشته باشد. این امر امکان رقابت و تجارت با اروپا و سایر نقاط را به منظور دستیابی به دسترسی‌ها،

ارتباطات، آموزش و پرورش و اشتغال در بهبود بخشیدن به نیازهای جمعیت فراهم خواهد آورد.

- همچنین هدف از این استراتژی حمایت مدیران جهت دستیابی به رشد متعادل زیر مناطق بیان شده است (۲۰-۲۲، ۲۰۱۳، DRD).

مراحل

برخی از مهم‌ترین راهنمایی‌های استراتژیک سند استراتژی توسعه منطقه‌ای ایرلند شمالی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

۱- اقتصادی: اطمینان حاصل نمودن از کافی بودن زمین به منظور تسهیل رشد اقتصادی پایدار و ارائه یک رویکرد متعادل برای زیرساخت حمل و نقل و همچنین پیاده‌سازی یک رویکرد متعادل برای زیرساخت‌های مخابراتی به عنوان یک مزیت رقابتی و ترویج یک روش پایدار جهت معرفی و ارائه زیرساخت‌های گردشگری به عنوان یک منبع انرژی پایدار و امن.

۲- جامعه: تقویت انسجام جامعه، پشتیبانی از رنسانس شهری و روستایی و مدیریت رشد مسکن برای رسیدن به الگوهای پایدار توسعه مسکونی

۳- محیط زیست: کاهش رد پای کربن و تسهیل کاهش و انطباق با تغییرات آب و هوایی، بهبود کیفیت هوا، مدیریت زباله پایدار، حفظ، محافظت و در صورت امکان افزایش میراث ساخته شده و محیط طبیعی، تبلیغ یک رویکرد پایدارتر برای ارائه آب و خدمات فاضلاب و مدیریت بحران سیلاب.

۴- منطقه شهری: تبلیغ توسعه اقتصادی شهری در نقاط کلیدی و اطمینان از وجود زمین کافی برای مشاغل موجود، رشد جمعیت شهر بلفاست، تقویت نقش بلفاست مرکز شهر به عنوان پایتخت منطقه‌ای و تمرکز دولت، تجارت، خدمات تخصصی و امکانات فرهنگی، جنبش مردم و مدیریت کالاها، حفظ و افزایش کیفیت دارایی‌های زیست محیطی.

۵- هاب و خوشه هاب شامل؛ - شناسایی و تحکیم نقش و وظایف شهرک در خوشه - ترویج فرصت‌های توسعه اقتصادی در مرکز و رشد جمعیت در مرکز

۶- منطقه روستایی

- حفظ جوامع روستایی در شهرک‌های کوچک و احیای دوباره زندگی در حومه شهر

- دسترسی برای بهبود جوامع روستایی (7 و 8، 2013، DRD).

نتایج به دست آمده

ایرلند شمالی در سال ۲۰۱۳ جز مناطق تهیه کننده RDS بوده است. در واقع برنامه‌ریزی راهبردی از سال ۱۹۹۹ در اولویت ایرلند شمالی قرار گرفت. راهبرد توسعه منطقه‌ای در ایرلند شمالی با شعار ساخت چشم‌انداز آتی ما، با افق زمانی ۲۰۲۵ در سال ۲۰۰۱ تهیه شد. این سند در سال ۲۰۰۸ و سپس ۲۰۱۱ بازنگری و با عنوان راهبرد توسعه منطقه‌ای ۲۰۳۵ با شعار ساخت آینده بهتر نهایی گردید. چشم‌اندازی که در این طرح برای ایرلند شمالی ترسیم گردیده عبارت است از: منطقه‌ای پویا، قابل زیست و سالم، با تعلق مکانی بالا در یک بستر جهانی که در آن فرصت‌های توسعه برای تمامی کنشگران فراهم است و مردم از کار و زندگی و برخورداری از کیفیت زندگی بالا لذت می‌برند و جایی است که گوناگونی اجتماعی و تنوع (اقتصادی و اجتماعی) در آن بیش از آن که عامل جدایی باشد عامل پایداری است. بنابراین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS ایرلند شمالی شامل موارد زیر بوده‌اند: توسعه اقتصادی مناطق و زیرمناطق، ۲- نظم بخشی و هدایت توسعه متعادل سکونتگاهی، ۳- تعیین قطب‌های محلی و منطقه‌ای و خوشه‌های توسعه ۴- برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، ۵- حمایت از سیاست‌های دولت در زیر مناطق، ۶- مدیریت اشتغال، مسکن و زمین در مناطق، ۷- بهبود زیربنای توسعه جهانگردی در منطقه، ۸- تقویت همبستگی اجتماعی و فرهنگی، ۹- حمایت از رنسانس شهری، روستایی، ۱۰- تلاش فزاینده برای کاهش جای پای بوم شناختی، انطباق و کاهش عوامل منجر به گرمایش زمین، ۱۱- مدیریت پسماند منطقه‌ای ۱۲- حفاظت از میراث و ارزش‌های فرهنگی و محیط زیستی زیر مناطق، ۱۳- مدیریت منابع آب و مدیریت بحران در منطقه، ۱۴- ارتقای اقتصاد شهرها با تأکید بر منطقه کلان شهری بلفاست، ۱۵- تقویت رقابت‌پذیری منطقه‌ای (۴-۶، DRD، ۲۰۱۳).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای استونی ۲۰۰۵-۲۰۱۵

رویکرد اصلی در سند

رویکرد این مطالعه بسیار عملگرا است. روش انجام این مطالعه به عنوان کیفی، توصیفی تعریف

می‌شود. سازمان‌های دخیل توسعه که در این پژوهش نقش داشته‌اند، در دو مرحله بوده است. نخست فراهم و بررسی کردن اطلاعات و فعالیت‌ها در سازمان. ثانیاً با بسیاری از نقش‌آفرینان توسعه بر روی اقدامات توسعه و جو توسعه در این زمینه مصاحبه صورت گرفت. بدین منظور قالب مورد استفاده برای توصیف و ارزیابی اقدامات توسعه یک ابزار به نام چارچوب منطقی است. این چارچوب پایه‌ای برای نظارت بعدی و ارزیابی را فراهم می‌کند. بر این اساس رویکرد چارچوب منطقی بهتر است علاوه بر این از روش‌های دیگر و سؤالات خاص بر اساس معیارهای ارزیابی استفاده می‌شود. معیارهای ارزیابی اقدامات توسعه در این مطالعه عبارتند از: ارتباط، ضربه، اثربخشی، کارایی و پایداری (DEIA، 2007، 25).

اهداف سند

سیاست منطقه‌ای استونیایی در آغاز از ۱۹۹۰ آغاز شده و اگر چه هدف کلی آن (متعادل‌کننده توسعه منطقه) باقی مانده، اما سیستم خود را چندین بار تغییر داده است. سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی می‌تواند به عنوان مترادف نهادی سیاست‌های منطقه‌ای اتحادیه اروپا در استونی نام گیرد و به طور عمده بر توسعه گردشگری با تمرکز مناطق و محلات متمرکز بوده است. این پروژه با توجه تدارکات و فناوری اطلاعات و ارتباطات در میان اولویت‌های سیاسی در مناطق برخی از سازمان‌های توسعه به پروژه‌های بین‌المللی پیوست. به طور کلی، سیاست‌های منطقه‌ای استونیایی در تقویت هدف رقابت در مناطق و رویکرد مبتنی بر پروژه می‌باشد. همچنین هدف کلی از این سیاست عبارت است از کمک به توسعه‌ای که به طور کلی مناسب باشد و استونی را از نظر اقتصادی به تعادل رساند و از طریق حذف تنگناها در زیرساخت‌های محلی و افزایش جذابیت محلی مؤثر افتد.

همچنین اهداف خاص آن عبارت است از:

- ارائه فرصت‌های شغلی و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی (به طور مشترک با اقدامات دیگر).
- از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از استفاده از حداکثر پتانسیل توسعه محلی هستند؛
- افزایش مزیت‌های رقابتی خاص در مناطق در حال توسعه (DEIA، 2007، 27).

مراحل

مراحل کار سند منطقه‌ای استونیایی را که توسط وجوه ساختاری پشتیبانی می‌شود را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف) آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال؛

ب) گردشگری محلی و تفریح؛

ج) زیرساخت‌های حمل و نقل محلی؛

د) زیرساخت‌های فنی شهرداری.

پس از سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فوق؛ اساس تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌شود و سپس شروط زیر نیز مورد توجه قرار خواهند گرفت:

۱- موارد مذکور به عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی به روز و یا جامع ارائه شده‌اند؛

۲- به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جدا شده)؛

۳- کمک آشکارا به توسعه اجتماعی و اقتصادی (به طور عمده با مشخص کردن ارتباط با و یا پیوستن به دیگر اقدامات عملیات و یا برنامه‌ها)؛

۴- اثرات گسترده‌تر منطقه‌ای آن‌ها اندازه‌گیری خواهد شد. در این راستا دو طرح پشتیبانی جداگانه اجرا می‌شود. طرح اول را بخش‌های زیر پشتیبانی می‌کند: آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت حمل و نقل محلی، زیرساخت‌های فنی شهرداری. طرح دوم؛ گردشگری محلی و تفریحی و آماده استفاده مجدد از املاک قدیمی نظامی و صنعتی.

نتایج به دست آمده

سیاست منطقه‌ای استونیایی از سال ۱۹۹۰ آغاز شده است و سیاست منطقه‌ای کنونی در استونی منجر به "برنامه بهبود رقابت منطقه‌ای" و به طور عمده در توسعه گردشگری در تمرکز مناطق و محلات، فراهم آوردن فرصت‌های اشتغال و بالا بردن کیفیت زندگی مردم محلی، از بین بردن تنگناهای محلی که مانع از حداکثر استفاده از پتانسیل توسعه محلی می‌شود و توسعه مزیت‌های رقابتی خاص مناطق دیده شده است. منطق سیاست‌های منطقه‌ای استونیایی بر این فرض مبتنی است که شرایط زیرساخت‌های فنی و اجتماعی منطقه یکی از عوامل اصلی شکل دادن به کیفیت

زندگی هستند. در این راستا، عوامل کلیدی حمل و نقل خوب بین کار و زندگی مکان‌ها، و همچنین در دسترس بودن برخی خدمات عمومی (به عنوان مثال آموزشی، اشتغال و خدمات مختلف فنی) مطرح هستند. سیاست منطقه‌ای استونیایی در ارائه پیش شرط ضروری برای توسعه اقتصادی پایدار و برای افزایش اشتغال با استفاده از پتانسیل‌های خاص منطقه هدف‌گذاری شده است که اجرای این امر با هدف توسعه فرهنگی، کسب و کار و گردشگری محیط زیست مشخص و قابل اطمینان در مناطق از طریق فعالیت‌های یکپارچه متنوع صورت می‌پذیرد. دستیابی به اهداف ذکر شده با فرض تکیه بر ابتکار محلی و مشارکت، توسعه و برنامه‌ریزی تلاش مصلحت بلند مدت است که باید برای کمک به حفظ پایداری بخش مکمل با اقدامات دیگر پشتیبانی شود. وجوه ساختاری این بخش شامل: الف) آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، ب) گردشگری محلی و تفریح، ج) حمل و نقل محلی زیرساخت، د) زیرساخت‌های فنی شهرداری بوده‌اند. همچنین مهم‌ترین مباحث راهبردی پرداخته شده در RDS استونی شامل موارد: توجه به عنوان تنگناها در طرح توسعه محلی؛ به حداکثر رساندن رویکرد یکپارچه (برای جلوگیری از پروژه‌های پراکنده و جدا شده)؛ کمک آشکارا به توسعه اقتصادی اجتماعی (عمدتاً با مشخص کردن ارتباط یا لینک به سایر اقدامات/ عملیات و یا برنامه‌ها)؛ پیگیری اجرای دو طرح پشتیبانی جداگانه که طرح اول را بخش‌های زیر پشتیبانی می‌کند: آموزش و پرورش و زیرساخت‌های اجتماعی برای اشتغال، زیرساخت‌های حمل و نقل محلی و زیرساخت‌های فنی شهرداری و طرح دوم گردشگری محلی و تفریحی و استفاده مجدد از املاک و سایت‌های نظامی و صنعتی قدیمی را پشتیبانی می‌کند (۲۷-۲۹، ۲۰۰۷، DEIA).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای موراویای جنوبی

رویکرد اصلی در سند

استراتژی توسعه برای موراویا منطقه جنوبی یک سند مفهومی، با رویکرد بلند مدت (2006-2016) از منطقه است که به حمایت از توسعه در منطقه پرداخته است. این مجموعه اهداف توسعه استراتژیک منطقه را به عنوان یک برنامه کلی و کاربردی در نظر گرفته است (48، 2007، Vysoké, GaREP).

اهداف سند

پیشنهادات تحت استراتژی فوق به تجزیه و تحلیل مشخصات منطقه و همچنین به عنوان کل و همچنین اسناد استراتژیک و مفهومی منطقه‌ای و ملی است. که شامل چشم‌انداز و هدف جهانی منطقه جنوبی مورایا و همچنین اهداف جهانی و خاص از حوزه‌های اولویت‌دار توسعه است، با توجه به ماهیت این سند، که بسیار کلی است، اهداف و اقدامات پوشش کل طیف کلی از توسعه منطقه‌ای را در بر می‌گیرند و تعریف اقدامات و اولویت‌ها در اجرا کوتاه‌تر (معمولاً مدت ۳ سال) برای استراتژی و تعیین مراحل خاص برنامه توسعه منطقه‌ای، که به طور منظم برای این منظور به روز شد (GaREP, Vysoké, 2007, 48).

مراحل

مراحل انجام استراتژی توسعه برای منطقه مورایا جنوبی شامل فرایند زیر بوده است:

- ویژگی‌های مناطق، مراکز جمعیت، منابع انسانی، اقتصاد، زیرساخت‌های فنی، زیرساخت‌های اجتماعی، محیط زیست، منابع طبیعی و ویژگی‌های زمین، گردشگری و همکاری محلی و منطقه‌ای، تجزیه و تحلیل SWOT (قدرت (S)، نقاط ضعف (W)، فرصت (R)، تهدید (T) و پیشنهادات). همچنین در سند استراتژی توسعه منطقه‌ای مورایای جنوبی، حوزه‌های اولویت‌دار و اهداف جهانی و خاص شامل موارد زیر بوده‌اند:

- اولویت منطقه اول: اقتصادی
- اولویت منطقه دوم: محیط زیست
- اولویت منطقه III: منابع انسانی
- اولویت درست A: ساکنان و بازار کار
- اولویت منطقه IV: مراکز جمعیت
- اولویت منطقه V: حمل و نقل و فنی زیرساخت
- اولویت منطقه VI: همکاری

نتایج به دست آمده

استراتژی توسعه برای منطقه مورایا جنوبی یک سند برنامه‌ریزی است که رویکرد آن به سمت

کسب حمایت برای توسعه منطقه برای یک افق زمانی طولانی‌تر می‌باشد. اهداف استراتژیک آن توسعه منطقه را به عنوان یک کل و سایر قطعات عملکردی آن و اقدامات مهم که باید به تحقق اهداف منجر شود را مشخص می‌کند. می‌توان گفت سند برنامه اصلی تحت عنوان "استراتژی توسعه برای منطقه برنو" در سال ۱۹۹۹ نوشته شده بود، که تا آن زمان ایجاد نشده بود و سازمان‌های منطقه‌ای خود را هنوز انتخاب نکرده بود. لذا یکی از مهم‌ترین وقایع سال‌های اخیر، الحاق جمهوری چک به اتحادیه اروپا بوده است که به تاریخ سند برنامه تحت عنوان "استراتژی توسعه برای منطقه موراویای جنوبی" منجر گشت. در واقع بخش مهمی از استراتژی برای توسعه منطقه‌ای خلاصه‌ای از چارچوب مالی برای منطقه‌ای موراویای جنوبی می‌باشد، که وظیفه‌اش ارائه یک نمای کلی از وضعیت مالی موجود و روند ممکن در زمینه مالی است (۴ GaREP, Vysoké, ۲۰۰۷).

سند استراتژی توسعه منطقه‌ای کردستان عراق

رویکرد اصلی در سند

در طول مراحل توسعه، تفکر استراتژیک، به ویژه از آغاز هزاره سوم، به یک سری برنامه‌های استراتژیک موفق منجر شد، که به صورت گسترده توسط دولت‌ها و سازمان به تصویب رسید. در این میان آزمایش‌های عملی اثر خود را با توجه به تعامل با پویایی محیط زیست محلی و بین‌المللی و تغییرات مربوط به آن، که اغلب توسط تغییر ثابت و پیچیدگی افراطی مشخص به اثبات رسانده‌اند، نشان داده‌اند. این وضعیت به عنوان یک نتیجه از توسعه اقتصاد ملی و توسعه اقتصاد جهانی رخ می‌دهد، از سوی دیگر، علاوه بر پیامدهای جهانی شدن و تعامل بین اقتصادهای محلی و جهان است (Kurdistan Regional Government, 2011, 16). در این میان مهم‌ترین رویکردهای سند استراتژی توسعه منطقه‌ای را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- دستیابی به تعادل مطلوب بین نیازهای دولت و نیازهای جوانان؛
- افزایش بهره‌وری از برنامه توسعه جوانان از طریق اتخاذ یک رویکرد انتگرال به ارتباط بین اهداف برنامه؛
- ارائه فرصت‌های شغلی مناسب و کافی به تمام جوانان دارای تمایل به کار (Kurdistan Regional Government, 2011, 166).

اهداف سند

هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در عراق این بوده است که در چند سال گذشته منطقه کردستان از توسعه قابل توجهی در بسیاری از مناطق بهره برده است. این نتیجه از تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان بوده است. توسعه اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش در آمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... نمونه‌هایی از آن بوده‌اند. در پرتو توسعه‌های رخ داده در منطقه کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان بهره‌برداری شده که نهایتاً طرح توسعه استراتژیک را چند بعدی و مرتبط به هم معرفی نموده‌اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است.

مراحل

راهبرد توسعه منطقه‌ای در منطقه کردستان RDS به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، بخش کشاورزی و منابع آب، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه فضایی و پایداری زیست محیطی، حکومت‌داری خوب و بخش خصوصی بوده است که برخی از بخش‌ها مانند ابعاد اجتماعی (در بخش‌های جنسیت، جوانان، گروه‌های آسیب‌پذیر، فقر، خانواده‌های شهدا، قربانیان نسل‌کشی، و زندانیان سیاسی) و زیرساخت (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت، مسکن)؛ که در هر بخش اهداف RDS به طور مجزا برای همان بخش تدوین گردیده است، که بخش‌هایی مانند: چالش‌های استراتژیک، روند آینده، چشم‌انداز، مأموریت، اهداف RDS، نظارت و ارزیابی استراتژیک، شاخص دستاورد هدف، شاخص‌های نظارت دستاورد اهداف) در تمام بخش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است و برخی از

بخش‌ها با توجه به اهمیت بیشترشان از جنبه‌هایی بیشتری مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عنوان مثال: بهبود محیط اقتصادی و رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، توسعه سیستم‌های بانکی، بهبود منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد، و تلاش‌های ویژه‌ای برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، حفاظت از اراضی کشاورزی، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه کن کردن بی‌سوادی، ارائه فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی؛ حفظ، بازسازی و توسعه هویت فرهنگی و هنری کردستان، بهره‌برداری از ویژگی گردشگری دینی، تاریخی، طبیعی، فرهنگی و تمدنی و پتانسیل، اصلاح سازمان اقتصادی و حقوقی برای رسیدن به برابری در حقوق و فرصت‌ها برای زنان و مردان، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، و ارث، کنترل غلظت جمعیت در برخی از شهرستان‌ها؛ تعدادی از زیر بخش‌ها در ۱۴ بخش بوده‌اند.

نتایج به دست آمده

استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در شمال عراق - هدف از ایجاد تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) در عراق این بوده است که در چند سال گذشته منطقه کردستان از توسعه قابل توجهی در بسیاری از مناطق بهره برده است که این امر نتیجه تلاش دولت برای به دست گرفتن فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی مردم منطقه و زیرساخت‌های کردستان شده است. توسعه اقتصادی، افزایش در تنوع محصولات محلی، افزایش در آمد فعلی، افزایش تولید ناخالص ملی و... . نمونه‌هایی از آن بوده‌اند. در پرتو پیشرفت‌های رخ داده در منطقه کردستان، وزارت برنامه‌ریزی حکومت کردستان (MOP)، اتخاذ یک رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک به منظور افزایش فرایند توسعه را طی برنامه‌ای پنج ساله که مرجع برای تمام پروژه‌های توسعه و سرمایه‌گذاری آینده است را در نظر گرفت. در این طرح راهبردی، از تجربیات موفق تعدادی کشور در سراسر جهان به بهره برده شده است که نهایتاً این طرح توسعه استراتژیک را چند بعدی

و مرتبط به هم معرفی نموده‌اند؛ که شامل تمام بخش‌های اقتصاد و نیاز به حضور اجتماعی مردم در آن لحاظ شده است. راهبرد توسعه منطقه‌ای در منطقه کردستان RDS به شکلی جامع و فراگیر در ۱۴ بخش شامل: اقتصاد کلان، بخش مالی، جمعیت و نیروی انسانی، آب و کشاورزی، بخش منابع، صنعت، بخش انرژی، زیرساخت، آموزش و پرورش و آموزش عالی، بهداشت، گردشگری، ابعاد اجتماعی، توسعه فضایی و بوده است که در هر بخش اهداف RDS به طور مجزا برای همان بخش تدوین گردیده است. به عنوان مثال: بهبود محیط اقتصادی و رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود منابع بودجه، تنوع بخشیدن به منابع درآمد، و تلاش‌های ویژه برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، افزایش سهم تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، ارائه فرصت‌های آموزش و پرورش برای همه و حذف شکاف آموزشی بین مناطق شهری و روستایی، حفظ و توسعه هویت فرهنگی و هنری، قانون خانواده، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، و ارث، کنترل غلظت جمعیت در برخی از شهرستان‌ها (Kurdistan, 2011: 1-215).
 (Regional Government Ministry of Planning).

نتیجه گیری

نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در باب توسعه منطقه‌ای و سیر تکامل آن‌ها نشان می‌دهد که استراتژی توسعه منطقه‌ای به‌عنوان رویکردی نوین، کارآمد و آزموده شده جهت دستیابی به توسعه‌ی پایدار منطقه‌ای می‌باشد که شاید چنین دیدی را با نگاهی از درون و جزئی توان به دست آورد. جهت فراهم شدن چنین شرایطی و تسهیل در انجام آن لازم است در ابتدا شهرها از درون به‌طور هدفمند مورد هدایت و ساماندهی قرار گیرند. بدین ترتیب نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرهای وابسته به هم که ساختار نظام سکونتگاه‌های شهری در یک ناحیه، منطقه، کشور و جهان را پدید می‌آورند. نظام شهری علاوه بر مجموعه کالبدی از سکونت‌گاه‌ها، شامل جریان‌ها و ارتباطات میان سکونت‌گاه‌ها نیز می‌باشد. برخی از این ارتباطات عبارت‌اند از

جریان سرمایه، جمعیت، عوامل تولید، اطلاعات و نوآوری‌ها (حیدری، ۱۳۹۲: ۸۴). استراتژی توسعه منطقه‌ای از طریق توسعه هماهنگ و یکپارچه و سرمایه‌گذاری‌های پراکنده در کل منطقه با ایجاد محورهای توسعه موافق است، هم چنان که تهیه طرح استراتژی توسعه منطقه‌ای در کشورهای ایرلند شمالی، استونی، موراویای جنوبی و کردستان عراق با تفاوت‌های طبیعی، ساختاری، اقتصادی و سطوح متفاوت توسعه‌یافتگی گواهی بر این مدعاست.

همچنین با توجه به تجارب و نمونه‌های بررسی شده از طرح (RDS) این گونه استنباط می‌شود که رسیدن به توسعه متوازن و پایدار منطقه‌ای در ابتدا مستلزم شناخت وضعیت فعلی منطقه می‌باشد، مانند رتبه‌بندی بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی و ... که غفلت از این اهداف انسانی و اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، شهرها را با چرخه نامطلوبی از عدم تعادل‌های اجتماعی- اقتصادی روبه‌رو و چالش‌های بی‌سابقه‌ای چون بی‌عدالتی در توزیع خدمات عمومی و سلامت اجتماعی شهری را سبب گشته است. در این رابطه، توجه به تخصیص منابع از سوی مدیریت شهری، با توجه به میزان تأکید بر عدالت اجتماعی، رضایت جمعیت شهری را به دنبال خواهد داشت، زیرا تخصیص منابع همراه با عدالت اجتماعی، مردم شهری را در سهولت دسترسی به خدمات شهری و نیز افزایش کارایی آن‌ها یاری می‌دهد. بنابراین برخورد صحیح مدیریت شهری با واقعیت پیچیده‌ای چون شهر و ملزومات مختلف آن، نیازمند درک جامع و مدیریت سیستمی شهر به‌ویژه از بعد تأمین امکانات و خدمات مختلف شهری، لزوم پراکنش صحیح آن و اجرای عدالت فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات مناسب زیستی می‌باشد (زیاری، مهدیان بهنمیری و مهدی، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

در واقع بر اساس نمونه‌ها مورد بررسی به نظر می‌رسد که الگوی RDS در این زمینه با در نظر گرفتن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی موجود؛ مشارکت اجتماع‌های محلی و توجه مضاعف به زیر مناطق و توانمندسازی استعدادها بالقوه آنان جهت واگذاری برخی از مسئولیت‌های شهر یا منطقه اصلی، تقویت بخش‌های اقتصادی و مالی، جمعیت و نیروی انسانی، دستیابی به بهره‌برداری بهینه از منابع آب، بخش منابع، صنعت، خدمات و انرژی، توسعه فضایی، رشد متوازن در منطقه‌ای و سطح بخشی، بهبود در وضعیت منابع بودجه، تلاش برای بازسازی زیرساخت‌های گردشگری، کشاورزی و صنایع تولیدی در حمایت از صادرات، اتخاذ یک استراتژی برای بالا بردن وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان و فرصت مشارکت، افزایش سهم

تولید ناخالص داخلی، یکپارچه‌سازی پشتیبانی بین بخش‌های صنعتی دولتی و خصوصی، بهبود موقعیت جغرافیایی منطقه در رابطه با حمل و نقل و ترانزیت، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، حفاظت در برابر خشونت، حق مالکیت، اشتغال، حقوق سیاسی، کنترل غلظت جمعیت و بسیار مؤثر عمل می‌نماید. حال از آن جایی که الگوی RDS بسیار منعطف عمل می‌کند و ابداً قطعی و الزامی دستوری صادر نمی‌کند؛ می‌توان در شرایط مختلف راهکارهای اجرایی متفاوتی را برای الگوهای آن ارائه نمود. با این توضیح حرکت و ادامه مسیر زیر مناطق و بالتبع شهرها، باید در راستای اهداف استراتژی توسعه منطقه‌ای (RDS) صورت گیرد.

همان‌گونه که بیان شد؛ راهبرد توسعه منطقه‌ای با تفکر راهبردی، اجتماع‌محور و انعطاف‌پذیر خود در برقراری تعادل‌های منطقه‌ای بسیار مؤثر است چرا که در این الگو تلاش می‌شود تا از توان‌ها، ظرفیت‌ها و اقدامات و همکاری تمامی مناطق بهره‌جست و آن را به بهترین شکل ممکن سازمان دهی کرد.

منابع

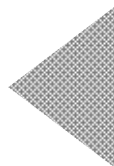
- پژوهان، موسی (۱۳۹۳)، «راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS) و راهبرد شبکه منطقه‌ای (RNS)؛ مقدمه‌ای بر ادغام یک دستورالعمل توسعه‌ای در یک پارادایم نظری»، **همایش ملی نظریه‌های نوین در معماری و شهرسازی**، قزوین.
- حیدری، علی (۱۳۹۲)، «تحلیل ابعاد کالبدی- فضایی تمرکزگرایی در نظام شهری ایران»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۴۷، صفحات ۱۰۰-۸۳.
- داگلاس، مایک (۱۳۸۹)، «استراتژی ایجاد شبکه منطقه‌ای به منظور تقویت پیوندهای میان شهر و روستا»، ترجمه: سوسن چاره‌جو، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، شماره ۲۰، صفحات ۹۵-۸۶.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۹)، **مدیریت توسعه روستایی (بنیان‌های نظری)**، تهران، سمت.
- سجودی، مریم (۱۳۹۵)، **تدوین الگوی استراتژی توسعه منطقه‌ای شهرستان رشت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: یاسوری، مجید، دانشگاه گیلان.
- صرافی، مظفر؛ نجاتی، ناصر (۱۳۹۳)، «رویکرد نو منطقه‌گرایی در راستای ارتقای نظام مدیریت توسعه فضایی ایران»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شماره ۴.
- محمدی، علیرضا (۱۳۹۲)، «راهبرد توسعه منطقه‌ای (RDS)»، **اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار**، تهران.

- Acioly Claudio (2003), *The Meaning and Scope of Urban Management: An Introductory Note*, in Sirry, Azza 'Urban Management Practices in

Secondary Cities in Egypt: the case of Belbeis', EliasModern Publishing House, Cairo, Egypt.

- Regional Development Strategy Of Estonia(2005-2015), **Regional Development Department of the Ministry of Internal Affairs.**
- UK Department for Regional Development (DRD)(2003), **Northern Ireland Regional Development.**
- UK Department for Regional Development(DRD)(2008), **Northern Ireland Regional Development**
- UK Department for Regional Development (DRD) (2013), **Northern Ireland Regional Development Strategy 2035.** For Northern Ireland. Department for Regional Development. Strategic Planning and Co-ordination Division. From: www.drdsn.gov.uk/RDS2035. Accessed on 18 November 2013.
- Othman Sindi, Ali, Regional Development Strategy for Kurdistan Region 2012-2016 (2011), **Kurdistan Regional Government Ministry of Planning**
- GaREP, spol. s r. o , Vysoké učení technické v Brně, (2007),**Regional Development Strategy-South Moravian Region**, Concise versin for general public, Published by the Department of Regional Development, the Authority of the South Moravian Region, BRNO.
- Yann Chiu(2009), Shenthe Use of Corporate Synergy Systems in Promoting Industrialwaste Minimization in Small and Medium Enterprises in Taiwan, **Taiwan Environmental Management**, As sociation, Taipei International Green Productivity Association, Taipei (2009).pp105-115.

بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران و کشورهای منتخب با تمرکز بر اثر وقوع بحران مالی اخیر



سید عزیز آرمن^۱

احمد صلاح منش^۲

رضا علائی^۳

(تاریخ دریافت ۹۶/۶/۲۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۱۰/۲۰)

چکیده

تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی به عنوان ویژگی معمول و تکرار شونده تعارضات سیاسی بین کشورها مطرح گردیده، به طوری که پس از پایان جنگ سرد رشد بسیار چشمگیری داشته است. جمهوری اسلامی ایران جزء معدود کشورهایی است که حدود چهل سال به وسیله تحریم‌های کوچک و جامع تحت فشار قرار داشته است ولی با این وجود به گمان بسیاری از محققین این تحریم‌ها هرچند که هزینه‌های اقتصادی را به ایران تحمیل کرده، اما نتوانسته اهداف کشورهای تحریم‌کننده که تغییر رفتار جمهوری اسلامی بوده را محقق سازد. در این مطالعه به بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران با ۵۲ کشور منتخب با در نظر گرفتن اثر بحران مالی اخیر طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ و با استفاده از مدل جاذبه پرداخته شده است.

۱- استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، saarman2@yahoo.com

۲- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)، salahmanesh@yahoo.com.au

۳- دانشجوی دکتری رشته اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، rezaal66@gmail.com

نتایج حاکی از آن است که علیرغم اثر منفی و معنادار تحریم‌ها بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب، بحران مالی اخیر منجر به کاهش اثر آن از ۲۱ درصد به ۹ درصد گردیده است و در واقع اثر رکود ناشی از بحران مالی اخیر در تقابل با اثر تحریم‌ها به نفع ایران عمل نموده است.

واژگان کلیدی: تحریم‌های جامع شورای امنیت، بحران مالی، مدل جاذبه، حجم تجارت.

۱- مقدمه

با مروری بر تاریخ اقتصادی- سیاسی کشورها مشخص می‌گردد که استفاده از ابزار تحریم در چند دهه اخیر متداول گردیده است. از سال ۱۹۹۰، به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، کاربرد سیاست تحریم اقتصادی رشد چشمگیری را از خود نشان داده است به طوری که در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰، یعنی در طول نزدیک به ۷۵ سال، در مجموع ۱۱۵ تحریم اقتصادی علیه کشورهای مختلف تصویب و به اجرا گذاشته شده است که به طور متوسط برابر با ۱/۵ تحریم در سال می‌باشد و این در حالی می‌باشد که از سال ۱۹۹۰، تعداد تحریم‌های اقتصادی به شدت افزایش یافته است به طوری که در فاصله ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ کشورهای جهان ۶۶ تحریم اقتصادی را تجربه کرده‌اند که معادل با ۶/۶ تحریم در سال می‌باشد (هافبوتر و همکاران، ۲۰۰۷)^۱. با نگاهی به تحریم‌های صورت گرفته مشخص می‌شود که سردمدار کشورهای تحریم کننده، آمریکا می‌باشد به طوری که بعد از جنگ جهانی دوم به صورت متداول تحریم‌های اقتصادی را به کار برده است. در وضعیتی مشابه، این تحریم‌ها چندین مرتبه توسط سازمان‌های چندجانبه^۲ همانند سازمان ملل در سال‌های اخیر به کار گرفته شده است. در حقیقت از زمانی که دیوار برلین فرو ریخت، تحریم‌ها به عنوان ابزار عمومی شورای امنیت سازمان ملل به کار برده شده است (کورسو، ۲۰۰۳)^۳ به طوری که سازمان ملل متحد قبل از تحریم عراق در سال ۱۹۹۰، تنها دو بار دست به تحریم همه جانبه (یکی بر علیه رودزیا در سال ۱۹۶۶ و

۱- Hufbauer, Gary C., Jeffrey J. Schott, Kimberley A. Elliott and Barbara Oegg,

۲- Multilateral

۳- Caruso,

دیگری تحریم تسلیحاتی همه جانبه علیه آفریقای جنوبی در سال ۱۹۷۷) زده است (روحانی، ۱۳۸۱: ۳۴) و این در حالی است که تعداد تحریم‌های اعمال شده در طول دهه گذشته از طریق سازمان ملل، به شدت افزایش یافته است. یکی از کشورهایی که به صورت متداول مورد تحریم‌های مختلف قرار گرفته، جمهوری اسلامی ایران (به ویژه بعد از انقلاب اسلامی) می‌باشد. تحریم‌های اقتصادی بعد از انقلاب، به طور کلی از زمان ریاست جمهوری جیمی کارتر (۱۹۷۹) آغاز گردیده و به صورت‌های مختلف تا حالا ادامه داشته است. تحریم‌های پس از انقلاب از سه منبع اصلی سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا نشأت گرفته است که البته کشورهای متفاوت نیز در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ به صورت فزآینده‌ای تحریم‌های یک جانبه را بر ایران تحمیل کرده‌اند. گرچه تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار معمولی در میان روابط بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته است، اما مفید و کارا بودن آنها به طور دائم مورد بحث و شک قرار دارد به طوری که تعدادی از محققین معتقد هستند که سیاست‌های تحریم به طور عمومی در دوران بعد از جنگ سرد بی‌اثر بوده است^۱ و تعدادی دیگر اعتقاد دارند که تحریم‌ها می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر، در پیشبرد اهداف سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد.^۲ از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ جهان از یک طرف شاهد اعمال تحریم‌های جامع شورای امنیت علیه ایران و از طرف دیگر درگیر بحران مالی (اوج این بحران بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ قابل مشاهده است) بوده است. به نظر می‌رسد که رخداد بحران مالی بر تحریم‌های جامع شورای امنیت علیه ایران اثر گذاشته باشد. از این رو در این مقاله برآنیم که به بررسی چگونگی اثرگذاری تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب پرداخته و اثر بحران مالی اخیر بر چگونگی این اثرگذاری را بررسی کنیم که در این راستا حجم تجارت ایران^۳ و ۵۲ کشور منتخب^۴ را بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ مورد ارزیابی قرار خواهیم داد. بدین منظور در بخش دوم

۱-Pape, 1997, 1998; Nurnberger, 2003

۲-Philip I. Levy

۳-Cortright and Lopez,

۴- به دلیل در دسترس نبودن حجم تجارت نفتی دو جانبه ایران با کشورهای منتخب، تجارت غیر نفتی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵- لیست کشورهای منتخب در ضمیمه ۱ آورده شده است.

تا چهارم این مقاله به بررسی ادبیات تحریم، مروری بر تحریم‌های اعمالی علیه ایران از سال ۲۰۰۶ به بعد و مرور کارهای تجربی صورت گرفته در زمینه تحریم‌ها خواهیم پرداخت و در بخش پنجم و ششم تصریح مدل و ارائه نتایج و تحلیل‌ها ارائه خواهد شد و در پایان نیز نتیجه‌گیری بیان می‌گردد.

۲- مروری بر مبانی نظری و ادبیات تحریم‌های اقتصادی

فرضیه تحریم را اولین بار گالتون (۱۹۶۷)^۱ برای بیان اعلام نارضایتی و بازداشتن برخی از رفتارهای کشورها بیان کرده است (یاوری و محسنی، ۱۳۸۹). کلمه تحریم گستره زیادی از فعالیت‌های بین‌المللی را پوشش می‌دهد.^۲ هدف تحریم‌ها روشن و ساده می‌باشد، تحریم‌ها اعمال می‌گردند تا یک کاهش شدید در رفاه اقتصادی کشور هدف را به وجود آورند و بنابراین موجب کاهش اشتیاق آن کشور برای پافشاری بر مخالفت با روند حاکم بر جامعه جهانی گردد. به طور کلی تحریم‌های اقتصادی، فعالیت‌هایی هستند که یک کشور (یا کشورهای) تحریم‌کننده (فرستنده)، محدودیت‌هایی را بر جریان کالاها، خدمات و یا سرمایه بین خود و کشور دیگر (کشور هدف)، با هدف نهایی ایجاد سیاست‌های خارجی مشخص و یا بالابردن امنیت ملی ایجاد کند (فارمر، ۲۰۰۰). کورسو (۲۰۰۳)^۳ سه دسته از تحریم‌ها را به صورت زیر تعریف می‌کند:

بایکوت^۴: اعمال محدودیت‌هایی بر واردات یک یا چند کالا از کشور هدف (کشور مورد تحریم) که هدف از این نوع تحریم، کاهش قدرت رقابت‌پذیری صادرات کشور هدف و کاهش درآمدهای ارزی و وارد آمدن خسارت به صنایع آن کشور می‌باشد.

ممنوعیت^۵: تحت این نوع تحریم، صادرات کالاها مشخصی به کشور هدف ممنوع می‌گردد.

تحریم‌های مالی^۱: وام دادن و سرمایه‌گذاری در کشور هدف، محدود و یا غیر قانونی اعلام

۱-Galtung,

۲-Fregson and Cotter

۳-Caruso

۴-Boycotts

۵-Embargo

می‌شود. این حالت شامل مصادره دارایی‌ها نیز می‌گردد (مانند مورد ایران و یا نیکاراگوئه).

همچنین تحریم‌های اقتصادی را می‌توان از سه جهت گروه‌بندی کرد (زمانی، ۲۰۰۷):

الف) اهداف تحریم: تحریم‌های اقتصادی اساساً برای سه منظور به کار برده می‌شوند: نخست مهار حکومت، دوم تغییر رفتار حکومت و سوم تغییر نوع حکومت. طبیعتاً، هرچه هدف تحریم بلند پروازانه‌تر باشد، اجرای آن دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد بود (ایتن و اینگرز، ۱۹۹۹).^۲ لذا، اجرای مؤثر تحریم‌های بلند پروازانه غالباً مستلزم جلب موافقت اقتصادی و سیاسی کشورهای متعددی می‌باشد.

تعداد کشورهای شرکت‌کننده: به لحاظ تعداد شرکت‌کنندگان، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند یک‌جانبه^۳، چندجانبه^۴ و همه‌جانبه یا جامع^۵ باشند. تحریم‌هایی که تنها از جانب یک کشور اعمال می‌گردد را تحریم‌های یک‌جانبه گویند و از آنجایی که هزینه اعمال آن بر دوش یک کشور می‌باشد و کشور تحت تحریم (کشور هدف) می‌تواند نیازهای اقتصادی خود را از کشورهای دیگر که در تحریم شرکت نکرده‌اند برآورده سازد، معمولاً از کارآیی و شانس موفقیت کمتری برخوردار می‌باشد. در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم‌های همه‌جانبه قرار دارند که مستلزم صدور قطعنامه توسط شورای امنیت سازمان ملل و فعال کردن ماده ۴۱ فصل هفتم منشور سازمان ملل می‌باشند. از آنجا که کلیه کشورها قانوناً موظف به اجرای این تحریم‌ها می‌باشند، این گونه تحریم‌ها می‌توانند از کارآیی بسیار بالایی برخوردار باشند ولی از آنجایی که جلب موافقت کلیه اعضای دائمی شورای امنیت که دارای حق وتو هستند، دشوار و زمان‌بر است، تعداد این تحریم‌ها معدود بوده و تنها در شرایطی خاص عملی می‌باشند. تحریم چند جانبه حد میان تحریم‌های یک‌جانبه و همه‌جانبه است و در موارد مناسب می‌تواند از کارآیی و سرعت قابل توجهی برخوردار باشد.

۱-Financial Sanction

۲-Eaton and Engers,

۳-Unilateral

۴=Multilateral

۵-Comprehensive

دامنه پوشش بخش‌های اقتصادی: به لحاظ دامنه پوشش بخش‌های اقتصادی، تحریم‌ها را می‌توان به دو گونه‌ی فراگیر و هوشمند (یا هدفمند) تقسیم‌بندی کرد. تحریم‌های فراگیر به تحریم‌هایی گفته می‌شوند که آثار آنها قابل کنترل نبوده و دامنه خسارات و ضایعات آنها کلیه بخش‌های اقتصادی و گروه‌های اجتماعی - جمعیتی را در بر بگیرد. از سوی دیگر، تحریم‌های هوشمند به تحریم‌هایی گفته می‌شوند که می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی معینی را هدف قرار دهند و دامنه خسارات تحریم را به گروه‌های اجتماعی معینی محدود سازند که به عنوان مثال می‌توان به تحریم‌های مالی، منع فروش و انتقال تجهیزات نظامی و ممنوعیت‌های مسافرتی اشاره کرد.

۳- تحریم‌های اعمالی علیه ایران

جمهوری اسلامی ایران به دفعات متعدد و به بهانه‌های مختلف از قبیل حمایت از تروریسم، نقض آزادی مذهب و غیره مورد تحریم‌های مختلف یک و چندجانبه قرار گرفته است ولی با تشدید بحران هسته‌ای ایران در اوایل قرن بیست و یکم تحریم‌های ایران دوران جدیدی را آغاز نموده است. در این دوران حکام آژانس، پرونده ایران را به این بهانه که نگران گسترش سلاح‌های هسته‌ای ایران هستند، در فوریه ۲۰۰۶ به شورای امنیت ارجاع دادند که در همین ماه نیز جورج بوش (رئیس جمهور وقت آمریکا) پیشنهاد تخصیص ۸۵ میلیون دلار برای ایجاد تغییرات سیاسی در ایران را صادر کرد. در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، شورای امنیت قطعنامه ۱۷۳۷ را علیه ایران صادر نمود که به موجب آن مجموعه‌ای از تحریم‌ها، شامل تحریم تأسیسات حساس هسته‌ای و توقیف دارایی‌ها و شرکت‌های ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را به تصویب رساند و به ایران ۶۰ روز فرصت داده شد تا غنی‌سازی اورانیوم را به حال تعلیق درآورد. قطعنامه فوق کلیه کشورهای عضو سازمان ملل را موظف به اجرای قطعنامه می‌کند و به این ترتیب برنامه تحریم اقتصادی ایران را وارد مرحله جدیدی می‌سازد که همه‌جانبه است. در مارس ۲۰۰۷، دومین مجموعه از تحریم‌های شورای امنیت با توجه به قطعنامه ۱۷۴۷ بر علیه ایران تصویب شد. این قطعنامه خواستار اجرای ماده ۴۱ از فصل ۷ منشور سازمان ملل شد و اجرای بیش‌تر مفاد آن را با حذف اقدام نظامی، اجباری کرد. در اکتبر ۲۰۰۷ آمریکا لیست مربوط به افراد و نهادهای مرتبط با گسترش فعالیت‌های هسته‌ای و یا حمایت از تروریست، با تمرکز بر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به ویژه نیروی قدس، بانک‌های دولتی مهم، بخش انرژی و شرکت‌ها و مقامات متهم به حمایت از گسترش فعالیت‌های هسته‌ای را گسترش داد. مارس ۲۰۰۸ سومین قطعنامه‌ی شورای

امنیت علیه ایران به تصویب رسید (قطعنامه ۱۸۰۳) که به موجب آن محدودیت‌های مسافرتی و مالی بر افراد و شرکت‌ها افزایش یافت و اجرای برخی از این محدودیت‌ها را اجباری کرد. در ژوئن ۲۰۰۹ انتخابات دور دهم ریاست جمهوری برگزار شد که به دلیل اعتراض برخی کاندیدها نسبت به نتیجه انتخابات، کشور جمهوری اسلامی ایران حدود ۷ ماه (۶/۱۲ تا ۲۰۰۹/۱۲/۳۰) درگیر چالش‌های سیاسی داخلی گشت و موجب سوء استفاده کشورهای غربی و بهره جستن از این موقعیت برای صدمه زدن و تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران گردید به طوری که در مارس ۲۰۰۹ آمریکا فرمان اجرایی ۱۲۹۵۹ (تصویب سال ۱۹۹۵) را تجدید کرد (ترتیب، ۲۰۰۵).^۱ در ژوئن ۲۰۱۰ شورای امنیت چهارمین تحریم که شدیدتر از سایرین بود را طی قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ایران وضع کرد. این قطعنامه، ایران را از کلیه فعالیت‌های تجاری مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم، مواد هسته‌ای و فن‌آوری کشورهای دیگر محروم و کشورهای عضو سازمان ملل متحد را از انتقال هرگونه سلاح و تجهیزات نظامی، سیستم‌ها و قطعات مرتبط با آنها به ایران منع کرد. از موارد مهم این قطعنامه می‌توان به تحریم سپاه پاسداران و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی اشاره کرد. پس از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه ایران آغاز نمودند که از نظر شدت و گستردگی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در اول جولای ۲۰۱۰ آمریکا تحریم جامعی تحت عنوان قانون جامع تحریم‌ها و عدم سرمایه‌گذاری (CISADA)^۲ علیه ایران را به تصویب رساند که به طور قابل ملاحظه‌ای موجب بهبود، توسعه و گسترش قانون تحریم ایران در سال ۱۹۹۶ (ILSA)^۳ گردید. CISADA تحریم‌های جدیدی علیه بانک‌ها و مؤسسات مالی که در معاملات ایران به کار گرفته می‌شدند را فراهم می‌کرد و مجازات‌های کیفری برای نقض‌کنندگان موارد تحریم‌ها را افزایش می‌داد. در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱ ایالات متحده از ایران به عنوان منطقه‌ای برای شروع عملیات پولشویی نام برد. ایالات متحده همچنین ۱۱ سازمان مظنون به کمک در برنامه‌های هسته‌ای ایران را در لیست سیاه خود قرار داد و تحریم‌های گسترده‌ای علیه شرکت‌هایی که به صنایع نفت و پتروشیمی ایران

۱-Torbat

۲-The Comprehensive Iran Sanctions, Accountability, and Divestment Act of 2010

۳-Iran and Libya Sanctions Act of 1996

کمک می‌کردند را در نظر گرفت. در ۳۱ دسامبر رئیس جمهور ایالات متحده قانون اعمال تحریم بر مؤسسات مالی معامله‌کننده با بانک مرکزی ایران که مجرای اصلی برای درآمدهای نفتی ایران بودند را امضاء کرد. در اول ژانویه ۲۰۱۲ رئیس جمهور آمریکا تحریم بانک مرکزی ایران، که به موجب آن بانک‌ها و شرکت‌های خارجی که با بانک مرکزی ایران معامله کنند را مشمول جریمه‌های سنگین قرار می‌داد را امضاء کرد. در ژوئیه همین سال اتحادیه اروپا نیز تحریم خرید نفت ایران را به اجرا در آورد و در مارس نیز اقدام به تعلیق دارائی‌های بانک مرکزی و تحریم سوئیفت بانکی با هماهنگی آمریکا نمود. ممنوعیت مبادلات بین بانک‌های ایرانی اروپا، مسدود کردن تمامی اعتبارات بانکی کوتاه‌مدت به ایران و ممنوعیت واردات گاز ایران و صادرات بسیاری از فلزات از جمله اقدامات دیگری بود که در اکتبر سال ۲۰۱۲ توسط اتحادیه اروپا به اجرا درآمد^۱.

۴- مروری بر مطالعات تجربی

در ادبیات تحریم کارهای زیادی صورت گرفته است و به مطالعه در مورد اثربخشی تحریم‌های یک و چندجانبه، هزینه‌های تحمیلی تحریم بر کشورهای تحریم‌کننده و شونده پرداخته شده است^۲. تحریم‌های صورت گرفته علیه ایران نیز زمینه مناسبی برای انجام مطالعات در زمینه اثرگذاری تحریم‌ها را فراهم کرده است، به گونه‌ای که تأثیر تحریم‌های مختلف بر ایران در مطالعات متعددی مورد بررسی قرار گرفته است^۳. آموزگار (۱۹۹۷) ۴ بیان می‌کند که تحریم‌های آمریکا نتایج مورد انتظار، که تغییر حکومت اسلامی می‌باشد را در بر نداشته است. کلاوسن (۱۹۹۸)^۵ نشان می‌دهد که تحریم‌ها، ایران را متقاعد به تغییر رفتار نکرده است. دادخواه

۱ - برای مطالعه بیشتر در رابطه با تاریخچه تحریم‌های اعمالی علیه ایران به طغیانی و همکاران (۱۳۹۳)، زمانی (۲۰۰۷) و یا علائی (۱۳۹۱) می‌توانید مراجعه کنید.

۲-Richardson, Warrior,1986, Spandau, Arnt,1979, Eaton and Engers,1999, Saqib Jafarey, Richard D farmer,2000, Sajal Lahiri,2001, Allen,2005, Massimo D'Antoni ,Roberto Galbiati, 2007 ,Abel Escriba-Folch, 2010 , Petrescu,2008, Charumbira, 2008, Afesorbor, S. K., & Mahadevan, R, 2016, David Lektzian, Patrick M Regan,2016.

۳-Ernest Preeg, 1999,Alikhani, Hossein, 2000 ، Askari, Hossein Et Al, 2001, Torbat, Akbar, 2005

۴-Amuzegar, Jahangir,1997a And 1997

۵-Patrick Clawson

و زنگنه (۱۹۹۸)^۱ متذکر می‌شوند که آمریکا از طریق گفتگو با ایران به شکل بهتری می‌تواند به اهدافش دست یابد. بنفشه و سایرین (۲۰۱۳)^۲ به بررسی اثر بالقوه تحریم‌ها بر توریسم ملی و بین‌المللی با استفاده از تحلیل‌های کلان و مطالعات کتابخانه‌ای پرداخته‌اند. نتایج آنها نشان‌دهنده کاهش در گردشگری خروجی^۳ و افزایش در گردشگران ورودی^۴ و داخلی در سال‌های اخیر می‌باشد. در واقع تحریم‌های اعمالی علیه ایران دارای هر دوی اثرات مثبت و منفی بر گردشگری ایران بوده است. آنها بیان می‌کنند که از سال ۲۰۰۸ تعداد گردشگری داخلی ایران به علت کاهش مسافرت ایرانیان به خارج افزایش یافته است که این کاهش گردش به خارج به علت سقوط ارزش ریال که ناشی از تحریم کشورهای غربی بوده است، می‌باشد. اکبری‌فرد و سایرین (۲۰۱۴)^۵ در دو مقاله جداگانه به بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر همگرایی منطقه‌ای ایران در بلوک‌های شانگهای، اکو و D8 به کمک مدل جاذبه طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. نتایج آنها مبین عدم اثرگذاری تحریم‌ها بر همگرایی در بلوک‌های فوق در سال‌های مذکور بوده است. یزدانی و نوذری (۲۰۱۵)^۶ با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی نشان داده‌اند که بر اساس رئالیسم و لیبرالیسم، تحریم‌های اقتصادی دارای زیان‌های سنگینی بر ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی بوده است. تحریم‌ها همچنین منجر به تغییر رفتار سیاسی ایران و کشورهایی که این تحریم‌ها را اجرا کرده‌اند شده است ولی بر اساس رویکرد ساخت‌گرایی این تحریم‌ها علیرغم اثرات مضر بر اقتصاد، قادر به تضعیف اراده سیاسی دولت-ملت ایران در دفاع از حقوق قانونی خود نشده است. کهرازه و نیکپور (۲۰۱۵)^۷، در مقاله‌ای به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر صادرات ایران به کشورهای عضو اکو، اپک و آسه آن^۸ در طول دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۳ با استفاده از مدل جاذبه پرداخته‌اند. نتایج آنها حاکی از اثر منفی تحریم‌ها بر صادرات

۱-Dadkhah, Kamran and Zangeneh, Hamid,

۲-Banafsheh M. Farahani and Maryam Shabani

۳-Outbound Tourists

۴-Inbound Tourists

۵-Akbarifard, Hossein, Alaei, Reza and Omolbanin Jalali

۶-Yazdani, Enayatollah; Nozari, Amin

۷-Kahrzeh, Sanaz & Nikpour, Naser,

۸-Eco, Opec and Asean

ایران به اعضای اپک می‌باشد و این در حالی است که بر صادرات ایران به اعضای اکو و آسه آن اثری نداشته است. آنها بیان کرده‌اند که ایران سیاست خود را از غرب به شرق تغییر داده است و همسایگان شرقی را برای انجام مبادلات تجاری در راستای خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها انتخاب کرده است. علیخبری (۲۰۱۶)^۱ در مطالعه‌ای به ارزیابی اثر تحریم‌های اقتصادی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران طی سال‌های ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۸ پرداخته است. نتایج وی حاکی از ارتباط معنادار بین تحریم‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بلند مدت می‌باشد. فقه-مجیدی و زرونی (۲۰۱۶)^۲ اثر تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران (به ویژه متغیرهای اقتصاد کلان) را به روش تحلیلی-توصیفی بررسی کرده‌اند. آنها بیان می‌کنند که تحریم‌ها بخش عظیمی از اقتصاد ایران را متاثر ساخته است که می‌توان به محدودیت دستیابی به منابع مالی و ارزی خارجی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش تورم و بیکاری و کاهش رشد اقتصادی اشاره کرد. همچنین آنها کاهش وابستگی به نفت، بهبود ظرفیت تولیدی داخلی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از عوامل بیرونی را به عنوان فرصت‌های ناشی از تحریم‌ها عنوان کرده‌اند. پوپووا و رسولی‌زاده (۲۰۱۶)^۳ با استفاده از مدل جاذبه طی دوره‌ی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا تحت فشار تحریم‌ها مسیر تجاری ایران از اروپا به سمت آسیا انتقال پیدا کرده است و یا خیر. نتایج آنها حاکی از اثر منفی معنادار تحریم‌ها بر تجارت دوجانبه ایران با اروپا (۴۶.۹ درصد) و اثر مثبت بر تجارت ایران با کشورهای آسیایی است (۸۵.۲ درصد). یاوری و محسنی (۱۳۸۹) به بررسی تأثیرات تحریم‌های تجاری و مالی در سال ۲۰۰۰ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که تحریم‌های آمریکا تا حدودی موفقیت‌های اقتصادی به همراه داشته است. نتایج آنها حاکی از آن است که تحریم‌های تجاری بر صادرات غیر نفتی ایران و واردات کالاهای سرمایه‌ای اثرات معنادارتری نسبت به صادرات نفتی ایران و همچنین تحریم‌های مالی تأثیر شدیدتری نسبت به تحریم‌های تجاری دارند. همچنین آن‌ها با استفاده از روش مازاد رفاه مصرف‌کننده هزینه تحریم تجاری و مالی در ایران را حدود ۱.۱۵ درصد GDP برآورد کرده‌اند. ضیائی بیگدلی و سایرین (۱۳۹۲) به

۱-Aliakbari, Farzaneh

۲-Feghe Majidi, Ali & Zarouni, Zahra

۳-Liudmila Popova and Ehsan Rasoulinezhad,

بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر تجارت دو جانبه ایران با ۳۰ شریک تجاری طی دوره‌ی ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۶ با استفاده از مدل جاذبه پرداخته‌اند. نتایج آنها مبین آن است که تحریم‌ها دارای اثر منفی ولی کوچک (۰/۰۸۹-) بر تجارت ایران با شرکای تجاریش بوده است. کازرونی و سایرین (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل جاذبه به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر حجم تجارت ایران با ۷۳ شریک تجاری پرداخته‌اند. نتایج آنها حاکی از آن است که علیرغم عدم تأثیرگذاری تحریم‌های یک جانبه آمریکا روی تجارت خارجی ایران ولی تحریم‌های چندجانبه دارای اثر منفی و معنادار بوده است. نتایج آنها همچنین نشان داده است که تحریم‌های یک جانبه آمریکا منجر به افزایش تجارت ایران با کشورهای ثالث و تحریم‌های چندجانبه منجر به کاهش تجارت ایران با سایر کشورها شده است.

با مرور مطالعات فوق دو نکته روشن می‌گردد. اول آنکه تردید در رابطه با کارایی تحریم‌ها (به ویژه بر جمهوری اسلامی ایران) در راستای دستیابی به اهداف تحریم‌ها و کاهش حجم تجارت ایران بیشتر نمایان می‌شود به طوری که علیرغم تحمیل هزینه‌های اقتصادی تحریم‌ها بر ایران، در عرصه تأثیرگذاری بر ساختار و عملکرد حکومت جمهوری اسلامی و نیل به اهداف تعیین شده خود ناموفق بوده است و دوم اینکه مطالعاتی که به بررسی اثر تحریم‌ها بر روابط تجاری کشور هدف تحریم با سایر کشورها پرداخته‌اند از مدل جاذبه استفاده کرده‌اند که در مطالعه حاضر نیز مدل مذکور مورد استفاده قرار گرفته است.

۵- تصریح مدل

در این مقاله از مدل جاذبه برای بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر روابط تجاری ایران و ۵۲ کشور^۱ که بالغ بر ۹۶ درصد از تجارت جهانی و ۸۵ درصد از تجارت ایران را به طور میانگن طی دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ به خود اختصاص داده‌اند، استفاده شده است.

تئوری جاذبه کلاسیک در فیزیک، نیروی جاذبه (α_{ij}) بین دو ماده i و j را متناسب با وزن آنها (M) و معکوس با مجذور فاصله (d_{ij}^2) بین آن دو ماده بیان می‌کند:

$$\alpha_{ij} = \gamma m_i m_j d_{ij}^{-2} \quad (1)$$

که γ یک عامل ثابت است.

۱- اسامی کشورها در پیوست یک ارائه شده است.

برای برآورد جریان‌های تجاری بین‌الملل نیز از اندیشه جاذبه نیوتن الهام گرفته شده است. شواهد تجربی مبنی بر معادله جاذبه، نشان داده است که جریان تجارت دو جانبه به اندازه کشورها (حجم تولید) و متغیرهای جغرافیایی بستگی دارد و به ویژه این گونه فرض شده است که تجارت دو جانبه به طور مثبت با اندازه کشورها (تولید ملی و یا تولید سرانه) و به طور منفی با فاصله بین آنها رابطه دارد (وال، ۱۹۹۹)^۱، که می‌توان آن را به صورت زیر نوشت:

$$[TRADE]_{ij} = A \cdot \left(\frac{[GDP]_i [GDP]_j}{DIST_{ij}} \right) \quad (2)$$

در رابطه‌ی ۲، $TRADE_{ij}$ جریان‌های تجاری دو جانبه (صادرات+واردات) بین کشور i و j ، GDP_i و GDP_j به ترتیب تولید ناخالص داخلی کشور i و j ، $DIST_{ij}$ مسافت بین کشور i و j و نیز مقداری ثابت است.

علاوه بر متغیرهای مذکور، سایر متغیرها همانند GDP سرانه و وسعت کشورها می‌توانند به عنوان جایگزینی برای اندازه اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. همچنین متغیرهای مجازی همانند زبان مشترک، همجواری، وجود مرزهای جغرافیایی مشترک و غیره می‌توانند در مدل جاذبه جهت نشان دادن عوامل تاریخی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرند. اولین تلاش در به کارگیری معادله جاذبه توسط ایسارد (۱۹۵۴)^۲ انجام شده است و تا کنون این معادله به صورت مکرر در بررسی روابط تجاری و تعیین کننده‌های آن مورد استفاده قرار گرفته است (کاهولی و مکتوف (۲۰۱۴)، نرایان و نگوین (۲۰۱۵)، سلطان و مانیر (۲۰۱۵) و پوپووا و رسولی‌زاده (۲۰۱۶) را ببینید)^۳. معادله جاذبه به صورت حاصلضرب می‌باشد و برای سهولت برآورد با لگاریتم‌گیری به حالت خطی تبدیل می‌شود. تین‌برگن (۱۹۶۲) ۴ برای اولین بار شکل لگاریتمی مدل را معرفی کرده است. هدف او تعیین الگویی نرمال و استاندارد از تجارت بین‌الملل که در غیاب موانع تجاری آشکار، بتواند مورد استفاده قرار گیرد بوده است (کورسو، ۲۰۰۳)^۵.

۱-Wall

۲-Isard

۳-Bassem Kahouli, Samir Maktouf, 201. Narayan, S. & Nguyen, T.T.(2015). Liudmila Popova and Ehsan Rasoulinezhad, 2016. Maryam Sultan and Kashif Munir, 2015.

۴-Tinbergen

۵-Cauroso

با ارائه این مدل توسط محققان، کارهای تجربی بسیاری انجام گرفت که در عمل با موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای همراه بود ولی با این حال تا دهه ۷۰، اثبات نظری از مدل جاذبه ارائه نگردید که در این مورد منازعات زیادی وجود داشته است. از دهه ۱۹۷۰ به بعد چندین تلاش برای اثبات نظری مدل جاذبه صورت گرفت که به عنوان مثال لینمان (۱۹۶۶)^۱ استدلال کرده است که مدل جاذبه، شکل خلاصه شده یک مدل تعادل جزئی با چهار معادله عرضه صادرات و تقاضای واردات می‌باشد (همچنین ر.ک.: اندرسون (۱۹۷۹)^۲، دیردورف (۱۹۹۵)^۳، فینسترا، مارکوسن و رز (۱۹۹۹)^۴). تصریح کلی مدل جاذبه مورد استفاده در مطالعه حاضر به صورت زیر است که با توجه به اهداف تحقیق و نوع متغیر وابسته به کار گرفته شده در آن به صورت دو مدل جداگانه تخمین زده خواهد شد.

$$LTRADE_{ijt} = \beta_0 + \beta_1 LGDP_{it} + \beta_2 LGDP_{jt} + \beta_3 LPOP_{it} + \beta_4 LPOP_{jt} + \beta_5 LDIST_{ij} + \beta_6 SANC_t + U_{ijt} \quad (3)$$

در مدل جاذبه، $LTRADE_{ijt}$ به طور معمول نشان دهنده لگاریتم جریان تجارت دوجانبه بین کشور i و j در زمان t است. در مدل تصریحی فوق، $LTRADE_{ijt}$ را با توجه به هدف تحقیق به دو صورت در نظر می‌گیریم. در حالت اول، $LTRADE_{ijt}$ دلالت بر لگاریتم جریان تجارت دوجانبه (صادرات به علاوه واردات) بین کشور ایران و سایر کشورهای منتخب در زمان t دارد (حجم مطلق تجارت)^۵. ولی از آنجایی که هدف ما تعیین اثر تحریم‌های شورای امنیت بر روابط تجاری ایران و کشورهای منتخب می‌باشد و سال‌های اعمال تحریم جامع شورای امنیت علیه ایران، مصادف با سال‌هایی است که جهان نیز با بحران شدید مالی مواجه بوده است و لذا هرگونه تغییر و تحولی که در حجم تجارت ایران رخ داده است را نمی‌توان صرفاً ناشی از تحریم‌های شورای امنیت دانست، به همین دلیل برای خنثی کردن اثر بحران مالی بر حجم

۱-Linneman, H.

۲-Anderson, J.E.

۳-Deadorff, Alan V.

۴-Feenstra, Robert C., Markusen, James A, and Rose, Andrew, K.

۵- داده‌های مورد نیاز را از بانک جهانی و سازمان ملل (UNCTAD) و سایت www.distancefromto.net به دست آورده‌ایم و همچنین در حجم تجارت، نفت و مواد نفتی لحاظ نشده است.

تجارت ایران با کشورهای منتخب و خالص کردن اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت، در حالت دوم، $LTRADE_{ijjt}$ را به عنوان حجم تجارت نسبی که با استفاده از رابطه ۴ محاسبه گردیده لحاظ خواهیم نمود:

$$LTRADE_{ijjt} = \frac{\text{حجم تجارت ایران با کشور منتخب}}{\text{حجم تجارت کشور منتخب با جهان}} \quad (۴)$$

در رابطه ۳ متغیرهای $LGDP_{jt}$ و $LGDP_{it}$ به ترتیب شامل لگاریتم تولید ناخالص داخلی کشور ایران و سایر کشورها، $LPOP_{jt}$ و $LPOP_{it}$ لگاریتم جمعیت ایران و سایر کشورها، $LDIST_{ijt}$ لگاریتم مسافت بین ایران و سایر کشورها و $SANC_t$ متغیر مجازی است که مبین تحریم‌های جامع شورای امنیت می‌باشد که در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ علیه ایران اعمال شده است. از آنجایی که تحریم‌های اعمال شده تا سال ۲۰۱۵ علیه ایران ادامه داشته است^۱، لذا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ مقدار یک و در سال‌های قبل از ۲۰۰۶ مقدار صفر را به خود اختصاص داده است. U_{ijjt} نیز عبارت خطای تصادفی معمولی می‌باشد. قبل از ورود به بحث تخمین مدل لازم به ذکر است که تحریم‌های چندجانبه اعمالی آمریکا و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲ از نظر شدت بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از این رو به صورت متغیر دامی جداگانه‌ای وارد مدل گردیده تا اثر آن بر تحریم‌های شورای امنیت مورد ارزیابی قرار گیرد.

۶- تخمین مدل^۲ و تحلیل نتایج

در ابتدا مدل ۳ برای حالتی تخمین زده می‌شود که متغیر وابسته ($LTRADE_{ijjt}$) مبین حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب (حجم تجارت مطلق) می‌باشد. برای تخمین مدل فوق نیازمند انتخاب شکل صحیح مدل هستیم که در ابتدا با بررسی انحراف معیار درون گروهی^۳ و بین گروهی^۴ مشخص گردیده است که انحراف معیار بین گروه‌ها بیشتر از انحراف معیار درون

۱- اطلاعات مفیدی در مورد تحریم‌ها و لغو آنها در Economic Implications of Lifting Sanctions on Iran

توسط بانک جهانی (۲۰۱۵) تهیه شده است که برای کسب اطلاعات بیشتر پیشنهاد می‌گردد.

۲- برای تخمین از نرم افزار 9 Eviews و 12 Stata استفاده شده است.

۳-within

۴-between

گروه‌ها است و لذا مدل یک طرفه^۱ است. آزمون‌های هاسمن و لیمر نیز برای تشخیص بین مدل اثرات ثابت (FE)^۲ و اثرات تصادفی (RE)^۳ مورد استفاده قرار گرفته‌اند که نتایج آنها در جدول ۱ گزارش شده است. آماره‌ی F مبین رد فرضیه صفر مبنی بر وجود مدل با داده‌های تلفیقی^۴ و پذیرش فرضیه مقابل مبنی بر مدل اثرات ثابت و آزمون هاسمن نیز مبین رد فرضیه صفر و پذیرش فرضیه مقابل مبنی بر مدل اثرات ثابت است که در مجموع و با توجه به نتایج هر دو آماره، مدل اثرات ثابت تعیین می‌گردد.

جدول (۱)- آماره‌های تشخیصی شکل صحیح مدل ۱

P-Value	آماره‌ی آزمون	نوع آزمون
۰.۰۰	F	لیمر
۰.۰۰۳	χ^2	هاسمن

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین مدل در جدول ۲ ارائه گردیده است. با توجه به جدول مشخص است که متغیر GDP مطابق تئوری مدل جاذبه دارای اثر معنادار و مثبت بر حجم تجارت ایران و سایر کشورها است. متغیرهای جمعیت نیز دارای اثر معنادار بر حجم تجارت بوده ولی جمعیت ایران دارای اثر منفی و جمعیت سایر کشورها دارای اثر مثبت بر حجم تجارت می‌باشند که در مطالعات مختلف هر دو نتیجه مشاهده گردیده است و توجهات مختلفی برای آن ارائه گردیده است. برگاستند (۱۹۸۹)^۵ چنین بیان می‌کند که جمعیت یک شاخص برای نشان دادن اندازه بازار یک کشور است و به صورت مستقیم تعیین‌کننده رابطه اقتصادی یک کشور با کشورهای دیگر نیست و بر این اساس جمعیت می‌تواند رابطه مستقیم یا غیر مستقیم با حجم تجارت داشته باشد و این مسئله بستگی به شرایط اقتصادی آن کشور دارد. به عنوان مثال، در مورد کشور ایران که به علت عدم قدرت رقابت‌پذیری تولیدکنندگان در عرصه‌ی بین‌الملل، تمرکز آنها عمدتاً بر بازارهای داخلی است. افزایش جمعیت از یک طرف موجب تمایل تولیدکنندگان به سمت بازارهای داخلی و کاهش صادرات می‌گردد و از طرف دیگر

۱-One way

۲-Fixed effect

۳-Rndom Effect

۴-Pooled Model

۵-Bergstrand,

از آنجایی که حجم عمده واردات را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای تشکیل می‌دهد که تحت تأثیر رشد جمعیت قرار ندارد، لذا منفی بودن علامت فوق قابل توجیه است (هرچند که توجیه مذکور نیازمند بررسی جداگانه می‌باشد). به دلیل ماهیت مدل با اثرات ثابت (FE) متغیرهایی مانند مسافت که در طول زمان ثابت هستند غیر قابل تخمین بوده و اثر آنها در عرض از مبدأ لحاظ می‌گردد و همان‌گونه که در جدول مشخص شده است، ضریب متغیر مسافت تخمین زده نشده است. ضریب متغیر مجازی مربوط به تحریم‌های جامع شورای امنیت معنادار و دارای اثر منفی بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب است به طوری که یک درصد افزایش در تحریم‌ها منجر به کاهش ۹ درصدی^۱ حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب گردیده است^۲ و این نتیجه تاییدی بر نتایج بدست آمده توسط برخی دیگر از مطالعات از قبیل ضیائی‌بیگدلی و سایرین (۱۳۹۲) و کازرونی و سایرین (۱۳۹۴) می‌باشد.

جدول (۲) - نتایج تخمین مدل اول (متغیر وابسته حجم تجارت مطلق)

منغیر	ضریب	P-Value
عرض از مبدا	-۱۹/۹۲	۰/۰۰
LGDP ایران	۳/۱۹	۰/۰۰
LGDP سایر شرکاء	۰/۹۲	۰/۰۰
LPOP ایران	-۷/۰۳	۰/۰۰
LPOP سایر شرکاء	۱/۲۶	۰/۰۰
LDIST	---	---
SANC	-۰/۱۰	۰/۰۴
	N=۱۰۶۳	R ² = ۰/۹۸

منبع: محاسبات تحقیق

با اعمال متغیر دامی مربوط به تحریم‌های سال ۲۰۱۲ در مدل، اثر ضریب متغیر تحریم به منفی ۸

۱- لازم به ذکر است که با آنتی لگاریتم گرفتن از ضریب متغیر دامی و کم کردن مقدار یک از آن و ضرب مقدار به دست آمده در عدد صد $(100 * (1 - e^{\beta}))$ می‌توان مقدار این ضریب را به عنوان کشش تفسیر نمود (Gujarati, Damodar, 2004, P.333).

$$2 - (e - 0.10) - 1 * 100 = -9/09$$

۳- لازم به ذکر است که تحریم‌های اعمالی علیه ایران دارای هزینه‌های اقتصادی مختلفی از قبیل افزایش هزینه تمام شده صادرات و واردات، پرداخت هزینه‌هایی در جهت دور زدن تحریم‌ها و غیره بوده است که از چارچوب مطالعه حاضر خارج بوده و بررسی آنها نیازمند مطالعه جداگانه‌ای می‌باشد.

درصد کاهش، ولی مجموع اثر این متغیر با متغیر تحریم سال ۲۰۱۲ به منفی ۱۲ درصد افزایش یافته است (جدول ۳) که نشان دهنده تشدید اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت توسط تحریم‌های چندجانبه اعمالی ۲۰۱۲ می‌باشد.

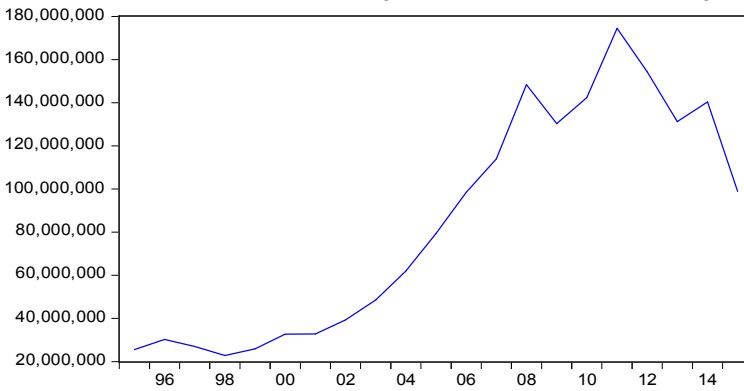
جدول (۳) - نتایج مدل اول با افزودن متغیر دامی تحریم سال ۲۰۱۲

متغیر	ضریب	P-Value
عرض از مبدا	-۱۹/۹۰	۰/۰۰
LGDP ایران	۳/۱۷	۰/۰۰
LGDP سایر شرکاء	۰/۹۲	۰/۰۰
LPOP ایران	-۷/۰۳	۰/۰۰
LPOP سایر شرکاء	۱/۲۵	۰/۰۰
LDIST	---	---
SANC	-۰/۰۸	۰/۰۴
SANC2012	-۰/۰۴	۰/۰۲
	$N = 1063$	$R^2 = 0.99$

منبع: محاسبات تحقیق

نمودار ۱ حجم تجارت ایران با ۵۲ کشور منتخب را نشان می‌دهد. همان گونه که مشخص است از سال ۲۰۰۸ به بعد حجم تجارت ایران با سایر کشورها دارای نوسان‌های متعددی است به طوری که در سال‌های مورد بررسی کمترین حجم تجارت، در سال ۲۰۱۵ و بیشترین حجم تجارت را در سال ۲۰۱۱ به خود اختصاص داده است و این در حالی است که نگاهی به ارقام حجم تجارت مبادله شده در جهان نشان دهنده آن است که کمترین حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹ مبادله گردیده که البته رشد اقتصادی جهان در همین سال نیز به کمترین مقدار خود طی بحران مالی اخیر رسیده است که برابر با منفی ۱/۷ درصد می‌باشد.

نمودار(۱)- حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵



منبع: کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (UNCTAD)

حال به بررسی تخمین مدل دوم می‌پردازیم که متغیر وابسته نسبت حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب به حجم تجارت کشورهای منتخب با جهان (حجم تجارت نسبی) را به خود اختصاص داده است. پس از تشخیص یک طرفه بودن مدل، آزمون هاسمن و لیمر صورت گرفته است که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. آماره F و کای دو هر دو دلالت بر مدل اثر ثابت دارند.

جدول (۴)- آماره‌های تشخیصی شکل صحیح مدل ۲

P-Value	آماره‌ی آزمون	نوع آزمون
۰.۰۰	F	لیمر
۰.۰۱	χ^2	هاسمن

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج تخمین مدل اثر ثابت در جدول ۵ گزارش گردیده است. همانند جدول ۲، تمامی متغیرها دارای اثر معنادار و علامت مورد انتظار بر حجم تجارت می‌باشند. متغیر تحریم در این مدل نیز دارای علامت منفی و معنادار بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب است ولی بر خلاف حالتی که حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب به صورت مطلق به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است؛ در این مدل، مقدار ضریب متغیر مجازی تحریم افزایش را نشان می‌دهد به طوری که مقدار آن از منفی ۱۰ درصد در حالت قبل به منفی ۲۴ درصد در این حالت، افزایش یافته است. در این حالت به ازای یک درصد افزایش در متغیر تحریم، نسبت حجم تجارت ایران با

کشورهای منتخب به حجم تجارت کشورهای منتخب با جهان به میزان ۲۱ درصد^۱ کاهش می‌یابد. در واقع با خالص کردن اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت از اثر بحران مالی بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب، اثر تحریم‌ها بر حجم تجارت افزایش را نشان می‌دهد به طوری که در حالتی که حجم مطلق تجارت در نظر گرفته شود، ضریب متغیر مجازی تحریم برابر با منفی ۱۰ درصد است و این در حالی است که با در نظر گرفتن حجم تجارت نسبی و حذف اثر بحران مالی از آن (رابطه ۴) ضریب متغیر مجازی تحریم برابر با منفی ۲۴ درصد می‌گردد و به طور کلی می‌توان بیان کرد که بحران مالی منجر به کاهش اثر تحریم‌ها بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب گردیده است.

جدول (۵) - نتایج تخمین مدل ۲

متغیر	ضریب	P-Value
عرض از مبدا	۳۸/۶۵	۰/۰۰
LGDP ایران	۱/۷۹	۰/۰۰
LGDP سایر شرکاء	۰/۵۲	۰/۰۰
LPOP ایران	-۳۷/۷	۰/۰۰
LPOP سایر شرکاء	۰/۶۳	۰/۰۰
LDIST	---	---
SANC	-۰/۲۴	۰/۰۱
	N=۱۰۶۳	R ² = ۰/۹۰

منبع: محاسبات تحقیق

در این حالت نیز با ورود متغیر دامی مربوط به تحریم‌های چندجانبه سال ۲۰۱۲ اثر متغیر دامی تحریم جامع شورای امنیت به مقدار منفی ۰/۱۵ کاهش، ولی مجموع اثر تحریم‌های مذکور با تحریم چندجانبه به مقدار منفی ۰/۴۵ افزایش می‌یابد (جدول ۶) که در واقع مبین تشدید تحریم‌های جامع شورای امنیت توسط تحریم‌های چندجانبه‌ی امریکا و اتحادیه‌ی اروپا می‌باشد^۲.

۱- $1 - (e^{-0/24} - 1) * 100 = -0/21$

۲- به علت هدف مقاله که بررسی مقایسه‌ای اثر تحریم‌های جامعه شورای امنیت با و بدون لحاظ اثر بحران مالی می‌باشد از مقایسه تشدید تحریم‌ها در دو مدل مختلف خودداری شده است.

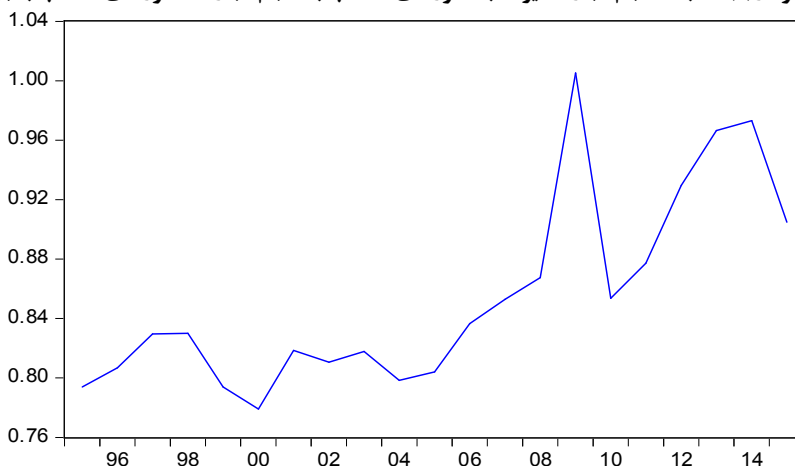
جدول (۶) - نتایج تخمین مدل ۲ با افزودن متغیر دامی تحریم‌های سال ۲۰۱۲

منغیر	ضریب	P-Value
عرض از مبدا	۳۸/۶۵	۰/۰۰
LGDP ایران	۱/۷۸	۰/۰۰
LGDP سایر شرکاء	۰/۵۲	۰/۰۰
LPOP ایران	-۳۷/۷	۰/۰۰
LPOP سایر شرکاء	۰/۶۴	۰/۰۰
LDIST	---	---
SANC	-۰/۱۵	۰/۰۱
SANC2012	۰/۳۰	۰/۰۰
	N=۱۰۶۳	R ² = ۰/۸۸

منبع: محاسبات تحقیق

نمودار ۲، حجم تجارت نسبی ایران با کشورهای منتخب را نشان می‌دهد.

نمودار (۲) - نسبت حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب به حجم تجارت کشورهای منتخب با جهان



منبع: کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل متحد (UNCTAD)

با نگاهی به نمودار فوق مشخص است که بیشترین و کمترین حجم نسبی تجارت ایران با کشورهای منتخب به ترتیب در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ محقق گردیده و این در حالی است که به ترتیب کمترین و بیشترین رشد اقتصادی جهان در سال‌های ۲۰۰۹ (منفی ۱/۷ درصد) و

۲۰۱۰ (۴/۳ درصد) رخ داده است^۱ (همچنین با مشاهده نمودار حجم تجارت کشورهای منتخب با جهان نیز مشخص می‌شود که بیشترین کاهش در حجم تجارت آنها در سال ۲۰۰۹ بوده است. به ضمیمه ۲ نگاه کنید) و در واقع زمانی که کشورها بیشتر تحت تأثیر فشارهای اقتصادی ناشی از بحران مالی قرار گرفته‌اند از روابط تجاری خود با ایران کمتر کاسته و زمانی که فشارهای اقتصادی ناشی از بحران مالی بر آنها کاسته شده است، آنها روابط تجاری خود با ایران را بیشتر کاهش داده‌اند که در واقع رفتار آنها ناشی از تحلیل هزینه فایده اجرا و یا عدم اجرای تحریم‌ها بوده است، به طوری که هزینه کم کردن ارتباط با ایران در زمانی که کشورها با مشکلات اقتصادی متعدد ناشی از رکود مواجه هستند و نیازمند بازار مصرفی و نهاده‌های تولیدی ایران هستند، بیشتر از زمانی است که مشکلات اقتصادی ناشی از رکود کمتر شده است و همین موضوع باعث می‌شود که علیرغم فشارهای سازمان‌های بین‌المللی و برخی کشورها از قبیل آمریکا در راستای به اجرا درآوردن تحریم‌های ایران توسط کشورها، این کشورها در زمان بحران مالی و رکود ناشی از آن به علت هزینه‌های زیاد اجرای تحریم‌ها برای اقتصادشان در مقابل هزینه به اجرا در نیاموردن تحریم‌ها از سوی مجامع بین‌المللی و کشوری همانند آمریکا، به روش‌های مختلف از اجرای تحریم‌ها در عمل طفره برونند و این عامل باعث شود که رکود ناشی از بحران مالی در تقابل با اثر تحریم‌ها علیه روابط تجاری ایران عمل نموده و منجر به کمتر شدن و تعدیل اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر روابط تجاری ایران شده است که البته نتایج تخمین مدل‌های تصریحی فوق و تغییر ضریب متغیر تحریم از منفی ۱۰ درصد در حالت تجارت مطلق به منفی ۲۴ درصد در حالت تجارت نسبی و حذف اثر بحران مالی به خوبی مؤید این موضوع می‌باشد.

نتیجه گیری

در دهه‌های اخیر نه تنها شاهد رشد تحریم‌های یک‌جانبه توسط برخی کشورها بوده‌ایم بلکه به کارگیری تحریم‌ها توسط سازمان‌های بین‌المللی همانند سازمان ملل نیز رشد چشم‌گیری را نشان می‌دهد. مطالعات متعددی در رابطه با تحریم‌ها و اثر آنها بر کشورهای تحریم‌کننده (فرستنده) و

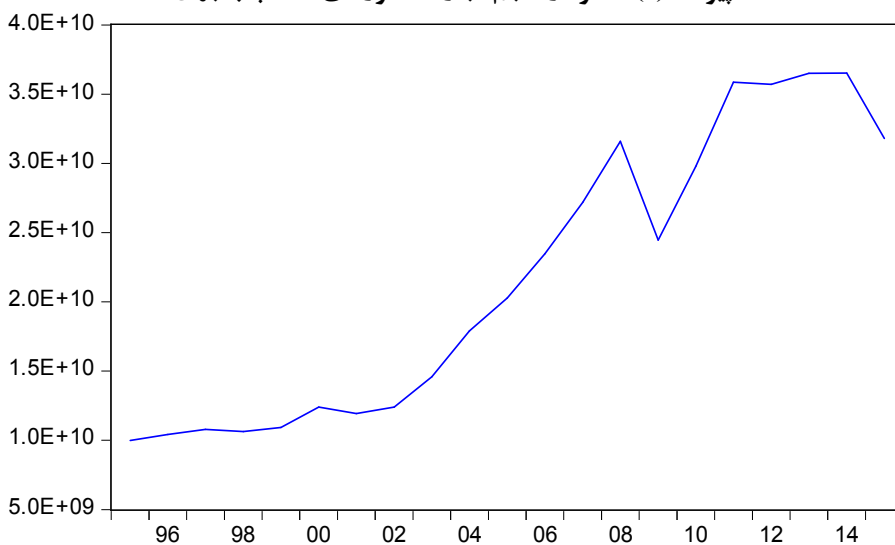
۱- لازم به ذکر است که در سال ۲۰۰۶ رشد اقتصادی جهان ۴/۴ بوده است.

تحریم‌شونده (هدف) صورت گرفته است. بسیاری از این مطالعات اثر بخشی و کارایی تحریم‌ها را مورد تردید قرار داده‌اند و دستیابی به اهداف تحریم که عمدتاً اهداف سیاسی هستند را رد می‌کنند. نکته حائز اهمیت این است که هرچند تحریم‌ها در رسیدن به اهداف اصلی خود ناکام بمانند ولی هزینه‌های اقتصادی را به کشور فرستنده و هدف تحمیل می‌کنند که در پاره‌ای از مواقع این هزینه‌ها بسیار زیاد هستند. جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که بیش از سی سال به وسیله تحریم‌های کوچک و جامع تحت فشار قرار داشته است ولی با این وجود به گمان بسیاری از محققین این تحریم‌ها هرچند که هزینه‌های اقتصادی را به ایران تحمیل نموده، اما اهداف کشورهای تحریم‌کننده که تغییری اساسی در رفتار جمهوری اسلامی ایران بوده را محقق نساخته است. در این مقاله به بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران و ۵۲ کشور بدون لحاظ و با لحاظ اثر بحران مالی اخیر طی دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵ با استفاده از مدل جاذبه پرداخته شده است. نتایج مطالعه نشان‌دهنده آن است که علیرغم معناداری اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر حجم تجارت ایران با کشورهای منتخب، بحران مالی منجر به کاهش اثر آن بر حجم تجارت ایران گردیده است به طوری که جداکردن اثر بحران مالی بر حجم تجارت ایران منجر به افزایش اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت از ۹ درصد به ۲۱ درصد شده است و با وجود آنکه طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ شاهد اعمال چهار قطع‌نامه و تحریم جامع علیه ایران بوده‌ایم ولی نتایج حاکی از آن است که طی این سال‌ها علیرغم اینکه حجم تجارت ایران با سایر کشورها باید به مقدار حداقل برسد ولی به خاطر وجود بحران مالی و رکود شدید در کشورهای شرکای تجاری ایران، اثر تحریم‌ها تعدیل شده است و در سال‌هایی که بحران مالی در بیشترین مقدار خود بوده است حجم تجارت ایران کمترین کاهش را داشته و با کاهش اثرات بحران مالی و رکود ناشی از آن، حجم تجارت ایران نیز کاهش بیشتری را نشان می‌دهد به طوری که در سال ۲۰۱۵ به کمترین مقدار خود رسیده است و در واقع اثر رکود ناشی از بحران مالی در تقابل با اثر تحریم‌ها علیه روابط تجاری ایران عمل نموده و اثر تحریم‌ها را بر روابط تجاری ایران کاهش داده است.

پیوست (۱) - اسامی شرکای تجاری منتخب

Albania	Egypt	Kenya	Qatar
Algeria	Finland	Rep of korea	russia
Argentina	France	Kuwait	saudi
Australia	Germany	Kyrgyzstan	Tajikistan
Austria	Greece	Latvia	Turkey
Azerbaijan	India	Lebanon	Turkmenistan
Bangladesh	Indonesia	mexico	United Arab Emirates
Belgium	Iraq	New Zealand	United Kingdom
Brazil	Ireland	Nigeria	United States
Canada	Italy	Oman	Uzbekistan
China	Japan	Pakistan	Venezuela
Tiwan	Jordan	Peru	Yemen

پیوست (۲) - نمودار حجم تجارت کشورهای منتخب با جهان



منابع

- بهروزی فر، مرتضی (۱۳۸۳)، اثرات تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر اقتصاد بازرگانی ایالت متحده و بازارهای جهانی انرژی، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۳، صص ۱۹۵-۲۳۹.
- روحانی، زهرا (۱۳۸۱)، *توسعه نیافتگی جهان سوم و استثمار غرب*، قم، نشر پارسایان
- زمانی، هادی (۲۰۰۵)، *تحریم اقتصادی آمریکا ارزیابی گذشته و چشم انداز آینده*.
www.hadizamani.com
- زمانی، هادی (۲۰۰۷)، *کارایی سیاست تحریم اقتصادی و چشم انداز قطع نامه ۱۷۳۷*،
www.hadizamani.com
- طغیانی، مهدی (۱۳۹۳)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم*، تهران: انتشارات نیلوفران
- علائی، رضا (۱۳۹۱)، *بررسی اثر تحریم‌های جامع شورای امنیت بر همگرایی منطقه‌ای ایران*، پایان‌نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، گروه اقتصاد.
- کازرونی، علیرضا؛ قربانی، عادل؛ ثقفی کلوانق، رضا (۱۳۹۴)، بررسی کارایی تحریم‌های یک جانبه و چندجانبه بر تجارت خارجی محصولات غیر نفتی در ایران، *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴، صص ۸۹-۸۳.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۳)، *حقوق بین الملل عمومی*، تهران: انتشارات وزارت خارجه، چاپ اول.
- ممتاز، جمشید (۱۳۸۷)، انطباق تحریم‌های شورای امنیت با حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴، صفحات ۳۴۹-۳۴۱.
- نجارزاده، رضا و شقاقی، وحید (۱۳۸۵)، «همگرایی منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (مطالعه موردی کشورهای اسلامی عضو منا)» *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۲: ۳۶۲-۳۳۷.
- یاور، کاظم و محسنی، رضا (۱۳۸۹)، *آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی*، فصلنامه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۵۳-۹.
- Abel Escriba-Folch (2010), Economic Sanction and the Duration of Civil Conflict, *Journal of Peace Research*, Vol., 47, Issu 2, Pp. 129-141.
- Afesorbor, S. K., & Mahadevan, R.(2016), The Impact of Economic Sanctions on Income Inequality of Target States, *World Development*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.03.015>
- Akbarifard Hossein, Alaei Reza and Jalali, Omolbanin (2014), Investigating the Effect of Security Council Comprehensive Sanctions on Iran's Regional Integration With Members of Eco and D8 Blocs, *Indian J.Sci.Res.* 4(6): 440-449, 2014
- Akbarifard Hossein, Alaei Reza and Jalali, Omolbanin (2014), Studying the Impact of the Security Council's Comprehensive Sanctions on Iran's Regional Integration (Case Study: SCO)(2014), *International Journal of Management and Humanity Sciences*, Vol., 3(S), 2122-2129.

- Aliakbari, Farzaneh (2016), The Effects of Economic Sanctions on Private Investment in Iran, *International Journal of Resistive Economics, Toroudshomal Research-Industrial Company*, vol. 4(1), pp 37-47, January.
- Alikhani, H.(2000), Sanctioning Iran (I. B. Tauris, New York).
- Allen, Susan Hannah(2005), The Determinants of Economic Sanctions Success and Failure, *International Interactions* 31: 117--138.
- Amuzegar, J.(1997a), Adjusting to Sanctions, *Foreign Affairs*, 7, 3, 31-41.
- Amuzegar, J.(1997b), Iran's Economy and the US Sanctions, *The Middle East Journal*, 51, 2, 185-99.
- Anderson, J. E.(1979), Theoretical Foundation for the Gravity Equation, *American Economic Review*, Vol. 69, N.1, pp.106-114.
- Askari, H., J. Forrer, H. Teegen & J. Yang(2001), US Economic Sanctions: Lessons From the Iranian Experience, *Business Economics*, XXXVI, 3,7-19.
- Banafsheh M. Farahani and Maryam Shabani(2013), The Impact of Sanctions on Iran's Tourism, *The Open Access Journal of Resistive Economics(OAJRE)*, ISSN 2345-4954/ Volume 1, Issue 1, Number 4, Pages 44-54, Published Online October 20, 2013.
- Bassem Kahouli, Samir Maktouf (2014), The determinants of FDI and the impact of the economic crisis on the implementation of RTAs: A static and dynamic gravity model, *International Business Review*. xxx(2014) xxx-xxx
- Beladi Hamid and Oladi Reza(2009), Partial Compliance with Economic Sanctions, *Review of Development Economics*, 13(1), 125-133.
- Bergstrand, J. H.(1989), The Generalized Gravity Equation, Monopolistic Competition, and the Factor-Proportions Theory in International Trade, *The Review of Economics and Statistics*, Lxxi, 1, 143-152.
- Caruso, Raul (2003), The Impact of International Economic Sanctions on Trade: An Empirical Analysis, *Peace Economics, Peace Science and Public Policy*: 9.2.
- Charumbira, M.(2008), *Applying the Gravity Model to Trade Flow in Country Under Sanctions: Case of Zimbabwe(1998- 2006)*, Department of Political and Administration, Redeemers University, Nigeria.
- Clawson, P.(1998), *Council on Foreign Relations*, In R. N. Haass.
- Dadkhah, K. And H. Zangeneh (1998), International Economic Sanctions are Not Zero-Sum Games: There are only Losers, *CIRA Bulletin*, 14, 1, 24-33.
- Deadorff, Alan. V.,(1995), Determinates of Bilateral Trade: Dose Gravity Work in a Neoclassical World?, *NBER Working*, 5377.
- Drezner, D.(1999), *The Sanctions Paradox: Economic Statecraft and International Relations*, (Cambridge University Press, Cambridge).
- Eaton, J. and M. Engers (1999), Sanctions: Some Simple Analytics, *American Economic Review*, 89, 2, 409-14.
- Devarajan, Shantayanan; Mottaghi, Lili(2015), Economic Implications of Lifting Sanctions on Iran, *World Bank Middle East and North Africa Region, Mena Quarterly Economic Brief*, Issue 5, 2015.

- Feenstra. Robert C., Markusen James, A., and Rose, Andrew K.,(1999), Understanding the Home Markets Effect and the Gravity Equation: The Role of Differentiating Goods, *The American Economic Review*,89,2,401-13.
- Feghe Majidi, Ali, Zahra Zarouni(2016), The Impact of Sanctions on the Economy of Iran, *The Open Access Journal of Resistive Economics (OAJRE)*, ISSN 2345-4954/ Volume 4, Issue 1, Number 6, Pages 84-99, Published Online January 20, 2016.
- Ferguson, C. and W.R.Cotter(1978), *South Africa: What Is to Be Done*, Foreign Affairs(Jan).
- Gujarati, Damodar(2004), *Basic Econometrics*, Fourth Edition, The McGraw-Hill Companies.
- Hufbauer, Gary C. Jeffrey J. Schott and Kimberley A. Elliott.(1990), *Economic Sanctions Reconsidered: History and Current Policy*, Washington, DC: Peterson Institute For International Economics.
- Hufbauer, Gary C., Jeffrey J. Schott, Kimberley A. Elliott and Barbara Oegg.(2007), *Economic Sanctions Reconsidered*, Washington, DC: Peterson Institute for International Economics.
- Huntington, S.(1999), *The Lonely Superpower*, Foreign Affairs, 78.
- Isard, W.(1954), Location Theory and Trade Theory: Short-Run Analysis, *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 68, P. 305- 322.
- Jiawen Yang, Hossein Askari, John Forrer and Lili Zhu(2009), How Do US Economic Sanctions Affect EU's Trade Withtarget Countries?, *The World Economy*, Vol. 32, Issue 8, pp. 1223-1244, August.
- Kaempfer, W. and A. Lowenberg(1992), *International Economic Sanctions: A Public Choice Perspective*, Westview Press, Boulder, Co.
- Kahrazeh, Sanaz, Nikpour, Naser(2015), Effects of International Sanctions on Exports in Iran with an Approach to Business Attraction, *The Open Access Journal of Resistive Economics (OAJRE)*, ISSN 2345-4954/ Volume 3, Issue 2, Number 6, Pages 107-120, Published Online April 20, 2015 .
- Lektzian, David, Regan, Patrick M.(2016), Economic sanctions, military interventions, and civil conflict outcomes, *Journal of Peace Research*, Vol. 53(4) 554–568.
- Levy, P. I.(1999), Sanctions on South Africa: What Did They DO?, *American Economic Review*, 89, 2, 415–20.
- Linnemann, H.(1966), *An Econometric Study of International Trade Flows*, North Holland, Amsterdam.
- Liudmila Popova and Ehsan Rasoulinezhad.(2016), An Evidence of Asianization and De-Europeanization through the Gravity Model, *Economies* 2016, 4, 24; doi:10.3390 /economies 4040024.
- Massimo D'Antoni, Roberto Galbiati(2007), A Signaling Theory of Nonmonetary Sanctions, *International Review of Law and Economics*, 27,204–218.
- Maryam Sultan and Kashif Munir,(2015), Export, Import and Total Trade Potential of Pakistan: A Gravity Model Approach, *MPRA Paper*, No. 66621,

- posted 16. September 2015 13:24 UTC, Online at <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/66621/>
- Narayan, S. & Nguyen, T.T.(2015). Does the Trade Gravity Model depend on Trading Partners? Some evidence from Vietnam and her 54 trading partners, *International Review of Economics and Finance*, doi: 10.1016/j.iref.2015.08.010
 - Nurnberger, Ralph(2003), Why Sanctions(Almost) Never Work, *The International Economy*, 17(4): 71-72.
 - Pape, Robert A.(1997), Why Economic Sanctions Do Not Work, *International Security*, 22(2): 90-136.
 - Pape, Robert A.(1998), Why Economic Sanctions Still Do Not Work, *International Security*, 23(1): 66-77.
 - Petrescu, I.M.(2008), Rethinking Economic Sanction Success: Sanctions As Deterrents, *Workind Paper, American Enterprise Institute*.
 - Preeg, E.(1999), *Feeling Good or Doing Good With Sanctions*, CSIS Press, Washington, DC.
 - Richard D. Farmer (2000), Costs Of Economic Sanctions to the Sender, *The World Economy*, vol. 23, issue 1, 93-117.
 - Richardson, Warrior(1986), *The Impact of US Import Sanctions Against South Africa*, Washington DC: Howard University, Unpublished Manuscript.
 - Saqib Jafarey, Sajal Lahiri(2001), Will Trade Sanctions Reduce Child Labour? The Role Of Credit Markets, *Journal Of Development Economic*, Vol. 68(2002) 137-156.
 - Semira Sahar,Ahdiyyih, B.A. (2011), *The Impact of Economic Sanction on Iran's Economy and Foreign Policy*, Thesis Advisor: William J. Carrington, Phd, Washington, DC April 15.
 - Spandau, Arnt(1979), *Economic Boycott Against South Africa; Kenwyn*, Republic Of South Africa: Juta and Company.
 - Tinbergen, J.(1962), *Shaping the World Economy, Suggestions for an International Economic Policy*, New York.
 - Torbat, A. E.(2005), Impacts of the US Trade and Financial Sanctions on Iran, *World Economy*, 28(3).
 - Wall, H. J.(1999), Using the Gravity Model to Estimate the Costs of Protection, *Federal Reserve Bank of St. Louis Review*, 8, 1, 33-40.
 - Yazdani, Enayatollah, Nozari, Amin (2015), The Effect of Western Sanctions on the Political Will and Economic Structure of Iran, *The Open Access Journal of Resistive Economics(OAJRE)*, ISSN 2345-4954/ Volume 3, Issue 2, Number 5, Pages 90-106, Published Online April 20, 2015.

The Survey of Economic Sanctions Effects on Trade between Iran and Selected Countries with a Focus on the Financial Crisis

Dr. Seyed Aziz Arman
Dr. Ahmad Salahmanesh
Reza Alaei

Abstract

International economic sanctions have appeared as a common and repeated reaction of political interactions among countries, so that after post-cold war has had a remarkable growth. The Republic Islamic of Iran is among the few countries where some forty years by small and comprehensive sanctions have been under pressure, while plenty of experts and researchers believe that the objective of sanctioning countries, which is changing in Iran's behavior, has not served by such sanctions even though Iran has imposed some economics costs. In this study, we investigated the effects of comprehensive sanctions on trade between Iran and 52 selected countries with taking into account the effect of the recent financial crisis over the period 1995-2010 and using gravity model. The results show that despite a significant negative effect sanctions on Iran's trade volume with selected countries, the recent financial crisis has been led to a reduction of its effect from 21% to 9%. Indeed, the recent financial crisis and resulting recession has acted in opposition to the effect of sanctions on Iran's favor.

Keyword: Security Council's Comprehensive Sanctions, Financial Crisis, Gravity Model, Trade Volume.

Introduction to Regional Development Strategy (RDS) (Emphasizing the Experiences of Northern Ireland, Estonia, South Moravia and Iraqi Kurdistan)

Dr. Majid Yasouri
Maryam Sojudi

Abstract

Regional Development Strategy (RDS) is one of the new and effective achievements for regional development and equilibrium. This strategy is designed to eliminate regional structural disparities and create equal opportunity for all regions and is recognized as a tool for the establishment and survival of sustainable societies. This research aims to identify and identify the dimensions and angles of existence of one of the latest achievements in the development of the regions; to deepen its functional scope and its place; to examine the experiences of the areas that implemented the RDS scheme. The studied areas include Northern Ireland, Southern Moravia, Estonia, and Kurdistan in Iraq. For this purpose, the plans prepared in the areas mentioned were studied in the main parts of the document, goals, stages and results. Therefore, considering the mutual content and overlaps between the above-mentioned schemes, the successful preparation and implementation of RDS can lead to the reduction of regional inequality by strengthening competitiveness and directing flows (population, goods, capital), enhances the efficiency of space and balanced regional development.

In other words, the most important results and benefits of using the Regional Development Strategy (RDS) is to ensure that all factors involved in the development of the region are taken into consideration as well as attention to a set of internal and external relations that directly or indirectly affect the development of the region and, in consequence identify economic, social, political, cultural, security and other challenges.

Keywords: Regional Development Strategy (RDS), Functional Area, Role and Position, Experiences.

Participatory Rural Appraisal: Challenges and Critiques

Dr. Mohammad Osman Hosseinbor
Behrouz Roustakhiz

Abstract

Participatory Rural Appraisal (PRA) is a centralized method to represent the capacities of local society for solving current issues and also it is an approach to reflect the silent voice of society classes are kept on the sideline due to different reasons. At first, this approach is introduced by criticism of developing projects which emphasize on industrial cooperation and it is oriented from the scientific perspective and up-down development approaches and then criticize of qualitative and quantitative methods of social research. Participatory Rural Appraisal projects is executed by this approach, based on Robert Chambers perspectives as founder of this method since 1990, however from the beginning it has been faced with critics, which is known as essential challenges for more than two decades. Executional experiences of this method has less history in Iran, while its ahead challenges is not addressed independently by this time. Therefore, in this article we will try to study the most important of these challenges according to their classification to cultural, social, political, bureaucratic and academic different levels.

Keywords: Participatory Rural Appraisal, Partnership, Development, Methodological Criticism.

Investigating and analyzing the characteristics of developed systems of registration

Mahdi Naser

Abstract

In the current era, with the increasing progress of human societies in different countries, they are trying to meet the needs of society in the form of advanced registration systems. The effects of this are the creation of more security in order to guarantee the ownership rights of individuals and owners of immovable property, one of the effects of which is the increase of foreign investment and the development of the economic system of the country. The same effects affect on other sectors of society and cause the country to flourish. The development of registry systems in general is divided into eight categories: security of seizure for the owner, the existence of competent authorities regarding the conduct of transfer transactions, the existence of preventive mechanisms to prevent the occurrence of civil claims, the availability of financial resources to advance the legal objectives Provisions established by the sovereignty, transparency in the system of registration and the possibility for people to have access to confidential information regarding land and property ownership, the prognosis of immovable property rights to protect the rights of the owner of property and third parties in property, the forecasting of means of guaranteeing ownership and use of Technology, each of which has a particular role in developing the system of registration of documents and real estate. In this paper, we investigate and analyze these characteristics.

Keywords: Real Estate Registration, Registration of Documents, Property, Document, smart Contracts.

Agricultural Guild System and Farmers Expectations: A Case of Firoozeh County in Khorasan-Razavi Province

Faeze Sadat Hoseini

Dr. Ahmad Abedi Sarvestani

Abstract

Agricultural guild system is a place to collect private and legal persons in agricultural fields to get identity to agricultural business and support guild rights of farmers. The goal of this descriptive-correlation research was to investigate the farmers' expectations of agricultural guild system. The data were gathered using questionnaire. The studied population consisted of all farmers in Firoozeh County in Khorasan Razavi province in which 380 farmers were examined. The reliability of the questionnaire was confirmed by calculating Cronbach's alpha. The validity was confirmed by face validity of academics and special matter experts of agricultural guild and also rural cooperative organization in Firoozeh County. The results showed that farmers' expectations could be assessed at high level. The most expectation of the studied farmers was about supporting their rights and the least expectation was about independence of the agricultural guild. By increasing the age of farmers, their expectations of agricultural guild get increasing in the domains of identity and supporting the rights of farmers. Furthermore, with increasing the level farmers education, their expectations of all dimensions get increased except independence of agricultural guild system. Also members of agricultural guild had less expectations than non-members, but urban-resident farmers had more expectations than rural-resident ones. It is suggested that supporting the rights of farmers be at the top priority of agricultural guild activities.

Keywords: Guild System, Agriculture, Expectations, Farmers' Rights.

Study of Income Distribution in Rural Areas of Iran

Seyed Mohammadreza Mahdavian
Dr. Marziyeh Esfandiari

Abstract

Income distribution inequality in rural areas leads some problems such as migration, the increasing urban marginalization, rural depopulation and desertification. Hence, monitoring and analysis of income inequality trend in rural areas is very important for economic and social policy-makers. This study also calculate the income inequality distribution in Iran's rural areas using Gini index, Theil, Atkinson and Hoover during 2006-2015. The findings show that in addition to the index of income inequality have fluctuated also been reduced. The fluctuations show that balanced regional development was neglected in previous years. Also the research findings show that the income inequality indices reduced after targeted subsidies law implementation and then increased. This is the reason for the failure of cash subsidies policy in social and distributive justice for vulnerable people in society.

Keywords: Gini Coefficient, Atkinson Index, Hoover Index, Theil Index, Income Distribution.

Co- Integrated Analysis of Quality of Life in Iranian Provinces

Dr. Mojtaba Valibeigi

Dr. Majid Feshari

Mojgan Valibeigi

Abstract

The article by using a database including human development index (HDI) and four indicators (Employment rate, economic participation, access to clean water and average income) investigates long term relationships and causality quality of life indicators with regional development in Iranian provinces. In order to Co-integration and Granger causality technique are used. The results reveal that although still inequality remains but the quality of life across provinces also has risen. Long terms relationships between indicators is approved (excluding urban and rural average income and economic participation). Granger causality results show that already causality relationships between economic growth and employment rate with other indicators significantly have been confirmed while the relationships are not significant to the contrary. In other words, in long term, improving in economic growth and employment rate can be improved quality of life and it seems that we must dedicate a special consideration to economic growth in regional policies than other indicators across provinces.

Keywords: Quality of life, Human Capital, Regional Sustainable Development, Iranian Provinces.

Environmental Preservation Requirements in the Light of the Rules of Jurisprudence

Hamed Mayeli

Abstract

Correction of the growing trend of environmental degradation requires a serious mechanism that will be able to organize disasters in this important field. The human approach to nature, on the one hand, is rooted in the type of person's worldview and, on the other hand, personal profit and profit measures influence the environmental impact and quality of the environment. This article tries to pay more attention to that part of religion (as a universal worldview), which is more influential in regulating these relations, considering the influence of personal beliefs in defining how human relations with nature are. Certainly, jurisprudence is the golden part of religion for adjusting the angle of view and how we relate to nature. Which, on the one hand, defines the status of the human being in the environment and obligates it to regulate the obligatory laws, and on the other hand, its dynamism and timing, with time and space, will preserve and strengthen its ability to meet the new needs. Although the jurisprudential justification is sufficient to determine the limits of human possessions in nature, but jurisprudential rules can be more applied to the environment due to both the use of the mujtahid and the imams. This study by using the library study method, along with a brief attention to the Quran, tradition and intellect, has also considered eight principles of jurisprudence in protecting the environment better.

Keywords: Jurisprudence, Jurisprudential Rules, Preserving the Environment.



Abstract

فرم اشتراک

نام و نام خانوادگی / مؤسسه:

شغل / نوع فعالیت:

نشانی:

.....

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن:

شماره‌های درخواستی از: تا شماره:

تعداد درخواستی از هر شماره:

کد اشتراک (در صورتی که سابقاً مشترک بوده‌اید)

- حق اشتراک و هزینه پستی ۴ شماره فصلنامه ۴۰۰/۰۰۰ ریال
- شماره حساب ۴۵۷۴۲۵۳۵۸۸ شماره کارت ۶۱۰۴۳۳۷۲۲۱۹۶۰۲۰۴ بانک ملت
- لطفاً تصویر فیش پرداختی را به همراه برگه درخواست اشتراک به دفتر فصلنامه ارسال نمایید.
- نشانی: تهران، خیابان فلسطین شمالی، پایین تر از تقاطع زرتشت، پلاک ۵۵۴، طبقه سوم
- کد پستی ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴، مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ نامبر: ۸۸۹۹۱۸۰۲